
بنیادهای دموکراسی

تدوین:
مرکز آموزش شهروندی
(CIVITAS)



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

پروژه

e-collaborative
for civic education

“Foundations of Democracy”
Center for Civic Education
21600 Oxnard Street, Suite 500
Woodland Hills, CA 91367



پروژه
e-collaborative
for civic education
<http://www.eciviced.org>

بنیادهای دموکراسی

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

تدوین: مرکز آموزش شهروندی (CIVITAS)

مترجم: ابراهیم سلطانی

این متن تنها برای استفاده شخصی است.
افرادی که علاقمند به آموزش مطالب «بنیادهای دموکراسی» به دیگران
هستند، ابتدا باید از سوی «مرکز آموزش شهروندی» آموزش ببینند.

English Edition Copyright © 2003.
Center for Civic Education, Woodland Hills, CA, USA.
All rights reserved. No part of this book may be reproduced or
transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical,
or by any information storage and retrieval system, without
permission in writing from the Center for Civic Education.

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative for Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشتری داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروندی، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که بشهر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیرگرایی و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است. تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کشنگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهاد های شما

مریم معمار صادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۱	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: اقتدار
۱۵	مقدمه
۱۷	بخش اول: اقتدار چیست؟
۳۳	بخش دوم: چگونه می‌توان کاندیداهای مناصب اقتدارآور را بررسی کرد؟
۴۵	بخش سوم: چگونه می‌توان قواعد و قوانین را بررسی کرد؟
۵۵	بخش چهارم: مزایا و مضار اقتدار چیست؟
۶۵	بخش پنجم: قلمرو و محدوده اقتدار کجاست؟
۹۵	فصل دوم: حریم خصوصی
۹۷	مقدمه
۹۹	بخش اول: اهمیت حریم خصوصی در چیست؟
۱۱۳	بخش دوم: چگونه می‌توان تنوع رفتارهای خصوصی را توضیح داد؟
۱۲۵	بخش سوم: مزایا و مضار حریم خصوصی چیست؟

۱۳۹	بخش چهارم: قلمرو و محدوده حریم خصوصی کجاست؟
۱۶۵	فصل سوم: مسئولیت
۱۶۷	مقدمه
۱۶۹	بخش اول: مسئولیت چیست؟
۱۸۱	بخش دوم: مزایا و مضار انجام مسئولیت چیست؟
۱۹۳	بخش سوم: چگونه می‌توان مسئولیت‌های خود را گزینش کرد؟
۲۰۵	بخش چهارم: چه کسی را باید مسئول دانست؟
۲۱۹	فصل چهارم: عدالت
۲۲۱	مقدمه
۲۲۳	بخش اول: عدالت چیست؟
۲۳۳	بخش دوم: عدالت توزیعی چیست؟
۲۵۱	بخش سوم: عدالت اصلاحی چیست؟
۲۷۹	بخش چهارم: عدالت روشی چیست؟
۳۰۵	واژه‌نامه

مقدمه مترجم

دموکراسی یکی از بنیادی‌ترین و بحث‌انگیزترین مفاهیم و موضوعات فلسفه سیاسی از نیمه دوم قرن بیستم به این سو بوده است. دموکراسی در مرکز شبکه‌ای از مفاهیم آشنا، اما دشوار و پیچیده و دیرپاب، قرار دارد. به عبارت دیگر، درک دموکراسی، هم به منزله یک مفهوم و هم به منزله مجموعه پیچیده‌ای از نهادهای سیاسی، در گروی درک مفاهیمی همچون آزادی، برابری، عدالت، قدرت، اقتدار، حریم خصوصی، شهروندی و مسئولیت مدنی است. هدف اصلی کتاب حاضر، بنیادهای دموکراسی، آشنا کردن خواننده غیرمتخصص با مفهوم دموکراسی است و این هدف را از راه بررسی رابطه دموکراسی با چهار مفهوم اقتدار، حریم خصوصی، مسئولیت و عدالت برآورده می‌کند. این کتاب برای خوانندگان جوانی تدوین شده که، چه بسا، برای نخستین بار است متنی درباره دموکراسی می‌خوانند. به همین دلیل، متن حاضر به هیچ وجه با پیچیدگی‌های نظری این حوزه دست و پنجه نرم نمی‌کند. در عوض، نویسندگان متنی که پیش رو دارید، تعاریف ساده و قابل فهم پیشنهاد می‌کنند؛ نمونه‌های ساده اما تأمل برانگیزی از مسائل سیاسی نظام‌های دموکراتیک و غیردموکراتیک را به بحث می‌گذارند و در مقام تحلیل این نمونه‌ها پیچیدگی را به حدی نمی‌رسانند که خواننده نوپا را سردرگم کند. در ابتدای هر درس، اهداف آن درس اعلام و اصطلاحات و مفاهیم مهم معرفی می‌شوند. پس از آن، خواننده به تأمل انتقادی درباره پاره‌ای نمونه‌های مرتبط فرا خوانده می‌شود. در پایان هر درس، پرسش‌هایی مطرح می‌شوند تا خواننده از طریق پاسخ دادن به آنها کاربرد نکات آموزش داده شده را فرا گیرد. نویسندگان امیدوارند که، به این ترتیب، دانش نظری و مهارت تحلیلی خوانندگان را ارتقا دهند. خواننده نوپا و جست و جوگر این متن البته فراموش نخواهد کرد که این تازه آغاز راه است و برای درک بهتر

دموکراسی چاره‌ای نیست جز سر و کله زدن با پرسش‌های دشواری که، دست کم، چندین دهه است ذهن نظریه‌پردازان دموکراسی را به خود مشغول کرده است. تلاش می‌کنم در محدوده حوصله این پیشگفتار به تعدادی از این پرسش‌ها اشاره کنم.

دموکراسی به شیوه‌های گوناگونی تعریف شده است. دسته‌ای از این تعاریف، دموکراسی را به شیوه‌ای برای تصمیم‌گیری جمعی فرومی‌کاهند (تعاریف حداقلی) و دسته‌ای دیگر، دموکراسی را تا سرحد یک ایدئولوژی و یک شیوه زیست فرا می‌برند (تعاریف حداکثری). در چهارچوب تعاریف حداقلی، مهم‌ترین وجه تمایز شیوه تصمیم‌گیری دموکراتیک این است که برابری میان تصمیم‌گیرندگان را مفروض می‌گیرد. اما می‌توان پرسید: تصمیم‌گیرندگان به چه معنا با یکدیگر برابرند یا باید برابر باشند؟ آیا برابری صوری در مقام کسی که به پای صندوق رأی می‌رود و به یکی از نامزدها رأی می‌دهد، کافی است؟ آیا برابری فرصت‌ها و منابعی که در اختیار تصمیم‌گیرندگان و رأی‌دهندگان است، برای نیل به اهداف دموکراتیک ضروری است؟ در چهارچوب تعاریف حداکثری اما، دموکراسی، تجلی مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌هاست و شیوه زیستی خاص را ترویج می‌کند. به این ترتیب، برابری تصمیم‌گیرندگان، مثلاً در هنگام رأی دادن، فقط یکی از جلوه‌ها و جنبه‌های شیوه زیست دموکراتیک محسوب می‌شود. حال می‌توان پرسید کدام ارزش‌ها و کدام شیوه زیست دموکراتیک‌اند؟ آیا این ارزش‌ها با ایدئولوژی خاصی پیوندی ناگسسته دارند؟

دموکراسی به شیوه‌های گوناگونی مورد دفاع قرار گرفته است. بخشی از دلایلی که در دفاع از دموکراسی اقامه شده‌اند، از جنس دلایلی هستند که متخصصان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان پس از مطالعه جوامع و حکومت‌های دموکراتیک ارائه می‌کنند. اما دسته‌ای دیگر از دلایل هم عرضه شده‌اند که بیشتر مورد علاقه فیلسوفان سیاسی‌اند و بر مبانی اخلاقی دموکراسی پای می‌فروشند. البته چنین نیست که این دو دسته از دلایل کاملاً مستقل از یکدیگر باشند و به عنوان مثال، فیلسوفان بتوانند بدون توجه به یافته‌های متخصصان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان استدلال کنند که چرا و تحت چه شرایطی دموکراسی اخلاقاً قابل دفاع یا حتی، قابل دفاع‌ترین شکل سیاست‌ورزی است.

پاره‌ای نظریه‌پردازان دموکراسی استدلال کرده‌اند که دموکراسی ارزش ذاتی ندارد و ارزش آن صرفاً ناشی از پیامدهای قابل دفاع آن است. به عبارت دیگر، تنها راه دفاع از دموکراسی این است که ابتدا پیامدها و دستاوردهای نظام‌های دموکراتیک و غیردموکراتیک را معین کنیم و سپس با کمک معیارهایی مستقل نشان دهیم که نظام دموکراتیک ابزار بهتری برای نیل به اهدافی مشخص است. برخی نمونه‌های کلاسیک این قبیل نظریه‌پردازی‌های ابزارانگاره عبارتند از: در نظام‌های دموکراتیک قوانین کارآمدترند؛ در نظام‌های دموکراتیک باورها، حقوق و منافع اکثر شهروندان در نظر گرفته می‌شود؛ در نظام‌های دموکراتیک شهروندان در زندگی سیاسی، مشارکت فعال دارند و به همین دلیل انسان‌هایی مسئول‌تر، فکورتر، اخلاقی‌تر و به طور خلاصه، صاحب شخصیتی پرورده‌تر می‌شوند؛ در نظام‌های دموکراتیک که برقراری انواع آزادی‌ها لازمه تصمیم‌گیری جمعی دموکراتیک شمرده می‌شود، راه برای کشف جمعی حقیقت گشوده‌تر است. اما می‌توان پرسید آیا داده‌های کافی برای تأیید چنین استدلال‌هایی در اختیار داریم؟ چگونه می‌توان نشان داد که وجود چنین ویژگی‌هایی در جوامع

دموکراتیک، البته در صورتی که قرائن وجود آنها را تأیید کند، معلول دموکراتیک بودن این جوامع است نه عوامل دیگر؟ آیا نظام‌های دموکراتیک، ساز و کارهای کارآمدتری برای پرورش شخصیت شهروندان و کشف جمعی حقیقت فراهم می‌آورند یا به رهبرانی میدان تاخت و تاز می‌دهند که مهم‌ترین و بلکه تنها دغدغه آنها کسب رأی به هر قیمت است؟ چگونه می‌توان در یک نظام دموکراتیک میان خواست‌های اکثریت و حقوق اقلیت تعادلی پایدار برقرار کرد؟

عده‌ای دیگر از نظریه پردازان دموکراسی که بسیاری از آنها دموکراسی را پدیده‌ای فربه‌تر از رأی دادن و انتخابات می‌دانند، استدلال کرده‌اند که دموکراسی به خودی خود و فارغ از پیامدها و دستاوردهایش، پدیده‌ای ارزشمند است. معنای دقیق این ادعا این است که حتی اگر نظام‌های دموکراتیک پاره‌ای پیامدهای نامطلوب هم داشته باشند، ارزش ذاتی آنها مخدوش نمی‌شود. برخی نمونه‌های کلاسیک این قبیل نظریه‌پردازی‌های غیرابزارانگاران عبارتند از: آزادی ارزش ذاتی دارد و نظام‌های دموکراتیک تنها در صورت به رسمیت شناختن، تثبیت و گسترش انواع آزادی است که دموکراتیک می‌شوند؛ برابری ارزش ذاتی دارد و دموکراسی بهترین، یا تنها، شیوه سیاست‌ورزی است که بر مبنای برابری انسان‌ها بنا نهاده شده است؛ دموکراسی اگر به درستی فهمیده و مستقر شود، آن روی سکه عدالت است. اما می‌توان پرسید دموکراسی به چه معنا و با کدام ساز و کارها به گسترش آزادی‌هایی می‌انجامد که بازنده رقابت دموکراتیک هستند؟ آیا دموکراسی دغدغه آزادی مثبت را هم دارد؟ آیا دموکراسی می‌تواند به چیزی بیش از برابری صوری در برابر قانون و در مقام رأی دادن پایبند باشد؟ آیا ممکن نیست که آزادی خواهی دموکراتیک با برابری خواهی ناسازگار افتد؟ آیا ویژگی و خصیصه‌ای بنیادین در دموکراسی سراغ داریم که نظام‌های دموکراتیک را عدالت طلب کند؟

نیازی به تأکید نیست که فهرست پرسش‌های نظری و ملاحظات عملی درباره مفهوم دموکراسی و نهادهای دموکراتیک بسیار بلندتر از پرسش‌ها و ملاحظات است که من به نحوی گذرا به آنها اشاره کردم. تنها امیدم این است که خواننده جوان و مشتاق بنیادهای دموکراسی را به خواندن متون تخصصی اندکی مشتاق‌تر کرده باشم.

ابراهیم سلطانی

نوامبر ۲۰۱۲، سیراکیوز

پیشگفتار

«بنیادهای دموکراسی» شما را با چهار ایده مهم آشنا می‌کند که بنیادهای حکومت مشروط به قانون اساسی را می‌سازند: اقتدار، حریم خصوصی، مسئولیت، عدالت. درک این ایده‌ها نه فقط از جهت آشنایی با مبانی حکومت اهمیت دارد، بلکه از جهت بررسی تفاوت‌های یک حکومت دموکراتیک با حکومت‌های غیرآزاد نیز مهم است.

برای پاسداری از آزادی و سایر ارزش‌هایی که ملت را شکل داده‌اند، باید هزینه پردازیم و مسئولیت بپذیریم. در بسیاری موارد، باید میان ارزش‌های رقیب دست به گزینش‌هایی دشوار بزنیم. این کتاب شما را با طرح مباحثی در باب به کار بستن اقتدار و حفاظت از حریم خصوصی به چالش فرا می‌خواند. شما باید در این زمینه تصمیم بگیرید که چگونه در شرایط گوناگون باید از عهده مسئولیت‌ها برآمد و یا عدالت را برقرار کرد. برای بررسی این شرایط، شما با رویکردها و ایده‌هایی آشنا می‌شوید که آنها را «ابزارهای مفهومی» می‌خوانیم. ابزارهای مفهومی به شما کمک می‌کنند که بتوانید درباره موضوعات مرتبط با اقتدار، حریم خصوصی، مسئولیت و عدالت بهتر تأمل کنید. آنها به شما مدد می‌رسانند که دیدگاه خودتان را شکل بدهید و از آن دیدگاه با دلیل دفاع کنید.

دانش و مهارتی که به این ترتیب به دست می‌آورید، نه تنها برای حل و فصل مشکلات سیاست‌گذاری عمومی مفید است، بلکه برای رسیدگی به مسائل زندگی روزمره شما نیز کارآمد است. شما می‌توانید شهروند فعال‌تر و مؤثرتر جامعه‌ای آزاد باشید، به شرط آن که بتوانید مستقلاً فکر کنید، داوری کنید و از دیدگاه‌های خودتان دفاع کنید.

فصل اول

اقتدار

بخش اول ❖ اقتدار چیست؟

درس اول ❖ تفاوت میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار چیست؟ ❖ ۱۸

درس دوم ❖ اقتدار از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ ❖ ۲۲

درس سوم ❖ چگونه می‌توانیم از اقتدار استفاده کنیم؟ ❖ ۲۹

بخش دوم ❖ چگونه می‌توان کاندیداهای مناصب اقتدارآور را بررسی کرد؟

درس چهارم ❖ چگونه باید افراد را برای مناصب اقتدارآور انتخاب کنیم؟ ❖ ۳۴

درس پنجم ❖ شما چه کسی را برای این منصب اقتدارآور برمی‌گزینید؟ ❖ ۳۹

بخش سوم ❖ چگونه می‌توان قواعد و قوانین را بررسی کرد؟

درس ششم ❖ در هنگام بررسی قواعد چه چیزهایی را باید در نظر گرفت؟ ❖ ۴۶

درس هفتم ❖ چگونه می‌توان یک قانون پدید آورد؟ ❖ ۵۰

بخش چهارم ❖ مزایا و مضار اقتدار چیست؟

درس هشتم ❖ برخی پیامدهای اقتدار ورزیدن کدامند؟ ❖ ۵۶

درس نهم ❖ چگونه می‌توانید مزایا و مضار اقتدار را بررسی کنید؟ ❖ ۶۰

❖ بخش پنجم ❖ قلمرو و محدوده اقتدار کجاست؟

- ❖ ۶۶ درس دهم ❖ یک منصب خوش ساخت چه ویژگی هایی دارد؟
- ❖ ۷۰ درس یازدهم ❖ چگونه این منصب اقتدارآور را بررسی می کنید؟
- ❖ ۷۵ درس دوازدهم ❖ قلمرو و محدوده اقتدار در زمان جنگ کجا باید باشد؟
- ❖ ۸۰ درس سیزدهم ❖ چگونه یک منصب اقتدارآور را طراحی کنید؟
- ❖ ۸۴ درس چهاردهم ❖ حدود به چالش کشیدن اقتدار کجاست؟

مقدمه

«ما این حقایق را بدیهی می‌دانیم... حکومت‌ها را مردم بنا نهاده‌اند، قدرت عادلانه حکومت‌ها از رضایت مردم سرچشمه می‌گیرد...» این نقل قول از اعلامیه استقلال آمریکا یکی از بنیادی‌ترین باورها درباره حکومت را در خود دارد. ما، مردم، به حکومت کشورمان جواز حکمرانی می‌دهیم. ما به حکومت، حق مشروط و محدود می‌دهیم که زندگی، آزادی و دارایی ما را کنترل کند. ما، شهروندان، حق نهایی نظارت بر اینکه حکومت چگونه اقتدار تفویض شده را به کار می‌گیرد، برای خود محفوظ نگاه می‌داریم. ما این نظارت را به شیوه‌های گوناگون اعمال می‌کنیم؛ با رای دادن، با مشارکت در کنش سیاسی و با مجبور کردن حکومت به گردن نهادن به قانون اساسی. حقوق شهروندی این مسئولیت را ایجاد می‌کنند که وقتی با مقوله «اقتدار» سر و کار داریم، هوشمندانه عمل کنیم. لازمه هوشمندانه عمل کردن این است که درک درستی از اقتدار داشته باشیم و در مقام اقتدار ورزیدن آگاهانه تصمیم‌گیری کنیم. ما باید بتوانیم به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهیم که «اقتدار چیست؟»، «اقتدار از کجا سرچشمه می‌گیرد؟» و «چرا ما به اقتدار نیازمندیم؟». متن حاضر به شما کمک می‌کند که موضوع اقتدار را بهتر درک کنید و هنگامی که به عنوان یک شهروند جامعه آزاد در زندگی روزمره خود با امور مرتبط با اقتدار مواجه می‌شوید، بتوانید با این امور بهتر مواجه شوید.

بخش اول

اقتدار چیست؟

هدف این بخش

• تحت چه شرایطی فرد دیگری حق دارد به شما بگوید چه بکنید؟

• تحت چه شرایطی شما حق دارید به فرد دیگری بگویید چه بکند؟

این پرسش‌ها، پرسش‌های دشواری هستند و پاسخ آنها ارتباط نزدیکی با اقتدار - یعنی با قواعد و افرادی که بر زندگی ما حکم می‌رانند - دارد. ما باید به این پرسش‌ها پاسخ دهیم تا بتوانیم به امور مربوط به اقتدار در زندگی روزمره رسیدگی کنیم؛ از اقتدار در خانه گرفته، تا اقتدار در مدرسه، در محل کار، و در حکومت.

در این بخش شما با این پرسش‌ها آشنا می‌شوید و فرا می‌گیرید که تفاوت میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار چیست. یعنی تفاوت میان آنهایی که حق قدرت ورزیدن دارند و آنها که چنین حقی ندارند. شما سرچشمه‌های گوناگون اقتدار را واری می‌کنید و ضرورت اقتدار در جامعه را به بحث می‌گذارید. این بحث‌ها به شما کمک می‌کند که بتوانید با پرسش‌های دشواری درباره افراد صاحب اقتدار و قواعد حاکم بر زندگی مواجه شوید.

درسی اول

تفاوت میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار چیست؟

هدف این درس

این درس توضیح می‌دهد که در این دوره آموزشی معنای اقتدار چیست. در پایان این درس شما باید بتوانید تفاوت میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار را تشریح کنید.

اصطلاحات ضروری

اقتدار

دادگاه پوشالی

شبه نظامی

قدرت

تمرین تفکر انتقادی

تمایز نهادن میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار

داستان زیر را که در ششم جولای ۱۹۹۳ در وال استریت ژورنال منتشر شد، بخوانید و به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

عدالت چریکی در ایرلند شمالی

تونی هورویتر

بلفاست، ایرلند شمالی: چریک‌هایی که برای تنبیه مخالفان به زانوی آنها شلیک می‌کنند، ادی کین را بیرون یک شکلات فروشی، در یکی از مناطقی که جنگ کاتولیک/پروتستان در جریان است، گیر انداختند. دو مرد نقاب پوش با کلاهی سر و صورت آقای کین را پوشاندند و او را در مورد هتک حرمت همسر یکی از چریک‌ها مورد بازجویی قرار دادند. آنها او را وادار کردند که دمر روی زمین بخوابد و اسلحه‌ای پشت زانویش گذاشتند.

«شلیک به زانو» در ایرلند شمالی از ۱۹۶۹ آغاز شد، یعنی از زمان منازعات داخلی ایرلند شمالی که به «اغتصابات» معروف است. در ابتدا ارتش جمهوری‌خواه ایرلند برای تنبیه خبرچین‌ها از شیوه «شلیک

به زانو» استفاده می کرد، اما به تدریج متهمان به جرایم گوناگون به این شیوه تنبیه شدند. «شلیک به زانو» با استدلال دور از ذهنی توجیه می شود. استدلال از این قرار است که «اغتشاشات» موجب شده است که شهروندان، به ویژه کاتولیک‌ها، پلیس را دشمن تلقی کنند. در واقع، به دلیل آنکه گروه‌های شبه نظامی غالباً به پلیس حمله می کنند، مجریان قانون به سختی می توانند با جرایم معمولی مقابله کنند. بنابراین اگر کسی ماشین شما را دزدید، به پلیس زنگ نزنید تا خطر خیرچین بودن را به جان نخرید. به ارتش جمهوری خواه ایرلند زنگ بزنید، یا اگر پروتستان هستید با گروه‌هایی نظیر مبارزان راه آزادی در آلستر تماس بگیرید. اینها اهل عمل هستند.

«شلیک به زانو کار وحشیانه‌ای است، اما چه می شود کرد؟» این پرسشی است که مارین مک گوایر، زنی کاتولیک که دو پسر هفت و هشت ساله دارد، می پرسد. او مانند بسیاری از همسایگانش، می گوید «آدمکش‌ها» افسار گسیخته شده‌اند و پلیس «نمی تواند یا نمی خواهد آنها را جمع کند».

به این ترتیب، شلیک به زانو مانند یک «دستگاه قضایی در سایه» تلقی شده است. مردم آن را «عدالت خشن» می خوانند. مجریان این عدالت مردان مسلحی هستند که به «قاضی دوره گرد» مشهورند و گاهی دادگاه‌های نمایشی برگزار می کنند. متهمین به دلیل «رفتارهای جامعه‌ستیزانه» گناهکار شناخته می شوند و احکامی متناسب با جرم دریافت می کنند. کسانی که مرتکب خلاف‌های کم اهمیت، مانند خشیش کشیدن می شوند، اخطار دریافت می کنند. اگر دوباره خطا کنند، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند یا به ساق پا یا ران آنها شلیک می شود. کسانی که مرتکب خلاف‌های بزرگتری می شوند، با شلیک به زانو تنبیه می شوند. اگر خود را اصلاح نکنند، به اندام‌های دیگر آنها هم شلیک می شود. این روزها پرداخت نکردن مبالغی که گروه‌های شبه نظامی طلب می کنند هم از «جرایمی» به شمار می آید که با شلیک به زانو مورد تنبیه قرار می گیرد.

هرچند بی‌اعتمادی مردم، ترس از تله‌های انفجاری و ضرورت گشت زدن در جیب‌های زرهی، دست و پای نیروهای پلیس را بسته است، آنها بر جرایم چشم نمی‌پوشند. نیروهای پلیس در چند ماه اخیر تعدادی از شلیک‌کنندگان به زانو و قانون‌شکنان را بازداشت کرده‌اند. بسیاری از آنها در انتظار محاکمه در دادگاه‌های محلی هستند.

پلیس همچنین برنامه‌ای را برای انجام تحقیقات درباره شلیک‌کنندگان به زانو به جرم اجرای خودسرانه قانون و برگزاری دادگاه‌های نمایشی، طراحی و اجرا کرده است. پلیس عده‌ای را بازداشت کرده است و بسیاری از این چریک‌های سابق در انتظار محاکمه به سر می‌برند.

نظر شما چیست؟

۱. در این مقاله چه کسانی اعمال قدرت می کنند؟
۲. چه تفاوتی است میان اعمال قدرت توسط گروه‌های شبه نظامی برای تنبیه متهمین و اعمال قدرت توسط حکومت برای تنبیه متهمین از طریق دستگاه قضایی؟
۳. چه تفاوتی است میان شلیک به زانو به مثابه یک «دستگاه قضایی در سایه» و یک دستگاه قضایی تثبیت شده که از نیروی پلیس و دادگاه بهره می‌گیرد؟ چه شباهتی میان این دو می‌بینید؟

قدرت یا اقتدار؟

تمرینی که شما انجام دادید، شما را با پرسش‌هایی درباره قدرت و اقتدار مواجه می‌سازد. تمایز نهادن میان این دو مفهوم مهم است. شاید در موقعیت‌هایی بوده‌اید که کسی از قدرت استفاده کرده باشد تا شما را بر خلاف میل خودتان مجبور به انجام کاری کند. گاهی آن فرد حق داشته که چنان کند و در سایر موارد حق نداشته است. تحت کدام شرایط کسی حق دارد رفتار شما را کنترل کند؟

- آیا والدین شما حق دارند شما را ملزم کنند که سر ساعتی خاص به منزل بازگردید؟ چرا؟
- آیا شما حق دارید برادر یا خواهر کوچکتر خود را ملزم کنید که تلویزیون تماشا نکنند؟ چرا؟
- آیا مدیر مدرسه شما حق دارد شما را ملزم کند که مدرسه را در طول ساعات مدرسه ترک نکنید؟ چرا؟

• آیا دوست شما حق دارد شما را وادار به انجام کاری کند که نمی‌خواهید انجام دهید؟ چرا؟

• آیا حکوت حق دارد شما را ملزم به پیروی از قانونی کند که شما آن را نادرست می‌دانید؟ چرا؟

برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها لازم است تفاوت قدرت و اقتدار را بدانیم. این دو اصطلاح را شاید بتوان به شیوه‌های متفاوت تعریف کرد، ولی تعاریفی که در پی می‌آیند مقصود ما را برآورده می‌کنند.

- قدرت توانایی کنترل یا هدایت چیزی یا کسی است. گاهی افراد حق دارند از قدرت استفاده کنند و گاهی حق ندارند.

- وقتی یک دزد مسلح از شما سرقت می‌کند، قدرت انجام این کار را دارد، اما حق آن را ندارد.
- وقتی دیوان عالی یک قانون را برخلاف قانون اساسی اعلام می‌کند، هم قدرت انجام این کار را دارد و هم حق آن را.

• اقتدار عبارت است از قدرت همراه با حق استفاده از قدرت. حق استفاده از قدرت معمولاً از قوانین، سنن و اصول اخلاق سرچشمه می‌گیرد.

- نیروهای پلیس اقتدار بازداشت افراد را دارند زیرا قانون به آنها چنین حقی داده است.
- مجلس نمایندگان اقتدار تصویب قانون را دارد زیرا قانون اساسی به مجلس چنین حقی داده است.

تفاوت میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار

برای آنکه تفاوت میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار را بهتر دریابید، جملات زیر را بخوانید و به پرسش‌هایی که در پی می‌آید پاسخ دهید.

۱. کارن وایدمن، افسر پلیس، الیسون گرین را برای سرعت بیش از حد مجاز جریمه می‌کند.
۲. جری رایبسون به مارتی کارینسکی می‌گوید «دست از سر دوست دختر من بردار وگرنه خدمت می‌رسم».

۳. قاضی آلواریز حکم آزادی مشروط برای مگی جونز صادر می‌کند.
۴. حکومت، خوان رودریگز را به دلیل سربازی نرفتن در زمان جنگ ویتنام به زندان می‌اندازد. او به جنگ نرفت چون کشتن انسان‌ها را عملی غیراخلاقی می‌دانست.
۵. آرتورو لویز به دخترش می‌گوید باید تمام هفته را در خانه بماند چون پنج‌شنبه شب بیش از حد

- مجاز بیرون مانده است.
۶. باب جکسون، که درشت تر از اکثر همکلاسی هایش است، نوبت را رعایت نمی کند و خودش را اول صف غذاخوری جا می زند.
۷. جین دو، صاحب یک قمارخانه غیرمجاز، به یکی از مشتریانش می گوید یا بدهی اش را بپردازد یا عواقب نپرداختن بدهی را به جان بخرد.
۸. دو عضو یک گروه جنایتکار به ادی کین شلیک و او را زمین گیر کردند.
۹. علی درویش به دو دختری که در سینما کنار او نشسته اند می گوید جای خود را عوض کنند چون خیلی سر و صدا می کنند.
۱۰. مدیر رستوران به سلی هو می گوید که او حق ندارد در قسمت «سیگار نکشید» رستوران سیگار بکشد.

نظر شما چیست؟

۱. کدام یک از موقعیت های بالا نشان دهنده اقتدار ورزیدن است؟ چرا؟
۲. کدام یک از موقعیت های بالا نشان دهنده اعمال قدرت بدون اقتدار است؟ چرا؟
۳. چرا مهم است که تفاوت میان اقتدار و قدرت بدون اقتدار را بدانیم؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. در طی روزهایی که درباره اقتدار مطالعه می کنید، یادداشت های روزانه بردارید. ابتدا چهار موقعیت واقعی یا خیالی را توصیف کنید که به کارگیری اقتدار و قدرت بدون اقتدار را ترسیم می کند؛ دو موقعیت اقتدار و دو موقعیت قدرت بدون اقتدار. شما می توانید از تجربیات خود الهام بگیرید یا از روزنامه ها، مجلات، کتاب ها، تلویزیون یا فیلم ها استفاده کنید.
۲. دو قطعه بریده شده از روزنامه ها را به کلاس بیاورید که اقتدار و قدرت بدون اقتدار را ترسیم کنند. درباره آنها توضیح دهید.

اقتدار از کجا سرچشمه می گیرد؟

هدف این درس

در این درس شما فرا می گیرید که اقتدار را در کجا بیابید و با برخی دلایل اقامه شده برای موجه ساختن اقتدار آشنا می شوید. در پایان درس، باید قادر باشید نمونه های اقتدار را تشخیص دهید و دیدگاه های مختلف درباره منابع و نحوه توجیه اقتدار را تشریح کنید.

اصطلاحات ضروری

نقش ها	حق الهی
نهادهای	رضایت
وجود متعالی	سرچشمه اقتدار
حکومت سلطنتی	حکومت اشراف

اقتدار را در کجا می توان سراغ گرفت؟

اقتدار را در کجا می توانید سراغ بگیرید؟ ما هر روز می توانیم نمونه هایی از کسانی را ببینیم که اقتدار دارند ما و نحوه عمل ما را کنترل کنند. والدین، آموزگاران، نیروهای پلیس و مقامات حکومتی نمونه ای از افرادی هستند که اقتدار دارند اعمال ما را کنترل کنند. قواعد و قوانین نیز رفتار ما را کنترل می کنند یا تحت تأثیر قرار می دهند. آنچه در پی می آید فهرستی از جایگاه ها و موقعیت هایی است که ما معمولاً نشانی از اقتدار در آن می بینیم:

- قوانین: قواعد و قوانین به این معنا اقتدار دارند که رفتار مردم را کنترل می کنند. به عنوان مثال، وقتی شما از قانون تبعیت می کنید و به مدرسه می روید، شما اقتدار قانون را به رسمیت می شناسید.
- رسوم: آداب و رسوم رفتارهایی هستند که برای مدتی طولانی از مردم سر می زنند. وقتی رسوم مردم را کنترل می کنید، می توان گفت که اقتدار دارند. به عنوان مثال، وقتی شما نوبت را به کسی می دهید که زودتر از دیگران آمده است، شما اقتدار یک رسم ریشه دار را به رسمیت می شناسید.
- نقش ها: برخی نقش ها حق کنترل مردم را به صاحب آن نقش، هر که باشد، می دهند. به عنوان مثال، هر کسی که نقش پلیس را بر عهده بگیرد، اقتدار دارد که مردم را به تبعیت از قوانین راهنمایی و رانندگی ملزم کند.

- **نهادها:** کسانی که در برخی نهادها کار می‌کنند، اقتدار دارند که دیگران را کنترل کنند یا بر آنها نفوذ داشته باشند. به عنوان مثال، مجلس به مثابه یک نهاد و نه تک‌تک اعضای آن، اقتدار تصویب قوانینی را دارد که مردم باید از آنها تبعیت کنند.
- **اصول اخلاق:** اصول بنیادینی که درست و نادرست را آموزش می‌دهند و از دین، اخلاق و وجدان فردی سرچشمه می‌گیرند، غالباً رفتار ما را کنترل می‌کنند. به عنوان مثال، انجیل برای کثیری از مردم اقتدار دارد.

اقتدار از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

دیدیم که اقتدار را در موقعیت‌ها و مکان‌های گوناگون می‌توان یافت، ولی اقتدار از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ چگونه است که برخی نقش‌ها، نهادها، قوانین، آداب و رسوم و اصول اخلاقی اقتدار یا حق می‌یابند که رفتارهای ما را کنترل کنند؟ افسر پلیس از کجا به این حق دست می‌یابد که به ما بگوید چه کنیم؟ چرا کسانی اعتقاد دارند که انجیل مرجعیت دارد و می‌تواند رفتارهای آنها را کنترل کند؟ مجلس حق تصویب قانونی را که ما باید از آن پیروی کنیم، از کجا می‌آورد؟ به طور خلاصه، منبع و سرچشمه اقتدار کجاست؟

گاهی اوقات برای آنکه سرچشمه اقتدار و مرجعیت یک قاعده یا یک موقعیت را بیابیم باید چند مرحله به عقب بازگردیم. به عنوان مثال، اقتدار معلم برای برقراری نظم در کلاس را می‌توان ناشی از اقتدار مدیر مدرسه دانست که او را استخدام کرده است؛ اقتدار مدیر به اقتدار سرپرستی که مدیر را منصوب کرده است، باز می‌گردد؛ اقتدار سرپرست، به نوبه خود، به هیأت مدیره‌ای باز می‌گردد که سرپرست را به کار گماشته است. از اینجا به بعد اقتدار به هیأت مدیره مربوطه در سطح ایالت و پس از آن به قوانینی باز می‌گردد که به این هیأت اجازه داده‌اند قواعد اداره مدرسه را تنظیم کنند. نهایتاً اقتدار به قوه مقننه ایالت باز می‌گردد که قوانین مربوطه را تصویب کرده است و همچنین به قانون اساسی ایالت که به قوه مقننه اعتبار بخشیده است.

اما، نهایتاً، می‌توانیم بپرسیم «سرچشمه یا منبع اصلی اقتدار حکومت، اقتدار آداب و رسوم، یا اقتدار اصول اخلاقی چیست؟». بر مبنای پاسخی که به این پرسش می‌دهیم، می‌توانیم درستی یا نادرستی ادعای کسانی که مدعی اقتدار هستند را بررسی کنیم. به عبارت دیگر، بررسی منبع اقتدار یک حکومت، یک رسم، یا یک اصل اخلاقی به ما کمک می‌کند تصمیم بگیریم که از آن حکومت، رسم یا اصل پیروی کنیم یا نه. به عنوان مثال، ممکن است اقتدار آداب و رسوم نهایتاً ناشی از این باشد که عده‌ای برای مدتی بسیار طولانی بدون تأمل آنها را پذیرفته‌اند. اگر دلیل قانع‌کننده‌ای برای عمل به این آداب و رسوم وجود نداشته باشد، شما ممکن است تصمیم بگیرید که به آنها عمل نکنید.

چه دلایلی برای اقتدار حاکمان و حکومت‌ها اقامه می‌شود؟

- حاکمان و حکومت‌ها در طول تاریخ به یک یا چند منبع از منابع زیر برای اقتدارشان متوسل شده‌اند:
- تولد: بعضی حاکمان مدعی شده‌اند که اقتدارشان را از حاکمان پیش از خود دریافت کرده‌اند که

آنها نیز به نوبه خود حق حکومت را از وجودی متعالی دریافت کرده‌اند. حکومت‌های موروثی سلطنتی و اشرافی چنین ادعایی داشته‌اند.

- دانش: عده‌ای مدعی شده‌اند که حق حکومت را باید به کسانی داد که دانش بیشتری دارند.
- رضایت مردم: امروزه حکومت‌های بسیاری مدعی هستند که اقتدارشان از مردم سرچشمه می‌گیرد و مردم منبع نهایی اقتدار هستند. مردم هستند که به حکومت رضایت می‌دهند و موافقت می‌کنند که بر آنها حکمرانی شود.
- وجودی متعالی: حاکمان غالباً مدعی شده‌اند که اقتدارشان از وجودی متعالی یا خدا سرچشمه می‌گیرد. به عنوان مثال، سلاطین و ملکه‌ها غالباً ادعا کرده‌اند که به پشتوانه حق الهی حکومت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، اقتدارشان را از خدا می‌گیرند.

چرا مهم است که سرچشمه اقتدار را بدانیم؟

ما نیاز داریم منبع اقتدار افراد را بدانیم تا مشخص کنیم که آیا آنها حق انجام کارهایی را که انجام می‌دهند دارند یا نه. مثلاً اگر ما بدانیم که قانون اساسی چه اختیاراتی به مجلس داده است، می‌توانیم قضاوت کنیم که تصویب این یا آن قانون در چارچوب اختیارات و اقتدار مجلس بوده است یا نه. البته ما می‌توانیم منبع و سرچشمه اقتدار خود قانون اساسی را هم مورد بررسی قرار دهیم. در حکومت دموکراتیک، رضایت مردم منبع اقتدار قانون اساسی است.

تمرین تفکر انتقادی

پیدا کردن سرچشمه‌های اقتدار

هر کدام از پنج قطعه زیر به یکی از منابع اقتدار می‌پردازد. برای انجام این تمرین، معلم شما را به پنج گروه تقسیم می‌کند. هر گروه باید قطعه مربوطه را بخواند، پرسش‌ها را مورد بحث قرار دهد و یک نماینده انتخاب کند که پاسخ‌های گروه را به کلاس گزارش دهد.

گروه یک: قانون میهمان‌نوازی

این قطعه از داستان راین گلد اقباس شده است که یک قصه عامیانه آلمانی و اسکاندیناویایی است. این قطعه توضیح می‌دهد که چرا قهرمان داستان، زیگموند، با آسودگی توانست در قلعه دشمن دیرینه، هاندینگ، شبی را به سر ببرد.

زیگموند به سه دلیل مجبور شد شبی را در قلعه هاندینگ به سر ببرد. اول، زیگموند قهرمانی شجاع‌تر از آن بود که از خطر بگریزد. دوم، زیگموند نمی‌خواست دوشیزه‌ای زیبارو را با هاندینگ، راهزنی سنگدل و شرور تنها بگذارد. سوم، هاندینگ به او گفته بود که «تو در خانه من میهمان هستی و بنا به آداب میهمان‌نوازی جای امن است». یعنی تا هنگامی که زیگموند زیر سقف هاندینگ به سر می‌برد، غیرمنصفانه و نادرست می‌بود اگر هاندینگ به زیگموند صدمه‌ای می‌رساند. این قانون میهمان‌نوازی

است. نه میزبان به میهمان صدمه می‌زند، نه یک میهمان شرافتمند از این قانون سوءاستفاده می‌کند. وقتی هاندینگ به قانون میهمان‌نوازی احترام می‌گذارد، فرار زیگموند نه فقط بز دلانه که غیر شرافتمندانه می‌بود. انگار زیگموند به هاندینگ قول داده بود که در آن شب فرار نکند.

نظر شما چیست؟

۱. آداب و رسوم چیستند؟
۲. چگونه یک رسم می‌تواند منبع اقتدار شود؟
۳. نمونه‌های دیگری از اقتدار را ذکر کنید که از آداب و سنن سرچشمه می‌گیرند؟
۴. برخی نقاط ضعف و قوت پایبند بودن به سنن کدامند؟

گروه دو: تینکر علیه منطقه آموزشی دمویین (۱۹۶۹)

در دسامبر ۱۹۶۵ گروه کوچکی از دانش‌آموزان و والدین آنها در شهر دمویین در آیوا تصمیم گرفتند بازوبندهای مشکی ببندند تا مخالفت خود با جنگ ویتنام را بیان کنند. مسئولان مدارس دولتی شهر از این نقشه باخبر شدند و بستن بازوبندهای مشکی و نمادهای صلح در مدرسه را ممنوع کردند. فرزندان خانواده تینکر از سیاست جدید مدرسه باخبر بودند و می‌دانستند که اگر از قواعد مدرسه تبعیت نکنند، از مدرسه رفتن معلق می‌شوند. با این حال، آنها در روزهای ۱۶ و ۱۷ دسامبر با بازوبندهای مشکی به مدرسه آمدند. این کار نه موجب اختلال در فعالیت‌های کلاس شد، نه به تظاهرات انجامید و نه خشونت‌زا شد.

مدیر مدرسه، تینکرها را به دفترش فراخواند و از آنها خواست بازوبندهای خود را بردارند. آنها نپذیرفتند و از رفتن به مدرسه معلق شدند تا زمانی که بپذیرند بدون بازوبند به مدرسه بیایند. آقای تینکر از طرف فرزندان شکایتی تسلیم کرد و ادعا کرد که مدرسه حق آزادی بیان آنها را زیر پا گذاشته است. او گفت که فرزندانش نه حقوق سایر دانش‌آموزان را پایمال کرده بودند، نه روال معمول کلاس را برهم زده بودند. مسئولان مدرسه استدلال کردند که سیاست مورد بحث را برای جلوگیری از اختلال در نظم مدرسه اعمال کرده‌اند. آنها مدعی شدند که مدرسه‌ها محل تظاهرات سیاسی نیستند.

دیوان عالی نهایتاً این دعوی را بررسی و به نفع دانش‌آموزان حکم صادر کرد. دیوان اعلام کرد که بستن بازوبند نوعی «بیان» است که اصلاحیه اول قانون اساسی از آن حمایت می‌کند. دیوان اعلام کرد «نمی‌توان از دانش‌آموزان یا آموزگاران خواست که حق قانونی آزادی بیان خود را دم در مدرسه رها کنند».

نظر شما چیست؟

۱. اقتدار مدرسه از کجا سرچشمه می‌گیرد که می‌تواند درباره بستن بازوبند سیاست‌گذاری کند؟
۲. اقتدار دیوان عالی برای صدور حکم از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

۳. اقتدار قانون اساسی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟
 ۴. برخی نقاط ضعف و قوت پابندی به قانون اساسی کدامند؟

گروه سه: «درباره نافرمانی مدنی به مثابه یک وظیفه»

قطعه زیر از مقاله هنری دیوید تورو (۱۸۶۲-۱۸۱۷)، نویسنده آمریکایی، اقتباس شده است. تورو در مقام اعتراض به بردگی و جنگ با مکزیک از پرداخت مالیات سرانه سر باز زد. مقامات او را بازداشت کردند و او یک شب در زندان به سر برد. چند سال بعد، در ۱۸۴۹ او مقاله‌ای در دفاع از وجدان فردی، با عنوان «درباره نافرمانی مدنی به مثابه یک وظیفه» نوشت که اکنون اثری کلاسیک محسوب می‌شود. «آیا در شرایطی شهروندان باید از وجدان خود در برابر قانون گذار دست بشویند؟ اگر چنین باشد، پس چرا هر کس وجدانی دارد؟ به نظر من، ما باید ابتدا انسان و بعد شهروند باشیم. احترام به آنچه «درست» است بر احترام به «قانون» اولویت دارد. تنها وظیفه‌ای که من دارم، عمل به آن چیزی است که درست است. قانون هرگز مردم را به انجام عمل عادلانه و نداشتنه است. در واقع، بسیاری از کسانی که به قانون احترام می‌گذارند، به همین دلیل غیرعادلانه رفتار می‌کنند.

یک نتیجه رایج و طبیعی احترام بیش از حد به قانون را در این نمونه می‌توان دید: رشته‌ای از نظامیان - از سرباز و سرجوخه گرفته تا سروان و سرهنگ - تپه‌ها را با نظم پشت سر می‌گذارند و به سوی جنگی می‌روند که با عقل سلیم و وجدانشان جور در نمی‌آید. آنها تردیدی ندارند که جنگ نارواست. آنها به صلح تمایل دارند. در این شرایط، آنها انسان هستند؟ یا برج و باروها و سلاح‌هایی بی‌مقدار در خدمت قدرتمداران؟»

نظر شما چیست؟

۱. تورو درباره کدام سرچشمه‌های اقتدار می‌نویسد؟
۲. چگونه وجدان فردی یا حس اخلاقی شخصی می‌تواند سرچشمه اقتدار باشد؟
۳. آیا قانونی فراتر از قوانین حکومتی وجود دارد؟ چرا؟
۴. آیا شرایطی وجود دارد که فرد را مجاز به نافرمانی در برابر قانونی کند که ناعادلانه می‌داند؟

گروه چهار: پیمان می‌فلاور

باد کشتی می‌فلاور و مسافران آن را به نقطه‌ای هدایت کرد که شمالی‌تر از مقصد آنها در «دنیای جدید» بود. این «مسافران» دنیای جدید، خود را در مکانی یافتند که خارج از قلمرو قدرت کمپانی ویرجینیا بود و به همین دلیل تصمیم گرفتند حکومت خود را برپا کنند. آنها در نوامبر ۱۶۲۰ توافق‌نامه‌ای تنظیم کردند که به وسیله چهل و یک مرد مسافر آن کشتی امضا شد. بر اساس مفاد این توافق‌نامه که به پیمان می‌فلاور مشهور است، مسافران تصمیم گرفتند بر خود حکم برانند. بر اساس پیمان می‌فلاور، مسافران تصمیم گرفتند که «باید توافق‌نامه‌ای باشد که بر اساس آن، ما در

یک پیکره واحد گرد هم آییم و به حکومت و حاکمانی تسلیم شویم که بر اساس توافق بر می‌گزینیم و می‌سازیم». آنها توافق کردند که بهترین کار این است که «در یک پیکره سیاسی مدنی گرد هم آییم»؛ پیکره‌ای که قانون اساسی، سایر قوانین و مناصبی را خلق کند که تأمین‌کننده خیر عمومی مستعمره باشند. آنها تصمیم گرفتند از حکومتی که با رضایت خویش ایجاد کرده‌اند پیروی کنند. پیمان می‌فلاور از سال ۱۶۲۰ تا سال ۱۶۹۱، یعنی تا زمانی که مستعمره پلیمت به مستعمره خلیج ماساچوست پیوست، به قوت خود باقی ماند.

نظر شما چیست؟

۱. منبع اقتدار پیمان می‌فلاور چه بود؟
۲. پیمان می‌فلاور مبتنی بر چه درکی از منبع اقتدار حکومت در قانون‌گذاری بود؟
۳. اگر عده‌ای از مسافران کشتی این پیمان را امضا نمی‌کردند، آیا مجبور به گردن نهادن به این پیمان بودند؟
۴. مردان از زنان نخواستند که پیمان را امضا کنند. آیا زنان تعهدی به پیمان داشتند؟ کودکان چگونه؟ چرا؟

گروه پنج: قانون اساسی ایالات متحده

پیش‌نویس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷ نوشته شد. این قانون تا زمان تصویب از سوی ایالت‌ها به اجرا گذاشته نشد. قطعه زیر از قانون اساسی ایالات متحده منبع اقتدار حکومت فدرال را مشخص می‌کند.

«مقدمه»

ما، مردم ایالات متحده، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا را وضع می‌کنیم تا اتحادی تمام و کمال پدید آید، عدالت برپا شود، آسایش خاطر اهالی تضمین گردد، دفاع از مرز و بوم میسر شود، رفاه عمومی تأمین شود و برکت آزادی برای ما و آیندگان محفوظ بماند.

اصل اول

ماده اول: در اینجا قدرت قانون‌گذاری یکسره به کنگره ایالات متحده، که متشکل از مجلس سنا و مجلس نمایندگان خواهد بود، تفویض می‌شود.

اصل دوم

ماده اول: قدرت اجرایی به رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا تفویض می‌شود.

اصل سوم

ماده اول: قدرت قضایی ایالات متحده به دیوان عالی و دادگاه‌هایی با رتبه پایین‌تر که کنگره تأسیس خواهد کرد، تفویض خواهد شد.

نظر شما چیست؟

۱. منبع اقتدار قانون اساسی چیست؟
۲. منبع اقتدار مجلس، رئیس جمهور و دیوان عالی چیست؟
۳. قانون اساسی بر مبنای چه درکی از اقتدار حکومت نوشته شده است؟ آیا این درک قابل دفاع است؟ چرا؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. توصیفی کوتاه از سه موقعیت متفاوت به دست دهید که شما اقتدار ورزیدن را تجربه کرده‌اید و اقتدارتان سرچشمه‌های مختلفی داشته است.
۲. اقتدار یک پلیس را در نظر بگیرید که راننده‌ای را برای سرعت غیرمجاز جریمه می‌کند. نموداری ترسیم کنید که تا سرچشمه نهایی اقتدار این پلیس به عقب باز می‌گردد. نمودارتان را برای همکلاسی‌های خود توضیح دهید.
۳. سرمقاله‌ای در دفاع یا مخالفت با موضع فرزندان خانواده تینکر بنویسید. عمل آنها مبتنی بر کدام منبع اقتدار است؟

درس سوم

چگونه می‌توانیم از اقتدار استفاده کنیم؟

هدف این درس

در این درس شما با برخی استفاده‌های اقتدار آشنا می‌شوید. شما دو دیدگاه دربارهٔ ضرورت اقتدار حکومتی را بررسی و موقعیتی را ارزیابی می‌کنید که اقتدار حکومت به حل کردن نزاعی بر سر آلودگی آب کمک کرد. در پایان این درس، باید قادر باشید توضیح دهید که اقتدار چگونه می‌تواند به حل مسائل کمک کند.

اصطلاح ضروری

وضعیت طبیعی

چرا به اقتدار نیاز داریم؟

به همهٔ قواعدی فکر کنید که هر روز دنبال می‌کنید. سپس به همهٔ افراد صاحب اقتداری فکر کنید که گاهی اوقات به شما می‌گویند چه کنید. آیا تعداد این قواعد خیلی زیاد است؟ آیا تعداد این افراد صاحب اقتدار خیلی زیاد است.

آیا هیچ وقت به این فکر کرده‌اید که اگر هیچ قاعده و هیچ فرد صاحب اقتداری در کار نبود، چه اتفاقی ممکن بود رخ دهد؟ تصور کنید یک روز صبح از خواب بیدار شوید و ببینید که همه قواعد، قوانین، نیروهای پلیس، دادگاه‌ها، مدیران مدارس و حکومت‌ها از میان رفته‌اند.

- چه مشکلاتی ممکن است پیش بیاید؟
- آیا همچنان از پاره‌ای حقوق برخوردار خواهید بود؟
- چگونه از حقوق خود محافظت می‌کنید؟

تمرین تفکر انتقادی

بررسی ضرورت حکومت

دو مقالهٔ صفحه بعد را بخوانید. سپس با یکی از همکلاسی‌های خود دربارهٔ پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» بحث کنید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با کلاس در میان بگذارید.

اقتباس از «دو رساله دربارهٔ حکومت مدنی»

جان لاک (۱۶۹۰)

افراد بسیاری دربارهٔ اینکه زندگی بدون حکومت، قواعد و قوانین چگونه می‌بود، فکر کرده‌اند. جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)، فیلسوف انگلیسی، دربارهٔ وضعیت طبیعی، شرایطی خیالی که مردم با هم اما بدون حکومت زندگی می‌کنند، نوشته است.

«مردم در وضعیت طبیعی آزادند. چرا مردم آزادی خود را فرو می‌گذارند و به اقتدار حکومت تن می‌سپارند؟ پاسخ این پرسش روشن است: در وضعیت طبیعی، برخورداری از آزادی شکننده است. مردم همیشه ممکن است مورد حمله دیگران قرار گیرند. زندگی خطرناک و سرشار از ترس است. به همین دلیل است که مردم در جستجوی کسانی بر می‌آیند که دغدغهٔ امنیت داشته باشند تا به یکدیگر ببیوندند. آنها چنین می‌کنند تا جان و مال و آزادی خود را حفظ کنند.

در وضعیت طبیعی بسیاری از مقدمات لازم برای برقراری یک زندگی امن غایبند. اول، نظام قانونی تثبیت شده‌ای که همه دربارهٔ آن به توافق رسیده و از آن باخبر باشند، وجود ندارد و چون قانونی در کار نیست، مردم هیچ معیاری برای حل و فصل اختلافات خود در اختیار ندارند. دوم، قاضی صاحب اختیاری در کار نیست که مشاجرات را به سرانجام برساند. سوم، فرد یا گروهی از افراد برای اجرای قانون وجود ندارد.

به همین دلیل است که مردم در سایهٔ حمایت و اقتدار حکومت به هم می‌پیوندند. از همین روست که آنها توافق می‌کنند که سازمانی برای تنبیه و مجازات بر اساس قواعد مورد توافق جامعه بنا کنند. این توافق سرچشمه اقتدار تقنینی، قضایی و اجرایی حکومت است.»

اقتباس از «دربارهٔ نافرمانی مدنی به مثابهٔ یک وظیفه»

هنری دیوید تورو (۱۸۴۹)

هنری دیوید تورو، نویسنده آمریکایی، تردید دارد که اصلاً نیازی به حکومت باشد. «من از صمیم قلب به این شعار اعتقاد دارم: «بهترین حکومت آن است که کمترین حکمرانی را بکند». من به این هم اعتقاد دارم: «بهترین حکومت آن است که اصلاً حکمرانی نکند». وقتی مردم برای چنین شرایطی آماده باشند، حکومت ضرورتی نخواهد داشت.

استدلال‌های زیادی علیه داشتن یک ارتش ارائه شده است. همان استدلال‌ها را می‌توان علیه داشتن یک حکومت استفاده کرد. به هر حال، ارتش بازوی حکومت است. اقتدار حکومتی، پیش از آنکه از دست مردم کاری برآید، می‌تواند به آسانی مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.

هیچ حکومتی توان و سرزندگی یک انسان زنده را ندارد. تمامی آنچه در آمریکا به دست آمده است محصول خصلت‌های مردم آمریکاست. حکومت فقط زمانی توانسته کاری را به سرانجام برساند که در واقع از سر راه مردم کنار رفته است.»

نظر شما چیست؟

۱. به نظر لاک، فقدان یک حکومت صاحب اقتدار چه مشکلاتی به بار می آورد؟
۲. لاک اقتدار حکومت را ناشی از چه می داند؟
۳. تورو چه نظری درباره نیاز به اقتدار حکومتی دارد؟
۴. چه تغییراتی باید در جامعه رخ دهد تا مردم بتوانند بدون حکومت زندگی کنند؟

اقتدار چه کاربردهایی دارد؟

- درباره مشکلاتی که ممکن است فقدان یک حکومت صاحب اقتدار کافی به بار آورد، خواندید. چگونه اقتدار ممکن است به حل مشکلات مدد برساند؟ اقتدار چندین هدف مهم را تأمین می کند:
- اقتدار می تواند برای حمایت از حقوق و آزادی های اساسی مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال، قانون اساسی از آزادی بیان و عقیده ما پشتیبانی می کند.
 - اقتدار می تواند برای تضمین توزیع منصفانه منابع و مسئولیت ها مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال، حکومت ما می داند که همه کودکان باید فرصت برابر برای تحصیل داشته باشند.
 - اقتدار می تواند برای مدیریت صلح آمیز و منصفانه مناقشات مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال، نظام قضایی ما این اقتدار را دارد که محاکمه ای منصفانه برای فرد متهم تدارک ببیند.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی کاربرد اقتدار

شرکت استخراج معدن سیلور بی، در مینه سوتا در طول سال ها، ۶۷۰۰۰ تن از ضایعات خود را هر روز به دریاچه سوپریور ریخته بود. آژانس مراقبت از محیط زیست در دولوث مینه سوتا که در شصت مایلی جنوب سیلور بی قرار دارد، نشان داد که غلظت بالای از مواد سرطان زا در آب آشامیدنی وجود دارد. منبع آب آشامیدنی دریاچه سوپریور بود. آژانس مراقبت از محیط زیست آلودگی را ردیابی کرد و ضایعات شرکت استخراج معدن را عامل مستقیم آلودگی دانست.

برای حل این مشکل، آژانس و شرکت وارد مذاکره شدند. مذاکرات نتیجه نداد و موضوع به دادگاه فرستاده شد. آژانس از دادگاه خواستار بسته شدن بی وقفه کارخانه تا رفع کامل آلودگی از دریاچه به وسیله شرکت شد. شرکت استدلال کرد که تن دادن به پیشنهادات آژانس برای کنترل آلودگی بسیار پرهزینه است. به علاوه، شرکت اعلام کرد که در صورت بستن کارخانه مجبور به اخراج ۳۰۰۰ تن از کارکنانش خواهد بود.

سرانجام یک دادگاه تجدید نظر فدرال نظر داد که ضایعات کارخانه ممکن است در ایجاد سرطان نقش داشته باشند، اما حکم داد که آلودگی یک خطر آنی نیست. دادگاه سه سال و نیم به شرکت مهلت داد که آلوده سازی دریاچه سوپریور را متوقف کند.

نظر شما چیست؟

۱. اقتدار چگونه برای حل مشکل آلودگی آب آشامیدنی مورد استفاده قرار گرفت؟
۲. اگر نهاد صاحب اقتداری برای رسیدگی به مشکل وجود نداشت، چه مشکلاتی ممکن بود پدید بیاید؟
۳. اقتدار به چه شیوه‌های دیگری ممکن بود برای رسیدگی به مشکلات مورد استفاده قرار بگیرد؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. همه کارهایی که امروز از لحظه بیدار شدن تا پیش از مطالعه این متن انجام داده‌اید را در نظر آورید. چه تعدادی از اعمال شما قاعده‌مند یا قانون‌مند بوده‌اند؟ هدف هر کدام از این قواعد یا قوانین چه بوده است؟ آیا آنها ضروری بوده‌اند؟ پاسخ‌های خود را ثبت کنید.
۲. برای چندین روز روزنامه بخوانید. فهرستی از مشکلاتی تهیه کنید که در اثر فقدان اقتدار مؤثر پدید آمده‌اند. بعد از تهیه فهرست، به راه‌هایی اشاره کنید که اقتدار می‌توانست به حل این مشکلات مدد برساند.
۳. نظر جان لاک درباره زندگی در وضعیت طبیعی، یعنی زندگی بدون حکومت و قانون را خواندید. با او موافقید یا مخالف؟ در قالب یک داستان شرح دهید که زندگی خود در وضعیت طبیعی را چگونه تصور می‌کنید؟

بخش دوم

چگونه می‌توان کاندیداهای مناصب اقتدارآور را بررسی کرد؟

هدف این بخش

کسانی که اقتدار می‌ورزند غالباً حق دارند که زندگی ما را کنترل کنند یا تحت تأثیر قرار دهند. نمایندگان مجلس، قانونگذاران و اعضای شورای شهر قوانین بسیار مهمی تصویب می‌کنند. نیروهای پلیس بر تبعیت مردم از قانون نظارت می‌کنند. آموزگاران، مدیران و والدین قواعدی می‌گذارند که زندگی بسیاری از جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به دلیل همین نفوذ عمیقی که افراد صاحب اقتدار بر زندگی ما دارند، باید با نهایت احتیاط آنها را انتخاب کنیم. کسانی که شایستگی اقتدار ورزیدن دارند می‌توانند زندگی را برای ما آسان‌تر و گوارتر کنند و کسانی که شایستگی این کار را ندارند، می‌توانند زندگی را برای ما دشوار و ناگوار کنند. مناصب مختلف، شایستگی‌های مختلفی را طلب می‌کنند. کسی که شایسته پلیس بودن است، ممکن است شایسته قاضی شدن نباشد. از سوی دیگر، یک قاضی خوب ممکن است نتواند پلیس خوبی باشد. وقتی افراد را برای مناصب مختلف بر می‌گزینیم، مهم است مطمئن شویم که توانایی لازم را برای انجام کاری که برعهده می‌گیرند، دارند.

در این بخش، با مراحل گزینش افراد برای مناصب اقتدارآور آشنا می‌شوید.

چگونه باید افراد را برای مناصب اقتدارآور انتخاب کنیم؟

هدف این درس

این درس مجموعه‌ای از ابزارهای مفهومی را عرضه می‌کند که می‌توانند به انتخاب افراد برای مناصب اقتدارآور کمک کنند. این ابزارها برای بررسی ویژگی‌ها و توانایی‌های آنها که در چنین مناصبی هستند هم مفید است.

در پایان این درس، شما باید بتوانید الزامات یک منصب اقتدارآور را تشخیص و توضیح بدهید. همچنین باید بتوانید شرایط و توانایی‌هایی که فرد برای قرار گرفتن در این منصب باید داشته باشد را تشخیص و توضیح بدهید.

اصطلاحات ضروری

منصب اقتدارآور	سخت‌کوشی
الزامات و توانایی‌ها	هوادار الغای برده‌داری
حق رأی زنان	میانه‌روی

یک رهبر خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

مطلب زیر را بخوانید و بعد به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. این پرسش‌ها به شما کمک می‌کند درباره ویژگی‌هایی تأمل کنید که افراد برای قرار گرفتن در یک منصب اقتدارآور باید دارا باشند.

سوزان انتونی

سوزان انتونی (۱۹۰۶-۱۸۲۰)، هوادار الغای برده‌داری، هوادار میانه‌روی و مهم‌تر از همه، قهرمان حقوق زنان، باور راسخ داشت که زنان نمی‌توانند به تمامی حقوق خود دست یابند مگر آنکه ابتدا حق رأی را به چنگ آورند. او مهارت فراوانی در سازمان‌دهی داشت و نقشی مهم در تصویب متمم نوزدهم قانون اساسی، که به زنان حق رأی می‌دهد، بازی کرد. او در ترویج آرمان حقوق زنان ترس به خود راه نمی‌داد و در این راه سال‌ها آزار و تهدید و تهمت را به جان خرید. مطبوعات به او تهمت می‌زدند، غریبه‌ها او را به باد تمسخر می‌گرفتند و وقتی او سخنرانی می‌کرد، مردم به سمت او تخم مرغ و میوه

گندیده پرتاب می کردند.

سوزان کودکی باهوش و مستقل بود. او تحصیل کرده بود و چند سالی تدریس کرد. اما او به چیزهای دیگری علاقه داشت و دیری نگذشت که عمیقاً درگیر فعالیت‌هایی آرمان‌گرایانه شد که سال‌ها وقت و نیروی او را بلعید. در دوره و زمانه‌ای که مردم انتظار داشتند زنان در خانه بمانند، او هوش، اراده و مهارت سازمان‌دهی خود را در خدمت پیشبرد آرمان‌هایی گذاشت که به آنها باور داشت. از اینکه در جنبش میانه‌روی نقش اندکی به زنان داده شده بود، بسیار آزرده بود و با کمک دیگران، انجمن میانه‌روی زنان ایالت نیویورک را بنیان گذاشت. او همچنین در انجمن آمریکایی ضدیت با برده‌داری خدمت کرد. با این حال، مهم‌ترین دغدغه او حمایت از حقوق زنان بود. او یکی از بهترین رهبران جنبش حق رأی زنان بود و در ۱۸۹۲ به عنوان رئیس انجمن ملی حق رأی زنان آمریکا برگزیده شد.

پلیس در نوامبر ۱۸۷۲، سوزان انتونی را به دلیل تلاش برای رأی دادن در انتخابات ریاست جمهوری بازداشت کرد. چند ماه بعد، او با تلاش برای رأی دادن در یک انتخابات شهری جرم خود را سنگین‌تر کرد. ریشخند مردم و هراس از زندان، هیچ کدام از ایمان پرشور او به آرمانش نکاست. انتونی به سازمان دهی انجمن‌های بین‌المللی حق رأی زنان مدد رساند، به گردآوری و انتشار تاریخ جنبش حق رأی کمک کرد و برای بیش از نیم قرن در سرتاسر کشور درباره حقوق زنان به نحو خستگی‌ناپذیری سخن گفت. او در سال ۱۹۰۶، تنها چند سال پیش از آن که رویایش درباره حق رأی زنان تحقق یابد، درگذشت.

نظر شما چیست؟

۱. مناصب اقتدارآور در جنبش حق رأی زنان چه مسئولیت‌هایی به بار می‌آوردند؟
۲. انتونی چه ویژگی‌هایی داشت که از او رهبری موفق ساخت؟

چگونه باید فردی را برای یک منصب اقتدارآور انتخاب کرد؟

در تمرین قبل، فهرستی از مسئولیت‌های یک منصب اقتدارآور و ویژگی‌های ضروری برای درست انجام دادن کار فراهم کردید. شما غالباً امکان انتخاب افراد برای مناصب اقتدارآور را به دست می‌آورید. برای آنکه تصمیم خردمندانه‌ای بگیرید، به ابزارهایی نیاز دارید. همان‌طور که تعمیر یک ماشین و پختن یک کیک به ابزار احتیاج دارد، ابزارهایی فکری هم برای ارزیابی موضوعات وجود دارد. این ابزارهای مفهومی شامل پاره‌ای ایده‌ها، مشاهدات درباره جامعه و نقش ما در آن و مجموعه‌ای از پرسش‌هاست که برای تحلیل موقعیت‌ها و تصمیم گرفتن مفیدند. آنچه در پی می‌آید، ابزارهایی است که در انتخاب فرد شایسته برای یک مقام و منصب به شما کمک می‌کنند:

۱. آن مقام و منصب چه وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌هایی به همراه می‌آورد؟ پیش از آن که بتوانید درباره شایستگی یک فرد برای یک منصب داوری کنید، باید با آن منصب آشنا باشید.

۲. یک فرد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا به آن مقام و منصب برگزیده شود؟

ویژگی‌های یک فرد برای یک شغل خاص باید او را قادر سازد که وظایف مربوطه را به خوبی انجام دهد. برخی از ویژگی‌هایی که ممکن است اهمیت داشته باشند عبارتند از:

- دانش یا مهارت تخصصی
- توان جسمانی
- بی‌طرفی
- امانتداری
- هوشمندی
- سخت‌کوشی
- اعتمادپذیری
- شجاعت

• توان همکاری با دیگران

• حساسیت به نیازها و حقوق انسان‌ها

• صاحب‌نظر بودن در امور مربوط به شغل

۳. نقاط ضعف و قوت کسانی که برای آن مقام و منصب در نظر گرفته شده‌اند چیست؟
ویژگی‌های هر کاندیدا باید با ویژگی‌های لازم برای آن شغل و ویژگی‌های سایر کاندیداها مقایسه شود.

۴. چه کسی برای آن منصب شایسته‌ترین است؟ چرا؟

بر اساس پاسخ‌هایی که به سه پرسش نخست می‌دهید، شما باید قادر باشید دلایل انتخاب این یا آن کاندیدا را تشریح کنید.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی ویژگی‌های یک رئیس جمهور توانا

تمرین زیر این فرصت را برای شما فراهم می‌آورد که ابزارهای مفهومی پیشنهادی را به کار ببندید. به گروه‌های کوچک تقسیم شوید. بخش‌های نقل شده از اصل دوم قانون اساسی در توصیف منصب رئیس جمهور ایالات متحده را بخوانید. با همکاری دیگر اعضای گروه جدول مربوطه را تکمیل کنید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

«اصل دوم»

ماده اول: ... پیش از آنکه او اداره دفترش را برعهده گیرد، لازم است این سوگند یا تصدیق را ادا کند: «من از صمیم قلب سوگند می‌خورم (یا تصدیق می‌کنم) که دفتر رئیس جمهور ایالات متحده را با صداقت اداره خواهم کرد و با تمام توانم از قانون اساسی ایالات متحده صیانت، حمایت و دفاع خواهم کرد.»

ماده دوم: رئیس جمهور فرمانده ارتش و نیروی دریایی ایالات متحده و نیروهای شبه‌نظامی بسیاری

از ایالات خواهد بود... و او قدرت لغو حکم اعدام و عفو کسانی را دارد که مرتکب جرمی علیه ایالات متحده شده‌اند.

او با مشورت و رضایت مجلس سنا و کسب موافقت دو سوم نمایندگان حاضر، قدرت عقد معاهدات را داراست؛ او قدرت نامزد کردن و با مشورت و رضایت مجلس سنا، منصوب کردن سفیران، سایر نمایندگان و کنسول‌ها، قضات دیوان عالی و سایر مقامات ایالات متحده که انتصاب آنها در اینجا پیش‌بینی نشده است را داراست. کنگره به نحو قانونی می‌تواند، اگر صلاح بداند، اختیار انتصاب مستقیم مقامات دون پایه را به رئیس جمهور، دادگاه‌ها و رؤسای وزارت خانه‌ها بدهد.

در ایام تعطیلات موقت سنا، رئیس جمهور اختیار دارد برای پر کردن مناصب بی‌سرپرست، به طور موقت حکم صادر کند. این احکام با بازگشایی سنا لغو می‌شوند.

ماده سوم: او هر چند وقت یک بار موظف است وضعیت کشور را به کنگره گزارش دهد و آنها را در جریان اموری که ضروری و مناسب می‌داند قرار دهد؛ او در شرایط استثنایی، می‌تواند برای هر دو مجلس یا یکی از آنها دستور تشکیل جلسه صادر کند و در صورت عدم توافق میان آنها، اگر صلاح بداند، می‌تواند حکم به تعطیل موقت آنها بدهد؛ او سفرها و سایر نمایندگان را به حضور می‌پذیرد؛ او مراقب اجرای دقیق قوانین خواهد بود و همه مأموران ایالات متحده را منصوب خواهد کرد.

نظر شما چیست؟

۱. یک فرد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا به عنوان رئیس جمهور برگزیده شود؟
۲. درباره ویژگی‌هایی که سوزان انتونی را فردی شایسته برای رهبری جنبش حق رأی زنان می‌کرد تأمل کنید. کدام یک از آن ویژگی‌ها شبیه ویژگی‌هایی است که برای رئیس جمهور برشمردید؟ کدام یک متفاوت هستند؟

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. یکی از برنامه‌های تلویزیونی را انتخاب کنید که فردی در منصب اقتدار را تصویر می‌کند. درباره وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌های آن منصب بنویسید. بعد ویژگی‌هایی که این فرد را برای این منصب مناسب می‌کند، برشمارید. آیا شما این فرد را برای این منصب برمی‌گزینید؟
۲. درباره منصبی اقتدارآور فکر کنید که مایلید روزی در آن منصب قرار بگیرید. آن منصب را توصیف کنید، ویژگی‌های کسی که باید در آن منصب قرار بگیرد را تشریح کنید و توضیح دهید چرا شما ممکن است فرد مناسبی برای آن شغل باشید.

جدول ابزارهای مفهومی برای توصیف منصب رئیس جمهور

<p>پاسخ‌ها: ویژگی‌هایی که یک رئیس جمهور باید داشته باشد</p>	<p>پرسش‌ها: وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌های ریاست جمهوری</p>
<p>برای انجام این وظایف و عمل به اختیارات، رئیس جمهور باید:</p>	<p>وظایف و اختیارات</p> <p>رئیس جمهور وظیفه و اختیار دارد:</p> <ul style="list-style-type: none"> • به تناوب به کنگره درباره وضعیت کشور گزارش دهد. • اطمینان حاصل کند که قوانین به دقت اجرا می‌شوند. • بر نیروهای نظامی فرمان‌دهی کند. • قضات دیوان عالی را منصوب کند. • رؤسای بخش‌های اجرایی را منصوب کند. • از قانون اساسی ایالات متحده صیانت، حمایت و دفاع کند.
<p>برای برخورداری از این مزایا، رئیس جمهور باید:</p>	<p>مزایا</p> <p>رئیس جمهور از مزایای زیر برخوردار است:</p> <ul style="list-style-type: none"> • حقوق و مزایای درخوری دریافت می‌کند. • از خدمات ویژه حمل و نقل زمینی و هوایی برخوردار است. • در کاخ سفید زندگی می‌کند و از کمپ دیوید استفاده می‌کند. • پلیس مخفی از او مراقبت می‌کند. • از کمک هیأت وزیران و سایر مقامات اجرایی برخوردار است. • مراقبت پزشکی مجانی دریافت می‌کند.
<p>برای عمل در چارچوب این محدودیت‌ها، رئیس جمهور باید:</p>	<p>محدودیت‌ها</p> <p>رئیس جمهور نباید:</p> <ul style="list-style-type: none"> • بیش از دو بار به عنوان رئیس جمهور خدمت کند. • رشوه‌خواری، خیانت یا سایر جرایم و تخلفات را مرتکب شود. • قانون اساسی ایالات متحده را زیر پا بگذارد.

درس پنجم

شما چه کسی را برای این منصب اقتدارآور بر می‌گزینید؟

هدف این درس

این درس به شما امکان استفاده از ابزارهایی مفهومی را می‌دهد که در درس قبل با آنها آشنا شدید. شما با استفاده از این ابزارها بهترین کاندیدا را انتخاب می‌کنید. در پایان درس، شما باید بتوانید از انتخاب خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

وضع مالیات
آلودگی
برنامه رفاهی

تمرین تفکر انتقادی

قضاوت درباره کاندیدای یک سمت

در این تمرین شما فردی را برای عضویت در قوه مقننه ایالت خود انتخاب می‌کنید. شما و همکلاسی‌هایتان، در نقش سردبیران و گزارشگران روزنامه شهر، با چهار کاندیدا مصاحبه می‌کنید. برای آماده شدن، توصیف شهر سنترال سیتی و همچنین «نامه‌ای به مردم سنترال سیتی» را بخوانید. بعد «راهنمای مصاحبه هیأت تحریریه» را مورد استفاده قرار دهید.

سنترال سیتی

سنترال سیتی شهر بزرگی در غرب میانه ایالات متحده است. این شهر کاملاً صنعتی است و کارخانه‌ها در سراسر شهر پراکنده‌اند. این کارخانه‌ها برای بسیاری از ساکنان شهر کار فراهم می‌کنند. بخش مرکزی شهر مشکلات فراوانی دارد. آمار جرم و جنایت بالاست؛ امکانات خانه‌ها و مدارس غیرقابل قبول است؛ بیکاری، مصرف مواد مخدر، خشونت و آلودگی بیداد می‌کند.

سنترال سیتی، سی و سه مدرسه ابتدایی، بیست مدرسه راهنمایی و هفده دبیرستان دارد. دانش‌آموزان از تمام شهرستان به این مدارس می‌آیند. به تازگی مقامات شهرستان با کمک دولت، بیمارستان جدیدی ساخته‌اند.

شهر دو پارک بزرگ دارد و چند مایل دورتر یک پارک ایالتی وجود دارد. در زمستان، پارک‌ها

مکان‌های مناسبی برای تفریحات زمستانی هستند. در تابستان، مردم از پارک‌ها برای گردش، شنا و بیس‌بال استفاده می‌کنند.

مجموعه‌ای از بزرگراه‌ها که با کمک مالیات ایالتی و فدرال ساخته شده‌اند، سنترال‌سیتی را به شهرهای دیگر وصل می‌کند.

سنترال‌سیتی یک شهرداری دارد و هر چهار سال یک بار مردم یک شهردار و یک شورای شهر انتخاب می‌کنند که نقش دولت محلی را در این شهر ایفا می‌کنند. رأی‌دهندگان این حق را هم دارند که هر دو سال یک بار نماینده‌ای برای قوه مقننه ایالت برگزینند. قوه مقننه ایالتی اختیاراتی دارد، از جمله:

- وضع مالیات: قوه مقننه اختیار دارد مالیات بر درآمد و مالیات بر فروش کالا وضع کند.
- تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه کردن مالیات: قوه مقننه اختیار دارد درباره نحوه هزینه کردن درآمد مالیات ایالتی تصمیم‌گیری کند. در گذشته، آنها درآمد مالیاتی را صرف مدارس، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، حفظ حیاط وحش، سیل‌گیرها و سیستم‌های آب‌رسانی و همچنین کمک به کشاورزان و افراد فقیر یا معلول می‌کردند.

• تصویب قوانین جدید: قوه مقننه اختیار تصویب قانون یا تغییر قوانین ایالتی را دارد. به عنوان مثال، اعضای قوه مقننه ایالتی قانون تصویب می‌کنند تا:

- رفتارهای مجرمانه را تعریف کنند.
- قواعد مالکیت و رانندگی ماشین‌ها را روشن کنند.
- ویژگی‌های لازم برای اشتغال به برخی مشاغل را تعیین کنند.
- برنامه‌های درسی مدارس را تنظیم کنند.

• تصمیم‌گیری درباره حداقل دستمزد و مزایای کارکنان: قوه مقننه اختیار دارد درباره حداقل دستمزد و استثنای مجاز تصمیم بگیرد. آنها همچنین می‌توانند درباره مزایایی تصمیم بگیرند که کارفرمایان باید برای کارکنان در نظر بگیرند. مزایایی نظیر مرخصی استعلاجی با حقوق، مرخصی زایمان و پرداختن پول در مواردی که فرد در محل کار آسیب می‌بیند.

نامه‌ای به مردم سنترال سیتی

از: اتحادیه رأی دهندگان
ما معتقدیم که انتخابات هفته بعد مهم است، به همین خاطر اطلاعات زیر را برای شما فراهم آورده‌ایم. امیدواریم این اطلاعات را برای گزینش از میان کاندیداها مفید بیابید.

<p>قانون‌گذاران ما محدودیت‌های زیر را باید رعایت کنند:</p> <ul style="list-style-type: none"> • در دوران نمایندگی شغل دیگری نپذیرند. • آنجا که تضاد منافی در کار است، رأی ندهند. • در راه تصویب قوانین ناسازگار با قانون اساسی کشور یا ایالت نکوشند. 	<p>قانون‌گذاران ما مزایای زیر را دریافت می‌کنند:</p> <ul style="list-style-type: none"> • حقوق سالانه ۴۵۰۰۰ دلار. • مصونیت حقوقی در قبال آنچه در مجلس می‌گوید. 	<p>قانون‌گذاران ما اختیار و وظیفه دارند:</p> <ul style="list-style-type: none"> • در راه خیر همه مردم سنترال سیتی گام بردارند. • در جلسات قانون‌گذاری شرکت کنند. • در کمیته‌های مختلف خدمت کنند. • جلسه‌های تحقیق را طراحی و در آنها شرکت کنند. • قوانین تازه پیشنهاد کنند. • به قوانین پیشنهادی رأی دهند. • نیازها و منافع سایر شهرها را منصفانه در نظر داشته باشند.
<p>برای رعایت این محدودیت‌ها، قانون‌گذار باید این کارها را انجام دهد:</p> <ul style="list-style-type: none"> • صادق و قابل اعتماد باشد و بابت کارهای نامربوط به نمایندگی پولی دریافت نکند. • به قوانینی که با منافع شخصی‌اش ربط دارد، رأی ندهد. • مبانی قانون اساسی کشور و ایالت را بدانند و پاس بدارد. 	<p>برای بهره‌مندی از این مزایا، قانون‌گذار باید این کارها را انجام دهد:</p> <ul style="list-style-type: none"> • وقت لازم را با پشتکار صرف انجام وظایف کند. • با احتیاط سخن بگوید. 	<p>برای اعمال اختیارات و انجام وظایف، قانون‌گذار باید این کارها را انجام دهد:</p> <ul style="list-style-type: none"> • از خیر همگان با خیر باشد و با میل برای آن بکوشد. • قابل اعتماد باشد و در همه جلسات به موقع حاضر شود. • با دیگران همکاری کند و آماده مصالحه و مذاکره باشد. • صبور، شنونده و پرسشگر باشد. • بتواند قوانین تازه پیشنهاد کند و بنویسد. • رفاه همگان در سنترال سیتی و ایالت را در نظر بگیرد. • وقتی منافع سنترال سیتی و سایر شهرها ناسازگار می‌افتد، منصف باشد.

راهنمای مصاحبه هیأت تحریریه

معلم کلاس را به پنج گروه تقسیم می‌کند. یک گروه نقش اعضای هیأت تحریریه سنترال سیتی دلی جورنال را بازی می‌کند. سایر گروه‌ها نقش چهار کاندیدای نمایندگی در مجلس ایالتی را بازی می‌کنند. گروه‌ها باید راهنمای زیر را مورد استفاده قرار دهند.

در مقام مصاحبه با چهار کاندیدا، دانشجویان باید از قالب برنامه «پاسخگویی به مطبوعات» پیروی کنند. بعد از آنکه هر کاندیدا سخنان آغازین کوتاهی ایراد کرد، اعضای هیأت تحریریه پرسش‌هایی مطرح می‌کنند. اعضای دیگر هر گروه به کاندیدایشان در پاسخ‌گویی کمک می‌کنند.

گروه یک: گروه اعضای هیأت تحریریه

شما نقش اعضای هیأت تحریریه سنترال سیتی دلی جورنال، بزرگ‌ترین روزنامه شهر را بازی می‌کنید. هیأت تحریریه شما از یکی از کاندیداها حمایت می‌کند و این حمایت نقش بسیار مهمی در پیشبرد مبارزه انتخاباتی آن کاندیدا بازی خواهد کرد.

گروه شما باید زندگینامه کاندیداها را بخواند. فهرستی از نقاط ضعف و قوت کاندیداها فراهم کنید. برای انجام این کار، از توصیف سنترال سیتی کمک بگیرید. همچنین «نامه‌ای به مردم سنترال سیتی» را بخوانید که خلاصه‌ای به دست می‌دهد از وظایف یک نماینده مجلس ایالتی و شرایطی که یک فرد برای قرار گرفتن در این منصب باید داشته باشد.

فهرستی از پرسش‌ها برای هر کاندیدا فراهم کنید. بعد از آنکه هر یک از کاندیداها سه تا چهار دقیقه صحبت کردند، شما پنج دقیقه وقت دارید که پرسش‌های خود را از هر یک از کاندیداها پرسید. پرسش‌های شما باید توانایی کاندیداها برای انجام وظایف نمایندگی را مورد بررسی قرار دهند.

یک نفر را به عنوان رئیس گروه مصاحبه کننده برگزینید. رئیس، شیوه و رویه برنامه را برای کاندیداها توضیح می‌دهد. او همچنین پرسش و پاسخ‌ها را مدیریت می‌کند. به یاد داشته باشید که اعضای هر گروه می‌توانند به کاندیدای گروه خود در پاسخ دادن به پرسش‌ها کمک کنند.

گروه دو: گروه‌های کاندیداها

گروه شما باید زندگینامه کاندیدای شما را بخواند و به بحث بگذارد. فهرستی از نقاط ضعف و قوت این کاندیدا فراهم کنید. برای انجام این کار، از توصیف سنترال سیتی کمک بگیرید. همچنین «نامه‌ای به مردم سنترال سیتی» را بخوانید.

یکی از اعضای گروه را انتخاب کنید که نقش کاندیدا را بازی کند. به او کمک کنید که برای مصاحبه آماده شود؛ متنی برای سخنرانی کوتاه آغازین تدارک ببینید تا کاندیدای شما بتواند اعضای هیأت تحریریه را قانع کند که ویژگی‌های لازم برای از عهده کار برآمدن را دارد. گروه باید همچنین به کاندیدا کمک کند، برای پاسخ به پرسش‌های احتمالی هیأت تحریریه آماده شود. باید به تأکید توضیح دهید که چرا او بهترین کاندیداست. اعضای گروه می‌توانند در بخش پرسش و پاسخ به کاندیدای خود کمک کنند.

رائول گارسیا

سابقه: رائول در سنترال سیتی به دنیا آمده و پرورش یافته است. او متأهل است و سه فرزند بالغ دارد. همسر رائول، سو، در یک فروشگاه لباس فروشی در خیابان الم کار می کند. حرفه: رائول از هفده سالگی در یک کارخانه کار کرده و تا حد مدیر و مباشر ترقی کرده است. او از نخستین کارگرانی بود که به کارخانه پیوست. عده‌ای معتقدند او بود که کمک کرد تا کارگران اتحادیه حقوق و مزایای بیشتری دریافت کنند. موضع: رائول معتقد است که حقوق کارگران بسیار پائین است و آنها باید مزایای بهتری، از جمله مزایای پزشکی بهتری، دریافت کنند. او همچنین معتقد است باید قانونی تصویب شود که کارفرمایان هزینه بیشتر این مزایا را بپردازند.

جنیفر براون

سابقه: جنیفر در سنترال سیتی به دنیا آمد ولی وقتی جوان بود خانواده‌اش به شهری در همان نزدیکی نقل مکان کرد. او در دانشگاه ایالتی حقوق خواند و به سنترال سیتی بازگشت تا در حوزه حقوق کار کند. حرفه: جنیفر در یکی از بزرگترین دفاتر حقوقی سنترال سیتی شریک است. او به پرونده‌های گوناگونی رسیدگی می کند. وقتی کارگران تلاش می کردند برای اولین بار اتحادیه‌ای تأسیس کنند، او از حقوق آنها حمایت کرد. بعدها، وقتی کارگران درخواست حقوق و مزایای بیشتری کردند، کارفرمایان او را استخدام کردند که از دیدگاه آنها دفاع کند. جنیفر عضو کانون وکلا و اتاق بازرگانی است. موضع: جنیفر هم به مسائل محلی علاقمند است، هم به مسائل ایالتی. او معتقد است که تجربه حقوقی‌اش به او کمک خواهد کرد قانون‌گذار بهتری باشد. او همچنین معتقد است که قوانین کنترل آلودگی صنعتی نه برای اهل صنعت منصفانه است نه نقش مؤثری در حمایت از محیط زیست ایفا می کند. او قصد دارد این قوانین را بهبود ببخشد.

پاتریشیا چنگ

سابقه: پاتریشیا در سنترال سیتی به دنیا آمده و پرورش یافته است. او متأهل است و یک فرزند دارد. او عضو فعال گروه‌های زنان است. حرفه: پاتریشیا به مدت یازده سال در دبیرستان سنترال سیتی تاریخ و حکومت آمریکا درس داده است. او چهار سال است که رئیس گروه علوم اجتماعی است. دانش آموزان او را دوست دارند و سایر معلم‌ها به او احترام می گذارند. پاتریشیا عضو انجمن علوم اجتماعی آموزگاران است. موضع: پاتریشیا معتقد است که آموزش و پرورش نیازمند حمایت دولتی بیشتری است. به نظر او افزایش دستمزد معلمان و کاهش تعداد دانش آموزان در هر کلاس مفید است. او نگران آلودگی محیط زیست، به ویژه به وسیله کارخانه سیمان است. پاتریشیا معتقد است باید قوانین سختگیرانه‌ای برای کنترل آلودگی وضع شود. همچنین او معتقد است باید پول بیشتری صرف برنامه‌های رفاهی شود.

بیل میرز

سابقه: بیل متأهل است و سه فرزند دارد که هنوز به مدرسه می‌روند. او و همسرش در مزرعه به دنیا آمده‌اند. بیل و خانواده‌اش عاشق پارک‌ها و دریاچه‌های اطراف سنترال‌سیتی هستند. حرفه: بعد از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان، بیل شروع به کار در کارخانه لوله و سیمان کرد. او به مدت ده سال مدیر این کارخانه بود. مردم او را مدیری خوب و مؤثر می‌دانند. او رئیس سابق اتاق بازرگانی و باشگاه بازی‌های سنترال‌سیتی بوده است.

موضوع: بیل معتقد است کارفرمایان و کارکنان باید بدون دخالت دولت درباره حقوق و مزایای کارگران به توافق برسند. او از افزایش هزینه‌های رفاهی دفاع نمی‌کند. او معتقد است سازمان‌های خیریه باید به این قبیل نیازها رسیدگی کنند. او معتقد است که دولت باید پول بیشتری صرف حمایت از حیات وحش و پارک‌ها بکند.

شما از کدام کاندیدا حمایت می‌کنید؟

بعد از مصاحبه، هیأت تحریریه باید از یکی از کاندیداها حمایت کند. هیأت برای گزینش باید به این دو سؤال پاسخ دهد:

- نقاط قوت و ضعف هر کدام از کاندیداها چیست؟
 - کدام یک از کاندیداها برای عضویت در قوه مقننه مناسب‌تر است؟
- رئیس هیأت تحریریه تصمیم هیأت را به کلاس اعلام می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا این کاندیدا انتخاب شد. کلاس می‌تواند یک انتخابات نمایشی برای انتخاب نماینده مجلس ایالتی برگزار کند.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. کاندیدایی متفاوت با کاندیدای برگزیده هیأت تحریریه انتخاب کنید. در نامه‌ای به سنترال‌سیتی دلیلی جورنال از انتخاب خود دفاع کنید.
۲. کاندیداهای آخرین انتخابات ریاست جمهوری را با استفاده از معیارهایی که در این درس فرا گرفتید بررسی کنید. متنی برای یک برنامه تبلیغاتی تلویزیونی سی ثانیه‌ای این کاندیدا تدارک ببینید.

بخش سوم

چگونه می‌توان قواعد و قوانین را بررسی کرد؟

هدف این بخش

این نکته را آموختید که گاهی لازم است به افرادی این حق را تفویض کنیم که اقتدار بورزند. اکثر مناصب اقتدارآور با قواعد سر و کار دارند. برخی افراد که در این مناصب هستند، قواعدی را ایجاد می‌کنند. دیگران این قواعد را به اجرا می‌گذارند. دیگرانی هم هستند که درباره معنای این قوانین استدلال می‌کنند و تصمیم می‌گیرند با کسانی که از قواعد تبعیت نمی‌کنند چه باید کرد.

در نظام دموکراتیک، کسانی که برای مناصب برگزیده می‌شوند، حق دارند قواعد یا قوانین را ایجاد کنند. آنها قوانین بسیاری پدید می‌آورند تا از حقوق مردم محافظت کنند. آنها قوانین دیگری هم برای توزیع منصفانه منابع میان همه شهروندان تدوین می‌کنند.

عده‌ای فکر می‌کنند صرفاً به این دلیل که یک قاعده وجود دارد، باید قاعده خوبی باشد. همیشه این طور نیست. قواعد ممکن است اشکالات فراوانی داشته باشند. پدید آوردن قواعد خوب کار آسانی نیست. در این بخش شما یاد می‌گیرید که چگونه یک قاعده را بررسی کنید. همچنین فراموش نکنید که چگونه قواعد را بهبود ببخشید و قواعد بهتری پدید آورید.

در هنگام بررسی قواعد چه چیزهایی را باید در نظر گرفت؟

هدف این درس

این درس شما را با ابزارهایی مفهومی آشنا می‌کند که برای پدید آوردن و بررسی کردن قواعد و قوانین مفیدند. در پایان درس، شما باید بتوانید از این ابزارها برای بررسی و بهبود قوانین استفاده کنید.

اصطلاحات ضروری

ویژگی‌ها

معیارها

فرضی

چه چیزی یک قاعده را خوش ساخت می‌کند؟

درباره اهمیت قواعد و قوانین در زندگی خود تأمل کنید. به دلیل اهمیت فراوان آنها، باید اطمینان حاصل کنیم که به درستی طراحی شده‌اند.

- چه مشکلاتی ممکن است پیش آید اگر یک قاعده خوب طراحی نشده باشد؟
- چه معیارهایی برای بررسی یک قاعده استفاده می‌کنید؟

تمرین تفکر انتقادی

تشخیص اینکه این قواعد چه مشکلاتی دارند

هر یک از قواعد فرضی زیر مشکل یا نقطه ضعفی دارد. تأمل درباره اصلاح این مشکلات به شما کمک خواهد کرد معیارها و موازینی برای بررسی قواعد تدارک ببینید. وقتی این قواعد را می‌خوانید، درباره مشکلات آنها یادداشت بردارید. بعد از بررسی هر شش مثال، فهرستی فراهم کنید از ویژگی‌هایی که معتقدید یک قاعده خوب باید داشته باشد. این ویژگی‌ها را در قالب جمله‌ای نظیر این بیان کنید: «یک قاعده خوب باید...».

۱. فقط کسی می‌تواند رأی دهد که چهل هزار متر مربع زمین یا زمینی به ارزش ده هزار دلار داشته

باشد.

۲. کسی نباید بدون دلیل و در موارد غیر ضروری با چماق به جمجمه یا سایر قسمت‌های بدن فردی دیگر ضربه بزند.
۳. برای گسترش سلامتی جسمانی، دولت باید قانونی تصویب کند که فقط افراد با وزن کمتر از ۶۵ کیلوگرم بتوانند رأی دهند.
۴. هر کسی که مقدار زیادی آب مصرف کند باید جریمه شود.
۵. پلیس و سایر مقامات دولتی می‌توانند هر وقت که مایل باشند منزل افراد را تفتیش کنند.
۶. همه دانش‌آموزان باید هر روز ۲۸ همبرگر برای ناهار بخورند.



چگونه می‌توانید یک قاعده را بررسی کنید؟

به عنوان شهروند یک دموکراسی، شما فرصت‌های بسیاری در اختیار خواهید داشت تا مستقیماً یا از طریق نمایندگان خود به قواعد و قوانین رأی دهید. شما شش قاعده را بررسی و درباره‌ی راه‌های بهبود آنها تأمل کردید. همچنین فهرستی از ویژگی‌های یک قاعده خوب تدارک دیدید. فهرست شما شاید شامل پاره‌ای از ویژگی‌های زیر باشد:

- منصفانه
 - به سادگی قابل فهم
 - خوش ساخت برای نیل به هدف
 - انتظارات روشن
 - عدم تداخل غیر ضروری با سایر ارزش‌ها نظیر حریم خصوصی و آزادی
 - قابل تبعیت
- وقتی قاعده یا قانونی را بررسی می‌کنید خوب است ببینید آیا این ویژگی‌ها را دارد یا نه. پرسیدن

این پرسش که آیا یک قاعده یا قانون این ویژگی‌ها را دارد یا نه، در واقع، یکی از ابزارهای مفهومی برای بررسی قواعد و قوانین است. سایر ابزارهای مفید برای بررسی قواعد و قوانین در جدول زیر می‌آید.

جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی قواعد و قوانین

پرسش‌ها	پاسخ‌ها
قاعده‌ای که باید بررسی شود چیست؟	
هدف این قاعده چیست؟	
آیا وضع این قاعده ضروری است یا راه‌های بهتری برای نیل به همان هدف وجود دارد؟	
این قاعده چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟	
نقاط ضعف و قوت این قاعده چیست؟ آیا این قاعده ویژگی‌های زیر را دارد: • منصفانه • به سادگی قابل فهم • خوش ساخت برای نیل به هدف • انتظارات روشن • عدم تداخل غیرضروری با سایر ارزش‌ها نظیر حریم خصوصی و آزادی • قابل تبعیت	
نظر شما چیست؟ آیا این قاعده باید حفظ شود، تغییر کند، یا حذف شود؟ چرا؟	

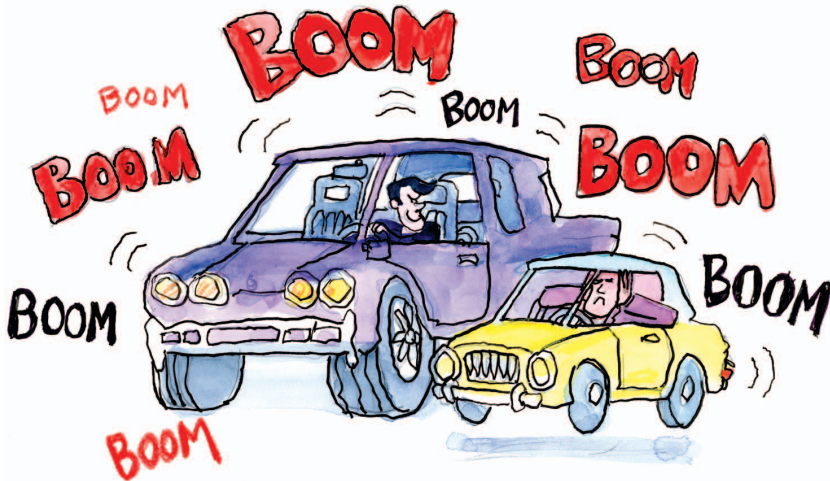
تمرین تفکر انتقادی

بررسی یک قانون

با ابزارهایی مفید برای بررسی قواعد و قوانین آشنا شدید. تمرین زیر این فرصت را به شما می‌دهد که این ابزارها را به کار بگیرید. به گروه‌های کوچک تقسیم شوید و داستان زیر را بخوانید. بعد به پرسش‌هایی که در جدول ذیل آمده پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید.

قانون استفاده از سیستم صوتی پر قدرت در ماشین

با پیشرفت فناوری، شرکت‌های مختلف سیستم‌های صوتی بسیار پر قدرتی برای ماشین تولید کرده‌اند که می‌توانند موسیقی را تا حد کرکننده‌ای بلند پخش کنند. در بسیاری موارد دیده شده که رانندگان چنین ماشین‌هایی موسیقی را به اندازه‌ای بلند پخش می‌کنند که تمرکز سایر راننده‌ها را از بین می‌برد. برای مقابله با این مشکل، دولت قانونی را از تصویب گذراند که بر اساس آن صدا نباید بیش از پانزده متر دورتر از ماشین شنیده شود. رانندگانی که این قانون را زیر پا بگذارند ۵۰ دلار برای اولین تخلف و بیش از ۵۰ دلار برای تخلف‌های بعدی جریمه خواهند شد.



واکنش‌های مختلفی به این قانون نشان داده شد. پلیس از این قانون استقبال کرد و مدعی شد که تذکر و جریمه موجب کاهش سوءاستفاده از این سیستم‌های صوتی می‌شود. شرکت‌های تولیدکننده این سیستم‌ها با قانون مخالفت کردند و مدعی شدند که آموزش، نقش بازدارنده قوی‌تری دارد.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. به یکی از مشکلات محل تحصیل خود فکر کنید. با کمک گروهی از همکلاسی‌های خود قاعده‌ای برای حل مشکل پیشنهاد کنید. مشکل و قاعده را با همکلاسی‌ها در میان بگذارید. قاعده پیشنهادی را با کمک ابزارهایی که تازه با آنها آشنا شدید، بررسی کنید.
۲. نگاهی به مقالات، روزنامه‌ها و مجلات بیاندازید و مقاله‌ای درباره یک قاعده یا قانون بیابید که توجه شما را جلب می‌کند. این قاعده می‌تواند در قلمرو سیاست، تجارت یا سایر حوزه‌ها باشد. با کمک ابزارهای این درس، این قاعده را بررسی کنید و مقاله‌ای در دفاع از موضع خود بنویسید.

چگونه می‌توان یک قانون پدید آورد؟

هدف این درس

در این درس شما در یک مباحثه شبیه‌سازی شده در مجلس سنای ایالات متحده شرکت می‌کنید. شما به مشکلی می‌پردازید که در دستور کار سناست، لایحه‌ای طراحی می‌کنید که مشکل را حل کند و تلاش می‌کنید سایر نمایندگان را قانع کنید که لایحه شما بهترین است. در پایان این درس، شما باید قادر باشید موضع خود را تشریح و از آن دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

منقرض
گونه‌های در آستانه انقراض
حراست از حیات وحش

تمرین تفکر انتقادی

پدید آوردن و دفاع از یک قانون

فرض کنید که شما نماینده مجلس سنای ایالات متحده هستید. خریدار می‌شوید که گونه‌های مختلفی از ماهی‌ها، حیوانات وحشی و گیاهان در ایالات متحده منقرض شده‌اند. همچنین، جمعیت برخی دیگر از گونه‌ها چنان کاهش یافته است که اگر فوراً اقدامی صورت نگیرد آن گونه‌ها نیز به احتمال زیاد به زودی منقرض خواهند شد.

این وضعیت به چند دلیل پیش آمده است. اول، به اندازه کافی قانون برای حمایت از گونه‌های در آستانه انقراض وجود نداشته است. دوم، شهرهای صنعتی گسترش یافته‌اند بدون آن که گیاهان، ماهی‌ها و حیات وحش مورد حمایت کافی قرار بگیرند. سوم، استفاده از حشره کش‌های خطرناک در کشاورزی برخی گیاهان و حیوانات را از میان برده است.

شما و سایر نمایندگان کنگره می‌توانید و وظیفه دارید که قوانین تازه‌ای پدید آورید. یکی از همکاران لایحه‌ای پیشنهاد کرده که ممکن است برای حفاظت از گونه‌های در آستانه انقراض مفید باشد. این لایحه که «قانون فدرال حمایت از گونه‌های در آستانه انقراض» نامیده می‌شود، برنامه‌ای برای حمایت از ماهی‌ها، حیوانات وحشی و گیاهان در آستانه انقراض در مناطقی که آنها زندگی می‌کنند،

پیشنهاد می‌کند.

اگر کسی اقدامات زیر را در ارتباط با حیواناتی که در لایحه از آنها نام برده شده انجام دهد، مرتکب یک جرم فدرال شده است:

- وارد کردن این قبیل گونه‌ها به ایالات متحده، یا خارج کردن آنها از ایالات متحده
 - مالکیت، حمل و نقل کردن، تحویل دادن و فرستادن این قبیل گونه‌ها با هر وسیله و به هر نحوی
 - خرید و فروش این قبیل گونه‌ها
- این لایحه برای تخلف آگاهانه از هر کدام از بندها، جریمه‌ای ۱۰۰۰۰ دلاری در نظر گرفته است.

بررسی قانون حمایت از گونه‌های در آستانه انقراض

پرسش‌های زیر را بخوانید و پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید:

۱. چه قانونی قرار است بررسی شود؟
۲. هدف این قانون پیشنهادی چیست؟
۳. آیا وضع این قانون ضروری است یا راه‌های بهتری برای نیل به همان هدف وجود دارد؟
۴. فکر می‌کنید این قاعده چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟
۵. نقاط ضعف و قوت قانون پیشنهادی چیست؟
۶. نظر شما چیست؟ آیا این قاعده باید حفظ شود، تغییر کند یا حذف شود؟ چرا؟

مواضع نمایندگان

لایحه به کمیته محیط زیست و امور عام‌المنفعه مجلس فرستاده شده است. معلم شما را به سه گروه از نمایندگان عضو این کمیته تقسیم می‌کند. هر گروه موضع متفاوتی درباره حل مشکل گونه‌های در آستانه انقراض دارد.

گروه یک: نمایندگان که معتقدند دولت مسئولیت بزرگی در این زمینه دارد

شما معتقدید که دولت فدرال باید نقش مهمی در حل مشکل گونه‌های در آستانه انقراض ایفا کند. به نظر شما دولت فدرال باید سیاست‌های کلانی در این زمینه تدوین و سرمایه لازم را فراهم کند. دولت‌های محلی هم وظیفه دارند به برنامه‌های دولت فدرال کمک کنند. شما همچنین بر این باورید که نهادهای آموزشی باید روش‌های حفاظت از حیات وحش را آموزش دهند. شما آماده‌اید که با کاستن از بخش‌هایی از بودجه، پول لازم برای اجرای برنامه حمایت از گونه‌های در آستانه انقراض را فراهم کنید.

گروه دو: نمایندگان که معتقدند دولت مسئولیت محدودی در این زمینه دارد

شما معتقدید که دولت فدرال نباید نقش اصلی را در حل مشکل گونه‌های در آستانه انقراض بازی کند. به نظر شما هر ایالت خود باید مسئول برقراری تعادل زیست محیطی باشد و پول مالیات باید صرف

امور و برنامه‌هایی شود که فوریت بیشتری دارند. به علاوه، شما توجه دارید که شکار و ماهیگیری منبع درآمد مهمی برای برخی ایالت‌هاست و سیاست‌های فدرال برای حفاظت از حیات وحش به این ایالات لطمه می‌زند.

گروه سه: نمایندگان که از مصالحه دفاع می‌کنند

شما با بخشی از مواضع هر دو گروه موافقت می‌کنید. شما معتقدید که ایالت‌ها موظفند از حیات وحش ایالت خودشان محافظت کنند. از طرف دیگر، معتقدید که دولت فدرال هم باید نقش فعال‌تری بازی کند. به عنوان مثال، شما فکر می‌کنید که ما به قوانین فدرال نیاز داریم تا جلوی فروش محصولات را بگیریم که با کشتن حیوانات تولید می‌شوند (مثل کت خز). از نظر شما، دولت فدرال و دولت‌های ایالتی باید هزینه و مسئولیت حفاظت از حیات وحش را بین یکدیگر تقسیم کنند.

پدید آوردن یک لایحه

هر گروه باید یک سخنگو و یک مأمور ثبت مذاکرات انتخاب کند. بعد هر گروه باید یک لایحه جایگزین مطرح کند که راهی برای حل مشکل گونه‌های در آستانه انقراض پیشنهاد دهد. این لایحه باید از طریق پاسخ به پرسش‌های زیر ارزیابی شود:

۱. هدف این لایحه پیشنهادی چیست؟
 ۲. به نظر شما آیا وضع این قانون ضروری است یا راه‌های بهتری برای نیل به همان هدف وجود دارد؟ توضیح دهید.

۳. اگر لایحه شما قانون شود چه پیامدهایی خواهد داشت؟

۴. نقاط ضعف و قوت لایحه پیشنهادی شما چیست؟

۵. چرا نمایندگان باید لایحه شما را تصویب کنند؟

دستور کار

کلاس باید یک نفر را به عنوان رئیس کمیته محیط زیست و امور عام‌المنفعه انتخاب کند تا جریان بحث را مدیریت کند. هر گروه باید در عرض سه دقیقه لایحه پیشنهادی را به کمیته ارائه کند. بعد از هر ارائه، نمایندگان می‌توانند سؤال یا نقد کنند. اعضای گروه پیشنهاد دهنده لایحه می‌توانند به انتقادات پاسخ دهند. هر گروه می‌تواند به لایحه پیشنهادی تبصره بزند یا بر سر لایحه مصالحه کند با این هدف که آرای نمایندگان را جلب کند. پس از پایان مذاکرات، کمیته باید به لوایح پیشنهادی رأی دهد. در هنگام رأی دادن، پرسش‌های زیر را در نظر داشته باشید:

۱. هدف هر لایحه پیشنهادی چیست؟

۲. اگر هر یک از این لوایح قانون شود چه پیامدهایی خواهد داشت؟

۳. نقاط ضعف و قوت هر یک از لوایح پیشنهادی چیست؟

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. آیا شما با تصمیم کلاس موافقید؟ یادداشتی دربارهٔ مباحث مطرح شده و رأی نهایی بنویسید. دیدگاه خود را دربارهٔ بهترین قانونی که می‌تواند مشکل گونه‌های در آستانهٔ انقراض را رفع کند تشریح کنید.
۲. یکی از لوایحی را که در مجلس مطرح است انتخاب کنید. این لایحه را بر اساس آنچه در این درس آموختید، بررسی کنید. نامه‌ای به نماینده خود بنویسید و او را به پذیرش دیدگاه خودتان دعوت کنید.

بخش چهارم

مزایا و مضار اقتدار چیست؟

هدف این بخش

هر اقتدار ورزیدنی نتایج خاصی دارد. مثلاً هر بار که نیروهای نظامی ایالات متحده به عنوان بخشی از نیروهای سازمان ملل به خارج اعزام می‌شوند، نتیجه ممکن است برقراری صلح یا کمک به آوارگان در یکی از مناطق بحران زده جهان باشد. اما این کار نتایج دیگری هم ممکن است داشته باشد: مرگ غیرنظامیان و نیروهای نظامی، ویران شدن امکانات عمومی و تحمیل هزینه اقتصادی به مالیات‌دهندگان آمریکایی. ما باید ببینیم که آیا مزایای اقتدار ورزیدن بر مضارش می‌چربد یا نه.

در این بخش، با مزایا و مضار اقتدار ورزیدن آشنا می‌شوید. همچنین با پاره‌ای ابزارهای مفهومی آشنا می‌شوید که در بررسی مناصب و نهادهای اقتدار به شما کمک می‌کنند. این ابزارها به شما کمک می‌کنند ببینید آیا وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌های یک منصب یا نهاد درست طراحی شده‌اند یا نیاز به اصلاح دارند. شما همچنین فرصت خواهید داشت تا این ابزارها را برای طراحی یک منصب اقتدار آور به کار بگیرید.

برخی پیامدهای اقتدار ورزیدن کدامند؟

هدف این درس

در این درس شما با پیامدهای اقتدار ورزیدن آشنا می‌شوید. این پیامدها را تحت عنوان مزایا و مضار تقسیم‌بندی می‌کنید. در پایان درس، شما باید بتوانید به بعضی از مزایا و مضار اقتدار ورزیدن اشاره کنید. همچنین شما باید بتوانید از این ایده‌ها در بررسی و موضع‌گیری دربارهٔ امور مربوط به اقتدار ورزیدن استفاده کنید.

اصطلاحات ضروری

کارآمدی	دسترس‌ناپذیری
پاسخگو بودن	هزینه‌های اقتصادی
گوش به زنگ بودن	بی‌کفایتی

مزایا و مضار اقتدار ورزیدن کدامند؟

برای این که بتوانیم دربارهٔ پیامدهای اقتدار تأمل کنیم، وضعیتی فرضی را بررسی می‌کنیم. فرض کنید که تعداد تصادف رانندگان نوجوان به نحو چشمگیری افزایش یافته است. برای کاهش این تصادف‌ها، مجلس ایالتی تصویب می‌کند که افراد زیر بیست و یک سال حق دریافت گواهینامه رانندگی ندارند.

- چنین قانونی چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟
- کدام‌یک از این پیامدها را می‌توان مزیت دانست؟ کدام‌یک نوعی ضرر محسوب می‌شود؟
- به نظر شما، کسانی که از این قانون تأثیر می‌پذیرند، نوجوانان، والدین آنها، پلیس و قانون‌گذاران، پیامدهای آن را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

تمرین تفکر انتقادی

داوری دربارهٔ این که یک پیامد مزیت است یا ضرر

در این تمرین، با یکی از هم‌کلاسی‌های خود مزایا و مضار اقتدار ورزیدن را به بحث خواهید گذاشت. موارد زیر را مطالعه کنید و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید

- پاسخ‌های خود را با هم‌کلاسی‌های خود در میان بگذارید.
- برای مقابله با گسترش جرم و جنایت در میان نوجوانان، شورای شهر قانونی تصویب کرد که نوجوانان زیر هجده سال باید قبل از ساعت ۱۰:۳۰ شب در خانه باشند.
 - برای کنترل آلودگی، کنگره قانونی با موازین سختگیرانه درباره ضایعات کارخانه‌های صنعتی تصویب کرد. هر کارخانه‌ای که در عرض شش ماه این موازین را رعایت نکند، به شدت جریمه خواهد شد.
 - برای کاهش خشونت، مجلس قانونی تصویب کرد که خرید و فروش کتاب‌ها و مجلات با محتوای خشونت‌آمیز را جرم به حساب می‌آورد.

نظر شما چیست؟

۱. در هر کدام از این موارد اقتدار ورزیدن چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟
۲. کدام‌یک از این پیامدها مزیت است؟
۳. کدام‌یک از این پیامدها ضرر است؟

پاره‌ای از مزایا و مضار اقتدار ورزیدن کدامند؟

- وقتی درباره امور مربوط به اقتدار داوری می‌کنیم، لازم است مزایا و مضار محتمل را مشخص کنیم. مزایا ممکن است از این قرار باشند:
- امنیت: اقتدار ورزیدن ممکن است به مردم احساس امنیت بدهد چون نظم پیش‌بینی‌پذیر پدید می‌آورد و از حقوق افراد و گروه‌ها محافظت می‌کند. مثلاً قوانین علیه قتل، تجاوز، راندگی در حال مستی و سایر جرایم، نوعی اقتدار ورزیدن هستند که امنیت آورند.
 - انصاف: اقتدار ورزیدن ممکن است به توزیع منصفانه منابع و مدیریت منصفانه مناقشات بیانجامد. مثلاً قوانین از حق افراد برای یک رسیدگی منصفانه در دادگاه حمایت می‌کنند.
 - آزادی: قوانینی مثل لایحه حقوق بشر ممکن است از حق آزادی دین و آزادی بیان افراد حمایت کنند.
 - کارآمدی: وضوح مسئولیت‌هایی که به مقامات داده می‌شود ممکن است به کارآمدی بیشتری در مقام تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها بیانجامد. مثلاً یک مدیر ممکن است به تعداد زیادی از آموزگاران وظایف اجرایی بدهد تا از گردش روان امور مدرسه اطمینان حاصل کند.
 - کیفیت زندگی: قوانین و کسانی که قوانین را اجرا می‌کنند ممکن است به بهبود کیفیت زندگی کمک کنند. به عنوان مثال، قوانین ممکن است مانع ریختن فضولات سمی در نزدیکی منابع تأمین آب شوند.
 - پاسخگو بودن: وقتی ما افراد را در منصبی اقتدارآور قرار می‌دهیم، می‌توانیم از آنها بخواهیم پاسخگوی مسئولیت‌های خود باشند. مثلاً رأی‌دهندگان می‌توانند رئیس جمهور را پاسخگوی وظایفی بدانند که قانون اساسی به او سپرده است.

• **ارائه خدمات ضروری:** با تصویب قوانین و منصوب کردن افراد به مناصب خدماتی می‌توانیم پاره‌ای خدمات را ارائه کنیم. به عنوان مثال قوانین، امکان استخدام آموزگاران، افسران پلیس، کارگران و بازرسان امور بهداشتی و ایمنی را فراهم می‌کنند.

مضار ممکن است از این قرار باشند:

• **سوءاستفاده از قدرت:** کسانی که در مناصب اقتدارآور قرار می‌گیرند ممکن است آن منصب و قدرت تخصیص داده شده به آن را مورد سوءاستفاده قرار دهند. به عنوان مثال، در اتحاد جماهیر شوروی، استالین (۱۹۵۳-۱۸۷۹) با کشتن بسیاری از مخالفان سیاسی خود، قدرت را مورد سوءاستفاده قرار داد.

• **ضرورت گوش به زنگ بودن:** ما باید اطمینان حاصل کنیم افرادی که به منصبی گمارده می‌شوند در حدودی پذیرفتنی به مسئولیت‌های خود عمل می‌کنند. مثلاً گروه‌های «دیده‌بان» شهروندان بر فعالیت‌های نهادهای حکومتی و نمایندگان مردم نظارت می‌کنند.

• **انعطاف‌ناپذیری و مقاومت در برابر تغییر:** در پاره‌ای موارد، مناصب اقتدارآور عدم تمایل به تغییر را در صاحبان آن مناصب پدید می‌آورند. این انعطاف‌ناپذیری ممکن است کنار آمدن با شرایط نو و متفاوت را دشوار کند. به عنوان مثال، بسیاری از مقامات دولتی محلی در مقابل حکم دیوان عالی به از بین بردن تبعیض نژادی مقاومت کردند.

• **دسترس‌ناپذیری:** به دلیل ابعاد و پیچیدگی بسیاری از نهادهای بزرگ، دسترسی به افرادی که در منصبی قرار دارند ممکن است دشوار باشد. مثلاً خانواده‌ای که به خانه‌ای ارزان محتاج است، ممکن است مجبور باشد با مقامات تعداد زیادی از نهادهای حکومتی دیدار کند تا کمک لازم را دریافت کند.

• **محدودیت‌های آزادی:** هر اقتدار ورزیدنی، بنا به تعریف، محدودکننده آزادی است. به عنوان مثال، اقتدار والدین در تعیین ساعت بازگشت به خانه، آزادی فرزندان را محدود می‌کند.

• **هزینه‌های اقتصادی:** برپا نگاه داشتن نهادهای اقتدار و بر سر کار نگاه داشتن افراد در یک منصب هزینه اقتصادی دارد. مثلاً ما به دولت فدرال مالیات می‌پردازیم تا حقوق مأموران، مقامات، قضات، مجریان قانون و نیروهای نظامی را بپردازد.

نظر شما چیست؟

۱. خود شما در چه مواردی مزایای اقتدار را تجربه کرده‌اید؟
۲. خود شما در چه مواردی مضار اقتدار را تجربه کرده‌اید؟

مهم‌ترین مزایا و مضار کدامند؟

قبل از آن که بتوانیم تصمیم به حمایت یا عدم حمایت از یک قانون بگیریم، مهم است که مزایا و مضار آن را مشخص کرده باشیم. اما این هم مهم است که ببینیم کدام مزایا و مضار برای ما، به عنوان یک فرد، اهمیت دارند. به عنوان مثال، بحثی را که درباره قاعده بازگشت نوجوانان به خانه قبل از ساعت ۱۰:۳۰ شب داشتیم، به یاد بیاورید. هم والدین، هم بچه‌ها می‌پذیرند که این قاعده، آزادی نوجوانان را

محدود می‌کند اما در عین حال ممکن است میزان جرایم نوجوانان را هم کاهش دهد. عده‌ای ممکن است فکر کنند مزیت کاهش جرم بر ضرر کاهش آزادی نوجوانان می‌چربد. دیگران ممکن است موافق نباشند. در هنگام بررسی مزایا و مضار یک موقعیت خاص باید دید گاه‌های گوناگون را در نظر داشته باشیم.

تمرین تفکر انتقادی

موضع‌گیری

فرض کنید قوه‌ی مقننه ایالت شما در حال بررسی لایحه‌ای برای منع کردن خرید و فروش سلاح‌های خودکار است. معلم کلاس را به پنج گروه تقسیم می‌کند تا درباره‌ی لایحه بحث کنند. هر گروه باید یکی از سازمان‌های زیر را نمایندگی کند. هر سازمان باید درباره‌ی مزایا و مضار لایحه از دید خودش صحبت کند.

- کمیته جامعه امن
- انجمن صاحبان اسلحه
- اداره پلیس
- کارخانه اسلحه‌سازی ایگل آرمز
- انجمن صلح‌طلبان اصول‌گرا

نظر شما چیست؟

۱. هر یک از گروه‌ها کدام مزایا و مضار را مهم دانست؟
۲. کدام منافع بر داوری گروه‌ها درباره‌ی اهمیت منافع و مضار لایحه تأثیر گذاشت؟

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. به بعضی از قواعد مدرسه محل تحصیل خود اشاره کنید. مزایا و مضار دو یا سه قاعده را برشمارید.
۲. درباره‌ی یک برنامه تلویزیونی یا یک فیلم تأمل کنید که به تازگی دیده‌اید و اقتدار ورزیدن را نشان می‌دهد. فهرستی از پیامدهای اقتدار ورزیدن تدارک ببینید. کدام یک مزیت است، کدام یک ضرر؟

چگونه می‌توانید مزایا و مضار اقتدار را بررسی کنید؟

هدف این درس

در این درس شما مزایا و مضار اقتدار در یک دادگاه را مورد توجه قرار می‌دهید. همه حاضران در کلاس در روند دادرسی مشارکت می‌کنند و موضوعات مربوطه را مورد قضاوت قرار می‌دهند. در پایان درس، شما باید قادر باشید فایده توجه به مزایا و مضار اقتدار در مقام تصمیم‌گیری را تشریح کنید.

اصطلاحات ضروری

وکیل تسخیری
ضابط

تمرین تفکر انتقادی

بررسی کردن مزایا و مضار اقتدار

معلم کلاس را به سه گروه تقسیم می‌کند. یک گروه نقش وکلای آقای الن را بازی می‌کند. یک گروه نقش وکلای دولت را بازی می‌کند. یک گروه نقش قضاتی را بازی می‌کند که به پرونده رسیدگی می‌کنند. پیش از مشارکت در دادرسی، همه باید سابقه پرونده را مطالعه کنند، داده‌ها را در نظر بگیرند و به سه پرسش ناظر به مزایا و مضار، که پس از این خواهند آمد، پاسخ دهند.

اقامه دعوی ایالت ایلینویز علیه آقای الن

در دوازدهم آگوست ۱۹۵۶، ویلیام الن وارد یک مشروب فروشی شد و با نشانه گرفتن اسلحه به سوی متصدی بار، مبلغ ۲۰۰ دلار سرقت کرد. همان روز پلیس الن را بازداشت کرد. متصدی بار الن را به عنوان سارق شناسایی کرد.

الن توانایی مالی لازم برای استخدام کردن یک وکیل را نداشت. به همین دلیل، دادگاه دو گزینه پیش روی او قرار داد: وکیل تسخیری یا وکیلی از کمیته دفاع کانون وکلا. الن هر دو پیشنهاد را رد کرد. او درخواست کرد که خودش وکالت را بر عهده گیرد. قاضی به او گفت «اجازه می‌دهم وکیل خودتان باشید ولی از آقای کلی (وکیل منصوب دادگاه) هم خواهیم خواست در دادگاه حاضر باشد و از حقوق

شما محافظت کند».

محاکمه در تاریخ نهم سپتامبر ۱۹۵۷ آغاز شد. الن به نحو مبسوطی یکی از اعضای هیأت منصفه را مورد نقد قرار داد. قاضی سخنان الن را قطع کرد و به او گفت که فقط صلاحیت آن شخص را مورد پرسش قرار دهد. در پاسخ، الن با لحنی بسیار نامناسب با قاضی مجادله کرد. قاضی به او اجازه داد که بررسی هیأت منصفه را ادامه دهد. الن به سخنان خود ادامه داد و گفت که مایل نیست آقای کلی و کیل او باشد. او به قاضی گفت «وقتی من برای ناهار می‌روم، تو در اینجا یک لاشه بیشتر نخواهی بود». بعد الن پرونده‌های وکیل خود را پاره کرد و کاغذها را بر روی زمین پرتاب کرد.



قاضی به او هشدار داد «اگر یک بار دیگر از این سرکشی‌ها بکنی از دادگاه اخراجت خواهم کرد». الن به این اخطار بی‌توجهی کرد و گفت «محاکمه‌ای در کار نخواهد بود». الن اضافه کرد «می‌توانی به من دستبند بزنی و دهانم را با چسب ببندی، اما این کارها نتیجه‌ای ندارد چون محاکمه‌ای در کار نخواهد بود».

قاضی دستور داد که پلیس او را از دادگاه خارج کند. هیأت منصفه بدون حضور او انتخاب شد. سپس، هنگامی که هیأت منصفه حاضر نبود، قاضی الن را به دادگاه آورد. الن گفت که مایل است در جریان محاکمه در دادگاه باشد. قاضی گفت اگر در روند بحث درباره پرونده اختلالی ایجاد نکند، به او اجازه خواهد داد در دادگاه بماند.

اعضای هیأت منصفه به دادگاه وارد شدند و در جای خود نشستند. الن بلند شد و گفت «پیشرفتی در کار نخواهد بود. من حرف زدن را شروع می‌کنم و در تمام طول محاکمه حرف خواهم زد». قاضی مجدداً به ضابط دستور داد که او را از دادگاه خارج کند.

بعد از دومین اخراج، الن خارج از دادگاه ماند به جز زمانی که شهود می‌خواستند او را شناسایی کنند. او در یکی از مواردی که در دادگاه بود با زبانی مستهجن با قاضی حرف زد. بعد از آنکه دادستان دلایل خود را اقامه کرد، قاضی به الن گفت در صورتی که رفتار شایسته‌ای داشته باشد، اجازه حضور در دادگاه را به او خواهد داد. الن قول داد که شایسته رفتار کند، اما به دلیل رفتارهای پیشین او، مأموران دادگاه در زمانی که دفاعیه او ارائه می‌شد، دست و دهان او را بستند. هیأت منصفه در نهایت او را مجرم شناخت و به جرم سرقت مسلحانه به ده تا سی سال زندان محکوم کرد.



الن درخواست تجدید نظر کرد و نهایتاً پرونده او به دیوان عالی ایالات متحده ارسال شد. الن مدعی شد که قاضی غیرمنصفانه رفتار کرده است و او را از حقوقی محروم کرده که متمم ششم قانون اساسی ضمانت می‌کند. به طور خاص، الن مدعی شد که قانون اساسی به او این حق را داده که در محاکمه خود حاضر باشد و وکالت خود را بر عهده بگیرد. به علاوه او استدلال کرد که محاکمه او از اساس غیرمنصفانه بوده چون در زمانی که دفاعیه او ارائه می‌شده، دست و دهان او را بسته بوده‌اند.

نظر شما چیست؟

۱. اقتدار ورزیدن قاضی در این پرونده چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟ تصمیمات زیر را در نظر بگیرید:

- وادار کردن الن به داشتن وکیل.
- اخراج کردن الن از دادگاه.
- بستن دست و دهان الن در زمانی که دفاعیه او ارائه می‌شد.
- ۲. کدام یک از این پیامدها ضرر به حساب می‌آید؟
- ۳. کدام یک از این پیامدها مزیت به حساب می‌آید؟

آماده شدن برای محاکمه

این پرسش‌ها را در نظر داشته باشید: با توجه به مزایا و مضار، آیا کار قاضی در وادار کردن الن به داشتن وکیل موجه بود؟ با توجه به مزایا و مضار، آیا اخراج کردن الن از دادگاه موجه بود؟ با توجه به مزایا و مضار، آیا بستن دست و دهان الن در زمانی که دفاعیه او ارائه می‌شد، موجه بود؟

گروه ۱: شما وکلای دولت هستید.

گروه ۲: شما وکلای آقای الن هستید.

گروه ۳: شما قضات دادگاه هستید.

هر گروه باید از زاویه تعیین شده به موضوع بپردازد و براهینی برای ارائه به قضات عرضه کند. قضات باید پرونده را مرور و از هر گروه پرسش‌های لازم را بپرسند.

آیین دادرسی

۱. بعد از آماده‌سازی، کلاس به گروه‌های کوچک سه نفره تقسیم می‌شود. هر گروه از یک قاضی، یک وکیل برای آقای الن و یک وکیل برای دولت تشکیل می‌شود.

۲. قاضی رسمیت جلسه را اعلام می‌کند. هر یک از طرفین شش دقیقه وقت دارد که استدلالش را عرضه کند. وکیل آقای الن اولین نفر است. در این مرحله، قاضی ممکن است حرف شما را قطع کند و سؤالی بپرسد. بعد از آنکه هر یک از طرفین استدلال‌های خود را عرضه کردند و به پرسش‌ها پاسخ دادند، یک فرصت پاسخگویی دو دقیقه‌ای به آنها داده می‌شود. وکیل آقای الن مجدداً نفر اول است. در پایان،

قاضی تصمیم می‌گیرد و دلایلش را توضیح می‌دهد.
 ۳. سپس کل کلاس پرونده را به بحث می‌گذارد. ابتدا قضاوت تصمیمات را به کل کلاس گزارش می‌دهند. آیا همه قضاوت به همان نتیجه رسیدند؟ کدام استدلال‌ها قوی‌تر به نظر می‌رسند؟ کلاس باید روند محاکمه در گروه‌های سه نفره را به بحث بگذارد. آیا این روند منصفانه است؟ چرا؟ چه پیشنهاداتی برای بهبود این روند دارید؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. نامه‌ای به سردبیر بنویسید و از تصمیم قضاوت دفاع یا انتقاد کنید. از موضع خودتان بر اساس مزایا و مضار دفاع کنید.
۲. با کسی که در یک منصب اقتدارآور است (مدیر مدرسه، افسر پلیس، مقامات شهر و غیره) مصاحبه کنید. از این فرد درباره مزایا و مضار اقتدار ورزیدن پرسید. بعد با کسی مصاحبه کنید که تحت تأثیر این اقتدار قرار دارد (دانش آموز، شهروند یا ساکن آن شهر). از این فرد هم درباره مزایا و مضار اقتدار ورزیدن پرسید. پاسخ‌های این دو را مقایسه کنید. گزارشی از شباهت‌ها و تفاوت‌ها بنویسید.

بخش پنجم

قلمرو و محدوده اقتدار کجاست؟

هدف این بخش

برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که ما، به عنوان شهروند، با آن مواجهیم ناظر به قلمرو و محدوده اقتدار هستند. آیا فلان منصب اقتدار آور خوب طراحی شده است؟ آیا فردی که در این منصب قرار می‌گیرد به اندازه کافی قدرت دارد؟ آیا محدودیت‌ها به اندازه‌ای مؤثر هستند که مانع سوءاستفاده از قدرت شوند؟ در این بخش، شما با راه‌هایی برای ارزیابی مناصب اقتدار آور آشنا می‌شوید. در این باره داوری خواهید کرد که آیا یک منصب درست برنامه‌ریزی شده است یا نیازمند تغییر است. در پایان، آنچه را آموخته‌اید در عمل تجربه می‌کنید. شما یک منصب اقتدار آور طراحی می‌کنید.

یک منصب خوش ساخت چه ویژگی‌هایی دارد؟

هدف این درس

در این درس شما با پاره‌ای ابزارهای مفهومی آشنا می‌شوید که برای ارزیابی مناصب اقتدارآور و نهادهای اقتدارآور مفیدند. در پایان درس، باید قادر باشید در مقام ارزیابی مناصب اقتدارآور و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود آنها از این ابزارها استفاده کنید.

اصطلاحات ضروری

قلمرو
محدوده
انسانی

چه ویژگی‌هایی یک منصب را خوش ساخت می‌کند؟

تاکنون حتماً دریافته‌اید که افرادی که در مناصب اقتدارآور قرار دارند، هر روز زندگی شما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. والدین، معلم‌ها و مقامات مدرسه تصمیماتی می‌گیرند و اقداماتی می‌کنند که می‌توانند بر زندگی شما اثر بگذارند. دولت‌های محلی، ایالتی و فدرال به وسیله کسانی هدایت می‌شوند که در مناصب اقتدارآور قرار دارند. این مناصب متنوعند: از مراقبین عبور و مرور از خیابان و نیروهای پلیس گرفته تا قاضی، عضو کنگره و رئیس جمهور. مردم ایالات متحده، مسئولیت و قدرت فراوانی به بسیاری از انسان‌ها داده‌اند. امیدوارند این قدرت آنها را قادر سازد خدماتی را ارائه دهند که می‌خواهند و نیاز دارند.

بسیاری از مشکلاتی که ما شهروندان با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم، مسائل مربوط به مناصب اقتدارآور هستند. درباره ساخت و طراحی برخی مناصب اختلاف نظر هست. عده‌ای معتقدند اقتدار برخی مناصب بیش از حد است و عده‌ای معتقدند اقتدار برخی مناصب کم‌تر از حد لازم است. یک چیز قطعی است. چون افرادی که در مناصب اقتدارآور هستند تأثیر فراوانی بر زندگی ما دارند، بسیار مهم است که وظایف، قدرت، مزایا و محدودیت‌های آنها را با دقت طراحی و بازبینی کنیم. اگر ما در طراحی و بازبینی این مناصب خطا کنیم، ممکن است آزادی‌های اساسی‌ای که مبنای تشکیل ملت بوده است به مخاطره بیافتد.

- آیا می‌توانید نمونه‌هایی تاریخی یا معاصر از مناصب اقتدارآور ذکر کنید که بد طراحی شده بودند؟ این مناصب چه مشکلاتی داشتند؟ این مشکلات چه پیامدهایی داشتند؟
- چرا ارزیابی مناصب اقتدارآور مهم است؟

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی خطاهای طراحی یک منصب اقتدارآور

فهرست زیر تعدادی از مناصب اقتدارآور را بر می‌شمارد. در هر مورد اشکالی در کار است. فهرست را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.



۱. بر اساس قانون اساسی ایالت «پریشانی»، فرماندار ایالت قانون تدوین می‌کند، نامه‌رسانی بر عهده اوست، خیابان‌ها را جارو می‌کند، در جست‌وجوی حیوانات ولگرد گشت می‌زند، ریاست همه محاکمه‌های جنایی را بر عهده دارد و تلویزیون را مدیریت می‌کند.
۲. در ایالت «ابدیت»، همه نمایندگان مجلس تا آخر عمر به این سمت منصوب می‌شوند. آنها هر کاری بکنند در این سمت باقی می‌مانند.
۳. مدیر مدرسه، هاو کیتز را مبصر کرد و به او در راهروهای مدرسه اقتدار کامل داد. مدیر به او گفت اجازه دارد هر کاری می‌خواهد با آنها بکند.
۴. شهردار جدید شهر «انزوا» به شهروندان اجازه نمی‌داد با او صحبت کنند یا به او نامه بنویسند. او در دفترش را قفل و تلفن را قطع می‌کرد.
۵. شورای شهر شش مأمور کنترل ترافیک استخدام کرد تا قوانین مربوط به سرعت را اجرا کنند. شورا ماشین یا موتورسیکلت پلیس و سوت در اختیار آنها قرار نداد.
۶. مفتش عظمی مانند یک قاضی عمل می‌کرد. وظیفه او تشخیص گناهکار از بی‌گناه بود. او غالباً متهمان را شکنجه می‌کرد تا اعتراف کنند. افراد بی‌گناه هم اعتراف می‌کردند تا از درد شکنجه رهایی یابند.

نظر شما چیست؟

۱. هر یک از موارد فوق چه اشکالی دارد؟
۲. درباره هر کدام از اشکالاتی که برشمردید فکر کنید. یک منصب اقتدارآور را چگونه باید طراحی کرد که از این اشکالات بری باشد؟

چگونه باید قلمرو و محدوده اقتدار را مشخص کرد؟

تمرین قبل باید چشم شما را به برخی اشکالات یک منصب بد طراحی شده گشوده باشد. چگونه می‌توانیم از بروز این مشکلات جلوگیری کنیم؟ برای ارزیابی قلمرو و محدوده یک منصب اقتدار آور می‌توانید از هشت پرسش یا ابزار مفهومی زیر استفاده کنید. با یکی از همکلاسی‌ها یا گروه کوچکی از آنها این ابزارهای مفهومی را مرور کنید و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

۱. چه منصبی قرار است بررسی شود؟
 ۲. هدف یا اهداف این منصب کدامند؟
 ۳. آیا این منصب برای نیل به این اهداف ضروری است؟
 ۴. وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌های این منصب کدامند؟
 ۵. برخی پیامدهای این منصب در شکل کنونی چیستند؟
 ۶. نقاط ضعف و قوت این منصب کدامند؟
- آیا این منصب برای نیل به هدف درست طراحی شده است؟
 - آیا به آن قدرت کافی، نه بیش از حد، داده شده است؟
 - آیا راه‌هایی برای پاسخگو کردن افرادی که در این منصب قرار می‌گیرند، تدارک دیده شده است؟
 - آیا وظایف بی‌شماری بر دوش این منصب گذاشته شده است؟
 - آیا منابع کافی برای انجام وظایف تدارک دیده شده است؟
 - آیا عموم شهروندان به میزان معقولی به فردی که در این منصب قرار می‌گیرد دسترسی دارند؟
 - آیا شیوه‌های قدرت ورزیدن در این منصب منصفانه و انسانی هستند؟
 - آیا این منصب به گونه‌ای طراحی شده که حقوقی نظیر آزادی و حریم خصوصی را پاس بدارد؟
 - آیا این منصب به گونه‌ای طراحی شده که عموم شهروندان مایل باشند به اقتدار آن تن دهند؟
۷. چگونه می‌توان منصب مورد نظر را از نقاط ضعف پیراست؟
 ۸. آیا منصب مورد بحث باید بدون تغییر بماند، اصلاح شود، یا از بین برود؟ با توجه به نقاط قدرت و ضعف پاسخ دهید.

نظر شما چیست؟

۱. این ابزارهای مفهومی چه کمکی به ارزیابی مناصب اقتدار آور می‌کنند؟
۲. چرا ارزیابی مناصب اقتدار آور مهم است؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. یکی از مناصبی را که در تلویزیون دیده‌اید یا درباره آن در یک روزنامه، مجله یا کتاب خوانده‌اید، انتخاب کنید. ابزارهای فوق را برای ارزیابی این منصب به کار گیرید.
۲. در قالب داستانی کوتاه نشان دهید که بد طراحی کردن منصب رئیس جمهور چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد.

چگونه این منصب اقتدارآور را بررسی می‌کنید؟

هدف این درس

در این درس شما نقش هیأت بازیابی نیروی دریایی را بازی می‌کنید. اعضای این هیأت دورهم جمع شده‌اند تا اختیارات ناخدای یک کشتی را بررسی کنند. برای بررسی این موقعیت از ابزارهایی استفاده کنید که در درس قبل فرا گرفتید. در پایان درس، باید قادر باشید موضعی که دربارهٔ اختیارات این ناخدا می‌گیرید را تشریح و از آن دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

تازیانه زدن

تمرین تفکر انتقادی

بررسی یک منصب اقتدارآور

قطعه زیر از کتاب «دو سال کارگری در کشتی» (۱۸۴۰)، اثر ریچارد هنری دنا اقتباس شده است. کتاب ماجراهای دریانوردی جوان را بازگو می‌کند. ماجرای که این دریانورد در «تازیانه زدن در دریا» توصیف می‌کند، احتمالاً بارها رخ داده است. به همین دلیل، هیأت بازیابی تصمیم می‌گیرد که اختیارات ناخدای کشتی را بررسی کند.

معلم کلاس را به گروه‌هایی تقسیم می‌کند و هر گروه یکی از این نقش‌ها را بازی می‌کند: راوی، ناخدا، سام (یک دریانورد)، جان (یک دریانورد)، هیأت بازیابی نیروی دریایی.

ابتدا هر گروه «سابقه»، «شرح وظایف ناخدای کشتی»، «تازیانه زدن در دریا» و «پی‌نوشت» را می‌خواند و بعد جدول انتهای درس را تکمیل می‌کند. در قدم بعد، گروه‌هایی که هر یک از شخصیت‌ها را نمایندگی می‌کنند، متنی را برای عرضه به هیأت بازیابی تدارک می‌بینند و یک سخنگو به نمایندگی از گروه در مقابل هیأت شهادت می‌دهد. اما همه باید آماده باشند که به پرسش‌های هیأت بازیابی پاسخ دهند. گروهی که نقش هیأت بازیابی را بازی می‌کند، پرسش‌هایی برای پرسیدن از سایر گروه‌ها فراهم می‌کند و یک نفر را به عنوان رئیس جلسه دادرسی انتخاب می‌کند. بعد از آنکه همه گروه‌ها شهادت دادند، هیأت بازیابی قلمرو و محدوده اقتدار و اختیارات ناخدا را به بحث می‌گذارد و تصمیم می‌گیرد

که در این اختیارات تغییری ایجاد کند یا آنها را بدون تغییر نگاه دارد و یا این منصب را کاملاً حذف کند. هیأت باید تصمیم خود را برای کلاس توضیح دهد.

سابقه

سال ۱۸۴۰ است. هیأت بازبینی نیروی دریایی تصمیم گرفته مسائلی را که در کشتی‌ها رخ داده است بررسی کند و بیند درباره آنها چه باید کرد. اخیراً به واسطه داستانی که توسط یک دریانورد نوشته شده است، توجه هیأت به مشکل تازه‌ای جلب شده است. داستان حدود اختیارات ناخدای کشتی را به چالش می‌کشد.



هیأت جلسه‌ای تشکیل می‌دهد تا منصب ناخدای کشتی را بررسی و پیشنهاداتی برای بهتر شدن این منصب را گردآوری کند. برای آنکه شما هم بتوانید این کار را انجام دهید، اطلاعات زیر را در اختیارتان قرار می‌دهیم:

- شرح وظایف ناخدای کشتی
- داستان دریانورد تحت عنوان «تازیانه زدن در دریا»
- یک جدول ابزارهای مفهومی که به شما کمک می‌کند این شغل را بررسی و پیشنهاداتی برای بهبود آن ارائه کنید

شرح وظایف ناخدای کشتی

وظایف و اختیارات: یک ناخدا وظایف و اختیارات زیر را دارد:

- نظارت بر حرکت کشتی
- تصمیم‌گیری درباره مسیر کشتی
- افراد را به شغل‌های مختلف گماردن
- رفع اختلاف بین دریانوردان
- تنبیه دریانوردانی که مقررات را زیر پا می‌گذارند
- تصمیم‌گیری درباره اینکه چه کسانی شایسته دریافت پاداش هستند (مثلاً ترک کشتی در ساحل)

- نوشتن گزارش به صاحبان کشتی
- نوشتن گزارش پیشرفت روزانه
- نمایندگی کردن صاحبان کشتی در بندرگاه‌های خارجی
- مزایا: یک ناخدا مزایای زیر را دریافت می‌کند:
- حقوق از صاحبان کشتی و درصدی از سود ناشی از سفر
- اونیفورم
- کابین اختصاصی
- غذای مخصوص
- محدودیت‌ها: یک ناخدا اجازه انجام کارهای زیر را ندارد:
- به خطر انداختن موفقیت سفر
- شکستن قانون در یک بندرگاه خارجی
- محکوم به مرگ کردن دریانوردانی که مقررات را زیر پا گذاشته‌اند

تازیانه زدن در دریا

چیزهای کوچک هم ناخدای کشتی ما را از کوره در می‌برد. او تهدید کرد که آشپز را به خاطر انداختن یک قطعه چوب روی عرشه تنبیه خواهد کرد. او از عصبانیت منفجر شد وقتی معاون ناخدا رجز خوانی کرد که بهتر از ناخدا گره می‌زند. آتش خشم او دامن مرد درشت اندامی به نام سام را گرفت. سام نمی‌توانست خوب حرف بزند و کمی کند بود. با این حال دریانورد خوبی بود و تلاش می‌کرد. اما ناخدا از او خوشش نمی‌آمد.

صبح شنبه‌ای بود که صدای داد زدن او بر سر کسی را شنیدم. بعد صداهایی شنیدم که شبیه دعوا کردن بود. ناخدا گفت «بهتره تقلا نکنی. توی چنگ منی... باز هم با من یک به دو می‌کنی؟». سام جواب داد «من هیچ وقت نکردم، قربان». ناخدا گفت «من این رو نپرسیدم. باز هم با من یک به دو می‌کنی؟». سام تکرار کرد «من هیچ وقت نکردم، قربان». ناخدا از خشم دیوانه شده بود. «جواب سؤال من رو بده و الا نقش زمینت می‌کنم و شلاق می‌زنم.» سام جواب داد «من برده نیستم». ناخدا گفت «پس من برده‌ات می‌کنم». او روی عرشه پرید و معاون ناخدا را صدا کرد. «دست و پای این رو ببند! بندازش رو زمین! به تو حالی می‌کنم کی خدای این کشتیه!» معاون، سام را به عرشه برد. او مقاومت نکرد.

جان، یکی از دریانوردان، از ناخدا پرسید «چرا می‌خواهید این مرد را تازیانه بزنید، قربان؟». ناخدا برگشت و دستور داد او را غل و زنجیر کنند. معاون ناخدا دست و پای سام را بست، کتکش را در آورد، و پشتش را عریان کرد. ناخدا چند قدمی دور شد تا بتواند خوب شلاق بزند. یک طناب ضخیم و قوی در دستش بود.

دیدن این صحنه حالم را خراب کرد. دلم می‌خواست جلوی او را بگیرم ولی فقط عده کمی مثل من فکر می‌کردند. ناخدا و مأمورانش بسیار بیشتر از ما بودند. اگر دعوا را شروع می‌کردیم، می‌باختم. بعد آنها ما را به سرکشی متهم می‌کردند. حتی اگر دعوا را می‌بردیم تا آخر عمر داغ راهزن دریایی بودن را بر پیشانی ما می‌زدند و شدیداً تنبیه می‌شدیم. یک دریانورد هیچ حقی ندارد. او باید هرچه ناخدا می‌گوید

بکند و الا عصیانگر یا راهزن قلمداد خواهد شد.

ناخدا با تمام توان طناب را در هوا می چرخاند و بر پشت سام بینوا می نواخت. شش بار بر پشت او شلاق زد. ناخدا فریاد زد «باز هم با من یک به دو می کنی؟». سام چیزی نگفت. ناخدا سه شلاق دیگر بر پشت او زد و بالاخره کوتاه آمد و سام را به جلوی کشتی فرستاد.

«حالا نوبت توست»، ناخدا این را در حالی گفت که به سمت جان می رفت و غل و زنجیر او را باز می کرد. معاون ناخدا دست و پای او را بست و ناخدا برای شلاق زدن آماده شد. جان پرسید «چرا من را شلاق می زنی، قربان؟ آیا هیچ وقت در انجام وظایف کوتاهی کرده ام؟ آیا هیچ وقت تنبلی یا گستاخی کرده ام؟». ناخدا جواب داد «نه؛ تو را شلاق می زنم برای اینکه سؤال می کنی». جان پرسید «اجازه ندارم سؤال بکنم؟». ناخدا فریاد زد «نه؛ اجازه نمی دهم کسی کاری بکند مگر اینکه من گفته باشم». او شلاق زدن به جان را شروع کرد. دستش را بالا برد تا بتواند محکم تر و محکم تر شلاق بزند. هر چه بیشتر شلاق می زد، وحشی تر می شد. من وحشت زده بودم. دیگر نمی توانستم به این صحنه نگاه کنم. بالاخره ناخدا بازایستاد و معاونش جان را رها کرد.

ناخدا به ما رو کرد. «حالا می فهمید اوضاع از چه قرار است! حالا می فهمید من کی هستم! من چوپان برده ها هستم و شما برده های من هستید! یا به حرف من گوش می کنید یا شلاقان می زنم».

پی نوشت

کسانی که روایت من را دنبال کرده اند، به یاد می آورند که من شاهد رفتاری وحشیانه با هم سفرانم بوده ام. در واقع، حتی کلمه شلاق زدن در من احساساتی را بیدار می کند که به سختی می توانم کنترل کنم. با این حال، وقتی این پیشنهاد ارائه می شود که این کار کاملاً متوقف شود و ناخدا تحت هیچ شرایطی مجاز به تنبیه جسمانی نباشد، به تردید می افتم.

من مایل نیستم فرمانده کشتی ای باشم که هم خودم می دانم، هم خدمه می دانند، که من تحت هیچ شرایطی نمی توانم کسی را تنبیه و حتی تنبیه ملایم کنم. البته من هیچ وقت این کار را نخواهم کرد. من به خوبی می دانم که با تنبیه کردن آنها خودم را با چه خطرات و زحماتی مواجه می کنم. خطرات و زحماتی که ترجیح می دهم با آنها دست و پنجه نرم نکنم. با این حال، در شرایط نامتعارف و بغرنج ترجیح می دهم برای حراست از خودم این حربه را به عنوان یک تهدید در اختیار داشته باشم. مایل نیستم خودم یا کس دیگری را در موقعیتی قرار دهم که این حربه را نداشته باشم.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. آیا می توان در شرایطی خاص به کسی اقتدار مطلق داد؟ کدام شرایط؟

چرا در این شرایط باید قدرت فارغ از نظارت در اختیار این فرد باشد؟

۲. ترتیبی بدهید تا فردی که در منصبی اقتدار آور قرار دارد (افسر

پلیس، قاضی، دادستان یا شهردار) به کلاس شما بیاید. از او بخواهید که

وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت های شغل خود را تشریح کند.

جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی مناصب اقتدارآور

پاسخ‌ها	پرسش‌ها
	منصبی که باید بررسی شود چیست؟
	هدف این منصب چیست؟
	آیا این منصب ضروری است؟ چرا؟
	وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌های این منصب کدامند؟
	این منصب در شکل کنونی‌اش چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟
	نقاط ضعف این منصب در شکل کنونی‌اش چیست؟ این موارد را در نظر بگیرید: <ul style="list-style-type: none"> • تعداد وظایف • منابع موجود • امتیازات و محدودیت‌ها • پاسخگویی • راه‌های پیشگیری از سوءاستفاده • منصفانه بودن و احترام به ارزش‌های مهم
	چه پیشنهاداتی برای بهبود دارید؟ مزایا و مضار این تغییرات چیستند؟
	نظر شما چیست؟ آیا این منصب باید حفظ شود، تغییر کند یا حذف شود؟ چرا؟

درس دوازدهم

قلمرو و محدوده اقتدار در زمان جنگ کجا باید باشد؟

هدف این درس

در این درس شما دو نمونه از اقتدار ورزیدن در زمان جنگ را مورد توجه قرار می‌دهید. اولین مورد اقتدار ورزیدن پرزیدنت لینکلن در آغاز جنگ داخلی است. دومین مورد نحوه رفتار حکومت با آمریکایی‌های ژاپنی‌تبار در خلال جنگ دوم جهانی است. شما دربارهٔ محدوده اقتدار در زمان جنگ با یکدیگر بحث خواهید کرد. در پایان درس، باید قادر باشید موضعی که دربارهٔ کاربرد اقتدار در زمان جنگ می‌گیرید را تشریح و از آن دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

دوراهی	جاسوسی
جدایی‌طلبی	خرابکاری
اعلامیه	اقامتگاه اجباری
محاصره	حکم احضار به دادگاه

تمرین تفکر انتقادی

بررسی قلمرو و محدوده اقتدار در زمان جنگ

وقتی قطعه‌های زیر را می‌خوانید به این پرسش‌ها فکر کنید: آیا شرایطی هست که فرد صاحب‌اقتدار در آن شرایط بتواند از حدود معمول اقتدارش فراتر برود؟ در گروه‌های کوچک به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

لینکلن بر سر دوراهی

در یکی از شب‌های آوریل ۱۸۶۱، آبراهام لینکلن در دفترش در کاخ سفید تنها بود. او بر سر یک دوراهی هولناک بود. دشمنی ایالات شمالی و جنوبی رو به شدت گرفتن بود، به ویژه بر سر موضوع بردگی. هفت ایالت جنوبی رسماً از ایالات متحده خارج شده بودند. ارتش این ایالات برج و باروها و لنگرگاه‌های فدرال در این ایالات را اشغال کرده بودند. جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

در دوازدهم آوریل ۱۸۶۱، ارتش جنوب به فورت سامتر در چارلستون، کارولینای جنوبی، شلیک کرد. ارتش شمال پاسخ داد. جنگ داخلی آغاز شده بود. پرزیدنت لینکلن امیدوار بود که بتواند جنگ را در مدت کوتاهی به پایان برساند و اتحاد ایالات را حفظ کند. او می‌دانست که برای پایان دادن سریع به جنگ، او مجبور خواهد بود سرعت عمل به خرج دهد و احتمالاً دست به اقداماتی بزند که قانون اساسی مجاز نمی‌شمرد.

این بود دوراهی لینکلن: او سوگند یاد کرده بود که قانون اساسی را پاس بدارد. او همچنین به شهروندان وعده داده بود که اتحاد ایالات را حفظ کند. او معتقد بود که بدون این اتحاد، قانون اساسی تکه کاغذی بیش نخواهد بود. به نظر او خطری که موجودیت این ملت را تهدید می‌کرد به حکومت اجازه می‌داد که از نیروی صیانت نفس استفاده کند.

پرزیدنت لینکلن در پانزدهم آوریل ۱۸۶۱، اعلامیه‌ای صادر و از ۷۵۰۰۰ نیروی شبه‌نظامی خواست که علیه شورشیان جنوب بجنگند. وی در همان اعلامیه، از اعضای کنگره خواست که تقریباً سه ماه بعد در چهارم جولای گرد هم آیند. او قاطعانه می‌خواست که بدون مداخله کنگره، یا هر کس دیگری، جنگ را تمام کند.

در نوزدهم آوریل، لینکلن دستور محاصره بندرهای تمامی ایالات جدا شده را صادر کرد. در بیستم آوریل، او دستور اضافه شدن نوزده کشتی دیگر به ناوگان دریایی را صادر کرد. بندرهای کارولینای شمالی و ویرجینیا هم محاصره شدند.

در سوم می، لینکلن درخواست ۴۲۰۰۰ نیروی داوطلب از سراسر کشور کرد. ۲۴۰۰۰ نفر به ارتش و ۱۸۰۰۰ نفر به نیروی دریایی اضافه شدند. این اعلامیه با اصل اول قانون اساسی ناسازگار است که به کنگره اختیار می‌دهد «ارتش را حمایت و تقویت کند» و «یک نیروی دریایی ایجاد و ابقا کند».

لینکلن در بیستم آوریل، از وزیر خزانه‌داری خواست دو میلیون دلار به سه نفر در نیویورک بدهد تا برای ارتش آذوقه فراهم کنند. قانون اساسی می‌گوید «هیچ پولی نباید از خزانه خارج شود مگر بر اساس تخصیص قانونی». لینکلن این کار را ضروری دانست چون معتقد بود عده زیادی افراد غیرقابل اعتماد در دولت حاضر بودند.

همچنین لینکلن در شمال اقداماتی برای برقراری نظم عمومی انجام داد تا بی‌نظمی جنگ را مختل نکند. او اجازه داد در بعضی مناطق حکم احضار به دادگاه تعلیق شود؛ به این ترتیب، افراد ممکن بود دستگیر و زندانی شوند بدون آن که فرصت حضور در برابر قاضی را بیابند. او به اداره پست دستور داد جلوی «مکاتبات خیانت‌آمیز» را بگیرد.

وقتی اعضای کنگره در چهارم جولای گرد هم آمدند، پرزیدنت لینکلن با یک پیام ویژه به استقبال آنها رفت تا اعمالش را تأیید کنند. او در نامه‌اش استدلال کرد که هر حکومت مبتنی بر قانون اساسی باید قدرت و اختیار صیانت از خویش را داشته باشد و رئیس جمهور آمریکا از این قدرت استفاده کرده است. در این پیام، او دربارهٔ اعمالش بعد از دوازدهم آوریل نوشت «این تدابیر، قانونی یا غیرقانونی، در شرایطی به کار بسته شدند که به نظر می‌رسید یک تقاضا و ضرورت عمومی در کار است...».

نظر شما چیست؟

۱. آیا اقتدار ورزیدن پرزیدنت لینکلن از قلمرو و محدوده‌ای که قانون اساسی برای رئیس جمهور در نظر گرفته است، فراتر رفت؟ چگونه؟
۲. چه دلایلی می‌توانید در دفاع از اقدامات پرزیدنت لینکلن اقامه کنید؟ کدام ارزش‌ها و منافع پشت این استدلال‌هاست؟
۳. چه دلایلی می‌توانید در مخالفت با اقدامات پرزیدنت لینکلن اقامه کنید؟ کدام ارزش‌ها و منافع پشت این استدلال‌هاست؟
۴. چرا محدود کردن اقتدار مقامات حکومتی مهم است؟ اگر برای این محدودیت‌ها استثنایی قائل شویم، چرا مهم است که این موارد استثنا را به وضوح برشماریم؟

نگاه داشتن آمریکایی‌های ژاپنی تبار در اقامتگاه اجباری

به دنبال حمله ژاپن به پرل هاربر در دسامبر ۱۹۴۱، ایالات متحده با اعلام جنگ علیه ژاپن، آلمان و ایتالیا، درگیر جنگ جهانی دوم شد. مردم آمریکا هرگز با چنین وضعیت نظامی دشواری مواجه نشده بودند. ایالات متحده مجبور بود در دو بخش دور از هم دنیا درگیر جنگی بزرگ شود: در اروپا و در خاور دور. جنگیدن همزمان در دو جبهه بسیار دشوار بود، اما اغلب آمریکایی‌ها معتقد بودند که برای آزادی و امنیت کشور می‌جنگند. آنها بر این باور بودند که آینده ملت در دستان آنهاست.

در زمان حمله به پرل هاربر، بیش از ۱۲۵۰۰۰ آمریکایی ژاپنی تبار در ایالات متحده، به ویژه در سواحل غربی آمریکا، زندگی می‌کردند. بیش از دو سوم آنها شهروند آمریکا بودند. هر چند تا به حال هیچ موردی از خرابکاری یا جاسوسی به وسیله آمریکایی‌های ژاپنی تبار گزارش نشده بود، بسیاری نگران بودند که ممکن است این اتفاق بیفتد. آمریکایی‌های ژاپنی تبار مدت‌ها بود که از تبعیض و تعصب در ایالات متحده رنج می‌بردند. در اثر حمله به پرل هاربر وضعیت بدتر هم شد. آمریکایی‌ها که از پیروزی‌های ژاپن در جنوب اقیانوس آرام هراسان شده بودند، نگران بودند که ژاپنی‌ها به سواحل غربی آمریکا حمله کنند.

در نوزدهم فوریه ۱۹۴۲، پرزیدنت روزولت با صدور یک فرمان به این هراس پاسخ داد. بر اساس این فرمان، فرماندهان ارتش آمریکا می‌توانستند آمریکایی‌هایی که تبار ژاپنی دارند را از سواحل غربی به اردوگاه‌هایی منتقل کنند که از ساحل فاصله بیشتری داشتند. این فرمان تفکیکی بین شهروندان و غیرشهروندان قائل نمی‌شد.

این فرمان رئیس جمهور، به فرماندهان نظامی این قدرت را هم می‌داد که برخی مناطق را «منطقه نظامی» اعلام کنند. این فرماندهان اجازه داشتند هر کسی را از این مناطق بیرون کنند تا مانع خرابکاری و جاسوسی شوند. در دوم مارس ۱۹۴۲، کنگره قانونی تصویب کرد که هر کسی در این مناطق از دستور فرماندهان سرپیچی کند، ممکن است به زندان فرستاده شود، جریمه شود یا هر دو.

در سوم می ۱۹۴۲، ژنرال دوئیت، فرمانده منطقه نظامی سن‌لیاندرو در کالیفرنیا، فرمان اخراج غیرنظامیان از منطقه را صادر کرد. بر اساس این فرمان، بعد از نهم می ۱۹۴۲، همه کسانی که تبار ژاپنی دارند، از سن‌لیاندرو اخراج می‌شدند. این فرمان اعلام می‌کرد که این اخراج به دلیل احتمال «حضور

افراد نوافادار در گروه» صورت می گیرد. پیش از پایان ۱۹۴۲، سراسر ساحل غربی «منطقه نظامی» اعلام شد و بر اساس فرامین مشابه همه افراد با تبار ژاپنی به اردوگاه‌های اقامت اجباری فرستاده شدند. در طول جنگ، نیروهای نظامی تقریباً ۱۲۰۰۰۰ نفر آمریکایی ژاپنی تبار را به زور از خانه‌هایشان به اردوگاه فرستادند. هیچ اتهامی به این افراد زده نشد؛ هیچ ادعایی مبنی بر جاسوسی، خرابکاری یا جرمی دیگر اقامه نشد تا این جابجایی را توجیه کند. اغلب آنها در طول جنگ در اردوگاه نگاه داشته شدند یا در واقع سه سال زندانی شدند. آنها شغل، خانه و سایر املاک خود را از دست دادند.

نظر شما چیست؟

۱. پیامدهای اعمال اقتدار در سه مورد زیر چه بودند؟ کدام یک مزیت و کدام یک ضرر به حساب می‌آیند؟

• فرمان پرزیدنت روزولت در نوزدهم فوریه ۱۹۴۲

• قانون تصویب شده توسط کنگره در مارس ۱۹۴۲

• فرمان ژنرال دوئیت برای اخراج نیروهای غیرنظامی در نهم می ۱۹۴۲

۲. اگر پرزیدنت روزولت اقتدار لازم برای صدور فرمان در نوزدهم فوریه ۱۹۴۲ را نداشت چه اتفاقی ممکن بود بیفتد؟ اگر کنگره اقتدار لازم برای تصویب قانون در دوم مارس ۱۹۴۲ را نداشت چه اتفاقی ممکن بود بیفتد؟ اگر ژنرال دوئیت اقتدار لازم برای اخراج نیروهای غیرنظامی را نداشت چه اتفاقی ممکن بود بیفتد؟

۳. آیا به اردوگاه فرستادن آمریکایی‌های ژاپنی تبار در جنگ جهانی دوم نشان‌دهنده نیاز به سهل‌گیری در زمینه محدودیت‌های قانونی در زمان جنگ است یا لزوم پایبندی به محدودیت‌های قانونی حتی در زمان جنگ را نشان می‌دهد؟ توضیح دهید.

آماده شدن برای بحث در کلاس

پس از مطالعه موارد فوق، کلاس این پیشنهاد را به بحث می‌گذارد: رئیس جمهور باید مجاز باشد که در زمان جنگ خارج از محدودیت‌های قانون اساسی اقتدار بورزد. کلاس برای بحث به چهار گروه تقسیم می‌شود. دو گروه از پیشنهاد دفاع و دو گروه با آن مخالف می‌کنند. یک گروه از هر طرف، استدلال اولیه را عرضه می‌کند و گروه دیگر به استدلال اولیه گروه متقابل پاسخ می‌دهد و آن را به نقد می‌کشد. هر گروه دو یا سه نماینده خواهد داشت که در طول پنج دقیقه استدلال‌ها را ارائه می‌کند. دیگر اعضای گروه پس از آنکه در آماده‌سازی استدلال‌ها شرکت کردند، نقش مخاطب را بازی می‌کنند.

مباحثه

یک نفر باید نقش مجری را بازی کند و یک نفر هم باید وقت را بگیرد. مجری به طور مختصری موضوع را مطرح و اعلام می‌کند راجع به چه پیشنهادی باید مناظره صورت بگیرد. ابتدا گروهی که

می‌خواهد از پیشنهاد دفاع کند، استدلال اولیه را عرضه می‌کند، بعد گروهی که می‌خواهد با پیشنهاد مخالفت کند، استدلال اولیه را عرضه می‌کند. برای نقد استدلال‌ها ترتیب معکوس می‌شود. ابتدا گروهی که می‌خواهد با پیشنهاد مخالفت کند، استدلال می‌کند و بعد گروهی که می‌خواهد از پیشنهاد دفاع کند. در انتها مخاطبان مناظره می‌توانند رأی دهند. کل کلاس باید دربارهٔ مناظره بحث کند: چگونه مناظره دیدگاه آنها را تحت تأثیر قرار داد؟ کدام استدلال‌ها قانع‌کننده بودند؟ کدام استدلال‌ها قانع‌کننده نبودند؟ چرا؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. به اردوگاه فرستادن آمریکایی‌های ژاپنی تبار در جنگ جهانی دوم در دیوان عالی ایالات متحده مطرح شد: هیرابایاشی علیه ایالات متحده (۱۹۴۳)، کورماتسو علیه ایالات متحده (۱۹۴۴) و میتسویه اندو (۱۹۴۴). این موارد را مطالعه کنید و آنچه را فرا می‌گیرید، به کلاس گزارش کنید. در این گزارش، داوری خود در باب رأی دیوان عالی دربارهٔ این دعاوی را هم منظور کنید.

۲. تعلیق محدودیت‌های اقتدار در شرایط اضطراری چه خطراتی ممکن است داشته باشد؟ قبل از جنگ جهانی دوم، قانون اساسی آلمان قیودی برای شرایط اضطراری داشت که به هیتلر کمک کرد دیکتاتوری‌اش را برپا کند (مواد ۲۵ و ۴۸). تحقیق کنید این قیود چه مجوزهایی برای شرایط اضطراری می‌دادند، چه راه‌ها و محدودیت‌هایی برای پیشگیری از سوءاستفاده از این قیود وجود داشتند و بررسی کنید چرا این محدودیت‌ها مؤثر نبودند.

۳. با همکلاسی‌های خود مصاحبه‌ای تلویزیونی با یک آمریکایی ژاپنی تبار که به اردوگاه فرستاده شد را شبیه‌سازی کنید. در مسیر آماده‌سازی مصاحبه، تحقیق بیشتری دربارهٔ این اردوگاه‌ها بکنید. معلم کتاب‌هایی را پیشنهاد خواهد کرد.

چگونه یک منصب اقتدارآور را طراحی کنید؟

هدف این درس

در این درس شما دانش و مهارتی را که برای داوری درباره قلمرو و محدوده اقتدار به دست آورده‌اید، به کار می‌گیرید. در پایان درس، باید قادر باشید وظایف، اختیارات، امتیازات و محدودیت‌های یک منصب را طراحی کنید.

اصطلاحات ضروری

فرضی

تمرین تفکر انتقادی

طراحی یک منصب اقتدارآور

شما در این قسمت با مشکلی در یک مدرسه فرضی به نام «تفت‌های» دست و پنجه نرم خواهید کرد. داستان زیر را بخوانید. به گروه‌های سه تا پنج نفره تقسیم شوید. هر گروه نقش یک کمیته دولت دانش‌آموزی را بازی می‌کند که قرار است یک منصب تازه را در مدرسه تفت‌های طراحی کند. اعضای هر گروه باید «راهنمای کمیته‌ها» را بخوانند و به پرسش‌ها پاسخ دهند. بعد از آنکه هر گروه سخن گفت، کلاس باید در این باره بحث کند که بهترین راه حل برای مشکل مدرسه کدام است.

یک مشکل در دبیرستان «تفت‌های»

سال‌هاست که دانش‌آموزان دبیرستان «تفت‌های» یک دولت دانش‌آموزی دارند. دانش‌آموزان در هر ترم یک رئیس جمهور و تعدادی نماینده برای هر کلاس بر می‌گزینند. دولت دانش‌آموزی حق دارد برخی مقررات پدید آورد و فعالیت‌هایی نظیر فعالیت‌های ورزشی و رقص ترتیب دهد. اغلب دانش‌آموزان، آموزگاران و مسئولین مدرسه معتقد بودند که دولت دانش‌آموزی کارش را درست انجام می‌داد.

در طول دو سال گذشته، مشکلی در مدرسه پدید آمده بود. تعداد بیشتری از دانش‌آموزان مقررات را زیر پا می‌گذاشتند، تعداد دعوای افزایش پیدا کرده بود و فضای آرام مدرسه جای خود را به فضایی پرتنش داده بود. در مواردی، مدیر مدرسه دانش‌آموزان را متهم به سرقت از قفسه‌های سایر دانش‌آموزان

کرده بود. شایعاتی بر سر زبان‌ها بود که بعضی دانش‌آموزان اسلحه حمل می‌کنند. دستشویی‌ها مکان‌هایی خطرناک شده بودند.

برای سال‌ها آموزگاران و مسئولین مدرسه وظیفه رسیدگی به دانش‌آموزانی را داشتند که مقررات را زیر پا می‌گذاشتند. قانون آنها را مسئول می‌شناخت. افزایش دعوای و نقض قوانین آموزگاران را در موقعیت سختی قرار داد. بسیاری معتقد بودند که آنها بیش از آنکه مشغول تدریس باشند سرگرم امور انضباطی‌اند. آنها



معتقد بودند این وضعیت برای دانش‌آموزانی که قصد آموختن دارند، غیرمنصفانه است. شیوه رسیدگی به مسائل انضباطی توسط آموزگاران گاهی دانش‌آموزان را ناراحت می‌کرد. به نظر آنها بعضی معلم‌ها به مشکل دانش‌آموزان قانون‌شکن رسیدگی منصفانه‌ای نکرده‌اند. اغلب دانش‌آموزان اعتقاد داشتند که معلم‌ها گرفتارتر از آنند که در یک مناقشه به همه طرفین ماجرا گوش کنند. بسیاری از دانش‌آموزان اعتقاد داشتند که برای بهبود اوضاع کاری باید صورت گیرد. در یکی از جلسات دولت دانش‌آموزی در این باره بحث شد که چگونه می‌توان به مشکل آنها که متهم به شکستن قانون هستند رسیدگی منصفانه‌ای کرد. اعضای دولت دانش‌آموزی، تعدادی از آموزگاران و تعدادی از مسئولین مدرسه در جلسه بودند. بعد از بحثی طولانی درباره مشکلات، خانم ویلیس، مدیر مدرسه صحبت کرد.



او گفت «ما تصویر نسبتاً روشنی از مشکلی که با آن مواجهیم داریم. مایلم راه حل مسئله را از شما، دولت دانش‌آموزی بی‌روسم. اگر پیشنهادات معقولی داشته باشید، می‌پذیرم. به خاطر داشته باشید که بر اساس قانون ایالت من مسئول برقراری نظم در مدرسه هستم. تصمیم شما باید با قانون سازگاری داشته باشد».

همه پذیرفتند که پیشنهاد خانم ویلیس منصفانه است. وقتی آموزگاران و مسئولین جلسه را ترک کردند، یکی از دانش‌آموزان پیشنهاد کرد که منصب تازه‌ای تأسیس شود. بقیه دانش‌آموزان پذیرفتند و نمایندگان دانش‌آموزان وارد کمیته‌های مربوطه شدند تا منصب جدید در دبیرستان «تفت‌های» را طراحی کنند.

راهنمای کمیته‌ها

هر گروه باید به عنوان یکی از کمیته‌های دولت دانش‌آموزی برای طراحی منصب جدید در دبیرستان «تفت‌های» عمل کند. یک رئیس و یک فرد که مذاکرات را ثبت کند، انتخاب کنید. جدولی که پس از این می‌آید را برای طراحی منصب جدید استفاده کنید. هر یک از پرسش‌های جدول را با دقت بخوانید، مورد بحث قرار دهید و برایش پاسخی بیابید. وقتی جدول را کامل کردید، توصیفی از منصب جدید به دست دهید. از رئیس کمیته خود بخواهید که منصب پیشنهادی را برای بقیه کلاس تشریح کند. او باید به این موارد پردازد:

- هدف این منصب
 - وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌های این منصب
 - پیامدهای احتمالی (هزینه‌ها و دستاوردها) ایجاد چنین منصبی
- کلاس باید نقاط ضعف و قوت هر پیشنهاد را به بحث بگذارد و تلاش کند برای طراحی این منصب جدید در دبیرستان به توافق برسد.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. آیا شما با تصمیم کلاس برای ایجاد یک منصب تازه در دبیرستان موافق بودید؟ نامه‌ای به سردبیر روزنامه دبیرستان تفت‌های بنویسید و از منصب تازه دفاع یا با آن مخالفت کنید.
۲. درباره یکی از مشکلات محله یا شهرتان که ممکن است با ایجاد شغلی تازه حل شود، فکر کنید. آنچه در این درس فرا گرفتید برای طراحی این شغل استفاده کنید.

جدول ابزارهای مفهومی برای طراحی یک منصب اقتدارآور

پاسخ‌ها	پرسش‌ها
	چه مشکل یا مشکلاتی را می‌خواهید حل کنید؟
	آیا تاسیس این منصب مشکل را حل می‌کند یا راه‌های بهتری برای نیل به همان هدف وجود دارد؟ توضیح دهید.
	چه نوع منصبی را گروه شما پیشنهاد می‌کند: <ul style="list-style-type: none"> • یک منصب یا بیشتر؟ • یک منصب فردی یا یک کمیته؟ • انتخابی یا انتصابی؟ دلایل خود را تشریح کنید.
	این منصب چه وظایف، اختیارات، مزایا و محدودیت‌هایی باید داشته باشد؟ موارد زیر را در نظر داشته باشید: <ul style="list-style-type: none"> • تعداد وظایف • منابع موجود • امتیازات و محدودیت‌ها • پاسخگو بودن • شیوه‌های پیشگیری از سوءاستفاده از اقتدار • منصفانه بودن و احترام به ارزش‌های مهم
	پیامدهای تأسیس چنین منصبی چه ممکن است باشد؟ مزایا و هزینه‌های این منصب را در نظر بگیرید.

حدود به چالش کشیدن اقتدار کجاست؟

هدف این درس

این درس، آخرین درس درباره موضوع اقتدار است و برای شما فرصتی فراهم می‌آورد که حدود به چالش کشیدن اقتدار را بررسی کنید. شما یک نمونه از نافرمانی مدنی برگرفته از آنتیگونه، تراژدی یونان باستان به قلم سوفوکل را بررسی می‌کنید. کلاس این موضوع را به بحث می‌گذارد که آیا نافرمانی از قانون بر مبنای داوری وجدان فردی موجه است. در پایان درس، باید قادر باشید درباره حدود سرپیچی از اقتدار موضع‌گیری کنید و از موضع خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

نافرمانی مدنی

قانون برتر

سنت نافرمانی مدنی در آمریکا

در بخش پنجم آموختید که چگونه قلمرو و محدوده یک منصب اقتدار آور را تعیین کنید. دیدید که چه اتفاقی می‌افتد وقتی یک منصب اقتدار آور بد طراحی شده باشد یا فردی که در آن منصب قرار دارد آن را مورد سوءاستفاده قرار دهد. نویسندگان قانون اساسی ایالات متحده اهمیت محدود کردن اقتدار را درک کرده بودند. به همین دلیل بود که آنها در قانون اساسی، نظام سیاسی را بر مبنای تقسیم قدرت، نظارت و موازنه طراحی کردند. آنها لایحه حقوق بشر را با هدف حمایت از حقوق فردی تنظیم کردند تا جلوی سوءاستفاده قدرتمداران را بگیرند.

حکومت ایالات متحده بر اساس رأی اکثریت است، با این حال از حقوق افراد و اقلیت‌ها هم محافظت می‌کند. کسانی که با تصمیمات حکومت مخالفند، مجازند که به این تصمیمات اعتراض کنند و برای تغییر آنها بکوشند. مردم به شیوه‌های زیر می‌توانند دیدگاه خود را ابراز کنند:

- رأی دادن
- نامه نوشتن به رسانه‌ها یا مقامات
- امضای عریضه

- پیوستن به یک گروه اعتراضی یا سازمان سیاسی
- شرکت در تظاهرات
- تحریم کردن

اگر این شیوه‌ها کافی نباشند چه باید کرد؟ اگر شما حمایت و تبعیت از یک قانون را برخلاف اصول اخلاقی یا دینی خود بدانید و تمام تلاش‌هایتان برای تغییر آن قانون به بن‌بست رسیده باشد، چه باید کرد؟ چه گزینه‌هایی پیش روی شماست؟ در به چالش کشیدن اقتدار، یک فرد تا کجا می‌تواند پیش برود؟ اینها پرسش‌هایی بسیار دشوار هستند که قرن‌هاست فیلسوفان و پژوهشگران تلاش می‌کنند برای آنها پاسخی بیابند. در طول تاریخ، کسانی از تبعیت از قوانینی که ناعادلانه یا غیراخلاقی یافته‌اند، سر باز زده‌اند و از پیامدهای گاه بسیار شدید این کار رنج برده‌اند. کسانی دست به شورش و انقلاب زده‌اند؛ دیگران راه‌های کمتر خشونت‌بار را برای اعتراض برگزیده‌اند.

نافرمانی مدنی نوعی اعتراض غیرخشونت‌بار است. نافرمانی مدنی مبارزه علیه قانون یا سیاستی حکومتی است با هدف تغییر آن قانون یا سیاست. کسی که به نافرمانی مدنی دست می‌زند، آماده است پیامدهای آن را بپذیرد. وقتی ما درباره نافرمانی مدنی حرف می‌زنیم، فقط درباره شکستن قانون حرف نمی‌زنیم. ما درباره اعتراض آگاهانه به یک قانون یا سیاست که ناعادلانه تلقی می‌شود، صحبت می‌کنیم. این اعتراض می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود گیرد، مثلا:

- نپرداختن مالیات
- سوزاندن کارت سربازی
- کمک کردن به برده‌های فراری
- زنجیر کردن خود به یک کارخانه انرژی هسته‌ای

نافرمانی مدنی در تاریخ ایالات متحده ریشه‌ای عمیق دارد و در مواردی به تغییرات عمیق در قانون اساسی منجر شده است. هواداران الغای بردگی قوانینی را که از برده‌داری حمایت می‌کرد، به رسمیت نشناختند و زندان را به نظامی که غیراخلاقی می‌دانستند، ترجیح دادند. آنها ترجیح دادند به جای قانون حکومتی از «قانون برتر» دینی یا اخلاقی خود تبعیت کنند.

رهبران جنبش حق رأی زنان، جنبش حقوق مدنی و جنبش‌های ضد جنگ هم ترجیح دادند به جای تبعیت از قوانینی که نادرست می‌دانستند، به زندان بروند. مارتین لوتر کینگ، که عمیقا تحت تأثیر آموزه‌های مهاتما گاندی بود، در نامه‌ای که از زندان شهر بیرمنگام نوشته است، می‌گوید «به باور من کسی که قانونی را می‌شکند چرا که ندای وجدانش به او می‌گوید این قانون ناعادلانه است و در زندان می‌ماند تا وجدان جامعه را علیه این بی‌عدالتی بیدار کند، در واقع بالاترین سطح احترام به قانون را به نمایش می‌گذارد».

نافرمانی مدنی انتخابی افراطی است برای زمانی که به نظر می‌رسد هیچ گزینه دیگری در کار نیست. در چه شرایطی نافرمانی مدنی انتخاب مناسبی است؟ در این درس شما حدود چالش اقتدار را مورد توجه قرار می‌دهید. شما ممکن است هیچ وقت به نافرمانی مدنی دست نزنید، اما ممکن است با قوانینی مواجه شوید که علیه باورهای اخلاقی یا دینی خود می‌یابید. تمرینی که بعد از این می‌آید به شما کمک می‌کند

درباره پرسش‌هایی تأمل کنید که در چنین شرایطی پیش می‌آیند. این تمرین ابزارهایی در اختیار شما قرار می‌دهد که با موضوعاتی بسیار دشوار دست و پنجه نرم کنید.

تمرین تفکر انتقادی

نافرمانی مدنی در آنتیگونه

داستان زیر را بخوانید و از راهنمای بحث در کلاس که پس از آن می‌آید، استفاده کنید. این داستان از آنتیگونه، تراژدی یونانی به قلم سوفوکل (۴۴۲ پیش از میلاد)، اقتباس شده است. سوفوکل داستان زنی، آنتیگونه را باز می‌گوید که به ندای وجدان، قانون را زیر پا می‌گذارد و عواقبش را به جان می‌خرد.

تراژدی آنتیگونه

وقتی آنتیگونه تقریباً هجده ساله بود، عموی او کرئون فرمانروای تب، شهری مهم در یونان باستان شد. آنتیگونه و کرئون، هر دو اراده‌ای قوی داشتند؛ هر دو به آنچه درست می‌دانستند، عمیقاً باور داشتند و چون هیچ کدام حاضر به سر فرود آوردن در برابر دیگری نبود، خودشان و شهر را گرفتار یک تراژدی بزرگ کردند.

در چه شرایطی می‌توان از اقتدار سیاسی نافرمانی کرد؟ آنتیگونه جواب خود را به این پرسش داد و در راهش جان داد. کرئون پاسخ متفاوتی داشت و هر چه را دوست می‌داشت از دست داد.

فرمان کرئون

پیش از آن که کرئون پادشاه تب شود، برادرش ادیپ فرمانروا بود. ادیپ دو دختر داشت، آنتیگونه و ایسمنه و دو پسر، اتئوکلس و پولونیکس. مرگ ادیپ را از آن سرزمین راند و تب بدون فرمانروا شد. شهروندان تب انتخاباتی برگزار کردند و اتئوکلس را به عنوان پادشاه برگزیدند. پولونیکس معتقد بود چون او برادر بزرگتر است، این حق او بود که فرمانروا باشد. دو برادر نزاع کردند. اتئوکلس پولونیکس را تبعید کرد و او هم وعده انتقام داد. پولونیکس سپاهی بزرگ گرد آورد تا بر سر تاج و تخت بجنگد.

پولونیکس و سپاهیان‌ش به تب بازگشتند و شهر را مورد هجومی وحشیانه قرار دادند. جنگی طولانی و تلخ میان دو برادر در گرفت. در طول جنگ بسیاری مردند و املاک بسیاری نابود شد. سرانجام، اتئوکلس و پولونیکس با یکدیگر جنگیدند و یکدیگر را کشتند.

دوباره مردم تب بدون فرمانروا ماندند. آنها کرئون را به پادشاهی برگزیدند. کرئون با مردم سخن گفت و به آنها خاطر نشان کرد که در غیاب اقتدار چه رخ می‌دهد. او به آنها گفت از سر خیرخواهی برای سرزمین خود هم که شده باید از این زمانه غمبار درس بگیرند. به عنوان مثال، او فرمان داد که اتئوکلس همچون یک قهرمان به خاک سپرده خواهد شد اما پولونیکس که علیه تب جنگید، بر زمین جنگ رها خواهد شد تا جنازه‌اش متعفن شود. هیچ کس در سوگ او نخواهد نشست؛ هیچ کس از او یاد نخواهد کرد. هر کس از این فرمان سرپیچد و جنازه او را دفن کند، کشته خواهد شد.

مردم تب حکمت این فرمان کرئون را مورد بحث قرار دادند. در یک سو، بسیاری اعتقاد داشتند

که به خاک سپردن جسد وظیفه‌ای مقدس است. به نظر آنها، نفوس دفن نشده محکوم به سرگردانی ابدی‌اند. دیگران اعتقاد داشتند که فرمان کرئون موجه بود چون شهر از دست شورشیان و قانون‌شکنان عذاب دیده بود. سرنوشت پولونیکس درس عبرتی می‌توانست باشد برای آنها که به اقتدار دولت احترام نمی‌گذارند.

قانون برتر

آنتیگونه، خواهر پولونیکس، با تمام وجود باور داشت که قوانین خداوندان برتر از قوانین دولت‌اند. او قصد داشت از قانون خدایان پیروی کند و برادرش را به خاک بسپارد. او تلاش کرد خواهرش ایسمنه را هم قانع کند که به او بپیوندد. ایسمنه از خواهرش پرسید «آیا می‌خواهی جسم برادرمان را برخلاف قانون به خاک بسپاری، آنتیگونه؟». آنتیگونه پاسخ داد «اگر تو به من نپیوندی، من سهم تو را هم ادا خواهم کرد. من هرگز به برادرم جفا نمی‌کنم». ایسمنه پرسید «این زیاده‌روی نیست؟ این قدم نهادن به آن سوی مرزهای مجاز نیست؟ وقتی کاری را می‌کنی که کرئون، به عنوان پادشاه ممنوع کرده است؟». آنتیگونه با قاطعیت پاسخ داد «او حق ندارد مانع پایبندی من به سنت‌های مقدس شود». ایسمنه ادامه داد «اگر ما کاری را که تو می‌گویی بکنیم و قانون را زیر پا بگذاریم، در برابر قدرت پادشاه تنها خواهیم بود و هلاک خواهیم شد! چون ما مجبور به اطاعت از این قانونیم، می‌توانیم عفو خدایان را طلب کنیم». آنتیگونه گفت «به قانون عمل کن، ایسمنه، اگر ناگزیری، بیش از این اصرار نمی‌کنم که به من بپیوندی. اما من پولونیکس را بدون کمک تو دفن خواهم کرد. اگر در این راه کشته هم شوم، هراسی نیست. جرم من «گناه» نیست. من سرسپردگی عمیق‌تری به قوانین خدایان دارم تا قوانین انسان‌ها. اگر تو به من نپیوندی، گناه بی‌حرمتی به قوانین خدایان بر دوش توست». ایسمنه پاسخ داد «من هیچ میلی به بی‌حرمتی به قوانین خدایان ندارم، آنتیگونه، اما من توان شکست دادن دولت را هم ندارم». آنتیگونه گفت «پس من به تنهایی حرمت برادری را که عاشقانه دوست می‌دارم، نگاه می‌دارم».

تنبیه

وقتی آنتیگونه برای دفن برادرش رفت، کرئون همراه با دو ملازمش در باغ بود. او عمیقا نگران تصمیمی بود که تازه گرفته بود. «وفاداری به دولت برترین خیر است. آنها که برای دوستان و خانواده ارزش بیشتری قائلند، اشتباه می‌کنند. آنها فراموش می‌کنند که این کشتی دولت است که ما را در سفر طوفانی زندگی به ساحل امن می‌رساند و تنها زمانی که دولت کامیاب شود، ما می‌توانیم دوستان واقعی بیابیم یا زندگی شایسته‌ای داشته باشیم. بدتر از همه کسانی مثل برادرزاده من پولونیکس هستند که علیه سرزمین خویش قیام می‌کنند. هیچ افنخاری نصیب آنها نمی‌شود. اینها قواعد من هستند! به همین دلیل است که فرمان من آنها را که در جنگ برای شهرمان جان سپردند، محترم می‌شمارد، اما حتی دست زدن به پولونیکس را که علیه سرزمین خویش جنگید، ممنوع می‌کند. او تلاش کرد خون بستگان خویش را بنوشد و دیگران را برده خویش سازد. جسم او لمس نشده، سوگواری نشده و دفن نشده رها خواهد شد تا از این پس نشانه شرم و ننگ باشد. تنها با پایبندی به این قواعد است که شهر ما می‌تواند امن و شکوفا باشد. تنها با پایبندی به این قواعد است که شهر ما می‌تواند از جنگ داخلی و ویرانی در امان بماند».

ناگهان یکی از نگهبانان با عجله وارد باغ شد و خبر داد که پولونیکس دفن شده است. کرئون با خشم دستور داد که فرد خاطی را بیابند. نگهبان آنتیگونه را تحت الحفظ آورد. «من این زن را در حال دفن جنازه پولونیکس گیر انداختم».

کرئون به برادرزاده اش رو کرد و پرسید آیا انکار می کند که جنازه پولونیکس را دفن کرده است. او انکار نکرد. کرئون به آنتیگونه گفت «به من بگو آیا نمی دانستی قانونی



هست که آنچه را تو کردی ممنوع می کند؟ اگر می دانستی، چرا از قانون سرپیچی کردی؟ تو برادرزاده منی و قرار است به زودی با هایمون، پسر من ازدواج کنی. چطور چنین چیزی ممکن است؟».

آنتیگونه پاسخ داد «من قانون را می دانستم، همه می دانستند. چرا من این کار را کردم؟ بشنو: زئوس، خدای خدایان، نبود که این فرمان را صادر کرد. فرمان تو بخشی از عدالت ابدی نیست و من

باور ندارم که فرامین تو را باید همیشه اطاعت کنم. قوانین نانوشته عدالت ابدی برترند و به دلیل آنها بود که من از قانون فروتر تو سرپیچی کردم».

آنتیگونه ادامه داد «قانون تو قانون امروز است، اما قانون آسمان ابدی است، برای همه زمانها و مکانها. هیچ کس حتی نمی داند این قوانین برای نخستین بار عرضه شدند. قانون ابدی به من دستور می دهد که برادرم، پولونیکس را به خاک بسپارم. من حاضرم در راه انجام این کار بمیرم؛ من به هر حال روزی خواهم مرد. برای من اهمیتی ندارد که تو من را به مرگ محکوم کنی. اگر من برادرم را لمس ناشده و دفن نشده رها کرده بودم، عمیقاً پشیمان می شدم. بنابراین، برای آنچه انجام دادم متاسف نیستم».

کرئون جواب داد «این برادر تو به دولت خویش حمله کرد! کمک کردن به خائنانی که به کشورت حمله می کنند، افتخار نیست. ما باید عمیق ترین سرسپردگی و وفاداری را به کشورمان داشته باشیم. درباره برادر دیگرگرت که در راه دفاع از دولتش جان سپرد چه فکر می کنی؟».

آنتیگونه گفت «من به خواست خدایان سرسپردم، من با احترام گذاشتن به فرد مرده از قانونی فراتر از قانون دولت پیروی کرده ام. به علاوه، سایر شهروندان تب با من هم نظرند؛ ترس است که لبانشان را به هم دوخته است».

کرئون گفت «خدایان فرمان به انجام چنین کارهای نادرستی نمی دهند». آنتیگونه پاسخ داد «تو نمی توانی از جانب خدایان سخن بگویی. چه کسی می تواند بگوید که آنها با من مخالفند؟».

کرئون ادامه داد «وظیفه من است که در این سرزمین ویران شده با جنگ، نظم و صلح برقرار کنم. شهر ما هنوز در خطر است و هواداران دو برادر مرده تو آن را به دو پاره تقسیم کرده اند. سرنوشت پولونیکس شورشی باید درس عبرتی باشد برای آنها که از قانون نافرمانی می کنند و دولت را سرنگون

می سازند. تو، آنتیگونه، شادکامی آینده خود را به دور انداختی تا برادر شورشی ات را دفن کنی. با سرپیچی کردن از قانونی که امنیت و سعادت شهر در گرو آن است، چاره‌ای ندارم جز آنکه تو را به دست مرگ بسپارم. آنتیگونه، به نظر من یک جنازه دفن نشده بهای منصفانه‌ای برای برقراری دوباره صلح و نظم در تب است، اما تو از پذیرفتش سر باز می‌زنی. بگذار چنین باشد. تو برای من انتخاب دیگری باقی نمی‌گذاری. نگهبانان، این زن را از پیش چشم من دور و محبوس کنید! او نباید از دیدار مرگ محروم شود».

درخواست هایمون برای تجدید نظر

وقتی هایمون، نامزد آنتیگونه شنید که چه اتفاقی افتاده، به سراغ پدرش کرئون رفت تا درخواست عفو کند. کرئون پذیرفت. کرئون برای هایمون توضیح داد «از میان تمامی شهروندان تب، آنتیگونه و تنها آنتیگونه از قانون من سر باز زد. اگر او را نکشم، در چشم مردمانم یک دروغ‌گو جلوه خواهم کرد. شهروندان تب من را زبون خواهند یافت. نظم عمومی و خود دولت در خطر خواهند بود. من نمی‌توانم دو حکم داشته باشم، یکی برای بستگانم و یکی برای سایرین. پسر، اگر بناست این شهر برقرار بماند، اقتدار باید تبعیت شود، چه در امور خرد، چه در امور کلان، عادلانه یا ناعادلانه. نافرمانی شرا عظم است. نافرمانی شهرها را به ویرانی می‌کشاند. خانه‌ها را به خرابه تبدیل می‌کند».

هایمون پس از شنیدن سخنان پدرش، پاسخ داد «پدر به من گوش کن. اصلا و ابدا نمی‌خواهم بگویم که درست نمی‌گویی. با این حال، دیگران - از جمله من - هم ممکن است چیز درخوری برای گفتن داشته باشند. من چشم و گوش توام و می‌توانم روبروی تو بایستم و آنچه را دیگران می‌ترسند به تو بگویند، با تو در میان بگذارم. پدر، آنها ناخرسندند. من می‌شنوم که مردم در تاریکی زیر لب سخن می‌گویند. آنها برای آنتیگونه زار می‌زنند. آنها می‌گویند او برای آنچه انجام داد، شایسته تشویق است، نه تنبیه. این است شایعه دردناکی که به آرامی در همه جا پیچیده است. آنها که به راستی خردمندند می‌دانند که گاهی باید به جای پافشاری بر خواسته‌هایمان، سر خم کنیم. پدر نمی‌بینی که وقتی باد به شدت می‌وزد، درختانی که سر خم می‌کنند، سالم می‌مانند، اما درختانی که شق و رق می‌ایستند، شاخه‌هایشان را از دست می‌دهند و حتی از ریشه کنده می‌شوند؟ از خطای آنتیگونه چشم‌پوشی کن، چون اگر او را بکشی مردم بر تو خواهند شورید».

کرئون پرسید «آیا می‌خواهی که بی‌قانونی را به رسمیت بشناسم؟ این است آنچه آنتیگونه نمایندگی می‌کند. آیا باید به خلافکاران احترام بگذارم؟». هایمون گفت «مردم تب یک صدا می‌گویند که آنتیگونه خطاکار نیست. تو، پدر، حق نداری فرمان خدایان را زیر پا بگذاری. خدایان قوانین خود را دارند که برتر از قوانین تو هستند».

کرئون گفت «درباره قوانین با من حرف نزن، هایمون. قوانین این جهانی شهر ما و تمدن ما را برپا نگاه می‌دارند. جنگ داخلی شهر ما را ویران کرد. زخم‌های ما تازه و التیام نایافته‌اند. اگر بگذاریم آنتیگونه شیوه خود را در پیش بگیرد، آنگاه هر کسی می‌تواند قانونی را که نادرست می‌داند، زیر پا بگذارد. اگر قانون‌شکنان تنبیه نشوند، از نظم مدنی شکننده ما جز هرج و مرج به جا نخواهد ماند. حتی بی‌گناهان رنج خواهند کشید! ما شهری بی‌قانون خواهیم شد و تفاوتی با بربرها نخواهیم داشت».

پیامدهای تراژیک

کرتون دستور داد آنتیگونه را در غاری رها کنند. آنتیگونه در راه غار، که هم زندان و هم مزار او خواهد بود، با مردمی که برای دیدار او گرد آمده بودند، سخن گفت. او با صدای بلند گفت «مردم تب، همشهریان من، مرا ببینید، مرا ببینید که رهسپار آخرین سفر خویشم و برای آخرین بار به نور خورشید چشم می‌دوزم. من باکره و تنها می‌میرم و کسی برای من زاری نخواهد کرد. چه موجود سیاه‌بختی‌ام من! روز را از شب گریزی نیست، چنان که مرا از سرنوشت خویش. چرا قرار است که من بمیرم؟».

کرتون از قصر خویش بیرون آمد و گفت «شهروندان تب، به آنچه می‌خواهم بگویم گوش بسپرید. این فرمان دردناکی است که من می‌دهم، اما گریزی نیست.

آنتیگونه با تلاش برای به خاک سپردن پولونیکس، آگاهانه

قانون دولت را زیر پا گذاشت. اگر ما اجازه دهیم مردم قانون‌شکنی کنند، شهر ما برقرار نخواهد ماند. این وظیفه من، وظیفه رسمی من به عنوان یک حاکم است که مانع ویرانی شهر به واسطه چنین اعمال شورشگرانه‌ای شوم. به همین دلیل، آنتیگونه به غاری در کوه برده و در آنجا زندانی می‌شود. به او غذا داده می‌شود، ولی فقط به اندازه‌ای که تب را متهم به قساوت بیش از حد نکنند. او رو به آنتیگونه کرد و پرسید «آنتیگونه، چیزی برای گفتن داری؟». آنتیگونه گفت «کرتون، فقط اینکه من محکوم به مرگ شدم برای آنکه به جای تبعیت از قوانین زمین از قوانین آسمان پیروی کردم. می‌دانم که احترام من برای خدایان، تو را آزوده ساخته است، اما من درون قلب و ذهن خویش احساس گناه نمی‌کنم. من مرتکب جرمی نشده‌ام. من وظیفه‌ام را انجام دادم. خود را به خدایانی می‌سپارم که به آنها خدمت کرده‌ام و می‌دانم که قوانین آنها را زیر پا نگذاشته‌ام».

پس از آنکه نگهبانان آنتیگونه را دور کردند، یک پیشگوی نابینا به کرتون هشدار داد که آنتیگونه را نکشد. «ارابه خورشید در آسمان باز خواهد ایستاد پیش از آنکه تو بهای سرنوشت آنتیگونه را با جسم بستگانت بپردازی. به زودی خانه‌ات سرشار از ندبه و زاری خواهد شد. تو را از پیش‌گویی من گریزی نیست».



سرانجام با اکراه فراوان، کرئون از تصمیم خود بازگشت. اما برای این کار بسیار دیر بود. وقتی به غار نزدیک شد، صدای زاری پسرش هایمون را شنید که در سوگ معشوقه‌اش آنتیگونه می‌گریست؛ آنتیگونه خورا به دار آویخته بود. کرئون به درون غار نگاهی انداخت و پسرش را دید که عروس آینده را در آغوش گرفته و مویه می‌کند. کرئون به پسرش التماس کرد که از آن محل دور شود. اما هایمون، ناسزاگویان به او، با خنجر خویش را کشت در حالی که در آخرین لحظه‌های زندگی‌اش آنتیگونه را رها نمی‌کرد.

چند ساعتی نگذشته بود که پیام آوری وارد شد و به کرئون خبر داد که ابعاد فاجعه عظیم‌تر از آن است که کرئون می‌پنداشت. وقتی همسرش شنید که هایمون مرده است، او هم خود را کشت. زندگی کرئون بر باد رفت. هر آنچه بدان عشق می‌ورزید، از دست رفته بود. او مردی در هم شکسته شد که در انتظار چیزی جز مرگ نبود.

آماده شدن برای بحث در کلاس

معلم کلاس را به پنج گروه تقسیم می‌کند: گروه یک، استدلال‌های اولیه در دفاع از موضع کرئون را آماده و عرضه می‌کند. گروه دو، به استدلال‌هایی جواب می‌دهد که در دفاع از موضع آنتیگونه عرضه شده است. گروه سه، استدلال‌های اولیه در دفاع از موضع آنتیگونه را آماده و عرضه می‌کند. گروه چهار، به استدلال‌هایی جواب می‌دهد که در دفاع از موضع کرئون عرضه شده است. گروه پنج، شهروندان تب را نمایندگی می‌کند. این گروه به استدلال‌های دو طرف گوش می‌دهند، سؤال می‌کنند و قضاوت می‌کنند که کدام طرف استدلال‌های قانع‌کننده‌تری عرضه کرده است. هر گروه باید راهنمای زیر را برای مباحثه استفاده کند.

گروه یک - کرئون: گروه شما از موضع کرئون دفاع می‌کند. استدلال‌هایتان را آماده و یک سخنگو انتخاب کنید که آنها را به کلاس عرضه کند.

گروه دو - نقد آنتیگونه: گروه شما به استدلال‌هایی جواب می‌دهد که در دفاع از موضع آنتیگونه عرضه شده است. آن استدلال‌ها را پیش‌بینی کنید، آماده پاسخگویی باشید و یک سخنگو انتخاب کنید که استدلال‌هایتان را به کلاس عرضه کند.

گروه سه - آنتیگونه: گروه شما از موضع آنتیگونه دفاع می‌کند. استدلال‌هایتان را آماده و یک سخنگو انتخاب کنید که آنها را به کلاس عرضه کند.

گروه چهار - نقد کرئون: گروه شما به استدلال‌هایی جواب می‌دهد که در دفاع از موضع کرئون عرضه شده است. آن استدلال‌ها را پیش‌بینی کنید، آماده پاسخگویی باشید و یک سخنگو انتخاب کنید که استدلال‌هایتان را به کلاس عرضه کند.

گروه پنج - شهروندان تب: گروه شما شهروندان تب را نمایندگی می‌کند. شما همه گروه‌های فوق را مورد سؤال قرار می‌دهید تا ببینید استدلال‌های کدام گروه را ترجیح می‌دهید.

یک رئیس برای گروه خود انتخاب کنید. فهرستی از پرسش‌ها تدارک ببینید تا بتوانید مواضع سایر گروه‌ها را بررسی کنید و استدلال‌های آنها را به چالش بکشید.

مباحثه

۱. بعد از آنکه همه گروه‌ها زمان کافی برای آماده شدن داشتند، رئیس گروه شهروندان، شروع مباحثه را اعلام می‌کند.
۲. هر گروه پنج دقیقه وقت دارد که استدلال‌های خود را عرضه کند. ترتیب از این قرار است: گروه یک، گروه سه، گروه چهار، گروه دو. بعد از هر گروه، شهروندان تب می‌توانند سؤال کنند.
۳. اعضای هر گروه می‌توانند قبل از پاسخ دادن به پرسش‌ها با هم مشورت کنند. هر کدام از اعضای گروه می‌تواند به پرسش‌ها پاسخ دهد.
۴. بعد از آنکه همه گروه‌ها استدلال‌های خود را عرضه کردند، گروه شهروندان با یکدیگر مشورت می‌کنند تا بهترین استدلال‌ها را انتخاب کنند. رئیس باید تصمیم نهایی را به کلاس اعلام کند. کلاس تصمیم گروه شهروندان را به بحث می‌گذارد و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ می‌دهد.

نظر شما چیست؟

۱. نقاط قوت و ضعف موضع کرئون چه بود؟ نقاط قوت و ضعف موضع آنتیگونه چه بود؟
۲. آیا آنتیگونه راه‌های مؤثر دیگری برای اعتراض به قانون کرئون داشت؟ اگر پاسخ مثبت است، کدام راه‌ها؟
۳. وقتی تصمیم به سرپیچی از یک قانون می‌گیریم، چه عواملی را باید در نظر داشته باشیم؟
۴. چه باید کرد اگر افرادی که ارزش‌های دینی و اخلاقی متفاوتی دارند درباره‌ی معنای قانون برتر اختلاف نظر داشته باشند؟
۵. آیا به نظر شما نافرمانی مدنی در شرایطی موجه است؟ توضیح دهید.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. ایالات بسیاری، از جمله میشیگان، قوانینی دارند که کمک به خودکشی را ممنوع می‌کنند. دکتر جک کورکیان آشکارا قانون میشیگان را زیر پا گذاشت. او مدعی شد که قانون برتر، یعنی قانون اساسی به مردم حق داده به زندگی خود پایان دهند و برای خودکشی از کمک یک دکتر برخوردار باشند. تحقیق کنید کار دکتر کورکیان به کجا کشید و برای کلاس گزارشی در این باره فراهم کنید.

۲. درطول جنگ جهانی دوم، بسیاری از مردم از قانون‌های نازی‌ها دربارهٔ ضرورت تحویل دادن یهودی‌ها سرپیچی کردند و جان خود را به خطر انداختند. به عنوان مثال، در یکی از روستاهای جنوب فرانسه، همه ساکنان روستا مخفیگاهی برای آوارگان یهودی فراهم آوردند. در دانمارک، رهبرانی نظیر پادشاه کریستین دهم و اسقف لوتری کپنهاگ آشکارا با قانون نازی‌ها دربارهٔ اخراج مخالفت کردند و با کمک دانمارکی‌های غیریهودی بیش از نود درصد یهودیان توانستند به سوئد فرار کنند. با کمک همکلاسی‌های خود دربارهٔ این موارد و موارد دیگری از مقاومت در مقابل قانون‌های ناعادلانه نازی‌ها تحقیق کنید و در قطعه‌ای ادبی آنچه رخ داد را به نحوی نمایشی بیان کنید. این قطعه را در کلاس اجرا کنید و موضوعات مربوط به اقتدار را به بحث بگذارید.

فصل دوم

حریم خصوصی

بخش اول ❖ اهمیت حریم خصوصی در چیست؟

درس اول ❖ حریم خصوصی چیست؟ ❖ ۱۰۰

درس دوم ❖ افراد چگونه حریم خصوصی خود را حفظ می‌کنند؟ ❖ ۱۰۴

درس سوم ❖ چرا حریم خصوصی برای افراد و نهادها مهم است؟ ❖ ۱۰۷

بخش دوم ❖ چگونه می‌توان تنوع رفتارهای خصوصی را توضیح داد؟

درس چهارم ❖ چرا رفتارهای خصوصی افراد متفاوت است؟ ❖ ۱۱۴

درس پنجم ❖ چگونه جوامع مختلف با حریم خصوصی کنار می‌آیند؟ ❖ ۱۲۰

بخش سوم ❖ مزایا و مضار حریم خصوصی چیست؟

درس ششم ❖ برخی پیامدهای محتمل حریم خصوصی چیستند؟ ❖ ۱۲۶

درس هفتم ❖ برخی از مزایا و مضار محرمانه نگاه داشتن امور چیستند؟ ❖ ۱۳۰

درس هشتم ❖ برخی از مزایا و مضار محرمانه نگاه داشتن اسرار حکومتی چیست؟ ❖ ۱۳۶

بخش چهارم ❖ قلمرو و محدوده حریم خصوصی کجاست؟

درس نهم ❖ در بحث حریم خصوصی، چه ملاحظاتی باید در نظر داشته باشیم؟ ❖ ۱۴۰

- ❖ درس دهم ❖ اجرای قانون چه کشمکشی در قلمرو حریم خصوصی ممکن است پدید آورد؟ ❖ ۱۴۵
- ❖ درس یازدهم ❖ چگونه پیشرفت‌های فن‌آوری حریم خصوصی را به مخاطره می‌اندازد؟ ❖ ۱۴۹
- ❖ درس دوازدهم ❖ انسان‌ها چه انواعی از حق حریم خصوصی نسبت به بدن خویش دارند؟ ❖ ۱۵۵
- ❖ درس سیزدهم ❖ چگونه باید تنش میان حریم خصوصی و آزادی مطبوعات را رفع کنیم؟ ❖ ۱۶۰

مقدمه

«مردم حق دارند خود، خانه‌های خود، اسناد و مدارک خود و دارایی‌های خود را از تفتیش و توقیف نامعقول مصون نگاه دارند و این حق نباید زیر پا گذاشته شود...» این نقل قول از متمم چهارم قانون اساسی آمریکا حکومت را موظف می‌کند که حق حریم خصوصی را محترم شمارد. امروزه، حق حریم خصوصی بسیار گسترده‌تر از مصون نگاه داشتن اشخاص و خانه‌های آنها از تفتیش و توقیف نامعقول است. دیوان عالی تصدیق کرده است که حریم خصوصی متضمن اینک ما بتوانیم خود تصمیم بگیریم، کدام اطلاعات شخصی را با دیگران شریک شویم و چگونه موضوعات اساسی زندگی خود نظیر ازدواج کردن یا نکردن و بچه‌دار شدن یا نشدن را سر و سامان بدهیم نیز می‌باشد.

لایحه حقوق بشر به طور مشخص به حق حریم خصوصی اشاره نمی‌کند، اما دیوان عالی موارد زیر را متضمن حفاظت از حریم خصوصی تشخیص داده است: متمم چهارم قانون اساسی، مصونیت از متهم ساختن خویش در متمم پنجم قانون اساسی، ممنوعیت اقامت سربازان در منزل شخصی در متمم سوم قانون اساسی و آزادی گردهمایی و بیان در متمم اول قانون اساسی. از همه مهم‌تر، دیوان عالی به این نتیجه رسیده است که حق حریم خصوصی بخشی بنیادین از «آزادی» است که متمم چهاردهم قانون اساسی آن را تضمین می‌کند.

حق حریم خصوصی نوعی حمایت بنیادین از آزادی و منزلت انسان است. حریم خصوصی هم فی‌نفسه ارزشمند است و هم برای بهرمنند شدن از سایر حقوق نظیر آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی دین و آزادی عقیده. بدون حق حریم خصوصی، سایر حقوق مهم، از معنا تهی می‌شوند.

حق حریم خصوصی مطلق نیست؛ در بعضی شرایط حق فرد به حریم خصوصی محدود می‌شود تا نیاز جامعه به نظم و اطلاعات مرتفع شود. ما باید بتوانیم در این باره فکر کنیم و تصمیم بگیریم که در چه شرایطی معقول است که حق خود را به حریم خصوصی محدود کنیم تا مصالح جامعه تأمین شود. متن حاضر به شما کمک می‌کند که حریم خصوصی و اهمیت آن را بهتر درک کنید و هنگامی که به عنوان یک شهروند جامعه آزاد، در زندگی روزمره با امور مرتبط با حریم خصوصی مواجه می‌شوید، بتوانید با این امور بهتر مواجه شوید.

بخش اول

اهمیت حریم خصوصی در چیست؟

هدف این بخش

این بخش به شما کمک می‌کند که درک بهتری از معنا و اهمیت حریم خصوصی داشته باشید. شما فرا می‌گیرید که نمونه‌هایی از حریم خصوصی در موقعیت‌های مختلف را تشخیص دهید و توصیف کنید. شما همچنین فرا می‌گیرید که موقعیت‌های واجد حریم خصوصی را از موقعیت‌های فاقد حریم خصوصی تفکیک کنید و با رفتارهایی آشنا می‌شوید که معمولاً افراد در پیش می‌گیرند تا از حریم خصوصی خود محافظت کنند. به علاوه، نیاز افراد و نهادها به حریم خصوصی را بررسی می‌کنید.

دروسی اول

حریم خصوصی چیست؟

هدف این درس

این درس شما را با اهمیت حریم خصوصی آشنا می‌کند و توضیح می‌دهد که در این دوره آموزشی معنای حریم خصوصی چیست. در پایان این درس شما باید بتوانید موقعیت‌های واجد حریم خصوصی را از موقعیت‌های فاقد حریم خصوصی تفکیک کنید. شما همچنین باید بتوانید چیزهایی را که متعلق به حریم خصوصی هستند توصیف کنید و توضیح دهید چرا مردم مایلند در برخی شرایط حریم خصوصی داشته باشند.

اصطلاحات ضروری

حریم خصوصی
تنهایی
متعلقات حریم خصوصی

تمرین تفکر انتقادی

درجات حریم خصوصی

اکثر مردم پاره‌ای از اطلاعات درباره خود را تقریباً با هر کسی در میان می‌گذارند، اما سایر اطلاعات را یا نزد خود نگاه می‌دارند یا فقط با دوستان نزدیک و بستگان خود در میان می‌گذارند. به همین ترتیب، بعضی کارها هست که مردم در فضای عمومی انجام می‌دهند، در حالی که کارهای دیگر را یا فقط در خلوت انجام می‌دهند یا با کسانی که می‌شناسند و به آنها اعتماد دارند.

در این تمرین، فهرست‌های جداگانه‌ای برای «اطلاعات» و «فعالیت‌ها» بی‌فراهم کنید که مردم:

• مایلند با غریبه‌ها نظیر گزارشگران روزنامه و تلویزیون، کتابدارها و یا مأموران سرشماری در میان بگذارند یا انجام دهند.

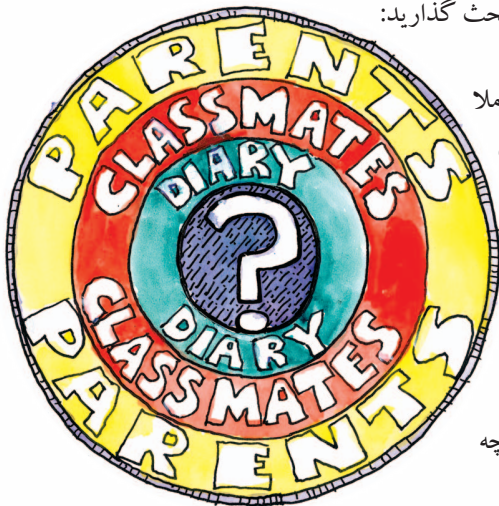
• مایلند با همکلاسی‌ها، همسایه‌ها و آشنایان در میان بگذارند یا انجام دهند.

• مایلند فقط با عده‌ای از دوستان و بستگان نزدیک در میان بگذارند یا انجام دهند.

• مایل نیستند با هیچ کس در میان بگذارند یا انجام دهند.

هر فهرست باید چهار یا پنج مورد را در برگیرد. گروه‌های دو یا چند نفره تشکیل دهید و فهرست‌ها

را تهیه کنید. بعد از آنکه همه فهرست‌ها آماده شد، هر گروه باید فهرست‌ها را با سایر اعضای کلاس در میان بگذارد. پرسش‌های زیر را در کلاس به بحث گذارید:



۱. فهرست‌ها چه شباهت‌هایی دارند؟

۲. اطلاعات و فعالیت‌هایی که مردم مایلند کاملاً

خصوصی نگاه دارند، چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟

۳. اگر اطلاعات و فعالیت‌هایی که کاملاً

خصوصی نگاه می‌دارید به اخبار تلویزیون راه یابند، چه حسی پیدا می‌کنید؟

۴. اگر نمی‌توانستید اطلاعات خصوصی را

با نزدیک‌ترین دوستان و بستگان خود در میان

بگذارید، چه حسی پیدا می‌کردید؟ این امر چه

تأثیری بر رابطه شما با آنها می‌گذاشت؟

حریم خصوصی چیست؟

همانطور که دیدید، لازمه برخورداری از حریم خصوصی این است که فرد بتواند میزان اطلاعاتی را که با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شود، کنترل کند. اما برخورداری از حریم خصوصی لوازم دیگری هم دارد. در چهارچوب اهداف این متن، می‌توان حریم خصوصی را حق به حال خود رها شدن تعریف کرد. این حق به شیوه‌های مختلف ممکن است تهدید یا زیر پا گذاشته شود. وقتی کسی از ما سؤال می‌کند که نمی‌خواهیم جواب دهیم، ما می‌گوییم «من را به حال خود رها کن». وقتی می‌خواهیم کسی از ما دور شود هم می‌گوییم «من را به حال خود رها کن». همینطور وقتی کسی ما را آزرده می‌کند یا در کار ما مداخله می‌کند هم می‌گوییم «من را به حال خود رها کن». بنابراین، حق حریم خصوصی شامل:

- حق تصمیم‌گیری درباره‌ی این که کدام اطلاعات با دیگران در میان گذاشته شود.
- حق تنهایی یا حق دور شدن از دیگران
- حق آزاد بودن از مداخله دیگران

چیزهایی که مایلیم دیگران در نیابند، مشاهده نکنند و یا در آنها مداخله نکنند را متعلقات حریم خصوصی می‌نامند. این متعلقات شامل موارد زیر می‌شوند:

- داده‌ها نظیر محل تولد، والدین، سن یا وزن
- اعمال نظیر کجا می‌روید یا با چه کسی دیدار می‌کنید.
- مکان‌ها و دارایی‌ها نظیر اتاق شما یا محتویات یک جعبه یا کمد.
- افکار و احساسات نظیر اینکه چه کسی را دوست دارید یا ندارید، از چه چیزی می‌ترسید و چه اعتقادات دینی یا سیاسی‌ای دارید.

• ارتباطات نظیر نامه‌ها یا مکالمات تلفنی شما

تمرین تفکر انتقادی

موقعیت‌هایی که حریم خصوصی‌اند

موقعیت‌های زیر را مطالعه کنید. کدام موقعیت نمونه‌ای از حریم خصوصی است؟ فهرستی از این نمونه‌ها تهیه کنید و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

۱. تامس برای اینکه با دوستش روبرو صحبت کند به اتاقش رفت چون نمی‌خواست مادرش مکالمه آنها را بشنود.

۲. گاهی اوقات فرید برای نقاشی کردن به پارک می‌رفت تا اعضای خانواده نتوانند او را بابت نقاشی‌هایش دست‌بیاندازند.

۳. میشا به طرف استیو رفت و به او گفت «مسابقات بسکتبال امروز شروع می‌شود».

۴. جسی و لورتا دوستان بسیار صمیمی‌ای بودند. آنها عادت داشتند وقتی به مرکز خرید می‌رفتند، در محل خاصی دیدار کنند اما با هم قرار گذاشته بودند درباره آن به کسی چیزی نگویند.

۵. تانیا برای قدم زدن به جنگل رفت و ناگهان متوجه شد که گم شده است. او با فریاد درخواست کمک کرد اما کسی صدای او را نمی‌شنید. او کاملاً تنها بود.

۶. وقتی آلیتا کارنامه‌اش را گرفت، آن را به دوستانش نشان نداد.

۷. تئو از اعزام نیروهای نظامی به خارج برای برقراری نظم حمایت کرد، اما موضوع را به دوستانش در محل کار نگفت چون آنها مخالف این کار بودند.

نظر شما چیست؟

درباره هر یک از موقعیت‌هایی که به نظر شما نمونه‌ای از حریم خصوصی هستند، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱. چرا این موقعیت را نمونه‌ای از حریم خصوصی می‌دانید؟
۲. چه کسی می‌خواهد چیزی را خصوصی نگاه دارد؟
۳. چه چیزی قرار است خصوصی نگاه داشته شود؟
۴. آن چیز قرار است در دسترس چه کسی قرار نگیرد؟
۵. فکر می‌کنید چرا آن فرد حریم خصوصی می‌خواسته است؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. قواعدی طراحی کنید که مایلید دیگران با رعایت آنها حریم خصوصی شما را در مدرسه مراعات کنند. آماده باشید قواعد خود را برای کلاس توضیح دهید.
۲. بریده‌ای از یک روزنامه یا گزارشی از یک برنامه تلویزیونی به کلاس ارائه دهید که دربارهٔ حریم خصوصی است. آماده باشید موضوع را برای کلاس توضیح دهید.
۳. در طول مدتی که دربارهٔ حریم خصوصی مطالعه می‌کنید، دربارهٔ حریم خصوصی یادداشت تهیه کنید. در طول بیست و چهار ساعت آینده، پنج موقعیت مرتبط با موضوع حریم خصوصی را مورد توجه قرار دهید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:
 - چه کسی می‌خواهد چیزی را خصوصی نگاه دارد؟
 - چه چیزی قرار است خصوصی نگاه داشته شود؟
 - آن چیز قرار است در دسترس چه کسی قرار نگیرد؟
 سپس توضیح دهید چرا آن فرد می‌خواسته چیزی را خصوصی نگاه دارد.

افراد چگونه حریم خصوصی خود را حفظ می کنند؟

هدف این درس

این درس توضیح می دهد افراد برای حفظ حریم خصوصی خود چگونه رفتار می کنند. در پایان این درس شما باید بتوانید توضیح دهید که مردم چگونه دیگران را از حریم خصوصی خود دور نگاه می دارند و اجازه نمی دهند از آن چیزهایی که متعلق به حریم خصوصی خود هستند سر در بیاورند.

اصطلاحات ضروری

خلوت گزینی
پنهان کاری
محرمانه نگاه داشتن
حذف کردن

مردم برای حفظ حریم خصوصی خود چه می کنند؟

برخی از رایج ترین رفتارهایی که افراد برای حفظ حریم خصوصی خود در پیش می گیرند، عبارتند از:

۱. خلوت گزینی: مردم ممکن است انزوا پیشه کنند، یعنی از دیگران دوری گزینند. به عنوان مثال، آنها ممکن است در اتاق یا خانه ای بمانند یا برای زندگی به جای دور دستی بروند.
۲. پنهان کاری: مردم ممکن است آنچه را خصوصی می خواهند، پنهان نگاه دارند، یعنی عمداً با کسی درباره آن صحبت نکنند. به عنوان مثال، ممکن است شما و دوستانتان برنامه هایی را که برای آخر هفته دارید به کسی نگوئید. یا ممکن است توافق کنید چیزی را که دیده اید یا کاری را که کرده اید به کسی نگوئید. مردم ممکن است درآمد یا بدهکاری های خود را مخفی کنند.
۳. محرمانه نگاه داشتن: وقتی مردم اطلاعاتی را به کسی می دهند و از سر اعتماد به او انتظار دارند که او آن اطلاعات را به کسی ندهد، این رفتار محرمانه نگاه داشتن خوانده می شود. به عنوان مثال، ممکن است شما رازی را به یک دوست، یکی از بستگان یا یک مشاور بگوئید و انتظار داشته باشید که آن را بازگو نکند. آنچه مردم به پزشک، وکیل و مشاور مذهبی خود می گویند، محرمانه است.

۴. حذف: مردم ممکن است چیزهایی را از طریق حذف دیگران، خصوصی یا محرمانه نگاه دارند. به عنوان مثال، شما ممکن است به دیگران اجازه ندهید کیف، کمد، اتاق یا خانه شما را بازرسی کنند تا چیزی را خصوصی نگاه دارید. بعضی سازمان‌های دولتی به افراد تأیید نشده اجازه نمی‌دهند به برخی ساختمان‌ها یا پایگاه‌های نظامی بروند.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین اینکه مردم چگونه حریم خصوصی خود را حفظ می‌کنند

متن زیر را که از کتاب «مأموریت: نجات» نوشته وارین فری اقتباس شده است بخوانید و معین کنید مردم چگونه برخی چیزها را خصوصی نگاه می‌دارند. بعد به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

قطعه‌ای از «مأموریت: نجات»

قدرت گرفتن هیتلر در آلمان در پایان دهه ۱۹۳۰ سرآغاز عصر وحشت برای میلیون‌ها یهودی و دیگرانی بود که در فهرست ترور نازی‌ها قرار داشتند. بسیاری به بخش‌های اشغال نشده جنوب فرانسه گریختند. اما وقتی در ژوئن ۱۹۴۰ فرانسه به اشغال هیتلر درآمد، این پناهندگان در معرض خطر تحویل داده شدن به گشتاپو قرار گرفتند. گشتاپو بسیاری از آنها را در اردوگاه‌ها زندانی، شکنجه و اعدام کرد. عده‌ای از نیویورکی‌ها که از رفتار رایش سوم شگفت زده شده بودند، کمیته نجات تشکیل دادند. هدف آنها این بود که هنرمندان، نویسندگان، موسیقیدانان، دانشمندان، اساتید و چهره‌های سیاسی را پیش از آنکه به چنگ گشتاپو بیافتند، از فرانسه بیرون آورند. آنها باید فرد مناسبی را می‌یافتند که هم بتواند وارد فرانسه شود و هم خطرات یک مأموریت سری را به جان بخرد. وارین فری، کسی که تجربه مأموریت سری بودن را نداشت، اما به عنوان عضوی از یک سازمان بین‌المللی پوشش خیلی خوبی داشت، موفق شد با کمک سازمان زیرزمینی کارآمدش در عرض سیزده ماه، بیش از هزار پناهنده را از مارتی فراری دهد.

من با کمک سه نفر، بیمیش و فرانزی (مصاحبه‌کننده) و لنا (منشی)، با کسانی که برای کمک سراغ ما می‌آمدند، مصاحبه می‌کردم. اسم آنها را روی کارت‌های سفید می‌نوشتیم، اما آدرس آنها را قید نمی‌کردیم. مایل نبودیم در صورت هجوم ناگهانی پلیس، تعداد زیادی کارت حاوی آدرس افراد وجود داشته باشد که منجر به بازداشت آنها شود.

هنگام غروب، وقتی همه پناهنده‌ها رفته بودند، من و بیمیش و فرانزی و لنا با هم جلسه می‌گذاشتیم. همه کارت‌های آن روز را مرور می‌کردیم و تصمیم می‌گرفتیم با هر کس چه کنیم. همیشه نگران بودیم که پلیس در اتاق میکروفن مخفی کار گذاشته باشد، به همین خاطر تمام شیرهای آب حمام را باز می‌کردیم و در آنجا درباره موضوعات سری بحث می‌کردیم. ما دریافته بودیم که آب صدایی شبیه صدای طوفان تولید می‌کند و حتی یک کلمه از آنچه ما می‌گفتیم قابل ثبت و ضبط نبود.

موضوعات سری شامل پاسپورت‌های جعلی، مجوز اقامت‌های جعلی و برگ عبورهای جعلی

می‌شد. دیگر موضوعات سری عبارت بودند از راه‌های مخفی فرار از طریق کوه‌های پیرنه به اسپانیا و نام پناهندگانی که در معرض خطر فوری از جانب گشتاپو بودند.

ما نمی‌توانستیم این نام‌ها را به نیویورک تلگراف کنیم. حتی نمی‌توانستیم به آن نام‌ها در یک نامه اشاره کنیم، چون سانسورچی‌ها همه نامه‌ها را باز می‌کردند و می‌خواندند. به همین خاطر لنا پیام‌های سری ما را روی تکه‌های باریکی از کاغذهای نازک تایپ می‌کرد. بعد بیمیش، فرانزی و من ته این کاغذها را به هم می‌چسباندیم و وقتی چسب خشک می‌شد، طومارهای بلندی درست می‌کردیم. هر طومار را در یک پلاستیک کوچک می‌گذاشتیم و انتهای آن را با یک نخ نازک می‌بستیم. بعد ته یک کرم ریش تراش یا خمیر دندان نیمه‌استفاده شده را باز می‌کردیم و پلاستیک را به درونش می‌فرستادیم. بعد از اینکه ته کرم یا خمیر را دوباره می‌بستیم، کاری می‌کردیم که مثل یک کرم یا خمیر در حال استفاده به نظر آید. هر وقت پناهنده‌ای که مورد اعتماد ما بود، می‌خواست فرانسه را ترک کند، ما از او می‌خواستیم که آن را با خود ببرد و وقتی به لیسبون رسید طومار را به نیویورک پست کند. همه طومارهای سری ما به نیویورک رسید و پلیس هرگز سر از کلک ما در نیاورد.

نظر شما چیست؟

۱. در این داستان چه کسی می‌خواست چیزی را خصوصی یا سری نگاه دارد؟
۲. آنها چه چیزی را می‌خواستند پنهان نگاه دارند؟
۳. از چه کسی می‌خواستند آن چیز را پنهان نگاه دارد؟
۴. برای پنهان نگاه داشتن چه کار می‌کردند؟
۵. در این داستان چه نمونه‌هایی از موارد زیر می‌یابید:

- خلوت‌گزینی
- پنهان‌کاری
- محرمانه نگاه داشتن
- حذف کردن

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. تصویری ترسیم کنید یا کولاژی بسازید که چهار شیوه رایج برای برای حفظ حریم خصوصی را نشان دهد: خلوت‌گزینی، پنهان‌کاری، محرمانه نگاه داشتن و حذف کردن.
۲. چرا محرمانه نگاه داشتن آنچه مثلاً بین ما و دکتر یا وکیل می‌گذرد ممکن است مهم باشد؟ آیا شرایطی هست که این قبیل امور باید از حالت محرمانه خارج شوند؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

درس سوم

چرا حریم خصوصی برای افراد و نهادها مهم است؟

هدف این درس

این درس از شما می‌خواهد اهمیت حریم خصوصی برای افراد و نهادها را مورد توجه قرار دهید. شما فرصت خواهید داشت نقش یک جلسه تحقیق کنگره دربارهٔ سانسور در زمان جنگ را بازی کنید. در پایان این درس شما باید بتوانید توضیح دهید چرا افراد و نهادها ممکن است بخواهند چیزهایی را مخفی نگاه دارند.

اصطلاحات ضروری

نهاد

تمرین تفکر انتقادی

بررسی اهمیت حریم خصوصی برای افراد

اشعار، ترانه‌ها، مقالات و سایر انواع نوشته‌ها ما را و می‌دارند که به شکل تازه‌ای دربارهٔ امور فکر کنیم یا از افکار و احساسات خود آگاه شویم. قطعات زیر را بخوانید و دربارهٔ دیدگاه نویسندگان تأمل کنید. نویسنده تلاش می‌کند دربارهٔ حریم خصوصی به ما چه بگوید؟ آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید. بعد از بحث با یکی از همکلاسی‌های خود، به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

۱. از «چیزی یکسره درست»

پل سیمون (ترانه سرای آمریکایی، ۱۹۴۲)

در چین دیواری است!

به طول هزاران مایل.

استوارش ساخته‌اند تا بیگانگان را به درون راهی نباشد.

پیرامون من دیواری است

که تو حتی نمی‌توانی ببینی.

به من نزدیک شدن مدتی طول کشید.

۲. از «مرمت دیوار»

رابرت فراست (شاعر آمریکایی ۱۹۶۳ - ۱۸۷۴)

پیش از آن که دیواری برپا کنم دوست دارم بدانم
چه چیز این سوی دیوار می ماند و چه چیز آن سوی دیوار
و چه کسی از من رنجیده خواهد شد.
چیزی هست که دیوار را دوست ندارد
و آن را فروریخته می خواهد.

۳. از «زیارت چایلد هارولد»

لرد بایرون (شاعر انگلیسی ۱۸۲۴ - ۱۷۸۸)

در جنگل ناشناخته لذتی نهفته است،
در ساحل متروک شوری نهفته است،
آنجا که کسی مزاحم نمی شود مصاحبتی در کار است،
در کنار دریای ژرف و هیاهوی موسیقی:
من انسان را کمتر دوست ندارم، طبیعت را بیشتر دوست دارم،
از تمامی گفت و گوهایمان،
از همه آنچه من شاید باشم یا پیشتر بوده ام،
در آمیختن با عالم و احساس کردن
آنچه هرگز نمی توانم به بیان آورم و با این حال نمی توانم یکسره مخفی اش کنم.

۴. از «والدن»

هنری دیوید تورو (نویسنده آمریکایی ۱۸۶۲ - ۱۸۱۷)

نزدیک ترین همسایه من یک مایل با من فاصله دارد و هیچ خانه ای از اینجا قابل رویت نیست مگر اینکه بالای تپه ای برویم که نیم مایل با خانه من فاصله دارد. تمامی افق با جنگل محصور شده و به من تعلق دارد؛ در دوردست راه آهنی دیده می شود که به تالابی می رسد و در سوی دیگر، حصاری دیده می شود که بیشه زار را در بر گرفته است. جایی که من زندگی می کنم مثل یک چمنزار دورافتاده پرت است. من خورشید و ماه و ستارگان خودم را دارم و جهان کوچکی که یکسره به من تعلق دارد.
آدم ها غالباً به من می گویند که من لابد در آنجا احساس تنهایی می کنم و می خواهم به دیگران نزدیک باشم، به ویژه در روزها و شب های برفی و بارانی، اما اکثر اوقات، من در تنهایی احساس خوشی دارم. با دیگران بودن، حتی با بهترین ها، به سرعت ملال انگیز و ضایع کننده عمر می شود. من عاشق تنهایی ام. هرگز با دیگران بودن را به اندازه تنهایی مطبوع نیافته ام.

جامعه معمولاً سطحی است. ما به سرعت از کنار یکدیگر می گذریم و فرصت کافی نداریم که چیز ارزشمندی درباره یکدیگر فراگیریم. ما در اداره پست، در مهمانی و هر شب کنار بخاری همدیگر را می بینیم؛ ما مدام با هم هستیم، سر راه همدیگر سبز می شویم، به همدیگر برمی خوریم و به همین دلیل

است که، به نظر من، برای هم احترام قائل نیستیم.

نظر شما چیست؟

۱. نظر پل سیمون درباره دیوارهای نامرئی در اطراف ما چیست؟ آنها چه کارکردی دارند؟ چه مسائل و مشکلاتی ممکن است ایجاد کنند؟
۲. به نظر رابرت فراست دیوار کشیدن چه مشکلاتی ایجاد می‌کند؟ نظر شما چیست؟ این کار چه فایده‌ای دارد؟
۳. به نظر لرد بایرون تنها بودن چه مزایایی دارد؟ نظر هنری تورو چیست؟ به نظر شما چه مزایایی دارد؟ چه مشکلاتی دارد؟
۴. آیا شما هیچ وقت دیواری دور خودتان می‌کشید؟ در چه شرایطی؟ چه به دست می‌آوردید؟ چه از دست می‌دهید؟ آیا فکر می‌کنید باید بیشتر دور خودتان دیوار بکشید؟ کمتر؟ چرا؟
۵. آیا هیچ وقت دلتان می‌خواهد تنها باشید؟ کی؟ وقتی می‌خواهید تنها باشید اما نمی‌توانید، چه حسی پیدا می‌کنید؟
۶. آیا وقتی در بین دیگران هم هستید احساس تنهایی می‌کنید؟ چه تفاوتی هست بین در خلوت بودن و تنها بودن؟

چرا حریم خصوصی برای نهادها مهم است؟

همانطور که حریم خصوصی برای افراد مهم است، برای بعضی نهادها هم مهم است. نهادها سازمان‌هایی تثبیت شده هستند نظیر شرکت‌های تجاری، موزه‌ها، بیمارستان‌ها و حکومت‌های محلی، ایالتی و فدرال. بعضی نهادها باید بعضی چیزها را خصوصی نگاه دارند. مثلا بیمارستان‌ها اطلاعات پزشکی بیماران را محرمانه نگاه می‌دارند؛ مدارس و دانشگاه‌ها هم اطلاعات تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان را محرمانه نگاه می‌دارند. موزه‌ها ممکن است برنامه‌هایشان برای خرید آثار هنری را خصوصی نگاه دارند و شرکت‌های تجاری معمولا برنامه‌هایشان برای تولید محصولات تازه و توزیع و تبلیغ آنها را سری نگاه می‌دارند. بسیاری از حکومت‌ها، سلاح‌های مخفی یا برنامه‌های نظامی سری دارند. حکومت‌ها ممکن است جاسوس‌هایی داشته باشند که نام آنها جزو اسرار است و آنها ممکن است نامه‌ها و مدارکی بسیار محرمانه در اختیار داشته باشند. در یک دموکراسی، حکومت باید به روی مردم گشوده باشد، اما منافع ملی اقتضاء می‌کند که برخی چیزها سری بماند.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی پنهانکاری نهادها

در این تمرین کلاس به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شود تا یک جلسه تحقیق کنگره درباره سانسور در زمان جنگ را شبیه‌سازی کنید. ابتدا، قطعه زیر را بخوانید تا ببینید ارتش چه چیزی را

می خواسته سری نگاه دارد و چرا. با همفکری اعضای گروهتان به پرسش های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. بعد از دستورالعمل ها پیروی کنید تا برای جلسه تحقیق آماده شوید.

کنگره درباره سانسور در زمان جنگ تحقیق می کند

کمیته نظارت بر امور حکومتی در مجلس سنا تصمیم گرفته است درباره این موضوع تحقیق کند که ارتش تا چه حد باید بتواند مطبوعات را در زمان جنگ سانسور کند. افرادی از وزارت دفاع و مطبوعات در مقابل کمیته حاضر می شوند.

دلیل این جلسه تحقیقی چیست؟ در طول جنگ سال ۱۹۹۱ در خلیج فارس، تعدادی از گزارشگران شکایت کردند که وزارت دفاع محدودیت های شدیدی بر رسانه ها تحمیل می کند. در منطقه جنگی، گزارشگران را به گروه های کوچکی تقسیم می کردند و نیروهای نظامی آنها را همیشه همراهی می کردند. آنها فقط می توانستند به جاهایی بروند که راهنماهای نظامی آنها را می بردند. گزارشگران باید گزارش ها را قبل از انتشار، برای مرور در اختیار افسران می گذاشتند. اگر افسران چیزی در گزارش ها می یافتند که فکر می کردند ممکن است برای دشمن مفید باشد، آن را از گزارش خارج می کردند. بعضی از افسران احتمالاً بیش از حد سختگیری کرده بودند.

شیوه های سانسور نظامی در گذشته متفاوت بوده است. به عنوان مثال، در طول جنگ جهانی دوم، گزارشگران آزاد بودند که به هر جا می خواهند بروند و هر چه را می خواهند ببینند. بعد گزارش خود را می نوشتند و به سانسورچی های نظامی می دادند. سانسورچی ها هم اطلاعات احتمالاً مفید برای دشمن را خارج می کردند و بقیه مطلب منتشر می شد.

در طول جنگ خلیج فارس گزارشگران آزاد نبودند هر وقت دلشان می خواهد به هر جا مایلند بروند. به جای اینکه به گزارشگران بگویند چه چیزی را نمی توانند گزارش کنند، به آنها گفته بودند چه چیزی را نمی توانند ببینند. مسلماً این شیوه به آنها اجازه نمی داد که اطلاعات را گردآوری و گزارش کنند. محدودیت های دسترسی به اطلاعات آنقدر شدید بود که مردم آمریکا نمی توانستند درباره دقت و صحت گزارش های خبری داوری کنند.

از سوی دیگر، از دید نیروهای نظامی تعداد گزارشگران مطبوعات آنقدر زیاد بود که نمی شد آنها را به نحو مؤثری مدیریت کرد. به علاوه، در جلسات توجیهی ای که از تلویزیون پخش می شد، گزارشگران غالباً پرسش هایی می پرسیدند که اگر به آنها پاسخ داده می شد، جان نیروهای نظامی به خطر می افتاد. علاوه بر این، در زمان جنگ خلیج فارس تکنولوژی های مدرن گردآوری خبر نظیر برنامه های ماهواره ای زنده اجازه نمی داد که به خبرنگاران همان آزادی ای داده شود که در عصر ماقبل تلویزیون داده می شد.

نظر شما چیست؟

۱. ارتش چه چیزی را می خواهد سری نگاه دارد؟
۲. ارتش اطلاعات را از چه کسی می خواست مخفی نگاه دارد؟
۳. ارتش چگونه می خواست اطلاعات را سری نگاه دارد؟

۴. چرا ارتش می‌خواست اطلاعات را سری نگاه دارد؟

آماده شدن برای جلسه تحقیق

- کلاس باید به پنج گروه تقسیم شود و هر گروه یکی از نقش‌های زیر را برعهده گیرد:
- وزارت دفاع: هدف شما توجیه محدودیت‌هایی است که نیروهای نظامی بر مطبوعات اعمال می‌کنند.
- ائتلاف مجریان رادیو و تلویزیون: هدف شما دفاع از گسترده‌ترین میزان آزادی مشاهده و گزارش بی‌وقفه اخبار است.
- اسوشیتد پرس: اعضای گروه شما خبرنگاران روزنامه‌ها و مجلات هستند که خواهان آزادی کامل برای دستیابی به اطلاعات‌اند. البته می‌پذیرند که گزارش‌هایشان را قبل از چاپ به نیروهای نظامی بدهند.
- مرکز مطالعات سیاست دفاعی ملی: گروه شما، عمدتاً بر اساس ضرورت‌های عملی، در حمایت از دیدگاه نیروهای نظامی استدلال می‌کند.
- کمیته نظارت بر امور حکومتی در مجلس سنا: شما برگزیده ملت هستید و تلاش می‌کنید تصمیمی بگیریید که خیر مملکت در آن باشد. شما با دقت به همه استدلال‌ها گوش می‌کنید و می‌کوشید، با در نظر گرفتن امنیت ملی و حق مردم برای دانستن، به نحوی خردمندانه موضوع حریم خصوصی را حل و فصل کنید.
- چهار گروه اول هر کدام در سه دقیقه باید دیدگاه خود درباره نقش نیروهای نظامی در سانسور مطبوعات در زمان جنگ را توضیح دهند و از آن دفاع کنند. هر گروه باید یک یا دو سخنگو انتخاب کند ولی همه اعضای گروه باید آماده باشند که به پرسش‌های کمیته پاسخ دهند.
- در حالی که چهار گروه اول خودشان را آماده می‌کنند، کمیته نظارت بر امور حکومتی در مجلس سنا باید سؤالاتی آماده کند که از گروه‌ها پرسد. این کمیته باید یک رئیس برای مدیریت جلسه انتخاب کند.

مدیریت جلسه تحقیق

- رئیس کمیته نظارت بر امور حکومتی در مجلس سنا باید رسمیت جلسه را اعلام کند. هر گروه سه دقیقه برای عرضه دیدگاهش وقت دارد و سه دقیقه برای پاسخ به پرسش‌های کمیته. بعد از آن که هر چهار گروه دیدگاهشان را عرضه کردند، اعضای کمیته باید استدلال‌های عرضه شده را مورد بحث قرار دهند و تلاش کنند برای راه حل به اجماع برسند. کمیته باید در مقابل کلاس بحث کند و برای موضوع مورد بحث راه حلی پیشنهاد کند.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. چه نهادهای دیگری ممکن است اطلاعاتی داشته باشند که بخواهند سری نگاه دارند؟ چه نوع اطلاعاتی را ممکن است بخواهند سری نگاه دارند؟ چرا؟
۲. چه اطلاعاتی ممکن است شما احتیاج داشته باشید اما آن نهاد از دادن آن به شما سر باز بزند؟ آیا آن اطلاعات باید سری باشند؟ چرا؟
۳. به نظر شما اطلاعاتی هست که حکومت مجاز به سری نگاه داشتن آنها باشد؟ حکومت چه دلایلی ممکن است برای این کار داشته باشد؟ آیا اطلاعاتی هست که حکومت، حتی اگر بخواهد، مجاز به سری نگاه داشتن آنها نباشد؟ دیدگاه خود را توضیح دهید.

بخش دوم

چگونه می‌توان تنوع رفتارهای خصوصی را توضیح داد؟

هدف این بخش

این بخش شما را با عواملی آشنا می‌کند که تنوع رفتارهای خصوصی افراد را توضیح می‌دهد. شما می‌آموزید که هر چند حریم خصوصی در همه جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد، رفتارهای خصوصی افراد یک جامعه و افراد جوامع مختلف با هم تفاوت دارد. با حوزه‌هایی آشنا می‌شوید که تفاوت در آنها رایج است. همچنین با دلایل این تفاوت‌ها آشنا می‌شوید.

درسی چهارم

چرا رفتارهای خصوصی افراد متفاوت است؟

هدف این درس

این درس بعضی دلایل رایج تفاوت در رفتارهای خصوصی افراد را بررسی می‌کند. در پایان این درس شما باید بتوانید تفاوت‌ها و شباهت‌های رفتارهای خصوصی را تشریح کنید.

اصطلاحات ضروری

عامل
شغل
نقش
ارزش‌ها

تمرین تفکر انتقادی

بررسی رفتار خصوصی

قطعه زیر بخشی از داستان کوتاه «یک سفر» نوشته ادیت وارتن (۱۹۷۳ - ۱۸۶۲) است. این قطعه را بخوانید و نمونه‌هایی از رفتار خصوصی شخصیت اصلی داستان را بیابید. بعد با یکی از همکلاسی‌های خود درباره پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» بحث کنید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با کلاس در میان بگذارید.

یک سفر

واگن در سکوت شبانه‌اش غرق شده بود. او از خلال شیشه‌های خیس، نورهای گذرا، این امتدادهای بلند سیاهی پرشتاب را می‌دید. هر از گاهی سرش را برمی‌گرداند و از لابلای پرده‌ها به پرده‌های واگن شوهرش در آن سوی راهرو نگاه می‌کند. نگران بود که اگر شوهرش چیزی بخواهد و او را صدا کند، نشنود. در این چند ماه اخیر صدایش خیلی ضعیف شده بود و می‌رنجید اگر او صدایش را نمی‌شنید... به رختکن رفت. صورتش را که شست و لباسش را که مرتب کرد، سرحال‌تر شد... تا ده ساعت دیگر به خانه می‌رسند.

به واگن همسرش رفت. از روی او خم شد و کرکره‌ها را بالا کشید. در حالی که این کار را می‌کرد،

یکی از دست‌های او را لمس کرد. سرد بود... به او نزدیک‌تر شد، دستش را روی بازوی او گذاشت و اسمش را صدا کرد. همسرش جم نخورد. او به آرامی شانه‌اش را تکان داد. حرکتی نکرد. دوباره دستش را گرفت. دستش شل و ول بود و مثل چیزی مرده لغزید. مثل چیزی مرده!



به جلو خم شد، دستش را با اکراهی بیمارگونه روی شانه‌های او گذاشت و او را برگرداند. سرش عقب رفت. صورتش کوچک و بدون حرکت بود؛ با چشمانی خیره به او نگاه می‌کرد. او برای مدتی طولانی بی‌حرکت او را نگاه داشت. ناگهان عقب کشید؛ میل به جیغ کشیدن، فریاد زدن، گریختن از او بر او غلبه کرد. اما دستی قوی او را رها نمی‌کرد. خدای من! اگر می‌فهمیدند که او مرده است، در ایستگاه بعد آنها را از قطار پیاده می‌کردند.

در یک لحظه دهشتناک به یاد آوردن، صحنه‌ای پیش روی او زنده شد که زن و شوهری، که فرزندشان در قطار مرده بود، را در اولین ایستگاه از قطار پیاده کرده بودند. او آنها را می‌دید که روی سکوی ایستگاه ایستاده بودند و جنازه فرزندشان بینشان بود. ممکن بود همین اتفاق برای خودش هم بیفتد. تا یک ساعت دیگر ممکن است او روی سکوی ایستگاهی ناآشنا به تنهایی کنار جنازه همسرش ایستاده باشد... خیلی وحشتناک بود.

احساس می‌کرد که قطار آهسته حرکت می‌کند. آنها به یک ایستگاه نزدیک می‌شدند. با خشم کرکره‌ها را پایین کشید تا صورت همسرش را پنهان کند. با احساس سرگیجه در گوشه واگن همسرش فرورفت. سعی کرد از جنازه شوهرش کنار بکشد. پرده‌ها را کشید تا او و شوهرش در یک جور گرگ و میش حزن‌انگیز گم شوند... سعی کرد فکر کند. به هر قیمتی شده باید مرگ شوهرش را مخفی می‌کرد. اما چگونه؟

شنید که مأمور واگن در حال مرتب کردن تخت اوست. مردم هم داشتند شروع می‌کردند به جابجا شدن در قطار. با بدبختی از جایش بلند شد، وارد راهرو قطار شد و پرده واگن را پشت سرش کاملاً کشید. متوجه شد که حرکت قطار پرده‌ها را کمی از هم جدا می‌کند، سنجاقی پیدا کرد و آنها را محکم به هم وصل کرد. حالا دیگر خطری تهدیدش نمی‌کرد...

مأمور واگن، در حالی که با توده ملافه‌ها و متکاها پس و پیش می‌شد، نگاهی به او انداخت و از کنارش گذشت و گفت «ایشون قصد ندارن بیدار بشن؟ به ما دستور دادن در اولین فرصت واگن‌ها را مرتب کنیم». از ترس یخ زد. قطار داشت به ایستگاه وارد می‌شد. با لکنت گفت «نه هنوز. اجازه بدید شیرش رو بخوره، بعد. ممکنه براش شیر بیارید، لطفاً؟». مأمور واگن جواب داد «بسیار خب. به محض این که راه بیفتیم».



وقتی قطار دوباره راه افتاد، او با شیر برگشت. شیر را از او گرفت و نگاهی گنگ به آن انداخت. متوجه شد که مأمور منتظر است و این پا و آن پا می‌کند. مأمور پیشنهاد کرد «مایلد من شیر را به او بدهم». با فریاد جواب داد «نه، نه. هنوز خوابه فکر می‌کنم». صبر کرد تا مأمور برود. سنجاق را از پرده‌ها باز کرد و پشت آنها لغزید. در آن فضای نیمه تاریک، صورت شوهرش به یک ماسک مرمی با چشم‌هایی از جنس عقیق می‌مانست.

پلک‌های شوهرش را بست. بعد لیوان شیر را به یاد آورد؛ با آن چه باید می‌کرد؟ فکر کرد آن را از پنجره بیرون بیندازد. اما برای اینکه این کار را بکند، مجبور بود روی جنازه او خم شود و صورتش را به صورت او نزدیک کند. تصمیم گرفت شیر را بنوشد. بعد از مدتی مأمور برگشت و پرسید «کی باید تخت ایشان رو تا کنم؟». جواب داد «هنوز وقتش نشده. او مریضه. خیلی مریض. بنذارید در همین وضعی که هست، بمونه». مأمور لیوان خالی شیر را برداشت و رفت...

ناگهان به فکر این افتاد که وقتی قطار به نیویورک برسد، چه اتفاقی خواهد افتاد. از این فکر به خودش لرزید که جنازه کاملاً سرد خواهد بود و کسی متوجه خواهد شد که او از صبح مرده بوده است. با خودش فکر کرد «اگر ببینند که من متعجب نیستم، شک خواهند کرد. من را سؤال پیچ خواهند کرد و اگر من حقیقت را هم به آنها بگویم، کسی باور نخواهد کرد. وحشتناک است. باید وانمود کنم که نمی‌دانم. وقتی پرده‌ها را کنار زدند، من باید خیلی طبیعی سراغش بروم و ناگهان جیغ بکشم!» می‌توانست تصور کند که جیغ کشیدن خیلی سخت خواهد بود.

نظر شما چیست؟

۱. شخصیت اصلی چه چیزی را پنهان می‌کند؟
۲. شخصیت اصلی برای حفظ رازش چگونه رفتار می‌کند؟
۳. این رفتارها نمونه‌ای از کدام یک هستند: خلوت‌گزینی، پنهان‌کاری، محرمانه نگاه داشتن یا حذف کردن؟
۴. شما رفتار خصوصی شخصیت اصلی را چگونه توضیح می‌دهید؟ چرا او تلاش می‌کند چیزی را پنهان کند؟

چه عواملی بر رفتارهای خصوصی تأثیر می‌گذارند؟

مردم با هم متفاوتند؛ هم از جهت چیزهایی که مایلند خصوصی نگاه دارند، هم از جهت شیوه‌هایی که برای سری نگاه داشتن این چیزها به کار می‌گیرند. چگونه می‌توان این تفاوت‌ها را توضیح داد؟

عوامل و عناصر مختلفی از زندگی مردم این تفاوت‌ها در رفتارهای خصوصی را تبیین می‌کنند. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱. خانواده: محیط خانوادگی یک فرد ممکن است رفتارهای خصوصی او را تحت تأثیر قرار دهد.

به عنوان مثال:

- در خانواده جمشیدی کسی دربارهٔ عمو رضا حرف نمی‌زند، به خصوص جلوی مادر بزرگ، چون او سال‌ها قبل شدیداً افسرده شد و خودکشی کرد.

- رکسانا و هفت برادر و خواهرش با پدر بزرگ و مادر بزرگشان در آپارتمانی بسیار کوچک زندگی می‌کنند. آپارتمان بسیار شلوغ است و هیچ کس فضای خصوصی ندارد. رکسانا در آرزوی اتاقی از آن خود است.

۲. شغل یا نقش: شغل یا نقش یک نفر ممکن است او را ملزم کند که حریم خصوصی را حفظ

کند. به عنوان مثال:

- مهرداد یک ورزشکار حرفه‌ای مشهور است. برای خلاصی از دست گزارشگران و هواداران، مهرداد آدرس خانه و شماره تلفن خود را محرمانه نگاه می‌دارد.

- ساناز در بخش تولید محصولات جدید یک شرکت بزرگ کار می‌کند. او سوگند یاد کرده است که اطلاعات را محرمانه نگاه دارد و نمی‌تواند مسائل حرفه‌ای خود را با دوستانش مطرح کند.

۳. تجربه‌های شخصی: تجربه‌های گذشته ممکن است رفتارهای خصوصی فرد را تحت تأثیر قرار

دهد. مثلاً:

- یکی از دوستان مورد اعتماد فرهاد، رازی را که فرهاد با او در میان گذاشته بود به همه کلاس گفت و فرهاد را خجالت‌زده کرد. از آن زمان، فرهاد به کسی اعتماد نمی‌کند و احوالات خصوصی خود را با کسی در میان نمی‌گذارد.

- خانواده مریم همیشه مشکلات خود را بدون پرده مورد بحث و گفت و گو قرار می‌دادند. وقتی مریم بالغ شد، موضوعاتی که او مایل نبود با دوستانش مطرح کند، زیاد نبود.

۴. فرصت‌هایی برای زندگی خصوصی: رفتار مردم ممکن است تحت تأثیر فرصت‌هایی قرار

بگیرد که محیط برای زندگی خصوصی در اختیار آنها قرار می‌دهد. به عنوان مثال:

- جورج ارول در «۱۹۸۴» دربارهٔ جامعه‌ای صحبت می‌کند که در هر خانه یک تلویزیون خاص (تله اسکرین) وجود دارد. این تلویزیون به حکومت اجازه می‌دهد که هر چه مردم می‌کنند و می‌گویند، ببیند و بشنود. شخصیت اصلی، وینستون اسمیت، اتاقی در بالای یک مغازه پیدا کرده است که تله اسکرین ندارد. برای وینستون، این اتاق کوچک و کهنه به گوشه‌ای از بهشت می‌ماند.

- بسیاری از کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، در توده انبوه مردم ناآشنا حریمی

خصوصی می‌یابند.

۵. ارزش حریم خصوصی: رفتار مردم ممکن است متفاوت باشد چون خانواده‌ها یا فرهنگ آنان،

ارزش متفاوتی برای حریم خصوصی قائل می‌شوند. مثلاً:

- کسانی که در شهرهای کوچک زندگی می‌کنند، همسایگانی دارند که همه چیز را با هم در

میان می گذارند.

۶. ارزش‌های رقیب: مردم ممکن است ارزش بالایی برای حریم خصوصی قائل باشند، اما در شرایطی خاص ممکن است چیزهای دیگری برای آنها مهم‌تر باشد. به عنوان مثال:

- در ماجراهای تام سایر مارک تواین، تام و هاک قسم خوردند که با کسی درباره قتل که شاهد بودند، صحبت نخواهند کرد. اما تام بعد از کمی تأمل، تصمیم گرفت شهادت بدهد تا مردی را که به غلط متهم شده بود نجات دهد.

۷. تفاوت‌های فردی: گاهی اوقات تفاوت‌های فردی موجب می‌شود که افراد تصمیم‌های متفاوتی بگیرند. مثلاً:

- جمال و علی دانش آموز هستند. هر دو دوستان زیادی دارند و از مصاحبت آنها لذت می‌برند. جمال تقریباً همه چیز را به دوستان خود می‌گوید. علی بعضی چیزها را نزد خود محفوظ نگاه می‌دارد.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین عواملی که بر رفتارهای خصوصی تأثیر می‌گذارند

با کمک یکی از همکلاسی‌های خود به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. برای توضیح پاسخ‌های خود می‌توانید هم از نمونه‌های رفتارهای خصوصی فوق‌الذکر استفاده کنید، هم از تجربه‌های شخصی یا تخیل. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌ها در میان بگذارید.

۱. چگونه ممکن است محیط خانوادگی و گذشته یک فرد رفتار خصوصی او را تحت تأثیر قرار دهد؟

۲. چگونه ممکن است شغل یا نقش یک فرد او را ملزم به نوعی از رفتار خصوصی کند؟

۳. چگونه ممکن است تفاوت ارزش‌های فردی تفاوت در رفتار خصوصی را توضیح دهد؟

۴. چگونه ممکن است تفاوت در فرصت‌ها برای زندگی خصوصی تفاوت در رفتار خصوصی را توضیح دهد؟

تمرین تفکر انتقادی

بررسی اینکه چگونه شغل‌های مختلف رفتارهای خصوصی را متأثر می‌کنند

در این تمرین شما نقش شرکت‌کنندگان در دو برنامه تلویزیونی را بازی می‌کنید. موضوع این برنامه‌ها تأثیر شغل‌های مختلف بر رفتار خصوصی است. نیمی از کلاس، گروه الف، این نکته را بررسی می‌کند که چگونه شغل بر نیاز یک فرد به حریم خصوصی اثر می‌گذارد و نیمی از کلاس، گروه ب، این نکته را بررسی می‌کند که چگونه بعضی شغل‌ها فرد را ملزم به زیر پا گذاشتن یا رعایت کردن حریم خصوصی دیگران می‌کند. یک یا دو نفر از هر گروه باید نقش مصاحبه‌گر را برعهده گیرند؛ مصاحبه‌را مدیریت کنند، بحث‌ها را هدایت کنند و از شرکت‌کنندگان سؤال پرسند.

گروه الف: اعضای این گروه باید یکی از نقش‌های زیر را بازی کنند و آماده باشند توضیح دهند

که چگونه شغل آنها بر نیازشان به حریم خصوصی اثر می‌گذارد:
 شعبه‌باز، هنرپیشه، مخترع، سیاستمدار، نویسنده، وکیل.
 گروه ب: اعضای این گروه باید یکی از نقش‌های زیر را بازی کنند و آماده باشند توضیح دهند
 که چگونه شغل‌شان آنها را ملزم به زیر پا گذاشتن یا رعایت کردن، حریم خصوصی دیگران می‌کند:
 گزارشگر روزنامه، مجری شوی تلویزیونی، پلیس، پزشک، کارآگاه خصوصی، روانپزشک.
 هر یک از دو گروه باید نقش مخاطب برای گروه دیگر را بازی کند.

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. رفتارهای خصوصی خودتان را با رفتارهای خصوصی مطرح شده در این درس مقایسه کنید؟ چه عواملی شباهت‌ها و تفاوت‌ها را توضیح می‌دهد؟
۲. چه عواملی تفاوت‌های رفتار خصوصی شما با رفتار خصوصی دوست‌تان را توضیح می‌دهد؟ چه عواملی شباهت‌ها را توضیح می‌دهد؟
۳. آیا افرادی که شغل‌های خاصی دارند، مثل ورزشکاران برجسته یا مقامات حکومتی، باید حریم خصوصی محدودتری نسبت به ما داشته باشند؟ چرا؟

چگونه جوامع مختلف با حریم خصوصی کنار می آیند؟

هدف این درس

این درس به شما فرصت می دهد در این باره تأمل کنید که چگونه جوامع مختلف و نسل های مختلف یک جامعه با مسئله حریم خصوصی کنار می آیند. در پایان این درس شما باید بتوانید تفاوت ها و شباهت های جوامع مختلف در زمینه رفتارهای خصوصی را تشریح کنید.

جوامع از جهت مراقبت از حریم خصوصی چه تفاوت هایی با هم دارند؟

حریم خصوصی در همه جوامع یافت می شود. اما مردم جوامع مختلف هم از جهت آن چیزهایی که مایلند خصوصی نگاه دارند و هم از جهت شیوه هایی که از حریم خصوصی مراقبت می کنند، با هم تفاوت می کنند. حتی در یک جامعه، نسل های مختلف ممکن است رفتارهای خصوصی متفاوتی داشته باشند. به عنوان مثال، کسانی فکر می کنند که سن امری خصوصی است. دیگران ممکن است سن خود را امری خصوصی ندانند، اما میلی به آشکار کردن اعتقادات دینی یا سیاسی خود نداشته باشند. در برخی فرهنگ ها، مردم همیشه در خلوت غذا می خورند و غذا خوردن در حضور دیگران را خارج از نزاکت می دانند.

مردم از جهت شیوه هایی که از حریم خصوصی مراقبت می کنند هم با هم متفاوتند. مثلاً مردم در بعضی جوامع خانه هایی با دیوارهای عایق صدا می سازند تا از حریم خصوصی خود مراقبت کنند. در جوامعی دیگر، دیوارها ممکن است نازک باشند و صدا به راحتی از آنها عبور کند. در چنان جوامعی، مردم حس حریم خصوصی داشتن را با گوش ندادن یا با تظاهر به گوش ندادن به حرف های دیگران زنده نگاه می دارند.

جوامع می توانند بسیار پیچیده باشند. در بعضی جوامع، ممکن است مردم احساس ناراحتی کنند اگر در حین حرف زدن با دیگران بیش از یک فوت از آنها دور باشند. اما در جوامعی دیگر، ممکن است مردم احساس ناراحتی کنند اگر در حین حرف زدن با دیگران کمتر از یک فوت به آنها نزدیک باشند. فکر می کنید چه خواهد شد اگر کسانی که از این جوامع مختلف می آیند، بخواهند با یکدیگر حرف بزنند؟

در تمرین بعد، شما شباهت ها و تفاوت های رفتار خصوصی افرادی از جوامع و نسل های مختلف را بررسی می کنید.

تمرین تفکر انتقادی

حریم خصوصی در فرهنگی دیگر

قطعه زیر را به دقت بخوانید. سعی کنید رفتارهای خصوصی قبیله زونی را مشخص کنید و درباره این فکر کنید که چگونه می‌توان این رفتارها را تبیین کرد. به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید.

حریم خصوصی و قبیله زونی

زونی قبیله‌ای از سرخپوستان آمریکایی است که در جنوب غربی ایالات متحده زندگی می‌کنند. زونی‌ها عموماً در خانه‌هایی بزرگ زندگی می‌کنند. هر خانه به یک خانواده گسترده متعلق است. وقتی دختران یک خانواده ازدواج می‌کنند، همسران آنها را به همان خانه می‌آورند. یک خانه هشت اتاقه برای حدود بیست نفر معمولاً چهار اتاق عمومی دارد؛ یک اتاق نشیمن، یک آشپزخانه، یک انباری و یک اتاق کار. هر دختر متأهل یک اتاق برای خود و خانواده‌اش دارد. اتاق‌ها از طریق درها و پنجره‌هایی با هم مرتبطند. اطراف منزل به وسیله اعضای خانواده پائیده می‌شود تا اگر کسی برای دیدار آمد، همه آماده باشند. به این ترتیب، فعالیت‌های خانواده را می‌توان خصوصی نگاه داشت.

خصوصی‌ترین بخش‌های خانه یک زونی عبارتند از انبار و بخش انباری هر اتاق خواب که محل نگهداری اشیاء مقدس مذهبی است. این اشیاء بسیار قدرتمند محسوب می‌شوند. آن دسته از اعضای قبیله که مجاز به استفاده از این اشیاء مقدس نیستند، جرأت نمی‌کنند به آنها حتی دست بزنند. حتی اتاق‌هایی که این اشیاء در آنها نگاه داشته می‌شوند، برای بازدیدکنندگان تابو هستند.

وقتی این اشیاء در مناسک مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرند، نهایت رازداری و رازورزی به کار گرفته می‌شود. نه اعضای قبیله که مجاز به استفاده از این اشیاء نیستند و نه کسانی که عضو قبیله نیستند، اجازه ندارند در محل مناسک باشند. این امر بسیار مهم است چون امکان انجام بدون مزاحمت مراسم را فراهم می‌آورد و همچنین به سری نگاه داشتن اطلاعات کمک می‌کند.

شیوه‌های مختلفی برای حفظ حریم این اشیاء و مناسک مذهبی وجود دارد. نگاه کردن به داخل خانه‌ها از طریق پنجره‌ها، به ویژه در شب مجاز نیست. در سال ۱۸۹۰ دو نفر که در شب به داخل خانه‌ای نگاه کردند، تحت عنوان جادوگر محاکمه و تنبیه شدند. حتی امروزه، در بیرون خانه زونی‌ها چراغ‌هایی برای مراقبت شبانه وجود دارد. سگ‌های نگهبانی هم هستند که از حضور مزاحمین خبر می‌دهند. وقتی مناسک در حال اجرا هستند، نگهبانانی در داخل و خارج اتاق امنیت را تأمین می‌کنند. دیوارهای اتاق‌های مناسک مذهبی هم مستحکم هستند. به علاوه، حرمت تابوها نزد اعضای قبیله و ادب رایج در میان آنها نیز به حفظ حریم خصوصی و رازداری در دهکده زونی کمک می‌کند.

نظر شما چیست؟

۱. چه چیزهایی در قبیله زونی باید خصوصی یا محرمانه نگاه داشته شوند؟
۲. این چیزها از چه کسانی باید محرمانه نگاه داشته شوند؟

۳. زونی‌ها چگونه این چیزها را محرمانه نگاه می‌دارند؟
 ۴. به نظر شما چرا زونی‌ها این چیزها را محرمانه نگاه می‌دارند؟

تمرین تفکر انتقادی

تعیین تفاوت‌ها در رفتار خصوصی

متن زیر را با دقت بخوانید. توجه کنید که نویسنده چگونه تفاوت‌های رفتار خصوصی افرادی از جوامع و نسل‌های مختلف را توصیف می‌کند. بعد به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید.

حق حریم خصوصی یک افسانه است

برونو بتلیم، ستردی ایونینگ پست، ۱۹۶۸

این روزها به هر جا می‌رویم، به نظر می‌رسد که حریم خصوصی ما زیر پا گذاشته می‌شود. حتی اگر از آزار سر و صداها و اطلاعات نامربوط در امان باشید، بالاخره یک شرکت یا نهاد حکومتی پیدا می‌شود که با سؤالات نامربوط درونی‌ترین احساسات شما را مورد کنکاش قرار دهد. آیا دیگر هیچ چیز خصوصی نیست، دیگر هیچ چیز به فرد تعلق ندارد؟ آیا در این کشور افراد نمی‌توانند به حال خود رها شوند و زندگی خود را بکنند؟ آیا همه ما از این مزاحمت‌ها رنجیده خاطر نیستیم؟ پس چرا برای این بی‌اعتنایی به حریم خصوصی فکری نمی‌کنیم؟

یکی از این شب‌ها در تنهایی، پشت درهای بسته اتاقم، درباره‌ی این پرسش‌ها تأمل می‌کردم. تا شروع به نوشتن این افکار کردم، چشمانم بر تصویری خیره‌ماند که به دیوار زده‌ام و به ریش خودم خندیدم. این نقاشی پر از آدم و سرشار از زندگی است. افرادی که در این اثر دیده می‌شوند، سرشان به کار خودشان گرم است و چون در حضور دیگرانند ظاهراً از کارشان لذت می‌برند. به نظر نمی‌رسد که آنها میل یا نیازی به حریم خصوصی داشته باشند. چرا؟ آیا شوق ما به حریم خصوصی پدیده‌ای صرفاً متأخر است که سرنوشت مقدر آن نابودی است؟

در ایام نوجوانی، زمانی که من مشغول تحصیل بودم، می‌بایست در اتاقم بسته و سکوت حکم‌فرما می‌بود. فقط با حذف همه چیز بود که من می‌توانستم بر خودم و کارم تمرکز کنم. اما فرزندان خود من فقط در صورتی می‌توانند خوب درس بخوانند که در اتاق باز باشد و موسیقی با صدای کرکننده‌ای پخش شود و در این شرایط کاملاً متفاوت، آنها همان قدر یاد می‌گیرند که من یاد می‌گرفتم. پس چرا من هنوز به حریم خصوصی نیاز دارم و آنها ظاهراً چنین نیازی ندارند؟

شاید جواب این است که همه ما برای اینکه بتوانیم خوب کار کنیم باید احساس کنیم به آنچه نماد والاترین ارزش‌های ماست نزدیکیم. من که پیش از عصر سلطه فرهنگ توده‌ها بزرگ شدم، باید برای خود محیطی ایجاد می‌کردم که حاکی از منحصر به فرد بودن و تشخیص فردی باشد تا بتوانم بر کاری تمرکز کنم که قرار بود (آگاهانه یا ناآگاهانه) حد بالایی از فردیت را برای من به ارمغان بیاورد. فرزندان من، دقیقاً به همان دلیل، در حین کار نیاز به تأکید بر اشتراک با دیگران دارند. موسیقی بیتل‌ها به همان

اندازه به آنها قوت قلب می‌دهد که مطالعه در فضای خصوصی به من می‌داد. موسیقی به آنها این احساس را می‌دهد که حتی وقتی در خلوت خویش درس می‌خوانند، با ارزشمندترین چیزهای زندگی خود در تماس هستند؛ یعنی احساس وصل بودن به هم‌نسلان. با خودم فکر کردم که نوع نگاه به حریم خصوصی چقدر سریع می‌تواند عوض شود...

وقتی والدین و ویکتوریایی من برای شام بیرون می‌رفتند، دوست داشتند به یک رستوران بزرگ بروند و میزشان فاصله قابل توجهی از میز بغلی داشته باشد. این روزها، جوانان ترجیح می‌دهند در دیسکوهایی کوچک دور هم جمع شوند و هیپی‌ها هیچ ابایی ندارند از اینکه در یک اتاق بخوابند...

در طول تاریخ، حریم خصوصی همیشه امری لوکس و تجملاتی بوده که همه نمی‌توانسته‌اند از آن برخوردار باشند. لازم نیست به گذشته دور سفر کنیم تا به زمانی برسیم که کل خانواده در یک اتاق زندگی می‌کردند. آن وقت‌ها هیچ کس حریم خصوصی نداشت. نمی‌شد اسکلت را در گنجه گذاشت، چون گنجه‌ای وجود نداشت. یک خانواده باید بسیار متمول می‌بود که می‌توانست دو اتاق خواب داشته باشد، یکی برای والدین و یکی برای بچه‌ها...

لوئیس مامفورد می‌نویسد که اولین تغییر اساسی در خانه‌های قرون وسطایی ایجاد حس حریم خصوصی بود. نتیجه این تغییر، کنار گذاشتن زندگی مشاع بود. حریم خصوصی در خوابیدن، حریم خصوصی در خوردن، حریم خصوصی در مناسک دینی و اجتماعی و بالاخره حریم خصوصی در فکر کردن... در قلعه‌های قرن سیزدهم اتاق خواب خصوصی فقط برای برگزیدگان طراحی می‌شد... حریم خصوصی در اتاق خواب ابتدا در میان طبقات مرفه در ایتالیا باب شد...

این تمایل به حریم خصوصی ربطی وثیق با اهمیت یافتن روزافزون مالکیت خصوصی داشت. خانه من قلعه من است و من را از گزند مهاجمان در امان می‌دارد. در ابتدا اربابان بودند که ادعای حریم خصوصی کردند. هر کسی ملک خصوصی نداشت، حریم خصوصی نداشت.

هر چه یک جامعه بیشتر ساختار طبقاتی پیدا می‌کند، اعضای ممتازش بیشتر حریم خصوصی طلب می‌کنند. به این ترتیب، بهتر می‌فهمیم چرا جامعه‌ای که از ساختار طبقاتی گریزان است، از حریم خصوصی هم گریزان است و خواهان فضاهای عمومی گسترده‌تر است.

آنچه در کش دشوارتر است این است که وقتی همه درباره یکدیگر همه چیز را می‌دانند، دیگر نیازی به جاسوس و سیستم جاسوسی پیشرفته نیست تا از کردار و افکار مردم باخبر شویم. توجه کنید که در مزارع اشتراکی اسرائیل خبری از جرم و رفتارهای ضد اجتماعی نیست. پلیسی در کار نیست چون نیازی به پلیس نیست. دلیلش این است که آنها بیش از ما زندگی اشتراکی و گشوده دارند. البته وقتی من از این مزارع دیدن کردم، به دلیل فقدان حریم خصوصی، احساس خفگی کردم. اما نمی‌توانستم کنترل موفقیت‌آمیز رفتارهای ضد اجتماعی را هم نادیده بگیرم.

یکی از مشکلات حل نشده زندگی مدرن شهری غلبه ترس بر خیابان‌های ماست. احتمالاً بازسازی شهرها یا افزایش بی‌پایان تعداد پلیس‌ها مشکل را حل نخواهد کرد. به نظر من، ما باید به دوران جوامع کوچک و خودکفا بازگردیم و بخش عظیمی از آنچه خصوصی است را همگانی کنیم؛ باید بیشتر با هم به اشتراک بگذاریم و از هم بیشتر بدانیم.

این حرف‌ها من را به چه نتیجه‌ای می‌رساند؟ به رغم همه این ملاحظات، حریم خصوصی همچنان برای من به همان اندازه مهم است و هر گونه تخطی از آن همچنان ناخرسندم می‌کند... نه غیبت قرون وسطایی حریم خصوصی مشکل را حل می‌کند و نه رفتار جاسوسانه برادر بزرگی که هیچ چیز را غیرعمومی نمی‌گذارد. آنچه باید در تلاش برای دست یافتن بدان باشیم، یافتن نوعی تعادل است میان آنچه باید به عنوان امری خصوصی محترم شمرده شود و آنچه کمابیش به زندگی مشترک و عمومی ما تعلق دارد. در این حالت است که زندگی ما نه قلعه‌ای نفوذناپذیر خواهد شد و نه مکانی همگانی.

نظر شما چیست؟

۱. نویسنده چه تفاوت‌هایی میان رفتار خصوصی نسل خود و نسل فرزندانش بر می‌شمارد؟ چه تفاوت‌هایی میان نسل والدینش و نسل فرزندانش بر می‌شمارد؟
۲. نویسنده درباره‌ی تحول تاریخی حریم خصوصی چه می‌گوید؟ به نظر شما غیبت قرون وسطایی حریم خصوصی چه مزایا و مضاری دارد؟
۳. نویسنده درباره‌ی رفتار خصوصی در مزارع اشتراکی اسرائیل چه می‌گوید؟ چگونه این مشاهدات او را به راه حلی برای مسائل حل نشده زندگی مدرن شهری رهنمون می‌شوند؟
۴. درک خودتان درباره‌ی حریم خصوصی را با درک نویسنده مقایسه کنید. به نظر شما تعادل واقعی میان بخش‌های خصوصی و عمومی زندگی ما چیست؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. فرض کنید که در یک شرکت معماری کار می‌کنید. خانه‌ای را که دوست دارید در آن زندگی کنید، طراحی کنید. توضیح دهید که چگونه این خانه نیاز شما به حریم خصوصی را منعکس می‌کند.
۲. سفرهای گالیور کتابی مشهور است که جانان سوئیفت نویسنده آن است. در این کتاب فرهنگ‌های خیالی متعددی توصیف شده‌اند و نمونه‌هایی از رفتارهای خصوصی مردمی که در چارچوب این فرهنگ‌ها زندگی می‌کنند، معرفی شده‌اند. این کتاب را بخوانید و رفتارهای خصوصی دو گروه از افرادی که فرهنگ متفاوتی دارند را مقایسه کنید. یافته‌های خود را به کلاس گزارش کنید.
۳. داستانی درباره‌ی فردی بنویسید که در ایالات متحده زندگی می‌کند و می‌خواهد چیزی را محرمانه نگاه دارد. در داستان توضیح دهید که او چه چیزی را مایل است محرمانه نگاه دارد و دلایل او برای رفتارهای خصوصی خود چیست؟
۴. در یادداشت‌های خود سه سؤال درباره‌ی حریم خصوصی بنویسید.

بخش سوم

مزایا و مضار حریم خصوصی چیست؟

هدف این بخش

حفظ و حراست از حریم خصوصی پیامدهایی دارد. برخی از این پیامدها مزیت محسوب می‌شوند و برخی ضرر. پیش از تصمیم‌گیری درباره‌ی موضوعات مربوط به حریم خصوصی لازم است که این پیامدها را مد نظر داشته باشیم. به رسمیت شناختن یا نشناختن حریم خصوصی در این یا آن شرایط خاص، منوط به آن است که مزایا و مضار حراست از حریم خصوصی در آن شرایط خاص را مورد بررسی قرار دهیم. در این بخش، شما با برخی مزایا و مضار رایج حریم خصوصی آشنا می‌شوید و پیامدهای حراست از حریم خصوصی در برخی شرایط ویژه را مورد بررسی قرار می‌دهید. همان‌طور که خواهید دید، افراد مختلف دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی حق حریم خصوصی در شرایط خاص دارند.

برخی پیامدهای محتمل حریم خصوصی چیستند؟

هدف این درس

در این درس شما با برخی پیامدهای محتمل حریم خصوصی آشنا می‌شوید و آنها را تحت عنوان مزیت یا ضرر تقسیم‌بندی می‌کنید. شما همچنین دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ موضوعات مربوط به حریم خصوصی را با توجه به این پیامدها بررسی می‌کنید. در پایان این درس شما باید بتوانید برخی مزایا و مضار حریم خصوصی را تشریح کنید.

اصطلاحات ضروری

حکم تفتیش
پیروی
تمامیت‌خواه
خلاقیت
برانگیختگی فکری

تمرین تفکر انتقادی

تعیین پیامدهای حریم خصوصی

معلم کلاس را به گروه‌های کوچک تقسیم می‌کند. هر گروه باید وضعیت‌های زیر را بررسی کند، فهرست پیامدهای حریم خصوصی در هر کدام از این وضعیت‌ها را تهیه کند و این پیامدها را تحت عنوان مزایا یا مضار تقسیم‌بندی کند. هر گروه باید آماده باشد که فهرست را با سایر همکلاسی‌ها در میان بگذارد.



۱. قبل از انقلاب آمریکا، مقامات انگلیسی در مستعمرات از احکامی عمومی استفاده می‌کردند که به آنها اجازه می‌داد خانه افراد را در هر زمانی برای یافتن قرائن جرم تفتیش کنند. امروزه، بر اساس متمم چهارم قانون اساسی آمریکا، مقامات حکومتی اجازه

ندارند از احکام عمومی برای یافتن قرائن جرم استفاده کنند. در عوض، آنها برای گرفتن حکم تفتیش باید یک قاضی را قانع کنند که دلایلی قوی دال بر وجود قرائن جرم در مکانی خاص در اختیار دارند. اگر قاضی قانع شود، حکمی خاص برای تفتیش مکانی خاص یا توقیف چیزی خاص صادر می‌کند.

۲. روانشناسان، روانپزشکان و سایر مشاوران در جلساتی که با بیماران و مراجعین خود دارند، یادداشت‌هایی برمی‌دارند. این یادداشت‌ها بسیار محرمانه‌اند و در شرایطی بسیار استثنایی ممکن است در اختیار دیگران قرار بگیرد.

۳. وکیل اجازه ندارد آنچه را موکل به او می‌گوید افشا کند مگر در شرایطی خاص.

۴. وقتی برادر شاندرای به او گفت که به ایدز مبتلا شده است، شاندرای در خانه زار زار گریست. اما شاندرای تلاش کرد احساساتش را در مدرسه بروز ندهد. وقتی دوستانش از او پرسیدند که از چه چیزی ناراحت است، فقط سرش را تکان داد.

همان‌طور که می‌بینید، برخی پیامدهای حریم خصوصی مزیت و برخی ضررند. در دو بخش بعدی به پاره‌ای مزایا و مضار حریم خصوصی اشاره می‌شود. وقتی این دو بخش را می‌خوانید، دربارهٔ مزایا و مضار حریم خصوصی در زندگی خود فکر کنید.

مزایای حریم خصوصی چیست؟

آزادی: حریم خصوصی به افراد امکان می‌دهد که آزادانه فکر و عمل کنند بدون آنکه تحت نفوذ یا کنترل نامعقول دیگران باشند. این آزادی ممکن است مانع آن شود که جامعه تمامیت‌خواه شود، یعنی مانع آن شود که جامعه تحت کنترل کامل یک دیکتاتور یا حزب قرار گیرد.

نمونه: در اماکن خصوصی، مردم ممکن است آزادانه با اعضای خانواده و دوستان دربارهٔ آن دسته از اعتقادات و باورهایشان حرف بزنند که مقبولیت عمومی ندارند.

امنیت: احترام به حریم خصوصی احساس امنیت را تقویت می‌کند. اگر حریم خصوصی فردی محترم شمرده شود، او احساس ایمنی می‌کند.

نمونه: اگر خانواده و دوستان شما به حریم خصوصی شما احترام بگذارند، شما می‌توانید اطمینان خاطر داشته باشید که آنها وقتی مایلید تنها باشید، تنهایتان نخواهند گذاشت و وقتی مایلید چیزی را محرمانه نگاه دارید، با فاش کردن آن آزرده‌تان نخواهند کرد.

فردیت: بدون برخورداری از حریم خصوصی، فشار شبیه دیگران بودن ممکن است مانع آن شود که افراد بتوانند ارزش‌ها، باورها و اعتقادات خود را شکل دهند.

نمونه: گاهی اوقات خانواده‌ها، باندها و حتی کل جامعه به اعضای خود اجازه نمی‌دهند حریم خصوصی داشته باشند. در این شرایط، مردم احساس می‌کنند مجبورند باور یا رفتاری را که گروه یا رهبرانش درست قلمداد می‌کنند، بپذیرند.

حراست از منافع اقتصادی: حریم خصوصی به افراد اجازه می‌دهد افکار، برنامه‌ها و ابتکارات خود را محرمانه نگاه دارند. این وضعیت به آنها کمک می‌کند که محصولات خود را تولید کنند و با رقبا به رقابت بپردازند.

نمونه: فرض کنید شما یک تی شرت طراحی کرده‌اید که فکر می‌کنید تعداد زیادی از آن به فروش خواهد رفت و پول زیادی نصیب شما خواهد شد. شما باید طرحتان را تا زمانی که تی شرت‌ها را تولید کرده‌اید، محرمانه نگه دارید والا ممکن است کس دیگری ایده شما را برآید.

خلاقیت: حریم خصوصی ممکن است برای تفکر و عمل خلاقانه ضرورت داشته باشد.
نمونه: فرض کنید شما مشغول نقاشی کردن هستید و کسی از روی شانه شما به کارت‌تان خیره می‌شود. شما ممکن است احساس کنید که آن فرد مشغول قضاوت درباره شماست یا نگران باشید که آن فرد درباره اثرتان چه فکر می‌کند. یا فرض کنید عده‌ای در نزدیکی شما مشغول حرف زدن یا سؤال پرسیدن هستند. شما ممکن است احساس کنید که نمی‌توانید تمرکز کنید.
صمیمیت: افراد برای آن که بتوانند روابط گرم و پرشوری با دیگران برقرار کنند به حریم خصوصی نیاز دارند.

نمونه: فرض کنید جایی برای خلوت کردن با دیگری یا رابطه خصوصی با دیگری داشتن نبود. در چنین شرایطی ممکن بود شما هیچ میلی به بیان درونی‌ترین احساسات و افکارتان نمی‌داشتید و ممکن بود از اساس رابطه نزدیک برقرار کردن با دیگران را دشوار می‌یافتید.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین و توصیف مزایای حریم خصوصی

با یکی از همکلاسی‌های خود به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. برای توضیح و تشریح افکار خود از مثال استفاده کنید.

۱. آیا حریم خصوصی برای برقراری رابطه نزدیک با دیگران واقعا ضروری است؟ چرا؟
۲. چه نوع فشارهایی برای شبیه به دیگران بودن در محل تحصیل یا زندگی شما وجود دارد؟ حریم خصوصی چگونه شما را از این فشارها رها می‌کند و به شما کمک می‌کند که افکار، احساسات و سبک زندگی خود را شکل دهید؟
۳. اگر کسی به حریم خصوصی یا دارایی شخصی شما احترام نمی‌گذاشت یا وقتی که می‌خواستید تنها باشید، شما را به حال خود رها نمی‌کرد، چه احساسی می‌داشتید؟
۴. حریم خصوصی چگونه به خلاقیت شما کمک می‌کند؟

مضار حریم خصوصی چیست؟

تنهایی و از خود بیگانگی: خلوت گزیدن بیش از حد ممکن است به تنهایی و کاهش شدید ارتباطات بیانجامد.

نمونه: فرض کنید کسی احساساتش را همیشه نزد خود نگاه دارد. ممکن است دیگران میلی به در میان گذاشتن احساساتشان با چنین کسی نداشته باشند. وقتی کسی را برای درد دل نداشته باشیم، چه بسا که احساس انزوا و تنهایی کنیم.

فقدان انگیزه و رشد فکری: ما از طریق کنش و واکنش با دیگران است که افکارمان را تصحیح

می‌کنیم و ایده‌های نو به چنگ می‌آوریم. خلوت گزیدن بیش از حد ممکن است مانع تبادل آرا با دیگران و یاد گرفتن از آنها شود.

نمونه: بعضی افراد از ترس مورد تمسخر قرار گرفتن ممکن است دیدگاه‌های خود را بیان نکنند. آنها افکار خود را با دیگران در میان نمی‌گذارند و به همین دلیل از خطاهای فکری خود آگاه نمی‌شوند و نمی‌توانند افکارشان را بازبینی کنند. دیگران هم نمی‌توانند از ایده‌های این افراد بهره‌مند شوند.

بدرفتاری و بی‌قانونی: حریم خصوصی موجب می‌شود که رفتار غیرقانونی پنهان بماند و تنبیه نشود.

نمونه: افراد ممکن است در حریم خصوصی مرتکب جرم شوند و قرائن جرم را پنهان کنند.

هزینه‌های اقتصادی: برقرار نگاه داشتن حریم خصوصی هزینه انجام کارها را بالا می‌برد.

نمونه: شرکت‌ها مجبورند هزینه بیشتری پردازند تا بتوانند به جای یک اتاق بزرگ برای همه کارمندان، به هر کدام یک اتاق بدهند.

پاسخگو نبودن: حریم خصوصی به افراد امکان کارهایی را می‌دهد که دیگران نمی‌توانند ببینند. در نتیجه، اگر خلاقی از آنها سر بزنند، امکان پاسخگو کردن آنها وجود ندارد.

نمونه: اگر نظارتی در کار نباشد، افراد ممکن است در کارشان میانبر بزنند، در امتحان تقلب کنند یا دزدی کنند. دیگران ممکن است هرگز نفهمند چه شده یا نتوانند اثبات کنند چه کسی مسئول بوده است.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین و توصیف مضار حریم خصوصی

با یکی از همکلاسی‌های خود به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. برای توضیح و تشریح افکار خود از مثال استفاده کنید.

۱. آیا خلوت گزیدن بیش از حد مانع خلاقیت شما می‌شود؟ پاسخ خود را توضیح دهید؟
۲. آیا خلوت گزیدن بیش از حد دوست‌یابی یا برقراری رابطه با دیگران را دشوار می‌کند؟ چگونه؟
۳. چگونه برقراری حریم خصوصی هزینه انجام کارها را بالا می‌برد؟
۴. آیا حریم خصوصی به افراد امکان می‌دهد که مرتکب جرم شوند و از تنبیه بگریزند؟ چرا؟
۵. آیا به نظر شما حریم خصوصی پاسخگو کردن افراد در قبال اعمال آنها را دشوارتر می‌کند؟ چرا؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. یک موضوع مرتبط با حریم خصوصی را در رسانه‌های خبری بیابید. فهرستی از مزایا و مضار برقراری حریم خصوصی در آن شرایط تهیه کنید. آماده باشید که موضوع را با همکلاسی‌ها در میان بگذارید.
۲. با همکاری معلم، حقوقدانی را به کلاس دعوت کنید و درباره مزایا و مضار برقراری حریم خصوصی با او گفت و گو کنید. فهرستی از پرسش‌ها تهیه کنید.

برخی از مزایا و مضار محرمانه نگاه داشتن امور چیستند؟

هدف این درس

در این درس شما با برخی مزایا و مضار حریم خصوصی در شرایط خاص آشنا می‌شوید و اهمیت این مزایا و مضار را بررسی می‌کنید. شما همچنین فرصت خواهید داشت نقش یک جلسه تحقیق درباره وظایف و کلاه روانشناسان و روانپزشکان در حفظ حریم خصوصی مراجعین آنها را بازی کنید. در پایان این درس شما باید بتوانید برخی مزایا و مضار حریم خصوصی را تعیین کنید و با استفاده از آنچه فرا گرفته‌اید، درباره موضوعات مربوط به حریم خصوصی تأمل کنید، موضع بگیرید و از موضع خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

شایعه

چرا ارزیابی مزایا و مضار حریم خصوصی مهم است؟

بسیار مهم است که مزایا و مضار حریم خصوصی را پیش از تصمیم‌گیری درباره موضوعات مربوطه ارزیابی کنیم. ما باید ببینیم مهم‌ترین پیامدهای حریم خصوصی برای ما کدامند. آیا مزایا مهم‌تر از مضارند؟ یا به نظر ما مضار بر مزایا می‌چربند؟

افراد ممکن است دیدگاه‌های مختلفی درباره مزایا و مضار حریم خصوصی در این یا آن موقعیت داشته باشند. به عنوان مثال، قاعده‌ای را در نظر بگیرید که از حریم خصوصی کمد‌های دانش‌آموزان در مدرسه دفاع می‌کند. همه می‌پذیرند که مزایای این قاعده عبارتند از رعایت حق حریم خصوصی دانش‌آموزان و حفظ و حراست از اموال شخصی آنها. همه همچنین می‌پذیرند که یکی از مضار این قاعده عبارت است از دشوار کردن کار مسئولین مدرسه در پیدا کردن چیزهای غیرقانونی، نظیر مواد مخدر و اسلحه، که در کمد‌ها مخفی شده‌اند.

کسانی ممکن است معتقد باشند مزایای قاعده‌ای که حق حریم خصوصی دانش‌آموزان را حمایت می‌کند بر مضارشان می‌چربد. دیگران ممکن است معتقد باشند مضارشان می‌چربد. وقتی بناست درباره موضوعات مربوط به حریم خصوصی تأمل شود، لازم است که مزایا و مضار در نظر گرفته شود.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی برخی پیامدهای محرمانه نگاه داشتن

این تمرین را در گروه‌های کوچک انجام دهید. مطلب زیر را که اقتباسی از یک مقاله روزنامه‌ای است بخوانید. دربارهٔ موظف کردن و کلا، روانشناسان و روانپزشکان به حفظ حریم خصوصی مراجعین آنها تامل کنید. بعد تکالیف خود را انجام دهید و به پرسش‌های مربوط به گروه خود، در بخش «تعیین مزایا و مضار»، پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید.

خطی باریک: گفتن یا نگفتن

بری سیگل، لس‌آنجلس تایمز، چهارشنبه ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳

لروی فیلیپس یک وکیل مدافع در امور جنایی در چاتانوگا در ایالت تنسی است. او همیشه اعتقاد داشت که قواعد وکیل مدافع بودن بسیار آشکارند: هیچ وقت مسائل محرمانه موکلت را با کسی در میان نگذار، هرگز در مقابل دادستان عقب‌نشینی نکن، دشمن جدی دولت و مدافع جدی‌تر موکل باش. حق ویژه موکل برای محرمانه نگاه داشته شدن اسرارش از اصول مقدس کار حقوقی است. مردم

باید بدانند که همه چیز را می‌توانند به وکیل خود

بگویند و اسرار هویدا نخواهد شد. در

ماه می ۱۹۹۳ به فیلیپس تلفنی شد که باورهایش را به بوته تردید انداخت.

او به ملاقات مردی رفت که به او

تلفن زده بود. مرد جوان افتاده و حتی

شاید بتوان گفت بی‌دست و پای بود

که لباس کار ساده‌ای به تن داشت. او

به قتلی اعتراف کرد که قاتلش ناشناخته

مانده بود. فیل پین به فیلیپس گفت «کار

من بود، من دیشب منشی مغازه را کشتم. فکر

می‌کردم دوست دختر سابقم است». در این لحظه

بود که فیلیپس بر سر یک دوراهی دشوار

اخلاقی و حقوقی قرار گرفت. و کلا هنگامی

که رسماً به هیأت وکالت در می‌آیند،

سوگند یاد می‌کنند که اعترافات موکلین خود را

محرمانه نگاه دارند. در تنسی یک تکلیف قانونی هم در کار است؛ افشا کردن اسرار یک موکل جرمی

است که ممکن است به پنج سال حبس بیانجامد. فقط در شرایطی که یک موکل مستقیماً کسی را تهدید

به قتل کند، وکیل بنا به قانون موظف است که مقامات مسئول را در جریان بگذارد. فیل پین هرگز کسی

را مستقیماً تهدید به قتل نکرده بود؛ صرفاً به طور ضمنی القا کرده بود که ممکن است کسی را بکشد.



و کیل چه باید می کرد؟

داستان فیل پین از این قرار است. دو هفته پیش، پین سعی کرده بود دختری را ببیند که نه سال پیش دوست دختر او بود. دختر او را رد کرده بود. پین، پریشان احوال، به میکده‌ای رفت و تمام شب آبجو نوشید. بعد به خانه دختر رفت تا او را بکشد. وقتی پین جوابی نشنید، بی هدف شروع به رانندگی در همان اطراف کرد. او نهایتاً برای خرید سیگار از یک مغازه توقف کرد و دختر فروشنده‌ای را دید که مشغول درست کردن قهوه بود. وقتی پین فروشنده را دید، به یاد دوست دختر سابقش افتاد که همیشه برایش قهوه درست می کرد. در ذهن پین این فروشنده همان دوست دختر بود، نه یک فروشنده غریبه. او تفنگش را درآورد، به فروشنده شلیک کرد، به خانه مادرش رفت و خوابید.

و کیل پرسید «از من می خواهی چه کنم؟». پین با لبخند گفت «می دانم که کار وحشتناکی کرده‌ام و قصد ندارم به کس دیگری آسیب بزنم. من باید تنبیه شوم ولی به کمک هم احتیاج دارم». این درخواست فیلیس را دچار سرگردانی کرد. اگر پین را تحویل پلیس می داد و پین اعتراف می کرد، مرد جوان به زندان می رفت. به نظر می رسید پین از حقوق خود بی خبر است و فیلیس بر اساس اخلاق و قانون موظف بود حقوق او را برایش توضیح دهد و به او بفهماند که تسلیم قانون شدن چه پیامدهایی



برایش دارد. به همین دلیل به او گفت «اگر خودت را به پلیس تسلیم کنی ممکن است آنها تو را تا پایان عمر به زندان بفرستند. اگر کارت را از طریق من پیگیری کنی، آنها ممکن است تو را در بیمارستان بستری کنند. اگر به لحاظ ذهنی بیمار باشی، حق داری که درمان شوی. این را می خواهی؟». «بله، بله می خواهم».

فیلیس به دیدار استن لانزو، بازپرس ناحیه قضایی مربوطه، رفت. او به لانزو گفت «مردی متوهم یک قتل را به گردن گرفته اما او کاملاً دیوانه به نظر می رسد». فیلیس اضافه کرد «من نگران دوست دختر سابق او هستم اما او نگفته است که قصد کشتنش را دارد. به همین دلیل، من نمی توانم او را تحویل دهم». فیلیس به لانزو پیشنهاد داد که دادخواستی تسلیم شود و پین برای معاینه به بیمارستان فرستاده شود. به این ترتیب، موکل او آزاد نخواهد بود و هرچه به دکتر بگوید برای بررسی سلامت عقلی او استفاده خواهد شد، نه گناهکاری او. حالا لانزو هم بر سر یک دوراهی قرار گرفته بود. فیلیس و کیل بود، نه روانشناس. به عنوان یک بازپرس، او نمی توانست صرفاً بر اساس تحلیل یک وکیل اتهامی به پین وارد کند.

فیلیس به نحو فزاینده‌ای درباره دوست دختر سابق پین احساس نگرانی می کرد. آزاد بودن پین او را در خطر قرار می داد. اما اگر اسرار پین را برملا می کرد، کانون و کلای تنسی او را مؤاخذه می کرد یا حتی تحت تعقیب قرار می داد. فیلیس به جورج برکا، یک روانشناس بالینی، مراجعه کرد. او تعدادی

آزمایش انجام داد. بعد از چند هفته برکا که هنوز چندان نگران نبود، و کیل را تشویق کرد که موضوع را با دادستان پیگیری کند.

در جولای ۱۹۹۳، مادر پین به برکا تلفن زد و گفت که او ناپدید شده است. برکا به فیلیس خبر داد. اولین فکری که به ذهن فیلیس آمد این بود که به دوست دختر سابق پین خبر دهد. دومین فکر این بود که چطور ممکن است این کار را انجام دهد. اگر چنین می‌کرد، اعتماد موکلش را مخدوش می‌کرد. تلفن فیلیس یک ساعت بعد زنگ خورد. پین توضیح داد که مشغول رانندگی در اطراف خانه دوست دخترش بوده و در یک قبرستان با مادر دختر مرده صحبت می‌کرده و به صدهایی که از قبر او می‌آمده گوش می‌کرده است. روانشناس متوجه شد که پین در وضعیت خطرناکی است و ممکن است کسی را بکشد یا خودکشی کند. برکا به این جمع‌بندی رسید که ملاحظات اخلاقی باید بر ملاحظات قانونی اولویت داده شوند، به ویژه وقتی مادر پین گفت که پین درباره کشتن خودش و دوست دخترش صحبت کرده است. برکا این اطلاعات را به فیلیس داد و گفت «لروی»، من می‌دانم که تو به عنوان وکیل وظیفه‌ای داری، اما به نظر من قانون این اجازه را به من می‌دهد که اقدامات بیشتری بکنم. قانون می‌گوید اگر من احساس کنم او برای دیگران یا خودش خطرناک است، می‌توانم گزارش دهم».

فیلیس با موکلش صحبت کرد «آقای برکا فکر می‌کند که تو بسیار ناخوش هستی. به نظر او تو به کمک احتیاج داری و باید خودت را تسلیم کنی. تو را به زندان می‌فرستند، اما نهایتاً تو را معاینه خواهند کرد تا ببینند آیا باید بستری شوی یا نه». پین پذیرفت و فیلیس به او نصیحت کرد که فقط با دکترها صحبت کند نه با پلیس‌ها.

پین به زندان رفت و از صحبت کردن با پلیس امتناع کرد. به دلیل آنکه آنها هیچ قرینه محکمی علیه او نداشتند، لائزو به فیلیس گفت که پلیس در شرف آزاد کردن اوست. فیلیس، که شدیداً نگران سلامت پین و دوست دختر سابقش بود، پاسخ داد «اگر او را آزاد کنید، مسئولیت کامل این کار با شماست». پین به فیلیس زنگ زد و خبر داد که به خانه برگشته است. فیلیس به این نتیجه رسید که تنها راه حل جلب کردن توجه رسانه‌ها و برانگیختن خشم عموم مردم است. او همچنین یک کارآگاه خصوصی را به دیدار دوست دختر پین فرستاد.

توجه رسانه‌ها بازپرس را مجبور کرد که اقدامی بکند. چون فیلیس اجازه نمی‌داد که پین اعتراف کند، لائزو پیشنهاد کرد که پین از حقیقت برای محرمانه نگاه داشته شدن اسرارش صرف نظر کند. این عمل به برکا اجازه می‌داد که یافته‌هایش را مطرح کند بدون آنکه نگران اتهامات اخلاقی و قانونی باشد. می‌توانید حیرت‌همگانی را تصور کنید وقتی روانشناسان ایالت اعلام کردند پین سالم است و می‌تواند مورد محاکمه قرار بگیرد.

فیلیس به این نتیجه رسید که بیش از حد انعطاف نشان داده است. برای تأمین امنیت، امتناع بازپرس از بازداشت پین را پذیرفته بود. او به موکلش اجازه داده بود که از حقوق خود صرف نظر کند و با این کار احتمالاً موازین اخلاقی را زیر پا گذاشته بود. به همین دلیل ممکن بود کانون و کلای تنسی او را رسماً تویخ کند. برکا هم، از این جهت که به بیمارش اجازه داده بود از حقوق قانونی‌اش صرف نظر کند، مورد انتقاد قرار گرفت. انجمن روانشناسی تنسی اخطارهای برای او فرستاد.

تعیین مزایا و مضار

گروه یک: وظایف و کیل برای محرمانه نگاه داشتن اسرار

۱. چهار یا پنج پیامد قاعده زیر را فهرست کنید: افشا کردن اسرار یک موکل جرم است مگر آنکه یک موکل مستقیماً کسی را تهدید به قتل کند.
۲. کدام یک از این پیامدها مزیت است و کدام ضرر محسوب می‌شود؟
۳. آیا به نظر شما فیلیپس، و کیل مدافع، درست رفتار کرد؟ چرا؟ به نظر شما، در شرایط مشابه، وکلای مدافع باید چه وظیفه‌ای داشته باشند؟ در بسط و بیان دیدگاه خود از مزایا و مضاری که برشمرده‌اید، استفاده کنید.

گروه دو: وظایف روانشناس برای محرمانه نگاه داشتن اسرار

۱. چهار یا پنج پیامد قاعده زیر را فهرست کنید: افشا کردن اعترافات یک بیمار جرم است مگر آن که یک موکل مستقیماً کسی را تهدید به قتل کند.
۲. کدام یک از این پیامدها مزیت است و کدام ضرر محسوب می‌شود؟
۳. آیا به نظر شما برکا، روانشناس، درست رفتار کرد؟ چرا؟ به نظر شما، در شرایط مشابه، روانشناسان و روانپزشکان باید چه وظیفه‌ای داشته باشند؟ در بسط و بیان دیدگاه خود از مزایا و مضاری که برشمرده‌اید، استفاده کنید.

تمرین تفکر انتقادی

آیا می‌توان اسرار موکل و بیمار را افشا کرد؟ در چه شرایطی؟ چرا؟

فرض کنید که کانون وکلای تنسی، لروی فیلیپس را متهم به زیر پا گذاشتن قاعده اخلاقی‌ای کرده است که وکلای را از افشا کردن اسرار موکلین خود منع می‌کند. فرض کنید که انجمن روانشناسی تنسی هم اتهام مشابهی را به جورج برکا وارد کرده است.

قرار است هر دو سازمان فوق‌جلساتی برای بررسی اتهامات تشکیل دهند. گروه یک، جلسه تحقیق کانون وکلای را بازسازی می‌کند و گروه دو، جلسه تحقیق انجمن روانشناسی را بازسازی می‌کند. هر گروه به سه زیرگروه تقسیم می‌شود. زیرگروه یک نقش مأمور تحقیق، زیرگروه دو نقش کسانی که از طرف سازمان مربوطه از اتهامات دفاع می‌کند و زیرگروه سه نقش مدافع متهمان را بازی می‌کند.

حامیان سازمان استدلال خواهند کرد که متهمان باید توبیخ یا تنبیه شوند. مدافعین متهمان استدلال خواهند کرد که توبیخ یا تنبیه مجاز نیست. هر زیرگروه یک یا دو نفر را به عنوان سخنگو انتخاب می‌کند. در حالی که حامیان و مدافعین، استدلال‌های خود را آماده می‌کنند، مأموران تحقیق باید یک رئیس برای اداره جلسه انتخاب کنند. ابتدا باید حامیان سازمان‌ها استدلال‌های خود را عرضه کنند. بعد نوبت به مدافعین متهمان می‌رسد. مأموران تحقیق می‌توانند در هر بخش از جلسه سؤالات خود را مطرح کنند. هر گروه ده دقیقه برای عرضه استدلال و پاسخ به پرسش‌ها در اختیار دارد. پس از اینکه هر دو گروه

استدلال‌های خود را ارائه کردند، مأموران تحقیق باید استدلال‌های طرفین را مورد بحث قرار دهند، به تصمیم برسند و تصمیم خود را برای کلاس توضیح دهند.

چگونه این درس را به کار بیندیم؟

۱. داستانی بنویسد یا طرحی بکشید در توصیف شرایطی که حریم خصوصی برای شما یا یکی از آشنایان شما بسیار مهم بوده است. فهرست مزایا و مضار حریم خصوصی در شرایط مذکور را تهیه کنید. سرانجام، توضیح دهید که آیا مزایا بر مضار می‌چربد. چرا؟
۲. یک مضمون برای این قانون ایالت تنسی پیشنهاد کنید: افشا کردن اسرار یک موکل جرم است مگر آن که یک موکل مستقیماً کسی را تهدید به قتل کند. از تغییرات پیشنهادی دفاع کنید.

برخی از مزایا و مضار محرمانه نگاه داشتن اسرار حکومتی چیست؟

هدف این درس

در این درس شما این نکته را بررسی می‌کنید که مجاز دانستن حفظ اسرار به وسیله حکومت چه مزایا و مضاری ممکن است داشته باشد. شما گزارشی دربارهٔ جنگ ویتنام را بررسی می‌کنید که بدون مجوز در نیویورک تایمز و واشنگتن پست «افشا» شد. شما نقش یک جلسه تحقیق در دیوان عالی را بازی می‌کنید که در طی آن دولت در تلاش است روزنامه‌ها را از انتشار گزارش منع کند.

در پایان این درس، شما باید بتوانید دیدگاه خود دربارهٔ حریم خصوصی در این مورد خاص را تشریح کنید و با تأکید بر مزایا و مضار، دربارهٔ موضوعات مربوط به حریم خصوصی تأمل کنید، موضع بگیرید و از موضع خود دفاع کند.

اصطلاحات ضروری

قوة مجریه

منع

سانسور پیش از بیان

تمرین تفکر انتقادی

بررسی حریم خصوصی حکومت

قطعه زیر بر اساس یک پرونده واقعی در دیوان عالی است؛ پرونده نیویورک تایمز علیه ایالت متحده که به پرونده مقالات پنتاگون معروف است. پرونده را به دقت مطالعه کنید. بعد از مطالعه، کلاس به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شود تا پیامدهای رفتارهای محرمانه را در پرونده مورد مطالعه بررسی کنند. شما یک جلسه تحقیق در دیوان عالی در مورد این پرونده را هم شبیه‌سازی می‌کنید.

پرونده مقالات پنتاگون

جنگ ویتنام به مناقشه‌ای گسترده در ایالات متحده دامن زد. تا سال ۱۹۶۷ بیش از ۳۵۰۰۰ آمریکایی

کشته، زخمی یا مفقود شده بودند و بسیاری از آمریکایی‌ها مخالفت خود با جنگ را علنی کرده بودند. پرزیدنت جانسون تصمیم گرفت تا اواسط سال ۱۹۶۸ تعداد سربازان خارج از آمریکا را تا سقف ۵۰۰۰۰۰ افزایش دهد. این تصمیم به گسترش تظاهرات در سطح کشور انجامید. در گردهمایی ملی حزب دموکرات در سال ۱۹۶۸ هزاران نفر در مخالفت با جنگ با پلیس شیکاگو درگیر شدند. بعد از آنکه پرزیدنت نیکسون به ریاست جمهوری رسید، مخالفت‌ها حتی گسترده‌تر شد. در دسامبر ۱۹۶۹، بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر از مخالفین جنگ در واشنگتن تظاهرات کردند تا با طرح نیکسون برای خروج تدریجی ارتش آمریکا ابراز مخالفت کنند. هزاران نفر در سراسر کشور هم علیه جنگ تظاهرات کردند. بعضی از این تظاهرات به خشونت انجامید. در تاریخ چهارم می ۱۹۷۰، نیروهای گارد ملی برای برقراری نظم در دانشگاه ایالتی کنت در اوهایو به تظاهرکنندگان شلیک کردند و چهار دانشجو را کشتند. در چهاردهم می ۱۹۷۰ هم پلیس ایالتی در کالج ایالتی جکسون در می‌سی‌سی‌پی دو دانشجو را کشت. در ژوئن ۱۹۷۱، نیویورک تایمز و واشنگتن پست به نسخه‌هایی از یک گزارش ۷۰۰۰ صفحه‌ای طبقه‌بندی شده دست یافتند که عنوانش «تاریخ روند تصمیم‌گیری ایالات متحده درباره ویتنام» بود. گزارش نشان می‌داد که حکومت، مردم آمریکا را در این زمینه گمراه کرده است. دلیل السبرگ، کارمند سابق دولت این گزارش را بدون مجوز درز داده بود. وقتی روزنامه‌ها شروع به انتشار بخش‌هایی از این گزارش کردند، حکومت تلاش کرد حکمی از دادگاه بگیرد که انتشار بخش‌های دیگری از گزارش را منع کند.

استدلال حکومت این بود که انتشار اسناد طبقه‌بندی شده زندگی مردم را به خطر می‌اندازد، مذاکرات صلح را به مخاطره می‌اندازد و در روند آزادی زندانیان جنگ اختلال ایجاد می‌کند. حکومت مدعی بود که مسئولیت قوه مجریه برای تأمین امنیت ملت به اندازه‌ای مهم است که رئیس‌جمهور باید بتواند مانع انتشار مطالبی در روزنامه‌ها شود که برملا شدن آنها منافع ملی را شدیداً به مخاطره می‌اندازد. روزنامه‌ها هم استدلال می‌کردند که بر اساس متمم اول قانون اساسی سانسور اخبار پیش از انتشار، منبع خبر هر چه باشد، مجاز نیست؛ استدلال می‌کردند که هدف این متمم ممانعت از جلوگیری حکومت از انتشار اطلاعاتی است که مایه شرمساری حکومت است و استدلال می‌کردند که هدف این متمم حراست از آزادی مطبوعات در برملا و انتقاد کردن از فریبکاری‌های حکومت است. روزنامه‌ها معتقد بودند اطلاعاتی که آنها قصد انتشارش را داشتند به گفت‌وگوی جاری ملت درباره جنگ ویتنام کمک می‌کند؛ معتقد بودند گفت‌وگو و مباحثه بی‌پرده درباره موضوعات عمومی لازمه حکومت بر خویشتن است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است؛ معتقد بودند که رازورزی در حکومت رفتاری غیردموکراتیک است و موجب می‌شود که خطاهای حکومتی تداوم یابند و معتقد بودند که نگرانی حکومت درباره تأثیرات احتمالی انتشار گزارش چیزی نیست جز حدس‌های اثبات نشده.

برگزاری یک جلسه تحقیق دیوان عالی

برای انجام این تمرین، کلاس باید به سه گروه تقسیم شود. یک گروه نقش قضات دیوان عالی را بازی می‌کند، یک گروه نقش وکلای روزنامه‌ها را بازی می‌کند و یک گروه هم نقش وکلای حکومت

را بازی می‌کند. هر گروه باید فهرستی از مزایا و مضار ممانعت از انتشار گزارش محرمانه به وسیله حکومت تهیه کند. گروه‌های وکلای روزنامه‌ها و حکومت هر یک باید استدلال‌هایی عرضه کنند برای دفاع از اینکه چرا حکومت باید یا نباید گزارش را محرمانه نگاه دارد. در استدلال‌ها از مزایا و مضاری که فهرست کرده‌اید استفاده کنید. دو یا سه سخنگو انتخاب کنید که دیدگاه گروه شما را در دیوان عالی مطرح کنند. وقتی گروه‌ها استدلال‌های خود را آماده می‌کنند، کسانی که نقش قضات دیوان عالی را بازی می‌کنند باید پرسش‌هایی برای پرسیدن از سخنگوها آماده کنند و رئیسی انتخاب کنند که جلسه را مدیریت کند.

بعد از آنکه هر گروه دیدگاه خود را مطرح کرد، قضات دیوان عالی باید استدلال‌های مطرح شده را بررسی کنند و تصمیم بگیرند که آیا گزارش باید محرمانه بماند یا نه. قضات باید بر مبنای مزایا و مضار، از تصمیم خود دفاع کنند. کلاس باید دربارهٔ مفید بودن یا نبودن توجه به مزایا و مضار بحث کند.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. آیا باید به حکومت اجازه داد مانع انتشار اطلاعات دربارهٔ ساخت بمب هسته‌ای شود؟ پرونده ایالات متحده علیه پروگرسو را بخوانید و به کلاس گزارش دهید که دادگاه چگونه به موضوع رسیدگی کرد. با تصمیم دادگاه موافقت یا مخالف؟ چرا؟
۲. آیا نهادی (نظیر مدرسه، بیمارستان یا نهادهای حکومتی) وجود دارد که شما مایل نباشید اطلاعات مربوط به شما را منتشر کند؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا شما رفتار محرمانه حکومت را تایید می‌کنید؟ چرا؟
۳. چند پرسش تازه دربارهٔ موضوعات مربوط به حریم خصوصی طراحی کنید.

بخش چهارم

قلمرو و محدوده حریم خصوصی کجاست؟

هدف این بخش

برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که ما به عنوان شهروند، با آنها مواجه هستیم، با قلمرو و محدوده حریم خصوصی ارتباط دارند؛ چه چیزهایی را مردم می‌توانند محرمانه نگاه دارند؟ در چه شرایطی ارزش‌های دیگر بر حریم خصوصی اولویت می‌یابند؟ این پرسش‌ها زمانی اهمیت می‌یابند که افراد یا گروه‌هایی مایلند حریم خصوصی خود را حفظ کنند، اما دیگران این حق را برای خود قائلند که چیزی خصوصی را بدانند یا در حوزه آزادی افراد یا گروهی مداخله کنند. در بعضی موارد، حفظ حریم خصوصی معقول و منصفانه است؛ در موارد دیگر، ارزش‌ها و منافع دیگر ممکن است مهم‌تر باشند. در این بخش، شما با برخی ابزارهای مفهومی - مفاهیم و روش‌ها - آشنا می‌شوید که به شما کمک می‌کند درباره پرسش‌های مربوط به قلمرو و محدوده حریم خصوصی تأمل کنید، موضع بگیرید و از موضع خود دفاع کنید.

در بحث حریم خصوصی، چه ملاحظاتی باید در نظر داشته باشیم؟

هدف این درس

این درس شما را با ملاحظاتی آشنا می‌کند که برای رسیدگی به موضوع حریم خصوصی مفیدند. شما همچنین فرصت خواهید داشت که این ملاحظات را به کار ببندید، وقتی با یک نمونه از ناسازگاری میان حریم خصوصی و ضرورت اجرای قانون مواجه می‌شوید. در پایان این درس، شما باید بتوانید توضیح دهید که آیا این ملاحظات در بررسی موضوعات مربوط به حریم خصوصی مفیدند یا خیر.

اصطلاحات ضروری

رضایت	نتایج
وظیفه اخلاقی	قانون آزادی اطلاعات
منافع	مطابقت با قانون
تصرف	وظیفه قانونی
ملاحظات مربوط	حکم
	ارزش‌ها

در چه شرایطی حکومت باید مجاز به نقض حریم خصوصی شما باشد؟

از دوره مستعمرات، آمریکایی‌ها قویا اعتقاد داشته‌اند که شهروندان باید از حق حریم خصوصی برخوردار باشند تا از شر بازداشت خودسرانه و تفتیش نامعقول در امان باشند و مأموران حکومتی نتوانند به زور وارد خانه آنها شوند. بر اساس متمم چهارم قانون اساسی آمریکا «مردم حق دارند خود، خانه‌های خود، اسناد و مدارک خود و دارایی‌های خود را از تفتیش و توقیف نامعقول مصون نگاه دارند...»، اما همیشه نمی‌توان به راحتی درباره معنا و مصداق «نامعقول» به توافق رسید.

حمایت قانون اساسی از حریم خصوصی مطلق نیست. مأموران حکومتی مجازند که در شرایطی خاص به خانه‌های ما وارد شوند. مثلاً آتش‌نشان‌ها مجازند برای خاموش کردن آتش وارد خانه ما شوند. پلیس مجاز است برای متوقف کردن جرمی که در حال وقوع است یا به زودی واقع خواهد شد، وارد خانه ما شود. همچنین پلیس می‌تواند وارد خانه ما شود به شرط آنکه بتواند با دلایلی قوی یک قاضی

را قانع کند که در خانه قرائن ارتکاب یک جرم وجود دارد و قاضی حکم تفتیش برای یافتن آن قرائن صادر کند. همچنین مأموران حکومتی می‌توانند با اجازه یا دعوت خود فرد وارد خانه او شوند. خارج از حریم خانه، توقع مردم برای حریم خصوصی به این شدت نیست. با این حال، متمم چهارم قانون اساسی مأموران حکومتی را از نقض نامعقول حق مردم به حریم خصوصی منع می‌کند. البته اگر مأموری چیز مشکوکی ببیند، نیاز به حکم ندارد و می‌تواند کسانی را که درگیر ماجرا هستند، متوقف کند و مورد پرسش قرار دهد. با این حال، مأموران اجازه ندارند بدون دلیل یا صرفاً بر اساس یک حدس افراد را متوقف کنند و مورد پرسش قرار دهند. رفتار مأمور باید معقول و با متمم چهارم هماهنگ باشد.

تمرین تفکر انتقادی

ارزش‌ها و منافع متضاد متمم چهارم قانون اساسی

مطلب زیر را بخوانید و درباره ارزش‌ها و منافی فکر کنید که متمم چهارم ترویج می‌کند. درباره این تأمل کنید که آیا این ارزش‌ها و منافع با هم ناسازگارند و باید در بین آنها گزینشی صورت بگیرد. با یکی از همکلاسی‌های خود همفکری کنید و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

جک فراست؛ شهروند و مظنون به ارتکاب جرم

جک فراست شهروند آمریکاست. حریم خصوصی بخش مهمی از زندگی اوست؛ این بدان معناست که او در خانه‌اش از امنیت برخوردار است؛ او می‌تواند رأی مخفی به صندوق بیاندازد و می‌تواند راجع به هر موضوعی فکر کند بدون آنکه نگران باشد حکومت او را مجبور به پذیرش دیدگاه‌های حکومتی می‌کند. بدون حریم خصوصی، فردیت و آزادی او و سایر آمریکایی‌ها معنایی ندارد. جک فراست احتمالاً رهبر گروهی است که مرتکب جرائم سازمان یافته می‌شود. او احتمالاً مسئولیت میلیون‌ها دلار سرقت، معاملات کلان مواد مخدر، قتل و بسیاری تخلفات دیگر است. پلیس قصد دارد به جرائم احتمالی جک فراست خاتمه دهد. اما برای انجام این کار، آنها نیاز به اطلاعات درباره فعالیت‌های او دارند. کار آنها بسیار دشوار است چون هر کس حق حریم خصوصی دارد.

نظر شما چیست؟

۱. در موقعیت بالا کدام ارزش‌ها و منافع با حریم خصوصی در تضادند؟
۲. چرا ممکن است مجبور شویم میان حراست از حریم خصوصی و حمایت از سایر ارزش‌ها یکی را انتخاب کنیم؟
۳. چرا وقتی می‌خواهیم سایر ارزش‌ها را بر حق حریم خصوصی یک فرد اولویت ببخشیم لازم است که قواعد یا نظامی برای تصمیم‌گیری داشته باشیم؟

در تحلیل امور مربوط به حریم خصوصی چه ملاحظاتی باید در نظر داشت؟

همان‌طور که می‌بینید، حریم خصوصی ممکن است با سایر ارزش‌ها و منافع تداخل داشته باشد.

در موقعیت بالا، میان حراست از حریم خصوصی و اجرای قانون، تضاد و کشمکش وجود دارد. در هر موقعیتی، ممکن است مردم درباره اینکه چگونه باید تضاد میان حریم خصوصی و سایر ارزش‌ها و منافع را از میان برد، دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. پاره‌ای از ملاحظات آنست که در مقام رفع این تضاد باید در نظر داشت عبارتند از:

رضایت: آیا فردی که قرار است حریم خصوصی او نقض شود، به این کار رضایت داده است؟ به عنوان مثال:

- اگر پلیس بخواهد خانه یا ماشین فردی را تفتیش کند و آن فرد اجازه انجام این کار را بدهد، او به این تفتیش رضایت داده است.

- مسافران می‌دانند که قبل از سوار شدن به هواپیما در فرودگاه باید خودشان از دستگاه تشخیص فلزات و چمدان آنها از درون دستگاه اشعه ایکس عبور کنند. آنها این را می‌دانستند و می‌توانستند با عدم استفاده از هواپیما از نقض حریم خصوصی خود پیشگیری کنند. به همین دلیل، می‌شود گفت که آنها به این بازرسی‌ها رضایت داده‌اند.

- منتخبان مردم می‌دانند که تاریخ زندگی و بسیاری از کنش‌های آنها در اختیار مردم قرار می‌گیرد. آنها می‌توانستند با کاندیدا نشدن از نقض حریم خصوصی خود پیشگیری کنند. به همین دلیل، می‌شود گفت که آنها به عمومی کردن اطلاعات شخصی خود رضایت داده‌اند.

مطابقت با قانون: آیا کسانی که می‌خواهند حریم خصوصی فردی را نقض کنند، حق قانونی برای انجام چنین کاری دارند؟ مثلاً:

- حکم تفتیشی که قاضی صادر می‌کند، به پلیس حق قانونی تفتیش مکان مربوطه را می‌دهد.
- مأموران گمرک حق قانونی دارند هر کسی را که از مرز وارد ایالات متحده می‌شود بازرسی کنند.

- قانون آزادی اطلاعات، مصوب ۱۹۶۶، به مردم حق قانونی می‌دهد که مدارک حکومت فدرال را مطالبه کنند، مگر آنکه آن مدارک حاوی اطلاعات محرمانه یا طبقه‌بندی شده باشند.

وظیفه قانونی: آیا فرد وظیفه قانونی دارد که حریم خصوصی دیگری را مراعات کند؟ به عنوان مثال:

- قوانینی وجود دارد که مشاورین را به لحاظ قانونی موظف می‌کند هویت بیماران معناد به الکل یا مواد مخدر را آشکار نکنند.

- اگر کسی قراردادی برای محرمانه نگاه داشتن برخی اطلاعات امضا کند، قرارداد ممکن است مخفی داشتن آن اطلاعات را به وظیفه‌ای قانونی تبدیل کند.

- بر اساس قانون اساسی، پلیس وظیفه قانونی دارد به استثنای شرایطی خاص، بدون حکم تفتیش وارد حریم خصوصی کسی نشود.

وظیفه اخلاقی: آیا فرد وظیفه اخلاقی دارد که حریم خصوصی دیگری را مراعات کند؟ به عنوان مثال:

- کسی که قول می‌دهد رازی را نگاه دارد، وظیفه اخلاقی دارد که راز را به کسی نگوید.

- پزشکان وظیفه اخلاقی دارند که اطلاعات پزشکی بیماران خود را آشکار نکنند. مشاوران وظیفه اخلاقی دارند آنچه افراد در خلوت به آنها می‌گویند را آشکار نکنند.
- و کلاً وظیفه اخلاقی دارند که اطلاعات محرمانه موکلان خود را آشکار نکنند.

تمرین تفکر انتقادی

توصیف ملاحظات مربوط

قطعه زیر را که از پرونده تری علیه اوهایو اقتباس شده است، مطالعه و درباره ارزش‌ها و منافع تأمل کنید که بیشتر فهرست کردید. در گروه‌های کوچک کار کنید و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

تفتیش

مارتین مک فدن، افسر پلیس احساس کرد رفتار دو مردی که طرف دیگر خیابان مشغول صحبت بودند، طبیعی نیست. یکی از آنها به سمت بالای خیابان حرکت کرد، از پنجره به داخل فروشگاه نگاه کرد، چند قدمی دور شد، دوباره برگشت و در مقابل همان فروشگاه ایستاد و بعد به فرد دوم ملحق شد. آنها ده دوازده بار همین رفتار را تکرار کردند. بالاخره هر دوی آنها به طرف فروشگاه رفتند.

مک فدن با صدای بلند گفت «همان جا بایستید. دست‌هایتان را روی دیوار بگذارید و پاهایتان را از هم باز کنید». دو مرد دستور را اجرا کردند. مک فدن آنها را بازرسی بدنی کرد. او متعجب نشد وقتی دریافت آنها اشیائی سخت و سنگین را زیر اورکت‌های خود مخفی کرده‌اند. معلوم شد که این اشیاء اسلحه‌اند.

مک فدن به آنها گفت «شما بازداشت هستید». جان تری و ریچارد چیلتون که متهم به حمل مخفیانه سلاح شده بودند، و کیلی زبردست استخدام کردند. بعد از آنکه وکیل از جزئیات ماجرا باخبر شد، استدلال کرد که افسر پلیس متمام چهارم قانون اساسی را نقض کرده است و بنابراین قرینه به دست آمده علیه تری و چیلتون نباید در دادگاه استفاده شود. دادستان مخالفت کرد؛ «مک فدن شکی معقول داشت که جرمی در آستانه وقوع است. آقای تری و آقای چیلتون فروشگاه را زیر نظر داشتند و چیزی نمانده بود که مرتکب سرقت مسلحانه شوند. افسر پلیس کاملاً حق داشت که آنها را متوقف کند و برای پیدا کردن سلاح‌هایی که ممکن بود استفاده کنند، تفتیش کند».

نظر شما چیست؟

۱. آیا آقای تری و آقای چیلتون رضایت داده بودند که مورد بازرسی بدنی قرار بگیرند؟ توضیح

دهید.

۲. آیا افسر پلیس حق قانونی برای بازرسی بدنی آقای تری و آقای چیلتون داشت؟ چرا؟

۳. آیا افسر پلیس وظیفه قانونی برای بازرسی نکردن آقای تری و آقای چیلتون داشت؟ چرا؟

۴. آیا افسر پلیس وظیفه اخلاقی برای بازرسی نکردن آقای تری و آقای چیلتون داشت؟ چرا؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. اگر شما اعتقاد دارید که پلیس هرگز نباید حریم خصوصی افراد را نقض کند، آنگاه پلیس چگونه می‌تواند جامعه را از شر جرائم مصون بدارد؟ اگر شما اعتقاد دارید که پلیس همیشه می‌تواند حریم خصوصی افراد را نقض کند، آنگاه افراد چگونه می‌توانند احساس آزادی و امنیت کنند؟ اگر شما اعتقاد دارید که پلیس فقط در شرایطی خاص باید مجاز باشد که حریم خصوصی افراد را نقض کند، چه قواعدی برای تعیین آن شرایط پیشنهاد می‌کنید؟

۲. دربارهٔ موقعیتی در مدرسه، محله یا شهر خود فکر کنید که متضمن تضاد و کشمکش در یک موضوع مربوط به حریم خصوصی است. آنچه را در این درس فرا گرفته‌اید برای رفع آن کشمکش به کار ببندید. راه‌هایی برای رفع کشمکش پیشنهاد کنید. چه راهی بهترین راه برای حل مشکل است؟ بعد برای کلاس توضیح دهید که تضاد چیست، چگونه باید رفع شود و چرا؟

۳. با همکاری معلم، فردی را به کلاس دعوت کنید که با مسائل مربوط به حریم خصوصی سر و کار دارد، مثلاً یک پلیس، قاضی، دکتر، وکیل یا عضو شورای شهر. از آن فرد بخواهید یک وضعیت متضمن تضاد در قلمرو حریم خصوصی را ذکر و راه‌هایی برای حل آن پیشنهاد کند.

اجرای قانون چه کشمکشی در قلمرو حریم خصوصی ممکن است پدید آورد؟

هدف این درس

در این درس شما با برخی ابزارهای مفهومی آشنا می‌شوید و آنها را برای بررسی موضوعی که با اجرای قانون در ارتباط است به کار می‌گیرید. موضوع این است که آیا پلیس باید مجاز باشد نام افراد را بپرسد و در صورت امتناع فرد از پاسخگویی او را بازداشت کند یا خیر. در پایان این درس، شما باید بتوانید این ابزارهای مفهومی را به کار بگیرید و از موضع خود در مورد حریم خصوصی دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

پرسه زدن

روش تحلیل موضوعات مربوط به حریم خصوصی

در درس گذشته با پاره‌ای ملاحظات آشنا شدید که به شما کمک می‌کند درباره موضوعات مربوط به حریم خصوصی با وضوح بیشتری تأمل کنید. حالا می‌توانید آن ملاحظات را به عنوان بخشی از یک روش خاص برای تحلیل موضوعات مربوط به حریم خصوصی به کار بگیرید. این روش در زیر توضیح داده می‌شود و در جدول انتهای درس خلاصه می‌شود. این روش متضمن مراحل است که شما باید برای بررسی موضوع حریم خصوصی و موضع‌گیری درباره آن طی کنید. توجه داشته باشید که در هر یک از این مراحل، شخص مورد بحث ممکن است یک گروه یا نهاد، نظیر مدرسه یا نهاد حکومتی باشد. ۱. تعیین کنید چه کسی ادعای حریم خصوصی دارد. ابتدا باید تعیین کنید شخصی که خواهان حریم خصوصی است، کیست و چه چیزی را مایل است محرمانه نگاه دارد. آن چیز چگونه قرار است محرمانه نگاه داشته شود؟ بنابر کدام دلایل؟

۲. تعیین کنید چه کسی قصد نقض حریم خصوصی دیگران را دارد. تعیین کنید چه کسی با ادعای شخصی که خواهان حریم خصوصی است، مخالف است. چه دلایلی برای این مخالفت وجود دارد. توضیح دهید حریم خصوصی فرد اول چگونه قرار است نقض شود.

۳. ملاحظات مربوطه را بررسی کنید. موضوعاتی را که به کشمکش مورد بحث ربط دارند یا بر سرنوشت بحث تأثیر می‌گذارند در نظر بگیرید: رضایت، مطابقت با قانون، وظایف قانونی و وظایف اخلاقی. مشخص کنید که این موضوعات چگونه بر این موقعیت اطلاق می‌شوند.

۴. راه‌هایی را که برای مدیریت موضوع وجود دارد بررسی کنید. درباره راه‌هایی که برای حل مشکل وجود دارد تأمل کنید. برخی از این راه‌ها عبارتند از به رسمیت شناختن یا انکار ادعای فرد نسبت به حریم خصوصی یا رسیدن به نوعی مصالحه. وقتی درباره این راه حل‌ها فکر می‌کنید، حتما مزایا و مضار هر راه حل را در نظر بگیرید.

۵. موضع بگیرید و از موضع خود دفاع کنید. به نظر شما کدام راه حل بهتر است؟ چرا؟

تمرین تفکر انتقادی

موضع‌گیری درباره اجرای قانون

قطعه زیر را بخوانید و درباره این فکر کنید که اگر یک پلیس شما را متوقف کند و از شما بخواهد که هویت خود را مشخص کنید، چه احساسی خواهید داشت. بعد با گروهی از همکلاسی‌های خود به پرسش‌های مطرح شده در جدول ابزارهای مفهومی پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را برای کلاس توضیح دهید.

غریبه

در طول تاریخ تمدن، جوامع تلاش کرده‌اند خود را از گزند بیگانگان در امان بدارند. با این حال، یکی از آزادی‌هایی که ما آمریکایی‌ها گرامی می‌داریم حق سفر از این شهر به آن شهر و به هر جاست که دوست می‌داریم. در گذشته‌ای نه چندان دور، این دو سنت در کالیفرنیا با هم تضاد پیدا کردند. پلیس، ادوارد لاوسن را که در خیابان قدم می‌زد متوقف کرد و از او خواست هویت خود را مشخص کند. آقای لاوسن همکاری نکرد و ساکت ماند. بر اساس قوانین کالیفرنیا، پرسه زدن در خیابان، بدون دلیل مشخص، بالا و پایین رفتن، هویت خود را مشخص نکردن و دلیل حضور خود را به پلیس توضیح ندادن غیرقانونی بود. پلیس آقای لاوسن را بازداشت و او را متهم به زیر پا گذاشتن این قانون کرد. آقای لاوسن اقامه دعوی کرد با این هدف که این قانون ناسازگار با قانون اساسی شناخته شود. او استدلال کرد که این قانون ناقض حقوق قانونی اوست که در متمم چهارم به رسمیت شناخته شده‌اند. پرونده او نهایتاً به دیوان عالی فرستاده شد.

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. فرض کنید کنگره می‌خواست به قانونی رسیدگی کند که همه افراد را موظف به همراه داشتن یک کارت شناسایی ملی می‌کند تا معلوم شود که آیا شهروند آمریکا هستند یا نه. قانون آنها را موظف خواهد کرد که وقتی دنبال کار می‌گردند، کارت را عرضه کنند. بهترین دلایلی که می‌توان له یا علیه این قانون اقامه کرد چیستند؟ موضع شما چیست؟ نامه‌ای به نماینده خود در مجلس بنویسید و دیدگاه خود را با او در میان بگذارید.

۲. نهادهای حکومتی، با استفاده از دوربین، مکان‌های عمومی نظیر مکان‌های استراحت در بزرگراه‌ها، پارکینگ‌ها و ایستگاه‌های مترو را تحت نظر دارند. آیا این شیوه بهتر از گشت پلیس در این مناطق است؟ کدام شیوه رفتارهای غیرقانونی را بهتر کنترل می‌کند؟ کدام شیوه بیشتر محل حریم خصوصی است؟ آیا شما با استفاده حکومت از دوربین موافقید؟ برای بیان دیدگاه خود به سردبیر یک روزنامه نامه‌ای بنویسید یا آن را به کلاس عرضه کنید.

جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی موضوعات مربوط به حریم خصوصی

پاسخ‌ها	پرسش‌ها
	<p>تعیین کنید چه کسی ادعای حریم خصوصی دارد:</p> <ul style="list-style-type: none"> • در این مورد ادعای چه کسی برای برخورداری از حریم خصوصی در خطر است؟ • این فرد چه چیزی را می‌خواهد محرمانه نگاه دارد؟ • این فرد چگونه آن چیز را محرمانه نگاه داشته است؟ • چرا این فرد می‌خواهد چیزها را محرمانه نگاه دارد؟
	<p>تعیین کنید چه کسی قصد نقض حریم خصوصی دیگران را دارد:</p> <ul style="list-style-type: none"> • چه کسی می‌خواهد حریم خصوصی دیگری را محدود یا نقض کند؟ • این فرد چگونه حریم خصوصی دیگری را نقض کرد؟ • چرا این فرد می‌خواهد حریم خصوصی دیگری را نقض کند؟
	<p>ملاحظات مربوطه را بررسی کنید:</p> <ul style="list-style-type: none"> • آیا این فرد رضایت داده که حریم خصوصی او نقض شود؟ توضیح دهید. • آیا فردی که نقض حریم کرده حق قانونی برای این کار داشته است؟ چرا؟ • آیا فردی که نقض حریم کرده وظیفه قانونی برای این کار داشته است؟ چرا؟ • آیا فردی که نقض حریم کرده وظیفه اخلاقی برای این کار داشته است؟ چرا؟
	<p>راه‌هایی را که برای مدیریت موضوع وجود دارد بررسی کنید:</p> <ul style="list-style-type: none"> • مزایا و مضار به رسمیت شناختن ادعای فرد به حریم خصوصی چیست؟ • مزایا و مضار انکار ادعای فرد به حریم خصوصی چیست؟ • چه راه‌هایی غیر از نقض حریم خصوصی برای گردآوری اطلاعات وجود دارد؟ • مزایای هر کدام از این راه‌ها چیست؟ • مضار هر کدام از این راه‌ها چیست؟
	<p>موضع بگیرید و از موضع خود دفاع کنید:</p> <ul style="list-style-type: none"> • به نظر شما چگونه این مشکل باید رفع شود؟ موضع خود را توضیح دهید.

درسی یازدهم

چگونه پیشرفت‌های فن‌آوری حریم خصوصی را به مخاطره می‌اندازد؟

هدف این درس

در این درس شما مذاکره‌ای پارلمانی دربارهٔ یک لایحه را شبیه‌سازی می‌کنید. لایحه مذکور اطلاعات پزشکی را محرمانه به شمار می‌آورد، اما اجازه می‌دهد که این اطلاعات به صورت کامپیوتری ذخیره شود و بخشی از اطلاعات نظام درمانی کل کشور به حساب آید. این لایحه مسائل مختلفی مربوط به حریم خصوصی را دامن می‌زند. در پایان این درس، شما باید بتوانید دیدگاه‌های گوناگون دربارهٔ این مسائل را توضیح دهید و بررسی کنید. همچنین شما باید بتوانید از موضع خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

بانک اطلاعات

بازیابی

کامپیوترها چگونه حریم خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

کامپیوترها زندگی همه افراد جامعه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مردم از کامپیوترها هم برای پیگیری اطلاعات استفاده می‌کنند، هم برای افزایش کارآمدی. کامپیوترها در همه ابعاد زندگی ما حاضرند: از تولید الکترونیسته تا تولید کتاب، از استفاده از تلفن تا استفاده از کارت اعتباری، از پرداخت پول در فروشگاه تا دریافت پول از بانک.

اما در جامعه مدرن کامپیوترها برای حریم خصوصی دردسر سازند، چون می‌توانند اطلاعات را برای همیشه ثبت و بازیابی کنند. کامپیوترها انواع اطلاعات را ذخیره می‌کنند: شما چه مقدار آب و برق هر ماه مصرف می‌کنید، چه میزان مالیات می‌پردازید، رنگ مو و چشم شما و این که عینکی هستید یا نه. جدولی صفحه بعد به خوبی نشان می‌دهد که اطلاعات ذخیره شده در کامپیوتر می‌توانند تصویری دقیق از زندگی شما ترسیم کنند.

اطلاعات ذخیره شده در یک بانک اطلاعات کامپیوتری

هر بار شما	در یک کامپیوتر ذخیره می شود
از تلفن خود استفاده می کنید	شماره‌ای که به آن زنگ می‌زنید، تاریخ و مدت زمان مکالمه شما
یک فیلم از فروشگاه اجاره می کنید	عنوان فیلم و تاریخ اجاره فیلم
از کارت اعتباری استفاده می کنید	تاریخ، مبلغ خرید، نام شما، مکان خرید و توصیفی از آنچه شما خریده‌اید
روزنامه یا مجله‌ای را مشترک می شوید	اسم و آدرس شما، نام روزنامه یا مجله، تاریخ و مدت اشتراک شما
درخواست وام می کنید	آدرس و شماره تلفن شما، نام، آدرس و تلفن محل کار شما، میزان درآمد شما، ارزش املاک شما، میزان بدهی شما و قسط ماهیانه‌ای که شما می‌پردازید
درخواست بیمه ماشین	آدرس شما، سابقه رانندگی، مشخصات ماشین شما، مسافتی که تا محل کار رانندگی می‌کنید و میزان رانندگی سالیانه شما
پرداخت قبضه‌ها	تاریخ و میزان پرداخت

البته قوانینی وجود دارد که محدودیت‌هایی را اعمال می‌کنند، اما معمولاً این سازمان‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند اطلاعات ذخیره شده در کامپیوترهای خود را در اختیار دیگران بگذارند یا نه. تعداد زیادی از شرکت‌های خصوصی، بانک‌های اطلاعات بزرگ ایجاد کرده‌اند که اطلاعات منابع مختلف (نظیر فرم‌هایی که افراد هنگام درخواست وام، کارت اعتباری یا گواهینامه رانندگی پر می‌کنند) را با هم در می‌آمیزند. آنها این اطلاعات را به کسانی می‌فروشند که می‌خواهند برای محصولات خود مشتری پیدا کنند. اطلاعاتی که برای هدفی خاص در اختیار فردی خاص قرار می‌گیرد، ممکن است به وسیله دیگران بازیابی شود و برای اهداف دیگر مورد استفاده قرار گیرد.

کامپیوترها موجب شده‌اند افراد نتوانند کنترلی بر این امر داشته باشند که چه کسی به اطلاعات شخصی آنها دسترسی نداشته باشد. هر چه زمان می‌گذرد و کامپیوترها قوی‌تر می‌شوند، آنها می‌توانند اطلاعات بیشتری ذخیره کنند و اطلاعات را سریع‌تر بازیابی کنند. افراد و سازمان‌های بیشتری از کامپیوترها استفاده خواهند کرد و احتمالاً در آینده مسائل بیشتری در ارتباط با حریم خصوصی پدید خواهد آمد.

نظر شما چیست؟

۱. آیا فکر می‌کنید کامپیوترها کسانی را که می‌خواهند حریم خصوصی داشته باشند به دردرس می‌اندازند؟ چرا؟
۲. آیا فکر می‌کنید مزایای کامپیوتر بر مسائلی که برای حریم خصوصی ایجاد می‌کند، می‌چربد؟ توضیح دهید.
۳. آیا فکر می‌کنید باید ذخیره اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خصوصی افراد توسط شرکت‌ها محدود شود؟
۴. افراد چگونه باید عمل کنند که توان شرکت‌های خصوصی برای گردآوری اطلاعات دربارهٔ فعالیت‌های آنها محدود شود؟

فن‌آوری چه تأثیری بر حریم خصوصی در حوزه بهداشت و درمان دارد؟

از عصر بقرات، مردم انتظار داشتند که پزشکان وضعیت پزشکی آنها را محرمانه نگاه دارند. این دغدغه دو سرچشمه دارد: اطلاعات پزشکی اطلاعاتی شخصی‌اند؛ اطلاعات پزشکی ضعف‌های ما را برملا می‌کنند و ما را آسیب‌پذیر می‌سازند. وظیفه پزشکان در محرمانه نگاه داشتن اطلاعات در واقع نوعی تقویت بهداشت و درمان هم هست، زیرا ما را تشویق می‌کند که مشکلات پزشکی خود را با پزشکان در میان بگذاریم بدون آنکه نگران شرمسار شدن و خجل شدن در آینده باشیم. در عصر ما، محرمانه نگاه داشتن اطلاعات بیماران نه فقط وظیفه اخلاقی پزشکان بلکه وظیفه قانونی آنها هم هست. با این حال، حریم خصوصی بیماران به هیچ وجه مطلق نیست. برای بهره‌مندی از بیمه، شرکت‌های بیمه از بیماران تحت پوشش رضایت می‌گیرند که پزشکان وضعیت پزشکی آنها را در اختیار شرکت قرار دهند. حتی کسانی که بیمه نیستند ممکن است مجبور شوند، مثلاً در یک دعوای حقوقی، به پزشک خود اجازه دهند که وضعیت پزشکی آنها را اعلام کند. همچنین برای حفظ سلامت عمومی، قوانینی وجود دارد که پزشکان را موظف می‌کند برخی اطلاعات بیماران خود، نظیر اطلاعات لازم برای پیشگیری از گسترش بیماری‌های عفونی را به سازمان‌های بهداشتی دولتی گزارش کنند.

اما اخیراً دغدغه‌های تازه‌ای در ارتباط با محرمانه بودن اطلاعات پزشکی به وجود آمده است که به نظر می‌رسد از دو جا سرچشمه می‌گیرند:

- گسترش بیمه درمانی موجب شده است که بانک‌های اطلاعات و پرونده‌های کامپیوتری‌ای پدید آیند که اطلاعات پزشکی افراد را ذخیره می‌کنند.
- یک برنامه ملی بهداشت و درمان پیشنهاد شده است که بیماران را ملزم می‌کند پیش از دریافت خدمات درمانی، «کارت ملی بهداشت و درمان» خود را ارائه کنند. این کارت اطلاعات پزشکی بیشتری را در دسترس قرار می‌دهد. به ویژه اگر برای این کار از کارت‌های هوشمند با نوار مغناطیسی استفاده شود، کارت ملی، کل سابقه پزشکی فرد را در خود خواهد داشت.

تمرین تفکر انتقادی

استفاده از ابزارهای مفهومی

جزئیات طرح «کارت ملی بهداشت و درمان» در زیر توضیح داده شده است. با یکی یا گروهی از همکلاسی‌های خود درباره مشکلاتی بحث کنید که ممکن است این طرح برای حریم خصوصی افراد ایجاد کند و بعد به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با کلاس در میان بگذارید.

فرض کنید که شما عضو کنگره ایالات متحده هستید. یک طرح ملی پیشنهاد شده است که بیماران را ملزم می‌کند پیش از دریافت خدمات درمانی «کارت ملی بهداشت و درمان» خود را ارائه کنند. در این صورت، پزشکان و بیمارستان‌ها قادر خواهند بود به کل سابقه پزشکی فرد دسترسی داشته باشند؛ اطلاعات روی نوار مغناطیسی کارت ذخیره شده است. هر بار که فرد خدمات پزشکی دریافت می‌کند، اطلاعات روی کارت به روز می‌شود. دولت پرداخت هزینه‌های پزشکی را تقبل می‌کند؛ اطلاعات مربوط به خدمات دریافت شده به صورت الکترونیکی فرستاده و در بانک مرکزی اطلاعات دولت ذخیره می‌شود و کاغذبازی کاملاً حذف می‌شود.

۱. تعیین کنید چه کسی ادعای حریم خصوصی دارد.

• در صورت استفاده از کارت ملی بهداشت و درمان، ادعای چه کسی برای برخورداری از حریم خصوصی به خطر می‌افتد؟

• افراد ممکن است چه نوع اطلاعات پزشکی را مایل نباشند در بانک اطلاعات دولت ذخیره شود؟

چرا؟

• چگونه اطلاعات درباره افراد را می‌توان محرمانه نگاه داشت؟

۲. تعیین کنید چه کسی قصد نقض حریم خصوصی دیگران را دارد.

• چگونه ممکن است کارت ملی بهداشت و درمان حریم خصوصی دیگری را محدود یا نقض

کند؟

• چرا دولت فدرال باید از مردم بخواهد که از کارت ملی بهداشت و درمان استفاده کنند؟

۳. ملاحظات مربوطه را بررسی کنید.

• آیا استفاده از بیمه دولتی به این معناست که مردم رضایت داده‌اند اطلاعات پزشکی آنها مورد

استفاده قرار بگیرد؟ توضیح دهید.

• آیا دولت فدرال حق قانونی برای ملزم کردن مردم به استفاده کردن از کارت ملی و ذخیره

اطلاعات پزشکی آنها در یک بانک مرکزی اطلاعات را دارد؟ چرا؟

• آیا به نظر شما ملزم کردن افراد به استفاده از کارت ملی وظیفه قانونی دولت فدرال در رعایت

حریم خصوصی شهروندان را نقض می‌کند؟ چرا؟

• آیا به نظر شما ملزم کردن افراد به استفاده از کارت ملی وظیفه اخلاقی دولت فدرال در رعایت

حریم خصوصی شهروندان را نقض می‌کند؟ چرا؟

۴. راه‌هایی را که برای مدیریت موضوع وجود دارد بررسی کنید.

- مزایا و مضار ملزم کردن مردم به استفاده از کارت ملی چیست؟
- دولت فدرال از چه راه‌هایی می‌تواند محرمانه ماندن اطلاعات پزشکی را تضمین کند؟ مزایا و مضار هر کدام از این راه‌ها چیست؟
- ۵. موضع بگیرید و از موضع خود دفاع کنید.
- موضع شما درباره الزام استفاده از کارت ملی بهداشت و درمان چیست؟ موضع خود را توضیح دهید.

تمرین تفکر انتقادی

کارت ملی بهداشت و درمان: بررسی، موضع‌گیری و دفاع از موضع

در این تمرین، شما یک جلسه تحقیق کنگره را شبیه‌سازی می‌کنید. شما راه‌های بدیلی برای حل مشکلاتی پیشنهاد می‌کنید که کارت ملی بهداشت و درمان ایجاد کرده است. معلم کلاس را به گروه‌های زیر تقسیم می‌کند:

- پزشکان حامی بهداشت و درمان: گروه شما از یک برنامه بهداشت و درمان ملی دفاع می‌کند و حامی هر طرحی است که کاغذبازی را کم می‌کند. شما معتقدید که مزایای کارت ملی بهداشت و درمان بر مشکلاتی که برای حریم خصوصی ایجاد می‌کند، می‌چربد. شما موافقت می‌کنید که باید محدودیت‌هایی را بر حکومت اعمال کرد تا رعایت حریم خصوصی شود، اما معتقدید این محدودیت‌ها را نباید به عرضه‌کنندگان خدمات بهداشتی هم تعمیم داد، چون ضرورتی ندارد.
- شهروندان حامی بهداشت و درمان کارآمد: گروه شما از طرح‌هایی حمایت می‌کند که برنامه‌های بهداشتی و درمانی دولت را بهبود می‌بخشد و آنها را کارآمدتر می‌کند. شرط شما برای حمایت از طرح کارت ملی بهداشت و درمان این است که طرح جریمه‌های سنگینی برای پزشکان، بیمارستان‌ها و سازمان‌های دولتی‌ای که از اطلاعات پزشکی سوءاستفاده یا استفاده بدون مجوز می‌کنند، در نظر بگیرد.
- شهروندان حامی حریم خصوصی: گروه شما معتقد است که طرح کارت ملی بهداشت و درمان باید رد شود مگر آنکه محدودیت‌ها و جریمه‌هایی در نظر گرفته شود تا از اطلاعات پزشکی محرمانه حراست شود.

• مردم مخالف استبداد: گروه شما معتقد است که اجازه دادن به حکومت که به اطلاعات پزشکی شهروندان دسترسی داشته باشد، اشتباهی خطرناک است، حتی اگر محدودیت‌های قانونی اعمال شود تا جلوی سوءاستفاده از اطلاعات را بگیرد. شما با طرح کارت ملی بهداشت و درمان در هر شرایطی مخالفید.

• کمیته فرعی اطلاعات: این کمیته تصمیم می‌گیرد که آیا طرح کارت ملی بهداشت و درمان به عنوان بخشی از برنامه ملی بهداشت و درمان باید تصویب شود یا نه. همچنین این کمیته درباره قیود لازم برای حراست از محرمانه بودن اطلاعات پزشکی تصمیم می‌گیرد. شما به همه دیدگاه‌ها گوش می‌کنید زیرا شما مایلید بهترین تصمیم را بگیرید. شما می‌دانید که موکلین شما نگران و خواهان بیمه درمانی اند، اما می‌دانید که آنها به حریم خصوصی و آزادی خود هم احترام می‌گذارند.

برگزاری جلسه تحقیق

چهار گروه اول باید له یا علیه طرح کارت ملی بهداشت و درمان استدلال کنند و توضیح دهند اگر چنین کارت‌هایی استفاده شوند، چگونه می‌توان اطلاعات پزشکی را محرمانه نگاه داشت (اگر اساساً بتوان). استدلال‌ها باید مزایا و مضار استفاده از کارت ملی بهداشت و درمان و همچنین مزایا و مضار پیشنهادهایی که برای حفظ حریم خصوصی می‌شود، را مد نظر داشته باشند. استدلال‌ها همچنین باید توضیح دهند که پیشنهادات آنها چگونه می‌تواند هم حریم خصوصی افراد را حفظ کند و هم به دولت امکان گردآوری اطلاعاتی را بدهد که برای برنامه ملی بهداشت و درمان نیاز دارد.

چهار گروه اول دو یا سه سخنگو انتخاب کنند که استدلال‌های آنها را به کمیته فرعی عرضه کنند. در حالی که این چهار گروه استدلال‌های خود را آماده می‌کنند، کمیته فرعی باید پرسش‌هایی برای پرسیدن از سخنگویان طراحی کند. این کمیته باید رئیسی هم برای مدیریت جلسه برگزیند.

بعد از آنکه هر چهار گروه استدلال‌های خود را عرضه کردند، هر یک از اعضای کمیته فرعی باید نظرش را درباره‌ی دو موضوع بدهد: طرح کارت ملی بهداشت و درمان و پیشنهادهایی که برای حفظ حریم خصوصی شده است.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. فرض کنید کنگره طرحی را در دست بررسی دارد که همه را ملزم به داشتن یک شماره شناسایی می‌کند. هر بار که فرد فرمی رسمی، نظیر فرم مالیاتی، فرم پذیرش در بیمارستان، فرم دریافت پاسپورت یا فرم دریافت گواهینامه رانندگی را پر می‌کند، باید از این شماره استفاده کند. همچنین این شماره وقتی کسی جریمه یا بازداشت می‌شود، استفاده می‌شود. چه استدلال‌هایی در دفاع از این طرح می‌توانید اقامه کنید؟ چه استدلال‌هایی در رد این طرح می‌توانید اقامه کنید؟ کدام استدلال‌ها قوی‌ترند؟ چرا؟
۲. چرا افراد حاضرند در جلسات تحقیق شهادت دهند؟ درباره‌ی گروه‌هایی فکر کنید که در جلسه تحقیق شبیه‌سازی شده شما شهادت دادند.
۳. برگزاری جلسه تحقیق چه فایده‌ای برای تصمیم‌گیری‌های حکومتی دارد؟ هزینه‌های آن چیست؟ آیا همه تصمیمات حکومتی باید بعد از برگزاری جلسه تحقیق گرفته شود؟ چرا؟

درسی دوازدهم

افراد چه انواعی از حق حریم خصوصی نسبت به بدن خویش دارند؟

هدف این درس

این درس حق حریم خصوصی فرد نسبت به بدن خویش را بررسی می‌کند. این درس به کلاس شما فرصت می‌دهد یک جلسه تحقیق شبیه‌سازی کند که به این موضوع رسیدگی می‌کند: وقتی جان فرد در خطر است، تا چه حد حق حریم خصوصی باید محترم شمرده شود. در پایان این درس، شما باید بتوانید دیدگاه‌های گوناگون درباره این موضوع را توضیح دهید و بررسی کنید. همچنین شما باید بتوانید از موضع خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

وصیت‌نامه

تمرین تفکر انتقادی

بررسی حریم خصوصی و تمامیت جسمانی

برای این تمرین کلاس به چهار گروه تقسیم می‌شود. هر گروه یکی از قطعات زیر را می‌خواند و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ می‌دهد. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با کلاس در میان بگذارید.

۱. هنینگ جاکوبسن مایل نبود که علیه آبله واکسینه شود. هیأت بهداشتی کمبریج، واکسیناسیون را برای پیشگیری از گسترش بیماری ضروری تشخیص داده بود. قانون ماساچوست جاکوبسن را ملزم کرد که یا به دستور هیأت بهداشتی گردن نهد یا جریمه خواهد شد. جاکوبسن ادعا کرد که حکومت حق ندارد او را وادار کند که واکسن بزند؛ او استدلال کرد که «قانون واکسیناسیون اجباری قانونی نامعقول، من‌درآوردی و سرکوبگرانه است. به همین دلیل است که این قانون ناسازگار است با حق ذاتی انسان آزاد برای مراقبت از جسم و سلامت خویش هر طور که صلاح می‌داند؛ اعمال چنین قانونی بر کسانی که با واکسیناسیون مخالفند... چیزی کم از تجاوز ندارد».

۲. آنتونیو راجین لبه تختش نشسته بود وقتی سه پلیس سرزده وارد اتاقش شدند. پلیس‌ها به دو کپسولی که روی میز کوچک کنار تخت بود اشاره کردند: «اینها مال کیست؟». راجین کپسول‌ها را برداشت و در دهانش گذاشت. سه پلیس به او هجوم بردند و سعی کردند وادارش کنند که دهانش را

باز کند. وقتی نتوانستند، به او دستبند زدند و به بیمارستان منتقلش کردند. پزشک لوله‌ای وارد معده‌اش کرد و با مایع معده‌اش را تخلیه کرد.

راچین کپسول‌ها را بالا آورد. معلوم شد که درون کپسول‌ها مرفین مخفی کرده بودند. او را متهم به تصرف مواد مخدر کردند. راچین مدعی شد که پلیس‌ها و دکتر برای به دست آوردن کپسول‌ها حریم خصوصی بدن او را نقض کرده و حقوق او را زیر پا گذاشته‌اند.

۳. پلیس، رادولف لی را به اتاق اورژانس برد. به قسمت چپ قفسه سینه او شلیک شده و گلوله زیر ترقوه او قرار گرفته بود. لی به پلیس گفته بود که دو سارق به او شلیک کرده‌اند، اما در بیمارستان داستان متفاوتی به پلیس گفته شد: مغازه‌داری را به اتاق اورژانس آوردند که توسط یک سارق مورد اصابت گلوله قرار گرفته و متقابلاً سارق را زخمی کرده بود؛ این مغازه‌دار، ادولف لی را همان سارق تشخیص داد.

بعد از تحقیق، لی متهم به اقدام به سرقت شد و دادگاه حکم به جراحی داد تا بعد از درآوردن گلوله بررسی شود که آیا گلوله از اسلحه مغازه‌دار شلیک شده یا نه. لی با جراحی موافقت نکرد و استدلال کرد که مجبور کردن او به عمل جراحی ناقض حقوق قانونی اوست.

۴. الیزابت باویا مایل بود که لوله تغذیه‌ای که از راه بینی به دستگاه گوارش او غذا می‌رساند، برداشته شود. پزشکان، بر خلاف میل او، از راه بینی و حلق لوله را به معده او فرستاده بودند تا او را زنده نگاه دارند. فلج مغزی، دست‌ها و پاهای الیزابت را از کار انداخته بود. او حتی نمی‌توانست در تخت بنشیند. الیزابت نمی‌توانست غذای جامد بخورد و به همین دلیل به او با قاشق غذای مایع می‌دادند، اما او به اندازه کافی غذا نمی‌خورد و وزنش به حدود ۳۰ کیلوگرم کاهش پیدا کرده بود. به همین دلیل، تصمیم گرفتند از طریق لوله به او غذا بدهند تا جان‌ش را نجات بدهند.

الیزابت از طریق وکلایش درخواست کرده بود دادگاه حکمی صادر کند که به خواست او احترام بگذارند و لوله‌ای را که بر خلاف میلش به بدن او وارد کرده‌اند، بردارند. برای او مهم نبود که بدون لوله ممکن بود به زودی بمیرد و پزشکان مدعی بودند که با لوله ممکن است ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر زنده بماند.

نظر شما چیست؟

۱. چه کسی مدعی حق حریم خصوصی یا تمامیت جسمانی است؟ چگونه حریم خصوصی یا تمامیت جسمانی آن فرد نقض شده است؟ موارد نقض تا چه حد جدی‌اند؟

۲. چه کسی حریم خصوصی یا تمامیت جسمانی دیگری را نقض یا با آن مخالفت می‌کند؟ چه دلایلی برای این نقض یا مخالفت دارد؟

۳. آیا این نقض یا تجاوز به حریم خصوصی یا تمامیت جسمانی ضرورت داشته است یا راه‌های دیگری برای مدیریت تضاد و کشمکش وجود داشته است؟

۴. آیا فکر می‌کنید دلایل قانع‌کننده دیگری برای نقض حریم خصوصی یا تمامیت جسمانی در شرایط مزبور وجود داشته است؟ موضع خود را توضیح دهید.

چه محدودیت‌های تقنینی معقولی در ارتباط با حریم جسمانی وجود دارد؟

همان طور که دیدید، ممکن است حریم خصوصی و تمامیت جسمانی افراد با منافع جامعه در شرایط مختلف ناسازگار افتد. ممکن است حکومت نیاز داشته باشد حریم خصوصی یا تمامیت جسمانی فردی را نقض کند تا قرائن یک جرم را به دست بیاورد یا مانع گسترش بیماری شود و سلامت عمومی را تأمین کند یا از سلامت خود آن فرد حراست کند.

انسان‌های اهل خرد ممکن است دربارهٔ اینکه چگونه باید این تضادها و کشمکش‌های مربوط به حریم خصوصی را رفع کرد، دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. در هر یک از این موقعیت‌ها، کسانی ممکن است فکر کنند که منافع جامعه مهم‌تر از حریم خصوصی افراد است، کسانی ممکن است فکر کنند که منافع افراد مهم‌تر است از منافع جامعه و کسانی ممکن است فکر کنند که ابتدا باید ویژگی‌های هر موقعیت سنجیده شود و بعد دربارهٔ اینکه منافع چه کسی مهم‌تر است، تصمیم‌گیری شود.

در تمرینی که پس از این خواهد آمد شما یک جلسه قانون‌گذاری دربارهٔ مراقبت‌های پزشکی را شبیه‌سازی می‌کنید. موضوعی که مجلس ایالتی باید دربارهٔ آن تصمیم‌گیری کند این است که آیا افراد باید آزاد باشند، در مواردی که پای جان‌شان در میان است، از دریافت مراقبت‌های پزشکی امتناع کنند و اگر پاسخ مثبت است، تحت کدام شرایط؟ برای رسیدگی به این موضوع، مجلس کمیته‌ای ویژه تشکیل داده است که پس از یک جلسه تحقیق، پیشنهادات خود را در اختیار مجلس قرار خواهد داد.

تمرین تفکر انتقادی

تمامیت جسمانی

برای انجام این تمرین، کلاس باید به پنج گروه تقسیم شود:

- پزشکان مدافع بهداشت و درمان اخلاقی: گروه شما از این دفاع می‌کند که بیماران در اکثر موارد حق دارند دربارهٔ درمان خود تصمیم بگیرند به شرط آنکه بتوانند رضایت آگاهانه بدهند. شما این نگرانی را دارید که در بسیاری موارد، افراد ممکن است از دریافت مراقبت‌های پزشکی امتناع کنند صرفاً به دلیل آنکه افسرده هستند؛ چنین تصمیمی یک تصمیم آگاهانه و معقول نیست. به ویژه وقتی درمان پزشکی می‌تواند زندگی فرد را طولانی‌تر کند، امتناع از درمان بر خلاف مصالح فرد است و نشانه افسردگی روانی اوست.

- انجمن شرکت‌های بیمه درمانی: گروه شما معتقد است پزشکان گاهی اوقات در طولانی کردن عمر افراد زیاده‌روی می‌کنند؛ تلاش و پول فراوانی هزینه می‌شود بدون آنکه امید چندانی باشد. گروه شما از حق افراد برای امتناع از دریافت درمان دفاع می‌کند، حتی در شرایطی که درمان می‌تواند جان فرد را نجات دهد.

- اتحادیه رهبران دینی: گروه شما معتقد است که امتناع از دریافت مراقبت‌های پزشکی غیراخلاقی است، مگر آنکه مبتنی بر باورهای دینی باشد، مثل وقتی که شاهدان یهوه از دریافت خون امتناع می‌کنند. گروه شما معتقد است که دولت وظیفه نامشروط دارد از خودکشی جلوگیری کند و حق حریم خصوصی و تمامیت جسمانی نمی‌تواند مانع انجام این وظیفه شود.

• حامیان افراد سالخورده: گروه شما معتقد است که انسان‌ها حق دارند با وقار بمیرند و تصمیم آنها دربارهٔ درمان پزشکی باید محترم شمرده شود. اما گروه شما این نگرانی را هم دارد که دو گروه، فشاری غیرضروری بر یک فرد وارد آورند تا از دریافت مراقبت‌های پزشکی‌ای که جان او را نجات می‌دهد امتناع کند: یک، کسانی که از این امتناع نفع مالی می‌برند؛ دو، کسانی که مراقبت از فرد بیمار برایشان زحمت‌افزا است. شما از ایده نوشتن وصیت‌نامه دفاع می‌کنید که خواست فرد در زمینه دریافت مراقبت‌های پزشکی را آشکار می‌کند. قانون باید احتیاط‌های لازم را پیش‌بینی کند تا وصیت‌نامه تحت فشار دیگران نوشته نشود.

• کمیته درمان پزشکی: شما تصمیم می‌گیرید که آیا افراد باید آزاد باشند، در مواردی که پای جانشان در میان است، از دریافت مراقبت‌های پزشکی امتناع کنند و اگر پاسخ مثبت است، تحت کدام شرایط؟

شما به همه دیدگاه‌ها گوش می‌کنید زیرا مایلید بهترین تصمیم را بگیرید. شما می‌دانید که موکلین شما برای حریم خصوصی و آزادی خود ارزش قائلند، اما می‌دانید که آنها نگران تقدس و ارزش زندگی انسانی هم هستند و در ضمن مایلند مردم را از اشتباهات خود در امان نگاه دارند.

برگزاری جلسه تحقیق

چهار گروه اول باید شرایطی را مشخص کنند که افراد، وقتی جانشان در خطر است، مجازند از دریافت مراقبت‌های پزشکی امتناع کنند. هر گروه باید توضیح دهد چگونه طرح پیشنهادی آنها می‌تواند بین این دو امر تعادل برقرار کند: از یک سو، حریم خصوصی و تمامیت جسمانی فرد و از سوی دیگر، منافع جامعه در حفظ حیات، جلوگیری از خودکشی، حراست از اخلاق پزشکی و اطمینان از اینکه امتناع از دریافت درمان تصمیم آگاهانه‌ای بوده که بدون فشار دیگران گرفته شده است.

چهار گروه اول، دو یا سه سخنگو انتخاب کنند که استدلال‌های آنها را به کمیته درمان پزشکی عرضه کنند. در حالی که این چهار گروه استدلال‌های خود را آماده می‌کنند، کمیته باید پرسش‌هایی برای پرسیدن از سخنگویان طراحی کند. این کمیته باید رئیسی هم برای مدیریت جلسه برگزیند. برای تنظیم پرسش‌ها، کمیته باید از «جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی موضوعات مربوط به حریم خصوصی» استفاده کند.

بعد از آنکه هر چهار گروه استدلال‌های خود را عرضه کردند، هر یک از اعضای کمیته فرعی باید نظرش را دربارهٔ شرایطی بدهد که افراد، وقتی جانشان در خطر است، مجازند از دریافت مراقبت‌های پزشکی امتناع کنند. کلاس باید به دیدگاه‌های مختلف رأی بدهد.

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. آیا این که امتناع فرد از دریافت درمان مبتنی بر باورهای دینی اوست، اهمیت دارد؟ دربارهٔ امتناع شاهدان یهوه از دریافت خون تحقیق کنید. دربارهٔ آنچه آموخته‌اید و همچنین دیدگاه خود به کلاس گزارش دهید.

۲. آیا حکومت مجاز است افراد را مجبور به دریافت درمان بیماری‌های روانی کند؟ چه انواعی از درمان بیماری‌های روانی باید اجباری باشد؟ آیا حکومت مجاز است افراد را مجبور به خوردن داروهای مربوطه یا شرکت در جلسات روان درمانی یا جراحی مغز کند؟ دربارهٔ قوانین ایالت خود در این زمینه تحقیق کنید. در نامه‌ای به سردبیر یا نمایندگان مجلس، دیدگاه خود را بیان کنید.

چگونه تنش میان حریم خصوصی و آزادی مطبوعات را رفع کنیم؟

هدف این درس

در این درس پایانی درباره حریم خصوصی، شما با مسائلی آشنا می شوید که ناشی از فعالیت های مطبوعاتی است. کلاس درباره این مسائل بحث می کند و قواعدی به روزنامه نگاران برای تحقیق کردن و گزارش نوشتن درباره شهروندان توصیه می کند.

در پایان درس، باید قادر باشید دیدگاه های متفاوت درباره این موضوع را تبیین و بررسی کنید. همچنین کلاس به این پرسش پاسخ می دهد که چرا سیاست گذاری در زمینه موضوعات حریم خصوصی که مکرراً مطرح می شوند، مفید است.

اصطلاحات ضروری

حقوق عرفی

تهمت

افترا

مرز حریم خصوصی برای مطبوعات کجا باید باشد؟

متمم اول قانون اساسی می گوید که «کنگره نباید قانونی تصویب کند که... آزادی مطبوعات را... محدود کند». اما بنابر حقوق عرفی، اعضای مطبوعات، مثل دیگران، مسئول خسارت هایی هستند که در صورت تهمت و افترا زدن به دیگران، از طریق انتشار گزاره های کاذبی که شهرت فرد را مخدوش می کند، به بار می آید. البته اگر گزاره ای که خسارت به بار می آورد، صادق باشد، نمی توان به دلیل تهمت و افترا شکایت کرد.

آیا این بدان معناست که مطبوعات آزادند به حریم خصوصی ما تجاوز کنند و خصوصی ترین نکات زندگی ما را منتشر کنند؟ آیا حریم خصوصی مرزهایی دارد که روزنامه نگاران باید محترم بشمارند؟ آیا موضوعات و مسائلی هست که نباید به آنها پرداخت؟

درباره ابزارهایی که روزنامه نگاران برای تحقیق استفاده می کنند چه می توان گفت؟ آیا روزنامه نگاران مجازند از دوربین های مخفی استفاده و از کسانی که موضوع تحقیق هستند فیلم تهیه کنند؟ آیا مجازند

هویت خود را مخفی کنند تا افراد چیزهایی را به آنها بگویند که به خبرنگاران نمی گویند؟ آیا مجازند سطل زباله افراد را برای کسب اطلاعات تفتیش کنند؟



هر دوی این موضوعات - محدوده موضوعاتی که روزنامه‌نگاران برای تحقیق انتخاب می کنند و محدوده شیوه‌هایی که برای تحقیق درباره موضوعات خود به کار می گیرند - می توانند تأثیر عمیقی بر حدود حریم خصوصی ما در این کشور بگذارند. این موضوعات با ارزش‌های دیگر ما، نظیر آزادی و منزلت انسان هم سروکار دارند. تمرین زیر به شما فرصت می دهد به اولین موضوع رسیدگی کنید: محدوده موضوعاتی که گزارشگران انتخاب می کنند، کجا باید باشد. سپس شما قواعدی برای هر دو موضوع فوق‌الذکر پیشنهاد خواهید کرد.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی نقض حریم خصوصی به وسیله مطبوعات

قطعه زیر را به دقت بخوانید. با یکی از همکلاسی‌ها «جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی موضوعات مربوط به حریم خصوصی» را تکمیل کنید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

بریسکو علیه ریدرز دایجست

در اواخر دهه ۱۹۶۰، ریدرز دایجست مقاله‌ای تحت عنوان «سرقت: تجارتی عظیم» منتشر کرد. یکی از جملات مقاله به ماروین بریسکو اشاره داشت: «ماروین بریسکو، مثل بقیه تازه کارها، یک کامیون که

به نظر می‌رسید چیزهایی گران‌بها حمل می‌کند را در دنویل کنتاکی سرقت کرد، با پلیس محلی وارد زدو خورد مسلحانه شد و بعد تازه فهمید که کامیون وسائل بولینگ حمل می‌کرده است». در واقع، سرقت یازده سال پیش از انتشار مقاله، در ۱۹۵۶ رخ داده بود و آقای بریسکو بدهی خود به جامعه را پرداخته و پس از آن زندگی خالی از جرم و جنایتی را پشت سر گذاشته بود.

آقای بریسکو به خاطر تجاوز به حریم خصوصی خود شکایت کرد، او مدعی شد که «ریدرز دایجست با انتشار حقایق درست اما شرم‌آوری از زندگی خصوصی گذشته او، کاری نادرست کرده است». او مدعی شد که در جامعه جایگاهی قابل احترام برای خود ایجاد کرده و تعداد زیادی از دوستان او از این واقعه در زندگی پیشین او خبر نداشته‌اند؛ او مدعی شد که این دوستان و دختر یازده ساله‌اش برای اولین بار با خواندن این مقاله از ماجرا خبردار شده‌اند و در نتیجه او تحقیر شده و مورد اهانت و تمسخر قرار گرفته است.

در بررسی ادعای او، دیوان عالی کالیفرنیا اعلام کرد «افراد در جوامع کوچک قرن هجدهم یا شهرهای قرن نوزدهم، از بسیاری جهات، حریم خصوصی کوچک‌تری در قیاس با ما که در کلان‌شهرهای عصر جدید زندگی می‌کنیم، داشتند. شبکه‌های خانوادگی گسترده، روابط گروهی ابتدایی و رسوم اجتماعی انعطاف‌ناپذیر موجب می‌شد که افراد در صورت تخطی از هنجارها به سرعت افشا شوند و در تنگنای شدید شایعات قرار بگیرند. با این حال، امروزه قرار گرفتن در معرض دید همگان و نه شایعات است که انسان‌ها را از حق حریم خصوصی داشتن محروم می‌کند.

حق حریم خصوصی بیش از پیش پذیرفته می‌شود. اما این گسترش مقبولیت، همزمان شده است با توانمندتر شدن رسانه‌های عمومی و وسایل الکترونیک که گمنامی افراد را از میان می‌برد، به خصوصی‌ترین فعالیت‌های آنها فضولانه سرک می‌کشد و خصوصی‌ترین ویژگی‌های آنها را زیر تیغ نگاه عمومی قرار می‌دهد... انسان‌ها از افشا شدن، آن هم نه در مقابل چشم نزدیکان خود، در هراسند... مسئله پنهان ماندن تمام و کمال نیست، به دست دادن تعریفی از حوزه خصوصی فرد است...».

از سوی دیگر، دیوان عالی می‌گوید «حق محرمانه نگاه داشتن اطلاعات با حق مردم برای دانستن در کشمکش است... افراد درباره آنچه در خلوت همسایگان‌شان می‌گذرد، کنجکاوند؛ مردم قهرمانان و تبه‌کاران خود را می‌آفرینند... ماسک‌هایی که ما بر چهره می‌زنیم، در صورتی که خیر عمومی اقتضا کند، کنار زده خواهند شد... خطر افشا شدن لازمه زندگی شهری است... در جامعه‌ای که بر مبنای انتشار آزاد ایده‌ها بنا شده است، جلوگیری از انتشار هر چیزی همیشه دشوار است.».

تمرین تفکر انتقادی

اصول راهنما برای گزارشگران

برای انجام این تمرین، کلاس باید به گروه‌های کوچک تقسیم شود. هر گروه یکی از سازمان‌های زیر را نمایندگی می‌کند:

• انجمن سردبیران روزنامه‌های معتبر: دیدگاه‌های شما در این شعار نیویورک تایمز خلاصه می‌شود: همه اخبار قابل چاپ.

- گروه انتشار اخبار سرگرم‌کننده: دیدگاه شما را می‌توان چنین خلاصه کرد: همه اخباری را که صلاح بدانیم، چاپ می‌کنیم.
 - حامیان حراست از حریم خصوصی: گروه شما از حق حریم خصوصی شهروندان دفاع می‌کند.
 - بنیاد دفاع از متمم اول قانون اساسی: گروه شما بر اهمیت مطبوعات آزاد برای یک جامعه آزاد تأکید می‌کند. شما از ضرورت بحث بدون قید و شرط درباره هر موضوعی که مهم است، دفاع می‌کنید.
 - شهروندان حامی نزاکت و متانت: گروه شما فقدان رفتار شایسته و موقر در رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون را تقبیح می‌کند و معتقد است چون رسانه‌ها نتوانسته‌اند رفتار مسئولانه در پیش گیرند، لازم است که دولت رسانه‌ها را ملزم به رعایت موازینی نظیر نزاکت و متانت کند.
- هر گروه باید خط مشی یا مجموعه‌ای از اصول راهنما را پیشنهاد کند که به دو موضوع پردازد:
۱. محدوده شیوه‌هایی که روزنامه‌نگاران مجازند برای تحقیق به کار گیرند، کجاست؟؛ ۲. محدوده موضوعاتی که روزنامه‌نگاران مجازند درباره آنها تحقیق و گزارش کنند، کجاست؟
- هر گروه باید دو یا سه سخنگو انتخاب کند تا جزئیات اصول راهنمای پیشنهادی را برای کلاس توضیح دهند. ابتدا، گروه‌ها در قالب یک میزگرد دیدگاه خود درباره «موضوعاتی که روزنامه‌نگاران مجازند درباره آنها تحقیق و گزارش کنند» را توضیح می‌دهند. بعد از بحث درباره این موضوع، هر گروه دیدگاه خود درباره «شیوه‌هایی که روزنامه‌نگاران مجازند برای تحقیق درباره موضوعاتشان به کار گیرند»، را بیان می‌کند. معلم بحث‌ها را مدیریت می‌کند. در پایان، کلاس به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا سیاست‌گذاری در زمینه موضوعات حریم خصوصی که مکرراً مطرح می‌شوند، مفید است.

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. فیلم «بدون سوءنیت» به موضوعات ناظر به رفتار رسانه‌ها می‌پردازد. از جمله این موضوع را مطرح می‌کند که آیا این تصمیم درستی است که سردبیر روزنامه، نام یک منبع خبر را که قرار بوده محرمانه بماند، فاش کند؟ فیلم را ببینید، موضوعاتی را که مطرح می‌کند با کلاس در میان بگذارید و دیدگاه خود درباره این موضوعات را توضیح دهید.
۲. بعضی مدارس با استفاده از دوربین، راهروها، حیاط و کلاس‌های ددرس‌ساز را تحت نظر می‌گیرند. به نظر شما، بهترین دلایل له و علیه این کار کدامند؟ آیا شما با چنین استفاده‌ای از دوربین موافقید؟ در نامه‌ای به هیأت مدیره مدرسه، دیدگاه خود را توضیح دهید.
۳. در مکان‌هایی نظیر بانک‌ها و فروشگاه‌ها دوربین‌هایی وجود دارد که فعالیت‌های افراد را ضبط می‌کند. فهرستی از مزایا و مضار این کار فراهم کنید. چه پیشنهاد جایگزینی می‌توان به بانک‌ها و فروشگاه‌ها داد؟ چگونه می‌توان فروشگاه‌ها را قانع کرد که از دوربین استفاده نکنند؟ پیشنهادات خود را با کلاس در میان بگذارید.

فصل سوم

مسئولیت

بخش اول ❖ مسئولیت چیست؟

- ❖ درس اول مسئولیت چیست؟ مسئولیت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ ❖ ۱۷۰
- ❖ درس دوم چگونه می‌توان موضوعات مربوط به مسئولیت را بررسی کرد؟ ❖ ۱۷۴

بخش دوم ❖ مزایا و مضار انجام مسئولیت چیست؟

- ❖ درس سوم پیامدهای پذیرفتن مسئولیت چیست؟ ❖ ۱۸۲
- ❖ درس چهارم مزایا و مضار انجام مسئولیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ❖ ۱۸۷

بخش سوم ❖ چگونه می‌توان مسئولیت‌های خود را گزینش کرد؟

- ❖ درس پنجم ملاحظات برای گزینش از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر ❖ ۱۹۴
- ❖ درس ششم چگونه می‌توانید بر ناسازگاری مسئولیت‌ها فائق آید؟ ❖ ۱۹۹
- ❖ درس هفتم دادگاه باید کدام مسئولیت‌ها را تأیید کند؟ ❖ ۲۰۱

بخش چهارم ❖ چه کسی را باید مسئول دانست؟

- ❖ درس هشتم چگونه می‌توانیم مسئولیت را تعیین کنیم؟ ❖ ۲۰۶
- ❖ درس نهم چه کسی مسئول نشت نفت است؟ ❖ ۲۱۲

❖ درس دهم ❖ چه کسی مسئول نیل به پیمان صلح است؟ ❖ ۲۱۵

مقدمه

«ما، مردم ایالات متحده، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا را وضع می‌کنیم تا اتحادی تمام و کمال پدید آید، عدالت برپا شود، آسایش خاطر اهالی تضمین گردد، دفاع از مرز و بوم میسر شود، رفاه عمومی تأمین شود و برکت آزادی برای ما و آیندگان محفوظ بماند.» مقدمه قانون اساسی ایالات متحده آشکارا توضیح می‌دهد که چرا ما، مردم، حکومتمان را پدید آورده‌ایم. ما به حکومت مسئولیت داده‌ایم که با همه منصفانه رفتار کند، از کشور دفاع، رفاه عمومی را تأمین و از آزادی ما حراست کند. ما به حکومت قدرت عظیمی بخشیده‌ایم تا به این مسئولیت‌ها عمل کند.

ما چه می‌توانیم بکنیم که مطمئن شویم حکومت ما به مسئولیت‌های خود عمل می‌کند؟ ما در قبال خود و حکومتمان چه مسئولیت‌هایی داریم؟ ما، به عنوان شهروند، حق داریم به حکومت بگوئیم چگونه از قدرت استفاده کند. ما مسئولیت داریم اطمینان حاصل کنیم که حکومت از حقوق مردم حراست و رفاه عموم را تأمین می‌کند. ما، برای آنکه شهروندانی مؤثر باشیم، باید هم به مسئولیت‌های حکومت واقف باشیم، هم به مسئولیت‌های شهروندان و در عین حال باید بتوانیم تصمیمات آگاهانه‌ای درباره‌ی این مسئولیت‌ها بگیریم.

آنچه در اینجا می‌خوانید به شما کمک می‌کند که به موضوعات مربوط به مقوله مسئولیت در زندگی روزمره رسیدگی کنید. با پاره‌ای ابزارهای مفهومی آشنا می‌شوید که به شما کمک می‌کند تصمیمات آگاهانه و خردمندانه‌ای درباره‌ی موضوعات مربوط به مقوله مسئولیت بگیرید. دانش و مهارتی که به دست می‌آورید، به شما کمک می‌کند که به مسئولیت‌های شهروندی خود در جامعه دموکراتیک

ما عمل کنید. همچنین به شما کمک می کند که مطمئن شوید حکومت ما به وظایفش عمل می کند، وظایفی که ما، مردم، بر دوشش گذاشته ایم.

بخش اول

مسئولیت چیست؟

هدف این بخش

«هیچ کس جزیره نیست، یکسره با خویش و در خویش؛ هر کس بخشی از قاره است، پاره‌ای از دریا... مرگ هر کس چیزی از من می‌کاهد، چرا که من درآمیخته با بشریت‌ام؛ پس نپرس که ناقوس برای که به صدا در می‌آید؛ برای تو.» جان دان (۱۶۳۱ - ۱۵۷۲)، شاعر انگلیسی این عبارات را در اوایل قرن هفدهم به تحریر درآورد. آنچه او دربارهٔ مسئولیت طرح می‌کند، تازه نیست. مردم قرن‌ها دربارهٔ مسئولیت نوشته‌اند: مسئولیت نسبت به خود، به دیگران و به کشور. مسئولیت‌های شما در قبال خانواده، مدرسه و کار خود احتمالاً بارها به شما گوشزد شده است.

مسئولیت چیست؟ از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ چرا برای جامعه مهم است؟ اهمیت آن برای شما چیست؟ هدف این بخش این است که به شما کمک کند به این پرسش‌ها پاسخ دهید تا دیدگاه خود دربارهٔ مسئولیت را وضوح ببخشید و سر و سامان دهید. شما با پاره‌ای مسئولیت‌ها، منابع آنها و پاداش و تنبیه برای انجام دادن یا ندادن آنها آشنا می‌شوید. این بخش زمینه لازم برای رسیدگی به موضوعات مرتبط با مقوله مسئولیت را فراهم می‌کند.

مسئولیت چیست؟ کجا سرچشمه می‌گیرد؟

هدف این درس

این درس معنا و اهمیت مسئولیت در زندگی روزمره را تشریح می‌کند. شما چندین منبع مسئولیت را بررسی می‌کنید و با راه‌های مختلفی که مردم کسب مسئولیت می‌کنند، آشنا می‌شوید: آیا این مسئولیت‌ها آزادانه پذیرفته شده‌اند، به وسیله دیگران تحمیل شده‌اند یا ناآگاهانه برعهده گرفته شده‌اند. در پایان این درس شما باید بتوانید منابع مختلف مسئولیت را مشخص کنید و توضیح دهید چرا مردم مسئولیت می‌پذیرند.

اصطلاحات ضروری

قرارداد	موکل
مسئولیت	تکلیف
اصول اخلاقی	اصول مدنی

تمرین تفکر انتقادی

مسئولیت‌های سناتور اسمیت

قطعه زیر را درباره سناتور اسمیت بخوانید و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

منع کردن یا منع نکردن؟

مصرف سیگار یکی از مشکلات بزرگ ماست. هر سال هزاران آمریکایی از سرطان ریه می‌میرند. تحقیقات نشان داده‌اند که میان سیگار کشیدن و سرطان ریه رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. حتی استنشاق دود سیگار دیگران هم خطرناک است. موضوع ممنوعیت استعمال سیگار در مکان‌های عمومی بیش از پیش بحث برانگیز شده است. سیگاری‌ها از حق برخورداری از آزادی‌های فردی دفاع می‌کنند و غیرسیگاری‌ها حق برخورداری از یک محیط سالم را مبنای استدلال قرار می‌دهند.

سناتور جین اسمیت نماینده ایالتی است که در آن تنباکو کشت می‌شود و صنعت سیگار نقشی اساسی در آن بازی می‌کند. کنگره قرار است به طرحی رسیدگی کند که سیگار کشیدن در مکان‌های عمومی را ممنوع می‌کند. تصویب این طرح موجب خواهد شد که عده زیادی در ایالت سناتور اسمیت

شغل خود را از دست بدهند. این طرح اقتصاد ایالت را شدیداً تحت تأثیر قرار خواهد داد. سناتور اسمیت شخصا سیگار کشیدن را خطرناک می‌داند و ترجیح می‌دهد افراد در مکان‌های عمومی سیگار نکشند. او خودش سیگاری نیست. از سوی دیگر، او کاملاً آگاه است که تصویب این طرح تأثیری منفی بر ایالت او خواهد گذاشت. سناتور اسمیت بر سر یک دوراهی قرار گرفته که برای بسیاری از اعضای کنگره آشناست: آیا او مسئول رأی دادن در جهت تأمین منفعت کشور است یا منفعت ایالت؟

نظر شما چیست؟

۱. چه دلایلی ممکن است سناتور اسمیت برای دادن رأی منفی به طرح داشته باشد، حتی اگر فکر کند که این طرح قانون خوبی از کار درخواهد آمد؟
 ۲. چه دلایلی ممکن است سناتور اسمیت برای دادن رأی مثبت به طرح داشته باشد، حتی اگر فکر کند که این طرح تأثیری منفی بر ایالت او خواهد گذاشت؟
 ۳. اگر سناتور اسمیت به طرح رأی مثبت دهد، چه پیامدهایی برای او، ایالت او و کشور خواهد داشت؟
 ۴. اگر سناتور اسمیت به طرح رأی منفی دهد، چه پیامدهایی برای او، ایالت او و کشور خواهد داشت؟
 ۵. اگر شما به جای سناتور اسمیت بودید، چه می‌کردید؟ آیا راهی وجود دارد که بتوان منافع ایالت و کشور را توأمان تأمین کرد؟
 ۶. به طور کلی، آیا نمایندگان مسئول تأمین خواسته‌های موکلان خود هستند یا موظفند نهایت تلاش خود را برای تأمین خیر و منفعت کشور کنند؟ توضیح دهید.
- این پرسش‌ها ناظر به مقوله مسئولیت هستند. پاسخ دادن به آنها دشوار است. شما برای تصمیم‌گیری خردمندانه به ابزارهایی احتیاج دارید که در مقام تحلیل موضوعات پیچیده شما را یاری کنند. این بخش از کتاب این ابزارها را در اختیار شما قرار می‌دهد و شما را به دست و پنجه نرم کردن با موضوعات مرتبط با مسئولیت فرا می‌خواند.

مسئولیت چیست؟

منظور ما از مسئولیت چیست؟ در سه بخش نخست، ما معنایی بسیار خاص از این کلمه مراد می‌کنیم:

- مسئولیت عبارت است از وظیفه یا تکلیف یک فرد به انجام کاری یا رفتار کردن به نحوی خاص. به عنوان مثال، شما مسئولیت دارید که به مدرسه یا دانشگاه بروید.
- مسئولیت، همچنین عبارت است از وظیفه یا تکلیف یک فرد به انجام ندادن کاری یا رفتار نکردن به نحوی خاص. به عنوان مثال، شما مسئولیت دارید که وقتی به خرید می‌روید، سرقت نکنید.

احتمالاً وقتی شما کلمه مسئولیت را می‌شنوید، به فکر کارهایی می‌افتید که مجبورید بکنید، اما مایل نیستید. شما می‌دانید که اگر به مسئولیت خود عمل نکنید، ممکن است گرفتار پیامدهای آن شوید. البته

این را هم می‌دانید که اگر به مسئولیت خود عمل کنید، ممکن است پاداشی دریافت کنید. آنها که به مسئولیت خود عمل می‌کنند، معمولاً و نه همیشه، پاداشی دریافت می‌کنند. آنها که به مسئولیت خود عمل نمی‌کنند، معمولاً جریمه می‌شوند.

ما معمولاً احساسات پیچیده‌ای دربارهٔ مسئولیت و باری که بر دوش ما می‌گذارد داریم. با این حال، ما اغلب فرض می‌کنیم دیگران مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهند. تصور کنید اگر هیچ‌کس مسئولیت قبول نمی‌کرد یا مسئولیت‌هایش را انجام نمی‌داد، زندگی شما در خانه، مدرسه و محله چه شکلی پیدا می‌کرد. چه احساسی می‌داشتید اگر مجبور بودید با هواپیما سفر کنید اما مطمئن نبودید که خدمه هواپیما، مسئولین تعمیر و نگهداری از هواپیما و مسئولین برج مراقبت به مسئولیت‌هایشان برای تأمین امنیت شما عمل کرده‌اند؟

سرچشمه مسئولیت کجاست؟

مسئولیت‌ها از منابع مختلف سرچشمه می‌گیرند. آنها ممکن است ناشی از شغل ما، قانون یا اصول اخلاقی ما باشند. برخی مسئولیت‌ها فقط از یک منبع سرچشمه می‌گیرند و برخی از دو یا چند منبع. نه منبع مهم مسئولیت در زیر فهرست شده‌اند. هر قسمت را که می‌خوانید به آن دسته از مسئولیت‌های خود فکر کنید که ممکن است منبع مشابهی داشته باشند. در هر مورد به پرسش‌های زیر پاسخ دهید. آیا شما آزادانه آن مسئولیت را برگزیده‌اید؟ آیا مسئولیت بر شما تحمیل شده است؟ آیا ناخودآگاه آن مسئولیت بر عهده شما قرار گرفته است؟

۱. تربیت: ما تحت تأثیر والدین، اعضای خانواده و سایر نزدیکان، نظیر دوستان و معلمان، مسئولیت می‌پذیریم. تکالیفی مثل کمک به کارهای خانه، مراقبت از فرزندان کم سن و سال تر و پیروی از قواعد خانواده مسئولیت‌هایی هستند که معمولاً جوان‌ترها بر عهده می‌گیرند. خانواده‌ها معمولاً باورهای دینی و اخلاقی تکلیف‌آور هم به فرزندان خود آموزش می‌دهند.

۲. عهد و پیمان: وقتی ما پیمانی با دیگران می‌بندیم، انتظار این است که به آن عهد و پیمان پایبند بمانیم. ما از سنین پائین در می‌یابیم که باید به پیمان پایبند بود. به همین دلیل است که بچه‌های کم سن و سال گله می‌کنند: «ولی تو قول دادی!». پیمان‌ها ممکن است آشکارا بسته شوند یا به طور ضمنی. یک عهد ممکن است صرفاً توافقی شفاهی باشد، مثل تعهد به کمک به یک دوست. عهد، همچنین ممکن است قراردادی مکتوب و قانونی باشد، مثل تعهد به باز پس دادن یک وام.

۳. تکلیف: چه شما به مدرسه بروید، چه سر کار بروید، به احتمال زیاد دیگران تکالیفی بر عهده شما می‌گذارند. مثلاً در طول سال تحصیلی معلم ممکن است تکلیفی به شما بدهد یا به شما مسئولیت بدهد که یک برنامه کامپیوتری بنویسید؛ در محل کار هم رئیس شما ممکن است مسئولیت نظافت فروشگاه یا مدیریت سایر کارمندان را به شما محول کند.

۴. منصوب شدن: افراد گاهی به شغل‌هایی منصوب می‌شوند که مسئولیت‌آور است. مثلاً رئیس جمهور آمریکا کسانی را به سفارت در کشورهای دیگر منصوب می‌کند؛ مدیر یک باشگاه ممکن است از یکی از اعضای بخواهد در جلسات یادداشت‌برداری کند. منصوب شدن با مکلف شدن از این جهت

- متفاوت است که فرد می‌تواند از منصوب شدن امتناع کند بدون آنکه جریمه شود.
۵. **شغل:** هر شغلی مسئولیت‌زا است. مثلاً یک مکانیک مسئول تعمیر حرفه‌ای و مؤثر ماشین‌ها است. یک مأمور پلیس مسئول اجرای قانون و تأمین امنیت مردم است. یک قانون‌گذار مسئول نمایندگی کردن موکلانش و تلاش برای تأمین خیر و صلاح عموم است.
۶. **قانون:** قانون مسئولیت‌های فراوانی بر عهده ما می‌گذارد، مثلاً مسئولیت مدرسه رفتن، عضو هیأت منصفه شدن، رعایت قوانین رانندگی و پرداخت مالیات. قانون اساسی، عالی‌ترین قانون سرزمین ما هم مسئولیت‌هایی بر دوش قوای مقننه، مجریه و قضائیه می‌گذارد.
۷. **سنت:** بسیاری از مسئولیت‌ها ریشه در آداب و رسوم و سنن دارند. رسومی که برای مدتی طولانی مورد تبعیت قرار گرفته‌اند، به تکلیف بدل می‌شوند. برخی نمونه‌ها عبارتند از: ایستادن در صف در مکان‌های عمومی، رعایت نوبت، احترام به تعطیلات مذهبی.
۸. **اصول مدنی:** جامعه ما شهروندان را مکلف می‌کند که رأی بدهند، عضو هیأت منصفه بشوند، در شرایط اضطراری در ارتش خدمت کنند و از قانون تبعیت کنند. به عنوان یک شهروند ما موظفیم که به مسائل عمومی آگاه باشیم و بر عملکرد رهبران سیاسی و نهادهای حکومتی نظارت کنیم تا مطمئن شویم که با اصول و ارزش‌های مندرج در قانون اساسی سازگارند.
۹. **اصول اخلاقی:** بعضی از شدیدترین انواع احساس تکلیف، ریشه در اصول اخلاقی دارد. آن اصول ممکن است مبتنی بر ارزش‌های شخصی باشند یا باورهای دینی. برخی نمونه‌ها عبارتند از: رفتار کردن با دیگران همان‌طور که انتظار داریم با ما رفتار کنند، اجتناب از دروغ گفتن، خیانت نکردن و به دیگران احترام گذاشتن.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

- در حین مطالعه دربارهٔ مسئولیت، به طور منظم تأملات خود را ثبت کنید. با نوشتن مسئولیت‌های خود در طی بیست و چهار ساعت آینده شروع کنید. یادداشتی دربارهٔ این مسئولیت‌ها و منابع آنها بنویسید. این مسئولیت‌ها را بر این اساس از هم جدا کنید: پذیرش آزادانه، تحمیل و برعهده گرفتن بدون تأمل و آگاهی.
- فرض کنید دوستی را می‌بینید که از فروشگاه‌های سرقت می‌کند. آیا مسئول هستید که سرقت را گزارش کنید؟ آیا مسئول هستید که به آن دوست کمک کنید؟ منابع هر کدام از این مسئولیت‌ها کدامند؟
- روزنامهٔ امروز را بخوانید یا از طریق رادیو و تلویزیون اخبار را پیگیری کنید. سه اتفاق که با مقولهٔ مسئولیت مرتبط هستند را فهرست کنید. در هر مورد منبع یا منابع مسئولیت را قید کنید.

چگونه می توان موضوعات مربوط به مسئولیت را بررسی کرد؟

هدف این درس

در این درس شما با ابزارهای مفهومی برای بررسی مسئولیت‌ها آشنا می شوید. آنچه را فرا می گیرید، بر موقعیت‌های خاص اطلاق می کنید. در پایان این درس، شما باید بتوانید با به کارگیری این ابزارها شرایط را تحلیل کنید و درباره مسئولیت‌ها تصمیم بگیرید.

اصطلاحات ضروری

ضمانت	فراخوان
متمم چهارم قانون اساسی	تفتیش و توقیف ناموجه
سوگند بقراط	

چگونه می توان مسئولیت را بررسی کرد؟

هر روز شما با پرسش‌هایی درباره مسئولیت‌های خود مواجه می شوید. مسئولیت شما چه انجام تکالیف مدرسه باشد، چه شغل‌تان، چه به موقع به خانه برگشتن، شما باید تصمیم بگیرید که آیا مایلید آنچه را از شما انتظار می رود انجام دهید یا نه. این تصمیم‌گیری نیازمند ابزارهایی است. این درس، آن ابزارها را در اختیار شما قرار می دهد. برای حل مسائل گوناگون باید از ابزارهای متفاوتی استفاده کرد. با همان ابزاری که یک ماشین را تعمیر می کنید، نمی توانید کیک بپزید. به همین ترتیب، شما به ابزارهای مفهومی خاصی برای سر و کله زدن با موضوعات مربوط به مسئولیت نیاز دارید.



ابزارهای مفهومی چیزی نیستند جز ایده‌ها، پرسش‌ها و مشاهداتی که برای تحلیل موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری مفیدند. اولین گروه این ابزارهای مفهومی مجموعه‌ای از پرسش‌ها هستند که می توان در هنگام سر و کله زدن با موضوعات مربوط به مسئولیت پرسید:

- مسئولیت مورد بحث چیست؟

- چه کسی مسئولیت دارد؟
- مسئولیت در قبال چه کسی است؟
- منابع این مسئولیت کدامند؟
- انجام مسئولیت چه پاداشی به همراه می‌آورد: رضایت خاطر، افزایش اعتماد به نفس، تأیید شدن، ستایش شدن، پول یا جایزه؟
- عدم انجام مسئولیت چه عواقبی به همراه می‌آورد: شرم، احساس گناه، سرزنش، جریمه، زندان یا تنبیه بدنی؟
- آیا شما آزادانه آن مسئولیت را برگزیده‌اید؟ آیا مسئولیت بر شما تحمیل شده است؟ آیا ناخودآگاه آن مسئولیت بر عهده شما قرار گرفته است؟
- در بخش زیر مسئولیت‌های افراد در یک جلسه را بررسی خواهید کرد. ابزارهای مفهومی فوق به شما کمک می‌کند که به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

حق آزادی بیان در جلسات عمومی با چه مسئولیت‌هایی همراه است؟

در ایالات متحده، جلسات عمومی از قواعدی تبعیت می‌کنند. این قواعد ریشه‌های چند صد ساله در نیوانگلند و سایر بخش‌های مستعمره دارند. امروزه مردم برای بحث درباره مشکلات و یافتن راه حل دور هم جمع می‌شوند، مشکلاتی نظیر مشکلات مدرسه، جرائم محلی، مسائل محیط زیستی و موضوعات ملی و بین‌المللی. سنت دموکراتیک ما که متکی به قانون اساسی است، به همه افراد حق می‌دهد که در این جلسات شرکت کنند، به لحاظ سیاسی برابر تلقی شوند، آزادی بیان داشته باشند و به آرای دیگران گوش دهند.

حق آزادی بیان یکی از اصول پایه در چنین جلساتی است. با این حال، اگر شرکت کنندگان سکوت نکنند، جلسه حتی نمی‌تواند شروع شود. کسی باید ریاست جلسه را برعهده بگیرد و نظم را برقرار کند. برقراری منظم جلسه منوط به پیروی از برخی قواعد است. مثلاً کسی نباید حرف بزند مگر آنکه رئیس جلسه اجازه دهد. به علاوه، کسی که اجازه سخن گفتن به او داده می‌شود باید درباره موضوع صحبت کند، نه خارج از موضوع؛ مثلاً نباید درباره آخرین فیلمی که دیده است یا برنامه‌ای که برای تعطیلات دارد، داد سخن بدهد. همچنین افراد باید به نوبت صحبت کنند و به دیگران هم اجازه صحبت کردن بدهند.

هدف از برگزاری جلسات عمومی فقط حرف زدن نیست. هدف خردمندانه و دقیق حرف زدن است تا کاری انجام شود. آرا مطرح شود یا تصمیمی گرفته شود. اگر کسی از موضوع جلسه خارج شود، با دیگران گستاخانه یا اهانت‌آمیز برخورد کند یا مانع نیل به هدف جلسه شود، رئیس جلسه می‌تواند او را مخل نظم جلسه اعلام کند. در این حالت، فرد مزبور باید یا سکوت کند یا رفتار خود را اصلاح کند. اگر چنین نکند، به عنوان آخرین راه حل، می‌توان او را از جلسه اخراج کرد.

هدف جلسات عمومی فراهم آوردن شرایطی است که افراد بتوانند صدای خود را در زمینه اموری که موجب نگرانی آنهاست به گوش دیگران برسانند. از این حق باید حراست شود.

نظر شما چیست؟

۱. در جلسات عمومی چه مسئولیت‌هایی در کار است؟
۲. چه کسی این مسئولیت‌ها را دارد؟
۳. مسئولیت‌ها در قبال چه کسی هستند؟
۴. منابع این مسئولیت‌ها کدامند؟
۵. انجام این مسئولیت‌ها چه پاداشی به همراه می‌آورد؟
۶. عدم انجام این مسئولیت‌ها چه عواقبی به همراه می‌آورد؟
۷. آیا آن مسئولیت‌ها آزادانه برگزیده شده‌اند؟ آیا تحمیل شده‌اند؟ آیا ناخودآگاه برعهده افراد قرار گرفته‌اند؟

تمرین تفکر انتقادی

تعیین مسئولیت‌ها

برای انجام این تمرین، معلم شما را به پنج گروه تقسیم می‌کند. هر گروه باید قطعه مربوطه را بخواند، «جدول مسئولیت‌ها» در آخر درس را تکمیل کند و یک نماینده انتخاب کند که پاسخ‌های گروه را به کلاس گزارش دهد.

گروه یک: متمم چهارم قانون اساسی چه مسئولیت‌هایی بر دوش مسئولان مدارس می‌گذارد؟ متمم چهارم قانون اساسی از شهروندان در مقابل تفتیش و توقیف ناموجه حمایت می‌کند. نحوه اطلاق این متمم در مدارس دو پرسش پدید آورده است. اول، آیا متمم چهارم قانون اساسی اجازه نمی‌دهد که مسئولان کیف دانش‌آموزان را بدون اجازه تفتیش کنند؟ دوم، آیا مدرسه مسئولیت دارد که در محیط مدرسه دانش‌آموزان را در مقابل فروش، خرید و مصرف مواد مخدر محافظت کند؟

در سال ۱۹۸۵، دیوان عالی به پرونده نیوجرسی علیه تی.ال.او رسیدگی کرد. مسئولین، دانش‌آموز چهارده ساله‌ای را در دستشویی مدرسه در حال سیگار کشیدن با یکی از دوستانش پیدا کردند. هر دو دختر دانش‌آموز را به دفتر مدیر مدرسه برده و به معاون مدیر سپردند. یکی از دخترها پذیرفت که سیگار می‌کشیده اما دیگری، معروف به تی.ال.او، انکار کرد. معاون مدرسه تی.ال.او را به اتاقی دیگر برد و کیف او را تفتیش کرد. معاون در کیف او یک بسته سیگار و کاغذهای کوچکی یافت که برای کشیدن ماری جوانا استفاده می‌شوند. به همین دلیل، او کیف تی.ال.او را بیشتر گشت و این چیزها را پیدا کرد: مقدار کمی ماری جوانا، یک لوله، تعداد زیادی کیسه پلاستیکی خالی، مبلغ قابل توجهی پول (اکثراً یک دلاری)، یادداشت‌هایی که نشان می‌داد او به دانش‌آموزان ماری جوانا فروخته است و دو نامه که نشان می‌داد تی.ال.او فروشنده مواد مخدر است.

تی.ال.او به فروش ماری جوانا اعتراف کرد و دولت اقدامات قانونی علیه او را آغاز کرد. وکیل او تلاش کرد قرائنی را که در کیف او پیدا شده بود از پرونده حذف کند. استدلال او این بود که تفتیش کیف تی.ال.او حقوق به رسمیت شناخته شده او در متمم چهارم را نقض می‌کند.

گروه دو: در قطعه زیر چه مسئولیت‌هایی برای رئیس جمهور بر شمرده شده است؟ در تابستان ۱۹۴۵، هری ترومن، رئیس جمهور ایالات متحده، در معرض تصمیم‌گیری وحشتناکی قرار گرفت. در ماه می همان سال، آلمان رسماً تسلیم شده و به جنگی شش ساله در اروپا پایان داده بود. اما در حوزه اقیانوس آرام جنگ هنوز ادامه داشت. بعضی متخصصان امور نظامی در ایالات متحده معتقد بودند که جنگ ممکن است بیش از یک سال دیگر هم ادامه یابد و به طرفین خسارات سنگینی وارد کند. آنها پیش‌بینی کردند ادامه جنگ ممکن است یک میلیون نفر کشته و زخمی آمریکایی بر جا بگذارد.

در ۱۵ جولای، دانشمندان آمریکایی یک بمب اتم را با موفقیت آزمایش کردند. این موفقیت زمینه را برای تصمیم ترومن فراهم کرد. او باید از بین دو گزینه یکی را انتخاب می‌کرد: انداختن بمب اتم برای تسریع تسلیم ژاپن یا بی‌اعتنایی به پیش‌بینی متخصصان و ادامه دادن جنگ به شیوه سنتی. پرزیدنت ترومن تصمیم گرفت از بمب استفاده کند. در ششم آگوست، یک بمب افکن، به نام انولانگی، بمبی با قدرت تخریبی چهار میلیون پوند تی.ان.تی بر هیروشیما انداخت و ۳۴۴۰۰۰ نفر از ساکنان شهر کشته یا زخمی شدند. در نهم آگوست، بمب دوم بر ناکازاکی افکنده شد و تقریباً همان میزان ویرانی به بار آورد. ژاپن در پانزدهم آگوست تسلیم شد. پرزیدنت ترومن معتقد بود که تصمیم درستی گرفته است، اما افکار عمومی به دو دسته تقسیم شد. عده‌ای ترومن را برای نجات جان صدها هزار نفر ستودند و عده‌ای او را به خاطر کشته و زخمی شدن صدها هزار تن تقیح کردند. کسانی هم سنگینی بار مسئولیتی را که بر دوش او بود تشخیص ندادند.

گروه سه: این نقل قول‌ها از چه مسئولیت‌هایی تلویحا سخن می‌گویند؟ قاضی لرنند هند، ۱۹۴۴: «من غالباً از خود می‌پرسم آیا ما بیش از حد به قانون اساسی، سایر قوانین و دادگاه‌ها امید نیستیم. این امید واهی است؛ از من بپذیرید، این امیدی واهی است. آزادی در جان زنان و مردان سکنی گزیده است؛ اگر در آنجا بمیرد، هیچ قانون یا دادگاهی نمی‌تواند نجاتش دهد؛ هیچ قانون یا دادگاهی حتی نمی‌تواند کمک‌چندانی بکند. تا زمانی که آزادی در آنجا آرمیده است، به قانون اساسی، سایر قوانین و دادگاه‌ها نیازی ندارد...»

احتمالاً کشیش مارتین نيمولر، ۱۹۴۹: «در آلمان، نازی‌ها اول سراغ کمونیست‌ها رفتند و من اعتراضی نکردم چون من کمونیست نبودم. سپس سراغ یهودی‌ها رفتند و من اعتراضی نکردم چون من یهودی نبودم. سپس سراغ اتحادیه‌ها رفتند و من اعتراضی نکردم چون من عضو اتحادیه‌ها نبودم. سپس سراغ کاتولیک‌ها رفتند و من اعتراضی نکردم چون من پروتستان هستم. بعد سراغ من آمدند و در آن زمان کسی نمانده بود که به خاطر من اعتراض کند.»

گروه چهار: این سوگند چه مسئولیت‌هایی بر دوش پزشکان می‌گذارد؟ قطعه زیر بخشی از سوگند بقراط است که پزشکان پیش از ورود به حرفه پزشکی ادا می‌کنند. «من به آپولو... و سایر خدایان سوگند می‌خورم که تا سر حد توان، این عهد و سوگند را پاس خواهم

داشت؛ شیوه درمانی‌ای را توصیه خواهیم کرد، که بر مبنای قضاوت من، به نفع بیماران من باشد و از هر آنچه مضر و مخرب است، پرهیز خواهیم کرد. به هیچ کس دارویی مرگ‌آور نخواهم داد، حتی اگر از من خواسته شود؛ چنین توصیه‌ای هم نخواهم کرد... مرتبط یا نامرتب با حرفه پزشکی من، هر آنچه از زندگی مردمان بینم یا بشنوم که نباید جایی نقل شود، من آن را نقل نخواهم کرد. تا زمانی که من به این عهد پایبند بمانم، می‌توانم به این هنر که همگان در همه اعصار به آن احترام گذاشته‌اند، پردازم و از زندگی لذت ببرم، اما اگر این عهد را زیر پا بگذارم، سرنوشت دیگری خواهم داشت.»

گروه پنج: قانون مدنی سال ۱۹۶۴ چه مسئولیت‌هایی بر عهده حکومت و شهروندان می‌گذارد؟
قانون مدنی سال ۱۹۶۴ هرگونه تبعیض مبتنی بر نژاد، رنگ، مذهب و ملیت را در مکان‌های عمومی ممنوع می‌کند. این قانون نه فقط قابل اطلاق بر مکان‌های عمومی‌ای مثل پارک‌های عمومی، استخرها و سواحل که به وسیله حکومت مدیریت می‌شوند است، بلکه قابل اطلاق بر مکان‌های عمومی‌ای که به وسیله افراد و شرکت‌های خصوصی اداره می‌شوند، مثل رستوران‌ها، هتل‌ها، فروشگاه‌ها و سینماها هم هست. زیر پا گذاشتن این قانون موجب جریمه و تنبیه حکومتی می‌شود. کسانی که قانون را زیر پا می‌گذارند، همچنین ممکن است به دلیل شکایت اشخاصی که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، تحت تعقیب قرار گیرند. در نتیجه این قانون، دیگر در ایالات متحده جداسازی نژادی در مکان‌های عمومی وجود ندارد.

جدول مسئولیت‌ها

پرسش‌ها	پاسخ‌ها
۱. در قطعه‌ای که خواندید، چه مسئولیت‌هایی وجود دارد؟	
۲. چه کسی این مسئولیت‌ها را بر عهده دارد؟	
۳. او در قبال چه کسی مسئول است؟	
۴. منابع مسئولیت کدامند؟	
۵. انجام این مسئولیت‌ها چه پاداشی به همراه می‌آورد؟	
۶. عدم انجام این مسئولیت‌ها چه عواقبی دارد؟	

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. یکی از قطعات فوق را که گروه شما نخوانده، انتخاب کنید. قطعه را بخوانید و «جدول مسئولیت‌ها» را تکمیل کنید. پاسخ‌های شما چه تفاوتی دارد با پاسخ‌های گروهی که مسئول این قطعه بوده و به کلاس گزارش داده است؟

۲. فهرستی از مسئولیت‌های یک معلم تهیه کنید. این مسئولیت‌ها را با کمک «جدول مسئولیت‌ها» تحلیل کنید.

۳. متمم نوزدهم قانون اساسی می‌گوید «نه ایالات متحده و نه هیچکدام از ایالات نمی‌توانند حق شهروندان ایالات متحده به رأی دادن را بر اساس جنسیت نقض کنند یا تغییر دهند. کنگره باید تصویب قوانین مناسب این ماده را اجرا کند». این متمم مسئولیت را بر دوش چه کسانی می‌گذارد؟ چه مسئولیت‌هایی داده شده است؟ این مسئولیت‌ها در قبال چه کسانی هستند؟ پاداش‌ها و تنبیه‌ها کدامند؟ آیا آن مسئولیت‌ها آزادانه برگزیده شده‌اند؟ آیا تحمیل شده‌اند؟ آیا ناخودآگاه برعهده افراد قرار گرفته‌اند؟ دیدگاه خود را توضیح دهید.

بخش دوم

مزایا و مضار انجام مسئولیت چیست؟

هدف این بخش

در بخش اول، نحوه به کارگیری ابزارهای مفهومی در مباحث مربوط به مسئولیت را فراگرفتید. در این بخش، با پیامدهای انجام مسئولیت بیشتر آشنا می‌شوید. می‌آموزید که چگونه این پیامدها را تشخیص دهید و چگونه آنها را تحت عنوان مزایا و مضار طبقه‌بندی کنید. منظور از مزایا و مضار انجام مسئولیت چیست؟ مزیت امتیازی است که به فرد مسئولیت‌گزار یا دیگران تعلق می‌گیرد. ضرر سلب امتیاز است. با این نکته هم آشنا می‌شوید که ارزیابی افراد از وزن و اهمیت مزایا و مضار انجام مسئولیت ممکن است تحت تأثیر ارزش‌ها و منافع آنها باشد.

توجه به پیامدهای انجام مسئولیت به شما کمک می‌کند که درباره پذیرفتن یا نپذیرفتن یک مسئولیت خاص تصمیم‌گیری کنید و همچنین، مسئولیت‌های گوناگون خود را اولویت‌بندی کنید.

پیامدهای پذیرفتن مسئولیت چیست؟

هدف این درس

اگر شما مسئولیتی را پذیرفتید باید آماده دست و پنجه نرم کردن با مزایا و مضار انجام آن مسئولیت باشید. این درس به شما کمک می‌کند که مزایا و مضار را تشخیص دهید. در پایان این درس، شما باید بتوانید برخی مزایا و مضار یک مسئولیت و انجام آن مسئولیت را تعیین کنید.

اصطلاحات ضروری

مزایا	امنیت
مضار	کارآمدی
پیش‌بینی پذیری	رنجش

تمرین تفکر انتقادی

تعیین اینکه کدام پیامد مزیت است، کدام ضرر

وقتی مسئولیتی را می‌پذیرید چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ هر انتخابی که شما می‌کنید، پیامدهایی دارد. برخی از این پیامدها ممکن است مزیت باشند، برخی ضرر. وقتی می‌خواهید درباره پذیرفتن یک مسئولیت تصمیم بگیرید، مهم است که این مزایا و مضار را تشخیص دهید. داستان زیر را بخوانید و جدولی شبیه به آنچه در پی می‌آید را تکمیل کنید. بعد به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

سلینا چه باید بکند؟

همکلاسی‌ها و معلم‌های سلینا، دانش آموز سال سوم در دبیرستان الک وود، او را حسابی دوست دارند. سلینا، آدمی معاشرتی، صمیمی و بسیار شوخ طبع است که تقریباً با همه خوب تا می‌کند. دیروز، معاون مدیر مدرسه از او پرسید آیا مایل است در برنامه جدید مدرسه، برای پیشگیری از خشونت، مسئولیت «میانجی» را بپذیرد. میانجی دانش‌آموزی است که در یک کشمکش و مشاجره بین دانش‌آموزان، به سخنان طرفین دعوا گوش می‌دهد و راه‌هایی برای حل منازعه پیشنهاد می‌کند.

میانجی نمی‌تواند دانش‌آموزان را مجبور کند که راه حل خاصی را بپذیرند، اما می‌تواند به آنها کمک کند که از طریق بحث و گفت‌وگو به تفاهم برسند. به میانجی‌ها دستمزدی داده نمی‌شود، اما به پاس خدمتشان، از مدرسه تقدیرنامه‌ای دریافت می‌کنند و شرکت آنها در این برنامه برای پذیرش گرفتن از دانشگاه مفید است. میانجی‌ها در یک دوره آموزشی دو هفته‌ای شرکت می‌کنند که مهارت آنها در شنیدن، خنثی کردن منازعات و جلب موافقت افراد با راه‌های پیشنهادی را تقویت می‌کند. آنها باید دست‌کم روزی یک ساعت بعد از پایان مدرسه در دسترس باشند تا جلسات میانجی‌گری بین دانش‌آموزان درگیر در یک منازعه را اداره کنند.



سلینا تصمیم گرفت فهرستی از پیامدهای پذیرش این مسئولیت تهیه کند تا بتواند دربارهٔ پیشنهاد معاون مدرسه تصمیم‌گیری کند.

مزیت یا ضرر	پیامدها

نظر شما چیست؟

۱. از سلینا خواسته شد چه مسئولیتی را بپذیرد؟
۲. مزایا و مضار انجام این مسئولیت کدامند؟
۳. اگر شما به جای سلینا بودید، آیا مسئولیت میانجی بودن را می‌پذیرفتید؟ چرا؟

تمرین تفکر انتقادی

توصیف مزایا و مضار

وقتی دربارهٔ پیامدهای انجام مسئولیت فکر می‌کنید، شما، مثل سلینا، باید بتوانید مزایا و مضار مربوطه

را توصیف کنید و بسنجید. با همکاری یکی از همکلاسی‌های خود توضیحات زیر دربارهٔ مزایا و مضار انجام مسئولیت را بخوانید. برای هر یک از آنها، نمونه‌ای از تجربه‌های شخصی خود را ذکر کنید که از مزیت یا ضرری حکایت می‌کند. آماده باشید که این نمونه‌ها را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

مزایا

- پیش‌بینی‌پذیری: وقتی کسی به طور منظم مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهد، دیگران می‌دانند چه انتظاراتی باید از او داشته باشند.
- امنیت: دانستن اینکه دیگران مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهند به فرد احساس امنیت می‌بخشد.
- کارآمدی: کارها بهتر انجام می‌شوند وقتی افراد مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهند.
- همکاری: وقتی افراد درگیر در یک کار مشترک مسئولیت‌های خود را انجام می‌دهند، همکاری افزایش می‌یابد.
- انصاف: اگر مسئولیت‌ها منصفانه تقسیم شده باشد و هر کس مسئولیت‌های خود را انجام دهد، لازم نیست کسانی بیشتر یا کمتر از سهم خود کار کنند.
- روحیه جمعی: اگر همه اعضای یک گروه مسئولیت‌های خود را انجام دهند، ممکن است نوعی روحیه جمعی یا احساس مباحات گروهی شکل بگیرد.
- پاداش فردی: پاداش‌ها ممکن است اینها باشند: احساس استقلال و احترام به نفس؛ احساس رضایت خاطر؛ تأیید شدن به وسیله دیگران؛ به رسمیت شناخته شدن بیشتر و موقعیت اجتماعی بهتر؛ افزایش دستمزد؛ کسب دانش، مهارت و تجربه.

مضار

- بار مسئولیت: برای انجام مسئولیت ممکن است لازم باشد وقت، نیرو و پول صرف شود.
- رنجش: افراد ممکن است از انجام دادن مسئولیتی که نمی‌خواسته‌اند، احساس ناخشنودی کنند، حتی وقتی که انجام آن مسئولیت را پذیرفته‌اند. دیگران ممکن است از کسی که مسئولیت مطلوب آنها را بر عهده گرفته است، ناخرسند و رنجیده شوند.
- هراس از ناکامی: اگر افراد مطمئن نباشند که از عهده انجام مسئولیت برمی‌آیند، ممکن است مضطرب و پریشان خاطر شوند.
- قربانی کردن سایر منافع: وقتی افراد مسئولیتی را می‌پذیرند، ممکن است مجبور شوند پاره‌ای ارزش‌ها، نیازها و منافع خود را قربانی کنند.
- زیر بار مسئولیت نرفتن دیگران: اگر کسی مسئولیت اصلی انجام کاری را بر عهده گیرد، دیگران ممکن است به راحتی از بار انجام مسئولیت خود شانه خالی کنند.

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی مناصب و موقعیت‌ها بر اساس مزایا و مضار

شما در این تمرین پیامدهای انجام مسئولیت را تحلیل می‌کنید. معلم کلاس را به گروه‌های کوچک تقسیم می‌کند. هر گروه باید یکی از «موقعیت»‌های زیر را بررسی کند و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهد. جدولی شبیه به جدول سلینا طراحی کنید که به شما در ارزیابی منافع و مضار کمک کند. هر گروه باید پاسخ‌های خود را با دیگران در میان بگذارد.

۱. مارتین لوتر کینگ عامدانه قوانین تبعیض‌آمیز علیه آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار را زیر پا گذاشت و به زندان رفت تا توجه ملت را به این قوانین غیرمنصفانه جلب کند.

۲. فرهاد نوروزی که به کلاس‌های تعمیر ماشین رفته بود، داوطلب شد آخر هفته به دوستش سیاوش برای تنظیم موتور ماشینش کمک کند.

۳. بهاره خبردار شد برنامه‌ای برای آموزش کامپیوتر به افراد فاقد شغل طراحی شده است. او تقاضانامه شرکت در این برنامه را پر کرد. به او شغلی پیشنهاد شد مشروط بر آنکه برنامه را با موفقیت پشت سر بگذارد.

۴. کمیته امور همگانی در دبیرستان کندی تصمیم گرفت از یک گردهمایی دربارهٔ پیشگیری از خشونت میان دانش‌آموزان دبیرستان حمایت کند. کمیته از سخنرانانی با دیدگاه‌هایی گوناگون دربارهٔ موضوعاتی نظیر آزمایش مصرف مواد مخدر و حق مدرسه در بازرسی وسایل دانش‌آموزان دعوت کرد.

۵. اعضای انجمن کلیسای شهر ساتیکوی تصمیم گرفتند مهد کودکی برای فرزندان والدین شاغل برپا کنند.

۶. همزمان با شدت گرفتن درگیری‌ها در لبنان، ایالات متحده برای خروج شهروندان آمریکا از لبنان برنامه‌ریزی کرد.

۷. شرکت‌های نفتی به آژانس حفاظت از محیط زیست اطمینان خاطر دادند که به رغم هشدارهای هواداران حفظ محیط زیست، تردد نفتکش‌ها در بنادر آلاسکا لطمه‌ای به ماهیگیری و حیات وحش در این منطقه نمی‌زند.

نظر شما چیست؟

۱. در «موقعیتی» که شما بررسی کردید، چه کسی مسئولیت دارد؟
۲. در هر «موقعیت» چه مسئولیت‌هایی را افراد یا گروه‌ها انجام می‌دهند یا قصد دارند که انجام دهند؟
۳. انجام مسئولیت در هر یک از این «موقعیت»‌ها چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟
۴. کدام پیامدها را از مزایا محسوب می‌کنید؟
۵. کدام پیامدها را از مضار محسوب می‌کنید؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. فرض کنید که شما در حال تصمیم‌گیری درباره پذیرفتن یک شغل بعد از ساعت مدرسه هستید. جدولی از مزایا و مضار این تصمیم تهیه کنید. توضیح دهید چگونه درباره پذیرفتن یا نپذیرفتن این شغل بر اساس پیامدها تصمیم می‌گیرید.
۲. مقاله‌ای خبری درباره یکی از تصمیمات حکومتی مسئولیت‌زا بخوانید. فهرستی از پیامدهای این تصمیم تهیه کنید و آنها را تحت عنوان مزایا و مضار تقسیم‌بندی کنید.

درس چهارم

مزایا و مضار انجام مسئولیت را چگونه ارزیابی می کنید؟

هدف این درس

این درس به شما نشان می دهد که چگونه توجه به مزایا و مضار یک مسئولیت می تواند در تصمیم گیری ها به کار آید. شما یک جلسه تحقیق درباره موضوع استفاده از انرژی خورشیدی در شهر خیالی گیسون ویل برگزار می کنید. هدف اصلی این جلسه فرصت دادن به گروه های مختلف برای بیان دیدگاه های خود درباره طرح پیشنهادی شهردار در زمینه انرژی خورشیدی است.

در پایان این درس شما باید بتوانید دیدگاه های مختلف درباره مسئولیت را از حیث مزایا و مضار بررسی کنید، درباره آنها موضع بگیرید و از موضع خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

دستور کار	اهمیت نسبی
جلسه تحقیق	بنا بر وظیفه اداری

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی و موضع گیری درباره استفاده از انرژی خورشیدی

ابتدا طرح پیشنهادی برای استفاده از انرژی خورشیدی و همچنین دستور جلسه تحقیق را بخوانید تا برای این فعالیت تمرینی آماده شوید. راهنمای برگزاری جلسه تحقیق بعد از دستور جلسه آمده است.

طرح استفاده از انرژی خورشیدی

وزارت نیروی ایالات متحده، در چارچوب یک برنامه آزمایشی، اعلام کرد که از ده شهر حمایت مالی خواهد کرد تا ساختمان های عمومی را آماده استفاده از انرژی خورشیدی برای تولید حرارت و تهویه کنند. این حمایت مالی نیمی از هزینه خرید و نصب دستگاه های انرژی خورشیدی را تأمین می کند. وقتی شهردار گیسون ویل، شهری با ابعاد متوسط در غرب میانه، خبر این طرح را شنید، از دفتر مهندسی شهر خواست که موضوع را بررسی کند و نظر بدهد که آیا باید متقاضی اجرای این طرح

باشوند یا نه. دفتر مهندسی شهر متوجه شد که هزینه اجرای طرح حدود ۱۲ میلیون دلار است. از آن جا که حمایت مالی دولت نیمی از هزینه را تأمین می کند، شهر باید ۶ میلیون دلار تدارک ببیند تا طرح کامل شود. به احتمال زیاد، این مبلغ باید از طریق افزایش مالیات تأمین شود. اما دفتر مهندسی معتقد است که در عرض بیست سال استفاده از سیستم جدید ارزان تر خواهد شد و به مالیات دهندگان اجازه می دهد مختصری پس انداز کنند. دفتر مهندسی، همچنین کارآمدی انرژی خورشیدی در گیسون ویل را بررسی کرد. یک سیستم انرژی خورشیدی وقتی بیشترین کارآمدی را دارد که خورشید فراوان می تابد یا لایه نازکی از ابر وجود دارد. گیسون ویل معمولاً زمستانهایی سخت با آسمان پوشیده از ابر دارد. البته الگوی هوا در طول هفتاد و چهار سال گذشته نشان می دهد که در دراز مدت، گیسون ویل در هر سال به اندازه ای روزهای آفتابی دارد که برای به صرفه کردن سیستم جدید کافی باشد، به شرط آنکه آب و هوا در آینده نزدیک تغییر چندانی نکند. در روزهایی هم که انرژی خورشیدی کافی نیست، منابع قدیمی تولید گرما و تهویه همچنان قابل استفاده اند.

وقتی شهردار گزارش دفتر مهندسی شهر را خواند، تصمیم گرفت به شورای شهر توصیه کند که گیسون ویل برای این حمایت مالی دولتی درخواست بدهد. تصمیم شهردار واکنش های متفاوتی برانگیخت؛ عده ای از آن حمایت کردند و عده ای شدیداً مخالفت کردند. شورای شهر تصمیم گرفت پیش از آنکه بر اساس توصیه شهردار اقدام کند، یک جلسه تحقیق برگزار کند. این جلسه به آنها که مایلند فرصت می دهد دیدگاه های خود را مطرح کنند. تاریخ جلسه تعیین شد و گروه های متعددی درخواست نوبت کردند.

آگهی جلسه تحقیق

دوشنبه، ۲۴ سپتامبر، ۹:۰۰ صبح، سالن شورای شهر گیسون ویل

شورای شهر گیسون ویل یک جلسه تحقیق برگزار می کند تا پیشنهاد درخواست حمایت مالی دولت از آماده سازی بخشی از ساختمان های عمومی برای استفاده از انرژی خورشیدی را به بحث بگذارد.

دستور جلسه

۱. سخنان افتتاحیه به وسیله رئیس شورای شهر (۲ دقیقه)
۲. مقدمه شهردار (۱ دقیقه)
۳. معرفی طرح پیشنهادی به وسیله دفتر مهندسی شهر (۵ دقیقه)
۴. واکنش گروه های ذینفع
- الف. ائتلاف حراست و استفاده از منابع انرژی جایگزین (۵ دقیقه)
- ب. اتحادیه مالیات دهندگان (۵ دقیقه)
- ج. اتاق بازرگانی (۵ دقیقه)
۵. بحث آزاد همراه با پرسش و پاسخ و اظهار نظر حضار
۶. خلاصه به وسیله رئیس شورای شهر
۷. رأی گیری مخفی به وسیله اعضای شورا
۸. اعلام نتیجه به وسیله رئیس شورای شهر
۹. ختم جلسه

آماده شدن برای جلسه تحقیق

کلاس باید به پنج گروه تقسیم شود. یک گروه نقش شورای شهر را بازی می‌کند. گروه دیگر نقش اعضای دفتر مهندسی شهر را بازی می‌کند. سه گروه دیگر هر کدام نقش یکی از گروه‌های ذینفع نامبرده شده در دستور جلسه را بازی می‌کند. در پایان سخنرانی‌ها شورای شهر درباره‌ی طرح انرژی خورشیدی رأی‌گیری و نتیجه را اعلام می‌کند.

به استثنای گروهی که شورای شهر را نمایندگی می‌کند، همه گروه‌ها باید له یا علیه طرح پیشنهادی شهردار موضع‌گیری کنند. از راهنما و اطلاعات فراهم آمده در صفحات بعد کمک بگیرید. پرسش‌های زیر را در نظر بگیرید تا به موضع‌گیری گروه شما کمک شود:

۱. اگر وزارت نیروی ایالات متحده از طرح شما حمایت مالی کند، شورای شهر کیسون‌ویل چه مسئولیت‌هایی خواهد داشت؟

۲. پیامدهای احتمالی پذیرش این مسئولیت چه خواهد بود؟

۳. کدام پیامدها را از مزایا محسوب می‌کنید؟

۴. کدام پیامدها را از مضار محسوب می‌کنید؟

۵. از منظر گروه شما، کدام مزایا و مضار مهم‌تر محسوب می‌شوند؟

۶. بر اساس موضع شما درباره‌ی اهمیت نسبی مزایا و مضار، نظر گروه شما درباره‌ی تصویب یا عدم تصویب پیشنهاد شهردار چیست؟

برای گروه خود یک رئیس انتخاب کنید که بحث را هدایت کند، یک نفر ایده‌ها را برای سخنرانی یادداشت کند و یکی یا بیشتر دیدگاه گروه را عرضه کند. همچنین می‌توانید پوستر یا جداولی برای

سخنرانی خود تدارک ببینید. از ایده‌هایی که در

مسیر آماده‌سازی گروه مطرح می‌شود، استفاده

کنید.



گروه یک: شورای شهر

رئیس گروه شما دستور جلسه تحقیق را اعلام می‌کند. شما همچنین یک شهردار انتخاب می‌کنید که به دلیل شغلش عضو شورای شهر هم هست؛ او سخنان کوتاهی در جلسه تحقیق می‌گوید و دفتر

مهندسی شهر را معرفی می‌کند. گروه شما مسئول هدایت جلسه و رسیدن به تصمیم درباره تصویب یا عدم تصویب طرح شهردار است. اهداف اصلی شما جمع‌آوری اطلاعات کافی برای اتخاذ تصمیمی خردمندانه و فراهم آوردن فرصت اظهار نظر برای افراد و گروه‌های ذینفع است. گروه شما باید موضوع را بررسی کند و فهرستی از پرسش‌ها را تدارک ببیند تا از گروه‌های دیگر بپرسد.

گروه دو: دفتر مهندسی شهر

گروه شما طرح را عرضه می‌کند. کسی را به عنوان مهندس شهر انتخاب کنید. بعد با کمک یکدیگر اطلاعات و واقعیت‌ها درباره طرح را بررسی و متن سخنرانی را آماده کنید. استدلال کنید که چرا فکر می‌کنید که شورای شهر باید مسئولیت آماده‌سازی بخشی از ساختمان‌های عمومی برای استفاده از انرژی خورشیدی را بپذیرد. در سخنرانی خود به مزایا و مضار این طرح بپردازید.

گروه سه: ائتلاف حراست و استفاده از منابع انرژی جایگزین

گروه شما باید در جلسه تحقیق این جمع‌بندی را عرضه کند که مزایای این طرح بر مضار آن می‌چربد. به همین دلیل شما تصویب طرح شهردار را توصیه می‌کنید. در دفاع از این دیدگاه، گروه شما باید مزایای گوناگون استفاده از انرژی خورشیدی را تشریح کند.

گروه چهار: اتحادیه مالیات‌دهندگان

گروه شما باید در جلسه تحقیق این جمع‌بندی را عرضه کند که مضار این طرح بر مزایای آن می‌چربد. به همین دلیل شما عدم تصویب طرح شهردار را توصیه می‌کنید. در دفاع از این دیدگاه، گروه شما باید هزینه‌های اقتصادی این طرح و تأثیر این هزینه‌ها بر مالیات‌دهندگان را تشریح کند.

گروه پنج: اتاق بازرگانی

گروه شما از طرح شهردار حمایت می‌کند. موضع شما این است که در مجموع، مزایای این طرح بر مضار آن می‌چربد. شما باید توضیح دهید که هزینه کردن ۱۲ میلیون دلار برای بهره‌گیری از انرژی خورشیدی چگونه به کار آفرینی می‌انجامد و از طریق افزایش پول در دسترس برای خرید کالا، خدمات و نوسازی عمیقاً به اقتصاد محلی کمک می‌کند.

اداره کردن جلسه تحقیق

۱. رئیس شورای شهر باید آغاز جلسه را اعلام کند، هدف جلسه را توضیح دهد، دستور جلسه را عرضه کند و با معرفی شهردار جلسه را به جریان اندازد.

۲. نمایندگان هر گروه، به ترتیب مذکور در صورت جلسه، در مدت پنج دقیقه دیدگاه‌های خود را عرضه می‌کنند.
۳. اعضای شورای شهر مجازند سخنرانی‌ها را قطع کنند و از سخنران سؤال پرسند.
۴. پس از آنکه همه گروه‌ها دیدگاه‌های خود را عرضه کردند، اعضای شورای شهر باید موضوع را به بحث بگذارند و به تصویب یا عدم تصویب طرح شهردار رأی بدهند.
۵. اعضای شورای شهر باید تصمیم خود را اعلام کنند و دلایل خود را توضیح دهند. کلاس می‌تواند مجدداً دربارهٔ موضوع بحث کند.

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. نامه‌ای به سردبیر روزنامه گیسون‌ویل بنویسید و از تصمیم شورای شهر دربارهٔ انرژی خورشیدی دفاع یا انتقاد کنید.
۲. یک مقاله خبری بخوانید دربارهٔ لایحه‌ای که اخیراً به وسیله قوه مقننه ایالت یا کنگره تصویب شده است. این نکته را بررسی کنید که در تصمیم‌گیری دربارهٔ این لایحه تا چه حد مزایا و مضار در نظر گرفته شده است. یافته‌های خود را به طور شفاهی به کلاس گزارش دهید.

بخش سوم

چگونه می‌توانید مسئولیت‌های خود را گزینش کنید؟

هدف این بخش

لحظه‌ای دربارهٔ مسئولیت‌هایی که دارید، تأمل کنید. بعد دربارهٔ مسئولیت‌هایی فکر کنید که ممکن است در آینده بخواهید بر عهده بگیرید. به این فهرست بسیاری کارهای دیگر را اضافه کنید که برایتان مهم هستند و مایل به انجام آنها هستید. حالا در نظر بگیرید که چقدر زمان و انرژی دارید. آیا می‌توانید به همه مسئولیت‌ها و علائق خود رسیدگی کنید؟ احتمالاً نه. شما مانند هر کس دیگری، باید از میان مسئولیت‌ها و علائق خود دست به گزینش بزنید. بعضی اوقات این گزینش از میان مسئولیت‌ها، علائق و ارزش‌های رقیب یکدیگر کار ساده‌ای است. در سایر موارد ممکن است کاری بسیار پیچیده باشد. این بخش ملاحظاتی را مورد تأمل قرار می‌دهد که ممکن است گزینش از میان مسئولیت‌ها، علائق و ارزش‌های رقیب یکدیگر را خردمندانه‌تر کند.

ملاحظات برای گزینش از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر

هدف این درس

این درس ابزارهای مفهومی تازه‌ای در اختیار شما قرار می‌دهد. با عواملی آشنا می‌شوید که برای گزینش از میان مسئولیت‌ها، علائق و ارزش‌های رقیب یکدیگر مفیدند. در پایان این درس شما باید بتوانید این ابزارها را برای ارزیابی موقعیت‌هایی به کار بگیرید که باید از میان مسئولیت‌ها، علائق و ارزش‌های رقیب یکدیگر گزینش صورت بگیرید.

اصطلاحات ضروری

فوریت	علائق
منابع	سازش
ارزش‌ها	

چگونه می‌توانید از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر گزینش کنید؟

گزینش از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر غالباً کار پیچیده‌ای است.

اینکه چه چیزی مهم‌ترین است، می‌تواند تصمیم دشواری باشد.

چنین تصمیم‌گیری‌هایی غالباً نیازمند تعیین اولویت‌ها و بررسی

گزینه‌های بدیل است. این کار ممکن است به کنار گذاشتن برخی

مسئولیت‌ها یا به تعویق انداختن آنها تا زمان انجام سایر مسئولیت‌ها

بیانجامد. برای گزینش از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر،

عوامل زیر را در نظر داشته باشید:

• فوریت: درجه فوریت یک مسئولیت

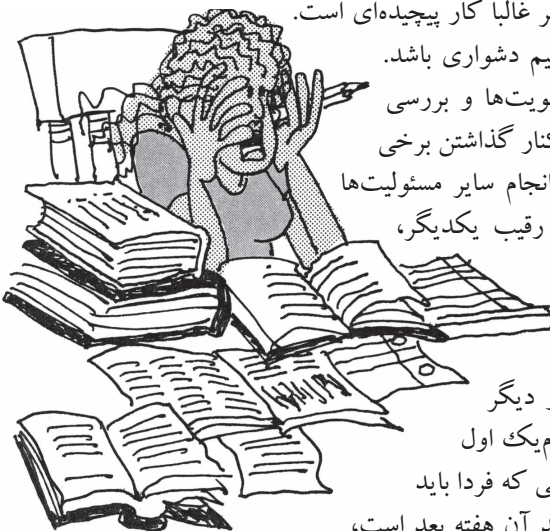
به شما اجازه می‌دهد اولویت‌های خود را

تعیین کنید؛ یعنی برخی مسئولیت‌ها را پیش از دیگر

مسئولیت‌ها قرار بدهید و تصمیم بگیرید به کدام یک اول

رسیدگی کنید. به عنوان مثال، انجام دادن تکلیفی که فردا باید

تحویل داده شود، در قیاس با تکلیفی که موعد آن هفته بعد است،



فوریت بیشتری دارد.

- اهمیت نسبی: شما باید اهمیت هر مسئولیت را در قیاس با سایر مسئولیت‌ها بدانید. به عنوان مثال، شما ممکن است برای پرهیز از زیر گرفتن یک عابر پیاده، به ماشینی که در کنار خیابان پارک شده است بزنید.
- زمان مورد نیاز: شما باید درباره‌ی زمانی که انجام یک مسئولیت نیاز دارد و زمانی که خودتان در اختیار دارید، تأمل کنید. به عنوان مثال، پیش از پذیرفتن یک شغل برای ساعات بعد از مدرسه، شما باید ببینید که آیا وقت لازم برای انجام مسئولیت‌های مربوط به این شغل را در اختیار دارید.
- منابع موجود: یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری این است که آیا منابع لازم نظیر ابزار، تجربه و پول فراهم است یا نه. بدون ابزارهای ضروری، شما ممکن است نتوانید به مسئولیت‌های خود عمل کنید. به عنوان مثال، پذیرفتن یک شغل توزیعی منوط به داشتن گواهینامه رانندگی و یک ماشین است.
- علائق و ارزش‌های رقیب: همچنین ممکن است لازم باشد شما چیزهایی را که دوست دارید یا ارزش‌هایی را که به آنها باور دارید، در مقام تصمیم‌گیری درباره‌ی انجام مسئولیت‌هایتان در نظر داشته باشید. به عنوان مثال، شما ممکن است یک شغل برای ساعات بعد از مدرسه را رد کنید به این دلیل که مانع حضور شما در یک گروه موسیقی می‌شود.
- راه حل‌های بدیل: ممکن است همیشه لازم نباشد از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر دست به گزینش بزنید. در عوض، یک راه حل خلاقانه یا آمادگی برای واگذاری ممکن است شما را از یک انتخاب دشوار خلاص کند. مثلاً، آیا لازم است فلان مسئولیت را حتماً خودتان انجام دهید یا می‌توانید آن را به کسی دیگری واگذار کنید؟

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی و موضع‌گیری درباره‌ی اینکه کدام مسئولیت را برگزینید

داستان زیر را بخوانید و بعد در قالب گروه‌های کوچک «جدول ابزارهای مفهومی برای گزینش از میان مسئولیت‌ها» را تکمیل کنید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌ها در میان بگذارید.

مواد مخدر، مخاطره و مسئولیت سیاسی

اربابان مواد مخدر پیامی رعب‌آور به مردم کشوری کوچک در آمریکای جنوبی فرستادند: «ما علیه حکومت... و هر کسی که به ما حمله کرده است، اعلام جنگی تمام عیار می‌کنیم». مرزها ترسیم شده بود: یک طرف، کارتل‌های مواد مخدر با رهبرانی ثروتمند، مسلح و آماده ویران کردن هر کس که مقابل آنها بایستد؛ طرف دیگر، اعضای حکومت، روزنامه‌نگاران و همه شهروندانی که مایلند جانشان را در راه حفاظت از ملت فدا کنند. این بدون تردید جنگی برای آینده کشور بود؛ وحشت قرار بود بر کشور حاکم شود یا قانون؟

کسی تردید نداشت که وقتی اربابان مواد مخدر تهدید می‌کنند با کسی شوخی ندارند. قتل و ترور نحوه‌ای از زندگی کردن شده بود. در چند ماه اخیر، آنها یک نامزد ریاست جمهوری، تعداد زیادی

قاضی و مقامات حقوقی و چندین روزنامه‌نگار برجسته را به قتل رسانده بودند. ابرهای تیره ترور و وحشت بر سرتاسر کشور، به ویژه شهرهای بزرگ، سایه افکنده بود. جنگی که اربابان مواد مخدر اعلام کرده بودند، حتی خانواده تهدیدشدگان را هم در امان نمی‌گذاشت. مقامات، به ویژه نگران فرزندان خود بودند. عده‌ای خانواده‌شان را به خارج از کشور فرستادند، اما این کار هم امنیت کامل به بار نیاورد. در خارج از کشور، در اروپا و ایالات متحده هم ترورهایی رخ داد. کسانی که به وسیله اربابان مواد مخدر نشان می‌شدند، دیگر در امان نبودند.

یکی از کسانی که در بالای فهرست کارتل‌های مواد مخدر بود، وزیر جوان دادگستری، النا گونزالس بود. او که فقط در سی و دو سالگی به عنوان وکیلی درخشان شهره بود، این سمت را در زمانی پذیرفته بود که کس دیگری آن را نمی‌پذیرفت. از شش نفری که در سه سال گذشته پیش از او این سمت را بر عهده داشتند، دو نفر کشته شده بودند و دو نفر کشور را ترک کرده بودند. النا هم مکرراً تهدید شده بود و برادرش هفته قبل ربوده شده بود و این نگرانی وجود داشت که ممکن است کشته شده باشد. گونزالس به خانواده‌ای شناخته شده تعلق داشت. او از طریق دفاع از قانون شهرت به هم زده بود. حالا که نظام قضایی زیر هجوم بود، او اعلام کرد: «ما باید از قانون و حکومت به هر نحو که می‌توانیم دفاع کنیم. من در قبال کشورم و هموطنانم مسئولیت دارم».

به رغم این اظهارات عمومی، گونزالس عمیقاً نگران تأثیر کارش بر خانواده‌اش بود. او متأهل و دارای سه فرزند کم سن و سال بود. او می‌دانست هر یک روزی که به عنوان وزیر دادگستری خدمت می‌کند جان افراد خانواده‌اش را به خطر می‌اندازد. این وضعیت به اوج رسید وقتی که تقریباً همزمان یک شغل تازه به او پیشنهاد شد و کسانی هم تلاش کردند کوچک‌ترین دخترش را برابند.

ابتدا پیشنهاد کار از نیویورک رسید. از او خواسته بودند رئیس کمیسیون ویژه سازمان ملل برای بررسی پیامدهای بین‌المللی تجارت مواد مخدر شود. این، آشکارا فرصتی برای ترک کشور و رفع تهدید مداوم برای خود و خانواده‌اش بود. او دو هفته فرصت داشت که به این پیشنهاد جواب بدهد. این که او می‌توانست در جایی امن زندگی کند و هنوز فرصت مبارزه با مشکل مواد مخدر را داشته باشد، و سوسه کننده بود. به این ترتیب، او قطعاً می‌توانست مسئولیت حفاظت از خانواده‌اش را انجام دهد. از سوی دیگر، او احساس مسئولیتی به همان اندازه قوی نسبت به کشورش و آینده‌اش داشت. اگر کشور را ترک می‌کرد، شکست را پذیرفته بود؛ پذیرفته بود که حکومت وحشت قدرتمندتر از حکومت قانون است. در این صورت، او جسارت و شجاعت کسانی را که با اربابان مواد مخدر به هر قیمتی می‌جنگیدند، ویران می‌کرد. اگر می‌ماند، زندگی خود و خانواده‌اش را به خطر می‌انداخت. به کدام مسئولیت باید پاسخ می‌گفت؟

نظر شما چیست؟

۱. اطلاعاتی را که در جدول وارد کرده‌اید مرور کنید. النا گونزالس چه باید بکند؟ چرا؟
۲. تصمیم شما نشان می‌دهد که شما بعضی ارزش‌ها یا مسئولیت‌ها را مهم‌تر می‌دانید. آن ارزش‌ها یا مسئولیت‌ها کدامند؟

۳. چرا ممکن است کسی با استفاده از همان اطلاعاتی که شما در اختیار داشتید به نتیجه متفاوتی

برسد؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. موقعیتی را توصیف کنید که مجبور بودید از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر گزینش کنید. چگونه تصمیم گرفتید که چه کنید؟ چرا این انتخاب را کردید؟

۲. در میان اخبار نمونه‌ای از گزینش میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر پیدا کنید. موضوع مورد بحث، تصمیم اتخاذ شده، و دلایل اتخاذ این تصمیم را بنویسید.

۳. فرض کنید به شما شغلی بسیار خوب در مدرسه پیشنهاد شده که مستلزم انجام فعالیت‌هایی بعد از مدرسه است. این شغل برای پذیرش شما در دانشگاه بسیار مهم است. به شما شغل دیگری هم پیشنهاد شده که به لحاظ اقتصادی کمک بسیاری به شما می‌کند، اما با شغل پیشنهادی مدرسه تداخل زمانی دارد. کدام پیشنهاد را باید بپذیرید؟ چرا؟

جدول ابزارهای مفهومی برای گزینش از میان مسئولیت‌ها

مسئولیت دو	مسئولیت یک	
		۱. مسئولیت‌ها چیستند؟
		۲. منابع این مسئولیت‌ها کدامند؟
		۳. برای انجام مسئولیت‌ها چه پاداش‌هایی در نظر گرفته شده است؟
		۴. برای انجام ندادن مسئولیت‌ها چه تنبیه‌هایی در نظر گرفته شده است؟
		۵. مزایای انجام دادن آنها کدامند؟
		۶. مضار انجام ندادن آنها کدامند؟
		۷. تا چه حد فوریت دارند؟
		۸. اهمیت نسبی آنها تا چه اندازه است؟
		۹. چه مدت زمان برای انجام دادن آنها نیاز است؟
		۱۰. آیا من منابع لازم را در اختیار دارم؟
		۱۱. چه ارزش‌ها و علائق دیگری در میان هستند؟

چگونه می‌توانید بر ناسازگاری مسئولیت‌ها فائق آید؟

هدف این درس

در درس پنجم با پاره‌ای ابزارهای مفهومی آشنا شدید که به شما کمک می‌کنند از میان مسئولیت‌های رقیب یکدیگر گزینش کنید. در این درس شما آن ابزارها را برای گزینش از میان مسئولیت‌های ناسازگار با یکدیگر به کار می‌گیرید. در پایان درس حاضر شما باید بتوانید این ابزارها را برای ارزیابی، موضع‌گیری و دفاع از موضع خود در هنگام رسیدگی به مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و علائق رقیب و ناسازگار به کار بگیرید.

اصطلاحات ضروری

دوراهی

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی اینکه چه کسی مسئولیت دارد

برای این تمرین معلم شما کلاس را به گروه‌های کوچک سه تا پنج نفره تقسیم می‌کند. هر گروه داستان زیر را می‌خواند و از جدول ابزارهای مفهومی برای تحلیل مسئولیت‌های مربوطه استفاده می‌کند. بر اساس اطلاعات ثبت شده در این جدول، هر گروه تصمیم می‌گیرد به کدام مسئولیت باید عمل شود. بعد هر گروه تصمیم را به اطلاع کلاس می‌رساند و دلایل این انتخاب را توضیح می‌دهد.

دوراهی ژاور

برگرفته از رمان بینوایان، ویکتور هوگو (۱۸۸۵ - ۱۸۰۲)

ژان والژان چندین سال پیش به خاطر دزدیدن یک قطعه نان برای سیر کردن خواهر گرسنه‌اش زندانی شده بود. بعد از آزادی از زندان، والژان نامش را عوض کرد و به یکی از اعضای محترم جامعه تبدیل شد. اما بعداً تحت فشار قرار گرفت تا برای نجات کسی که با والژان عوضی گرفته و متهم شده بود، هویت واقعی‌اش را آشکار کند. در فرانسه آن زمان، کسانی که سابقه محکومیت داشتند مجاز نبودند نامشان را عوض کنند. به همین دلیل، والژان به زندان بازگردانده شد. او دوباره فرار کرد و با نامی جدید به شهروندی محترم تبدیل شد.

در طول سال‌هایی که والژان در حال فرار بود، بازرس ژاور سرسختانه در جست‌وجوی او بود. ژاور سرسپردگی انعطاف‌ناپذیری به وظیفه‌اش به عنوان عضوی از نیروی پلیس داشت. از قضای روزگار، بعدها شرایطی پیش آمد که والژان جان ژاور را نجات داد و او را مرهون خویش کرد.

وقتی ژاور بعد از مدتی والژان را توقیف کرد، به او چند دقیقه‌ای فرصت داد تا کارش را به پایان برساند. به این ترتیب، ژاور فرصتی پیدا کرد تا دربارهٔ وظیفه‌اش کمی تأمل کند: به زندان بازگرداندن مردی که نشان داده بود انسان‌دوستی مهربان و فداکار است و حتی جان ژاور را هم نجات داده است.

ژاور به شدت رنج می‌کشید. او دو راه کاملاً مستقیم پیش روی خود می‌دید. اما همین که دو راه پیش رویش بود وحشت‌زده‌اش می‌کرد. او در همهٔ عمر فقط یک راه مستقیم به روی خود گشوده می‌دید. اما این دو راه مستقیم به مسیرهای گوناگونی می‌رفتند.

ژاور چه باید بکند؟ ژان والژان را به زندان ببندد؟ این کار نادرست است. ژان والژان را آزاد بگذارد؟ این کار هم نادرست است. در صورت اول، با انسانی خوب و خوشنام مثل مجرمی معمولی برخورد می‌شود. در صورت دوم، فردی مجرم فراتر از قانون قرار می‌گیرد و آن را زیر پا می‌گذارد. در هر دو مورد ژاور باید به وجدان خویش نظر می‌انداخت و خود را می‌شناخت.

این افکار لرزه بر جان‌ش انداخت. او دربارهٔ آزاد گذاشتن والژان فکر کرده بود. این کار بر خلاف همه قواعد پلیس بود؛ بر خلاف نظم و نسق اجتماعی و قضایی بود؛ بر خلاف همه دستورالعمل‌های حقوقی بود. او بر چه اساسی باید عمل می‌کرد؟ باید ژان والژان را به مرکز پلیس تسلیم می‌کرد؟ برایش آشکار بود که باید همین کار را می‌کرد. اما نمی‌توانست. تردیدی نداشت که می‌بایست مهربانی را به رسمیت بشناسد. این مجرم فرد مهربانی بود.

ژاور این پرسش‌ها را از خود می‌پرسید، به آنها پاسخ می‌داد و از پاسخ‌ها وحشت می‌کرد. او از خود می‌پرسید «این مجرم، این مرد درمانده که من تا سر حد شکنجه تعقیبش کردم و می‌توانست از من انتقام بگیرد، جان من را نجات داد. او با نجات جان من چه کرد؟ وظیفه‌اش را ادا کرد؟ نه، بیش از آن. و من، با رها کردن او چه می‌کنم؟ انجام وظیفه؟ نه، بیش از آن. چیزی بیش از انجام وظیفه وجود دارد». خادم صادق قانون ناگهان خویش را گرفتار دو جرم می‌دید: جرم اجازهٔ فرار دادن به یک انسان و جرم بازداشت کردن او.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. کولاژی از اخبار بریده شده از روزنامه‌ها، مقالات مجلات، آگهی‌ها و سایر قطعات تصویری طراحی کنید که مسئولیت‌های رقیب یکدیگر در زندگی شما را تصویر کنند.

۲. آیا یک سرباز مسئولیت اطاعت از فرمانی را دارد که آن را غیراخلاقی می‌داند؟ چرا؟ در قالب یک یادداشت از موضع خود دفاع کنید.

درس هفتم

دادگاه باید کدام مسئولیت‌ها را تأیید کند؟

هدف این درس

این درس به شما فرصت می‌دهد که بر اساس پرونده‌ای واقعی در دیوان عالی ایالات متحده، ویسکانسین علیه یودر، یک جلسه تحقیق شبیه‌سازی کنید. موضوع این پرونده ناسازگاری میان دو مسئولیت است: مسئولیت والدین برای تعلیم و تربیت فرزندان خود بر اساس اعتقادات دینی خود و مسئولیت دولت برای اطمینان حاصل کردن از اینکه همه کودکان در سن مدرسه تحصیلات لازم را دریافت می‌کنند.

در پایان این درس شما باید بتوانید ابزارهای مفهومی را برای ارزیابی، موضع‌گیری و دفاع از موضع خود در هنگام رسیدگی به مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و علائق رقیب و ناسازگار به کار گیرید.

اصطلاحات ضروری

آمیش
آزادی دین

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی مسئولیت و آزادی دین

گاهی اوقات ممکن است مسئولیت فرد به تبعیت از قانون با باورهای دینی او ناسازگار افتد. در این قبیل موارد، از آن جا که آزادی دین در قانون اساسی ایالات متحده به رسمیت شناخته شده، می‌توان موضوع را به دیوان عالی ایالات متحده ارجاع داد. در پرونده ویسکانسین علیه یودر، دیوان عالی باید تصمیم می‌گرفت که آیا خانواده‌های آمیش هم باید از قانون تحصیلات اجباری تا سن ۱۶ سالگی تبعیت کنند یا نه. آمیش‌ها استدلال می‌کردند که تحصیلات اجباری مانع پای‌بندی آنها به دینشان می‌شود. توضیحات صفحه بعد درباره این پرونده را بخوانید و درباره مسئولیت‌های ناسازگار تأمل کنید. بعد به گروه‌های کوچک تقسیم شوید و جدولی را که در پی می‌آید تکمیل کنید.

ویسکانسین علیه یودر (۱۹۷۲)

در زمان این پرونده، ایالت ویسکانسین والدین را مجبور می‌کرد که فرزندان خود را تا سن ۱۶ سالگی به مدرسه دولتی یا خصوصی بفرستند. هدف این قانون این بود که همه بچه‌ها فرصت تحصیل کردن داشته باشند. کسانی که این قانون را زیر پا می‌گذاشتند، ممکن بود جریمه یا زندانی شوند.

جوناس یودر عضو جامعه آمیج‌های نظم عتیق در ویسکانسین بود. اعضای این جامعه معتقدند که باید فرزندان خود را بر اساس اصول دیانت آمیج تربیت کنند. آنها معتقدند که بچه‌های آمیج باید در پایان کلاس هشتم (حدود چهارده سالگی) مدرسه را ترک کنند و تحصیلات خود را در کنار والدینشان ادامه دهند. این به آنها فرصت می‌دهد که مهارت‌های لازم برای کشاورزی یا خانه‌داری در آینده را به دست آورند. آنها همچنین تمایل آمیج‌ها به کار بدون استفاده از ماشین‌آلات و اتکای به خود را کسب می‌کنند. به علاوه، نوجوانان آمیج فرصت می‌یابند ایمان خود را تقویت کنند تا برای پذیرش تکالیف دینی به عنوان اعضای بالغ جامعه آمیج‌ها آماده شوند. به این ترتیب، شیوه زندگی آمیج‌وار تحکیم و تقویت می‌شود.

آمیج‌ها معتقدند اگر فرزندان آنها به دبیرستان بروند نمی‌توانند برای زندگی آمیج‌وار آماده شوند. به نظر آنها وقتی دانش‌آموزان در دبیرستان در معرض علم تجربی، ماشین‌آلات و شیوه زیست مدرن قرار می‌گیرند، از آداب و باورهای سنتی دینی فاصله می‌گیرند.

ایالت ویسکانسین معتقد است که حضور در دبیرستان تا سن شانزده سالگی برای همه بچه‌ها مفید است و با آمیج‌ها نباید متفاوت با بقیه اهالی ویسکانسین برخورد شود. به علاوه، ایالت ویسکانسین استدلال کرد که اگر در آینده، بعضی از فرزندان آمیج‌ها تصمیم بگیرند دیانت آمیج را رها کنند، برای زندگی آمریکایی آمادگی و مهارت لازم را نخواهند داشت.

جوناس یودر اجازه نداد پسر پانزده ساله‌اش به دبیرستان برود. در سال ۱۹۶۸ آقای یودر و چندین والدین آمیج دیگر که مانع حضور فرزندان خود در مدرسه شده بودند، بازداشت و متهم به زیر پا گذاشتن قانون ایالت شدند. آنها از دیوان عالی ویسکانسین خواستند که حکم را نقض کند. این پرونده نهایتاً به دیوان عالی ایالات متحده فرستاده شد.

ایالت ویسکانسین		یودر	
فراهم آوردن فرصت برای آزادی دین‌ورزی شهروندان	اجرا کردن قوانین تحصیل فرزندان	تبعیت از قوانین ایالت ویسکانسین	تعلیم و تربیت فرزندان بر اساس باورهای دینی آمیش
			۱. مسئولیت‌ها چیستند؟
			۲. منابع این مسئولیت‌ها کدامند؟
			۳. برای انجام مسئولیت‌ها چه پاداش‌هایی در نظر گرفته شده است؟
			۴. برای انجام ندادن مسئولیت‌ها چه تنبیه‌هایی در نظر گرفته شده است؟
			۵. مزایای انجام دادن آنها کدامند؟
			۶. مضار انجام ندادن آنها کدامند؟
			۷. هر مسئولیت تا چه حد مهم است؟
			۸. تصمیم تا چه حد فوریت دارد؟
			۹. چه مدت زمان برای انجام دادن آنها نیاز است؟
			۱۰. چه منابعی لازم است؟
			۱۱. چه ارزش‌ها و علائق دیگری در میان هستند؟
			۱۲. راه حل‌های بدیل کدامند؟

برگزاری یک دادگاه تمرینی با موضوع پرونده یودر

دادگاه تمرینی بسیار شبیه یک جلسه تحقیق دیوان عالی است. در یک جلسه تحقیق، هیأتی از قضات تصمیم می‌گیرد که آیا حکم دادگاه پایین‌تر را تأیید کند یا نه. هیچ شاهدهی به دادگاه فراخوانده نمی‌شود و هیچ‌کس دربارهٔ داده‌ها، یعنی دربارهٔ آن چه رخ داده، جدل نمی‌کند. در این شکل تعدیل شدهٔ دادگاه تمرینی، لزومی ندارد که استدلال‌های شما به قانون موجود محدود شود یا بر تصمیماتی مبتنی باشد که در پرونده‌های مشابه اتخاذ شده است. استدلال‌ها می‌توانند بر اصول قانون اساسی یا هر مبنای معقول دیگری بنا شوند.

معلم کلاس را به سه گروه تقسیم می‌کند. یک گروه نقش هیأت قضات را بازی می‌کند. گروه دوم دیدگاه یودرها را نمایندگی می‌کند و گروه سوم از موضع ایالت ویسکانسین سخن می‌گوید. هر گروه باید جداگانه دیدار کند و یک یا چند نفر را برای سخنگویی و یک نفر را برای یادداشت‌برداری انتخاب کند. بعد کلاس باید جلسه را به شیوهٔ زیر اداره کند:

۱. رئیس هیأت قضات جلسه را آغاز می‌کند و مطمئن می‌شود که جلسه مطابق برنامه پیش می‌رود. در طول سخنرانی‌ها، قضات می‌توانند حرف سخنرانان را قطع کنند و پرسش‌های خود را بپرسند.
۲. سخنگوی ایالت ویسکانسین استدلال‌ها را عرضه می‌کند و به پرسش‌های قضات پاسخ می‌دهد.
۳. سخنگوی یودرها استدلال‌ها را عرضه می‌کند و به پرسش‌های قضات پاسخ می‌دهد.
۴. قضات بحث می‌کنند، به تصمیم می‌رسند و تصمیم خود را به اطلاع کلاس می‌رسانند.
۵. کلاس باید جلسه تحقیق، عملکرد آن و مسئولیت‌های مرتبط با این پرونده را بررسی کند.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. سرمقاله‌ای بنویسید و با تصمیم قضات در دادگاه تمرینی مخالفت کنید.
۲. فرض کنید به تازگی متوجه شده‌اید که یکی از نزدیک‌ترین دوستان شما در مدرسه مواد مخدر می‌فروخته است. هر چند که شما با مصرف مواد مخدر مخالفید، نوعی تعهد نسبت به دوست خود احساس می‌کنید و مایل نیستید کار او را گزارش کنید. از سوی دیگر، نوعی تعهد و مسئولیت هم نسبت به مدرسه و جامعه احساس می‌کنید. آیا باید کار دوست خود را گزارش کنید؟ چرا؟ با استفاده از یک جدول مشابه آن چه پیشتر دیدید، تصمیم خود را بگیرید.
۳. آیا گزارشگران روزنامه‌ها باید در تظاهرات سیاسی شرکت کنند؟ کدام مهم‌تر است: حق آزادی بیان گزارشگر یا مسئولیت رسانه‌ها برای رعایت عینیت در پوشش اخبار؟ یادداشتی دربارهٔ این موضوع بنویسید و با استفاده از ابزارهای مفهومی استدلال کنید کدام مسئولیت مهم‌تر است.

بخش چهارم

چه کسی را باید مسئول دانست؟

هدف این بخش

در سه بخش نخست، شما با یکی از معانی مسئولیت سر و کار داشتید: مسئولیت به منزله وظایف و تکالیفی که مردم دارند. در این بخش، با جنبه دیگری از این مفهوم آشنا می‌شوید. شما یاد می‌گیرید تعیین کنید چه کسی مسئول آن چیزی است که رخ داده است. توانایی تصمیم‌گیری درباره این که چه کسی مسئول است به ما امکان می‌دهد:

- به افراد به پاس دستاوردهایشان پاداش دهیم؛
- تعیین کنیم که آیا جبران مافات در مواردی که اشتباهی رخ داده لازم است؛
- از اطلاعات به عنوان راهنما برای اعمال خود در آینده استفاده کنیم.

در بسیاری موارد، تعیین این که چه کسی مسئول است چندان دشوار نیست. در سایر موارد، اما، این کار ممکن است بسیار دشوار باشد. در این بخش، شما تعیین می‌کنید که در چند موقعیت پیچیده چه کسی مسئول است. شما با ابزارهای مفهومی تازه‌ای آشنا می‌شوید که برای این تصمیم به شما کمک می‌کنند.

چگونه می‌توانیم مسئولیت را تعیین کنیم؟

هدف این درس

افراد چه زمانی باید مسئول دستاورد یا خطایشان قلمداد شوند؟ در این درس شما ابزارهای مفهومی تازه‌ای را بررسی می‌کنید که برای پاسخ دادن به چنین پرسش‌هایی مفیدند. در پایان درس، باید قادر باشید این ابزارهای مفهومی را برای تصمیم‌گیری در مورد مسئولیت به کار گیرید.

اصطلاحات ضروری

وضع ذهنی

قصد

بی‌پروایی

بی‌توجهی

علم به پیامدهای احتمالی

کنترل یا انتخاب

تمرین تفکر انتقادی

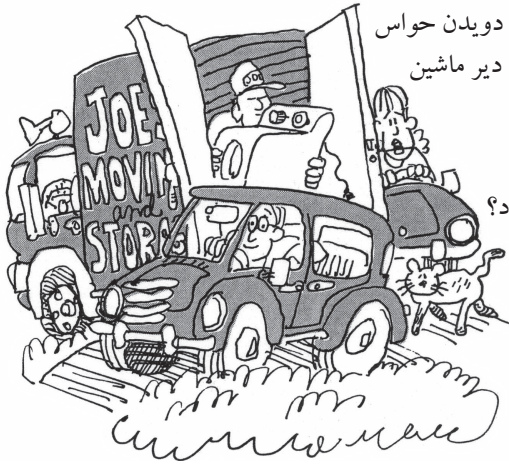
ارزیابی اطلاعات با هدف تعیین مسئولیت

ما در اغلب موارد سریعاً نتیجه می‌گیریم: «خب، تو این کار را کردی و مسئولیت آن با توست» و به همین دلیل افراد را تقبیح یا تحسین می‌کنیم. منظور ما واقعا چیست؟ ما چگونه کسی را مسئول قلمداد می‌کنیم؟

دو داستان زیر را بخوانید. در یکی از آنها فردی به خاطر خسارتی مسئول دانسته می‌شود و در دیگری فردی به پاس یک دستاورد تحسین می‌شود. در هر دو مورد، ما مایلیم تعیین کنیم چه کسی مسئول است.

چه کسی مسئول تصادف است؟

یک روز صبح زود شارلوت ماشین اسپورت کوچکش را در خیابان باریک محله‌ای مسکونی می‌راند. درست همزمان با عبور ماشین شارلوت، جورج ماشینش را از پارکینگ خارج کرد. او نمی‌توانست ماشین اسپورت را ببیند به دلیل آنکه یک ماشین بزرگ اسباب‌کشی در خیابان پارک کرده



و جلوی دید او را گرفته بود. یک گربه در حال دویدن حواس شارلوت را پرت کرد و موجب شد که او خیلی دیر ماشین جورج را ببیند. دو ماشین به هم زدند.

نظر شما چیست؟

۱. آیا کسی باید مسئول تصادف قلمداد شود؟

چه کسی؟

۲. آیا اعضای کلاس دربارهٔ جواب این

پرسش اتفاق نظر دارند؟

۳. چگونه فرد باید در این زمینه‌ها تصمیم

بگیرد؟

چه کسی باید بابت یافتن درمان تحسین شود؟

چندین دهه است که دانشمندان در سراسر جهان روی درمان سرطان کار می‌کنند. آنها به آهستگی در حال پیشرفت هستند. این پیشرفت تا حد زیادی مدیون تبادل آرای میان دانشمندان است که از طریق مکاتبه، انتشار مقاله در نشریات حرفه‌ای و سخنرانی در جلسات و گردهمایی‌ها می‌کوشند توفیق و شکست خود را به یکدیگر گزارش کنند. رشته پزشکی، آرام آرام به راه حل نزدیک می‌شود. هر پیشرفت بر تجربه‌های فرد فرد دانشمندان و دانش جمعی آنها بنا می‌شود. اگر روزی درمان یا درمان‌هایی کشف شوند، کاشفان تحسین می‌شوند و پاداش مالی چشمگیری نصیب آنها می‌شود.

نظر شما چیست؟

۱. در شرایطی که عده زیادی از دانشمندان برای چندین دهه به دنبال یک راه حل هستند، چگونه

می‌توان کسی را مسئول یافتن درمان سرطان دانست؟

۲. اگر شما عضو کمیتهٔ اعطای جایزهٔ نوبل بودید و قصد داشتید به کاشفان درمان سرطان جایزه

بدهید، چگونه به تصمیمی منصفانه می‌رسیدید؟

کدام ابزارهای مفهومی برای تعیین مسئولیت مفیدند؟

هر روز در مدرسه، جامعه و دولت افراد با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کنند که چه کسی را باید برای این یا آن کار مسئول دانست. بعضی اوقات، این تصمیمی ساده است، اما در بعضی موارد، رسیدن به تصمیمی معقول و منصفانه دشوارتر است.

ابزارهای مفهومی زیر به شما کمک می‌کنند به نحوی سامان‌مند و خردمندانه تصمیم بگیرید چه کسی مسئول است. سه ابزار اول به شما کمک می‌کنند که تصمیمات خود دربارهٔ مسئولیت افراد در شرایط گوناگون مستند به دلیل باشند. هر هفت ابزار باید در تعیین مسئولیت مورد استفاده قرار بگیرند.

۱. واقعه یا موقعیتی که ممکن است فردی مسئول آن قلمداد شود، دقیقاً چیست؟

اولین قدم در راه تعیین مسئولیت معین کردن واقعه یا موقعیت است.

به عنوان مثال: یک واقعه یا موقعیت که ممکن است شما بخواهید مسئولی برایش پیدا کنید:

- تصادف ماشین
- کشف درمان یک بیماری
- تیم فوتبالی که قهرمان ایالت شده است
- خرابکاری در مدرسه

۲. چه کسانی در ماجرا دخیلند و ممکن است مسئول محسوب شوند؟

وقتی واقعه یا موقعیت را تعیین کردید، می‌توانید فهرستی از کسانی که ممکن است مسئول باشند، تهیه کنید.

به عنوان مثال: کسانی که ممکن است در تصادف توصیف شده در ابتدای این درس مسئول باشند عبارتند از:

- شارلوت
- جورج
- کسی که ماشین اسباب‌کشی را پارک کرد
- صاحب گربه

۳. چگونه هر فرد ممکن است عامل وقوع واقعه یا پدید آمدن موقعیت قلمداد شود؟

وقتی فهرست کسانی که ممکن است مسئول یک واقعه یا موقعیت باشند را تهیه کردید، لازم است بررسی کنید که چگونه رفتارهای هر فرد ممکن است علت آن واقعه یا موقعیت بوده باشد. یعنی ببینید آیا رفتار آن فرد علت اصلی وقوع آن واقعه یا موقعیت بوده است؟ یا آن واقعه یا موقعیت رخ می‌داده حتی اگر آن فرد به نحو دیگری رفتار می‌کرده است؟

به عنوان مثال: شما ممکن است بگویید تصادف توصیف شده در ابتدای این درس به این علت یا علل رخ داده است:

- شارلوت به خیابان نگاه نمی‌کرد
- جورج از پارکینگ خارج شد بدون آن که مطمئن شود ماشین دیگری نمی‌آید
- فردی که ماشین اسباب‌کشی را پارک کرد و مانع دید جورج شد
- فردی که گربه‌اش را در خیابان رها و حواس شارلوت را پرت کرد

۴. آیا فرد با رفتارش وظیفه یا تکلیفی را زیر پا گذاشته است؟

وقتی مشخص کردید که چگونه رفتارهای هر فرد ممکن است علت یک واقعه یا موقعیت بوده باشد، باید ببینید آیا فرد وظیفه یا تکلیف داشته که متفاوت رفتار کند. به عبارت دیگر، آیا او با رفتارش وظیفه یا تکلیفی را زیر پا گذاشته و بنابراین مقصر است؟ یا اینکه در چارچوب حقوقش رفتار کرده است؟

به عنوان مثال: در تصادف توصیف شده در ابتدای این درس:

- شارلوت ممکن است وظیفه‌اش برای رانندگی مطمئن و بی‌خطر را زیر پا گذاشته باشد
- جورج ممکن است وظیفه‌اش در رعایت حق تقدم را نادیده گرفته باشد
- فردی که ماشین اسباب‌کشی را پارک کرد هیچ وظیفه‌ای را زیر پا نگذاشته مگر اینکه ماشین را در محلی غیرقانونی یا خطرناک پارک کرده باشد
- فردی که گربه‌اش را در خیابان رها کرده هیچ وظیفه‌ای را نادیده نگرفته چون نگاه داشتن گربه در خانه یا با قلاده ضروری نیست

۵. وضع ذهنی و روحی فرد در هنگام ایجاد آن واقعه یا موقعیت چگونه بوده است؟

برای پاسخ دادن به این پرسش ملاحظات زیر را در نظر داشته باشید:

- قصد: آیا آن فرد یا افراد عامدانه عامل آن واقعه یا موقعیت بوده‌اند؟ یعنی می‌دانستند چه می‌کنند؟ مثال رفتار عامدانه، خارج شدن آگاهانه راننده از جاده است.
- بی‌پروایی: آیا فردی که عامل واقعه بوده با بی‌پروایی رفتار کرده است؟ بی‌پروایی یعنی چشم‌پوشی آگاهانه از احتمال آسیب شدید. مثال رفتار بی‌پروا رانندگی با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت در خیابان‌های شلوغ شهر است.

- بی‌توجهی: آیا فردی که عامل واقعه بوده از سر بی‌توجهی و غفلت رفتار کرده است؟ بی‌توجهی یا غفلت یعنی توجه کافی نکردن به احتمال آسیب قابل پیش‌بینی. بی‌توجهی یعنی خردمندانه از آسیب رساندن به خود یا دیگران پرهیز نکردن. مثال رفتار توأم با بی‌توجهی، رها کردن یک بچه کم سن و سال نزدیک استخر یا دریاچه است.

- علم به پیامدهای احتمالی: آیا فرد یا افراد نتایج احتمالی اعمال خود را می‌دانستند یا باید می‌دانستند؟ علم به پیامدهای احتمالی یعنی آگاه بودن به آنچه ممکن است در اثر عملکرد ما رخ دهد.

چرا ما برای تعیین مسئولیت باید وضع ذهنی و روحی افراد را بررسی کنیم؟ برای اینکه وضع ذهنی و روحی افراد ممکن است قضاوت ما درباره رفتار آنها را تغییر دهد.

به عنوان مثال: فردی که موجب تصادف شد. آیا مهم است که او به ماشین دیگر زد چون:

- دلش می‌خواست (از روی عمد و آگاهی) یا
- مست بود (از روی بی‌پروایی) یا
- علامت توقف را ندید (از روی بی‌توجهی)؟
- به عنوان مثال: کاترینا پارچه‌ها را با فندک به آتش کشید. کل خانه سوخت. آیا مهم است که:
 - او فقط دو سالش بود (بدون علم به پیامدهای احتمالی عملکرد)،
 - او ده سالش بود و فکر کرد می‌تواند پارچه‌ها را آتش بزند (بی‌پروا و با علم به پیامدهای احتمالی عملکرد)،

- او سی سالش بود و فکر می‌کرد به این ترتیب می‌تواند از شرکت بیمه پول بگیرد (عامدانه و با علم به پیامدهای احتمالی عملکرد)؟

۶. آیا فرد یا افراد بر اعمال خود کنترل داشتند؟ آیا می‌توانستند کار دیگری بکنند؟

بدون کنترل یا داشتن گزینه‌های دیگر معمولاً نمی‌توان فرد را مسئول دانست. به عنوان مثال: خوانیتا به بانک رفت تا چک را به حسابش بخواباند. سارقانی که ماسک به صورت داشتند، وارد بانک شدند، سرقت کردند و او را مجبور کردند که با ماشینش آنها را از محل دور کند.

به عنوان مثال: جورج از پله‌های مدرسه پایین می‌رفت که به آوی خورد. آوی افتاد و به سوزان خورد. سوزان هم سقوط کرد و مچ پایش شکست.

۷. آیا فرد یا افراد مسئولیت‌ها، علائق و ارزش‌های مهم‌تری داشتند که موجب شدند آنها این گونه عمل کنند؟

گاهی اوقات ارزش‌ها، علائق و مسئولیت‌ها عملی که از فرد سر می‌زند را توجیه می‌کنند. به عنوان مثال: خوان در خانه همسایه را شکست تا جان سه بچه‌ای که در آتش گرفتار شده بودند را نجات دهد.

به عنوان مثال: وقتی سینما آتش گرفت، یکی از کنترلچی‌های سالن مردی را که شروع به داد و فریاد کرده بود با مشت بر زمین انداخت تا با آرامش به بقیه کمک کند که از خروجی‌ها خارج شوند.

تمرین تفکر انتقادی

به کار بستن ابزارهای مفهومی برای تعیین مسئولیت

به کار بستن ابزارهای مفهومی که با آنها آشنا شدید همیشه به این آسانی نیست که ممکن است به نظر برسد. چگونه آنها را بر موقعیت خیالی زیر اطلاق می‌کنید تا ببینید چه کسی مسئول است؟

تصادف

پیتر، ماریو و مارتی مسن‌تر از آنکه بودند به نظر می‌رسیدند. آنها که دانش آموز سال آخر دبیرستان بودند، نوازنده یک گروه موسیقی به نام شیخ مارلی بودند. مهارت آنها در حدی بود که در کلوب‌های محلی کاری پیدا کنند. بر اساس قوانین ایالت، افراد زیر ۱۸ سال اجازه نداشتند مشروب بخورند اما این دانش آموزان ۱۷ ساله مشکلی برای خریدن مشروب با کارت شناسایی تقلبی نداشتند.

شب جمعه بعد از یک اجرای پرشور در یکی از کلوب‌ها، پیتر، ماریو و مارتی در مشروب‌فروشی ماندند و یکی دو ساعت آبجو خوردند. وقتی ساعت دو و نیم صبح تلو تلو خوران به ماشین خود رسیدند، مارتی گفت «من نباید رانندگی کنم. خیلی مشروب خوردم». اما پیتر جواب داد «بس کن بابا. چیزیت نیست که. ماریو و منم به اندازه تو خوردیم. فقط اگر یک کمی حواستو توی جاده جمع کنی، قبل از این که بفهمی به خونه رسیدیم».

سه مرد جوان سوار ماشین شدند. مارتی پشت فرمان نشست. پیتر کنار او نشست و ماریو روی صندلی عقب ولو شد. سفر کوتاه آنها به خانه هرگز به پایان نرسید. مارتی در تلاش برای تصادف نکردن با ماشینی که به طرف آنها می‌آمد، منحرف شد، کنترل ماشین را از دست داد و به درخت بلوط عظیم کنار

جاده زد. خوشبختانه، مارتی کمر بندش را بسته بود و فقط کمی خراش برداشت. ماریو تا این حد خوش شانس نبود. او محکم به صندلی جلو خورد، شانه‌اش در رفت و پشتش به شدت آسیب دید. او بعد از درمان تا حد زیادی توان حرکتی خود را به دست خواهد آورد اما تا آخر عمر از درد پشت رنج خواهد کشید. اما پیتز، در آینده درد نخواهد کشید. او از شیشه‌ی جلو به بیرون پرتاب شد و به درخت بلوط خورد. آسیب‌های او کشنده بود و پیش از اینکه آمبولانس برسد، فوت کرد.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. با مشورت معلم، یک وکیل یا قاضی را به کلاس دعوت کنید و ببینید او چه معیارهایی برای تعیین مسئولیت دارد.
۲. با مشورت معلم، به یک جلسه دادگاه بروید و محاکمه‌ای را نظاره کنید. آیا این محاکمه تلاشی است برای تعیین مسئولیت در یک واقعه یا موقعیت؟ کدام واقعه یا موقعیت؟ کدام یک از ابزارهای مفهومی برای این محاکمه مهم است؟ یافته‌های خود را در کلاس توضیح دهید.
۳. فرض کنید شما در مدرسه خود عضو کمیته‌ی گزینش دانش آموزان برای «جایزه‌ی رهبری جامعه» هستید. چه معیارهایی را به کار می‌گیرید تا فردی را برگزینید که بیشترین سهم را در گسترش روحیه‌ی جمعی در مدرسه داشته است؟ یادداشت کوتاهی بنویسید و توضیح دهید چگونه این گزینش را انجام می‌دهید.

چه کسی مسئول نشت نفت است؟

هدف این درس

در درس هشتم شما با به کارگیری برخی ابزارهای مفهومی آشنا شدید. در این درس شما این ابزارهای مفهومی را در موقعیتی خاص به کار می‌گیرید. در پایان درس، باید بتوانید توضیح دهید چگونه این ابزارهای مفهومی را برای تصمیم‌گیری در مورد مسئولیت به کار گرفتید.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین اینکه چه کسی مسئول است

برای این تمرین، معلم کلاس را به گروه‌های کوچک سه تا پنج نفری تقسیم می‌کند. هر گروه باید داستان «لاشه کشتی اکسان والدز» را بخواند و جدول انتهای این درس را تکمیل کند. هر گروه باید در این باره موضع‌گیری کند که چه کسی مسئول ویرانی ناشی از تصادف کشتی نفتکش است. سپس هر گروه باید به کلاس گزارش دهد. در انتهای گزارش‌ها، اعضای کلاس باید مواضع سایر گروه‌ها را تحلیل کنند.

لاشه کشتی اکسان والدز

اطلاعات مربوط به ماجرای به گل نشستن کشتی اکسان والدز در ۲۴ مارس ۱۹۸۹ به خوبی ثبت و ضبط شده است. کشتی اندکی بعد از نیمه شب در نزدیکی یک صخره کاملاً شناخته شده در فاصله تقریباً ۲۵ مایلی لوله نفتی ترانس - آلاسکا در والدز به گل نشست. نزدیک به ۱۱ میلیون گالن نفت خام از کشتی به آب ریخت. دولت محلی و دولت مرکزی متفق‌القولند که واکنش کمپانی نفتی کند و ناکافی بود. تمیز کردن ۱۳۰۰ مایل ساحل آلاسکا از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ طول کشید.

کشتی ساعت ۹ شب ۲۳ مارس با ۲۰ خدمه (دو سوم تعداد خدمه‌های سایر کشتی‌های نفت کش) از بندر به راه افتاد. اکسان مدعی شد که فن‌آوری نوین امکان اداره بی‌خطر کشتی با خدمه کمتر را فراهم کرده و گارد ساحلی هم این تصمیم اکسان را تأیید کرده بود. با این حال، خدمه غالباً مجبور بودند کم بخوابند و بیشتر کار کنند؛ تقریباً ۱۴۰ ساعت اضافه کار در ماه. خستگی مفرط امری رایج بود.

اکسان والدز به مدت دو ساعت با کمک یک راهنما مسیر خروج از بندرگاه را طی کرد. راهنمای کشتی رأس ساعت ۱۱:۲۴ شب کنترل کشتی را به ناخدا هیزل وود سپرد. در ساعت ۱۱:۲۵ ناخدا هیزل

وود با گارد ساحلی تماس گرفت و اجازه ورود به محدوده جنوبی کشتیرانی را دریافت کرد. تقریباً پانزده دقیقه بعد، ناخدا هیزل وود کنترل کشتی را به گرگوری کازینز سپرد و به کابین خود رفت. او برای کازینز توضیح داد که مراقب یخ‌ها در تنگه پرنس ویلیام باشد. هر چند نوشیدن الکل بر اساس قوانین و مقررات گارد ساحلی مجاز نبود، هیزل وود در فاصله چهار ساعت پیش از راه افتادن از بندر مشروب نوشیده و وقتی ده ساعت بعد از به گل نشستن کشتی آزمایش شد، به لحاظ معیارهای قانونی مست تشخیص داده شد. کازینز هم مجوز لازم برای هدایت کشتی در تنگه پرنس ویلیام را نداشت.

این تنگه به اندازه‌ای باریک است که عبور از آن بسیار متکی به هدایت گارد ساحلی است. اما گارد ساحلی رد اکسان والد را گم کرده بود. گارد مدعی شد که آب و هوای نامساعد، ابزارهای نامناسب و تغییر شیفت کارمندان مانع ردیابی کشتی شده بود.

کمی بعد از نیمه شب اکسان والدز به گل نشست. کازینز به تبعیت از توصیه‌های ناخدا هیزل وود، کشتی را از مسیر استاندارد خارج کرده بود تا با تخته یخ‌های شناور برخورد نکند؛ او بسیار دیر اقدام به بازگشت به مسیر اصلی کرد و کشتی به گل نشست. نفت به سرعت به تنگه پرنس ویلیام سرازیر شد. آسیب پدید آمده به وسیله اکسان والدز ویرانگر بود. ماهی‌ها و حیات وحش در این منطقه به شدت آسیب دیدند. سواحل سیاه شدند و آشکار بود که بهبود اوضاع بسیار کند خواهد بود. به رغم ادعای شرکت‌های نفتی منطقه که می‌توانند هر گونه نشت نفت را سریعاً کنترل کنند، ماه‌ها و بلکه سال‌ها بعد آثار نشت نفت بر سواحل آلاسکا قابل مشاهده بود.

چگونه این درس را به کار بیندیم؟

۱. نامه‌ای به سردبیر بنویسید و از عملکرد یکی از چهار فرد یا گروهی که در داستان فوق دخیل بودند دفاع کنید.
۲. درباره نشت نفت از اکسان والدز و ویرانی ناشی از آن بیشتر تحقیق کنید. این واقعه را تحلیل کنید و توضیح دهید چه کسی را باید مسئول دانست.

جدول ابزارهای مفهومی برای تعیین اینکه چه کسی مسئول است

				۱. واقعه یا موقعیت مورد بحث کدام است؟
				۲. چه کسانی ممکن است مسئول قلمداد شوند؟
				۳. چگونه هریک از آنها ممکن است عامل واقعه بوده باشند؟
				۴. کدام وظایف و تکالیف زیر پا نهاده شده است؟
				۵. وضع روحی فرد چگونه بود (قصد، بی‌پروایی، بی‌توجهی، علم به پیامدها)؟
				۶. آیا فرد کنترل نداشت؟ آیا می‌توانست رفتار دیگری داشته باشد؟
				۷. کدام ارزش‌ها، علائق یا مسئولیت‌ها ممکن است رفتار فرد را موجه کند؟

چه کسی مسئول نیل به پیمان صلح است؟

هدف این درس

هدف ما از تعیین مسئولیت غالباً این است که افراد را تنبیه کنیم یا مانع تکرار خطا به وسیله دیگران شویم. البته مواردی هم هست که ما با تعیین مسئولیت قصد داریم دستاورد افراد را به رسمیت بشناسیم و به کسی که شایسته است پاداش بدهیم. در این درس شما موقعیتی را بررسی و تعیین می‌کنید که چه کسی شایسته تقدیر است. در پایان این درس، شما باید بتوانید توضیح دهید چگونه با کمک ابزارهای مفهومی فرد شایسته تقدیر برای نیل به پیمان صلح را تعیین کرده‌اید.

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی یک موقعیت، موضع‌گیری و دفاع از موضع خود

کلاس شما یکی از جلسات یک سازمان خیالی، کمیته جایزه صلح بین‌المللی را شبیه‌سازی می‌کند. هر سال این کمیته جایزه‌ای بسیار معتبر، همراه با یک جایزه نقدی بزرگ، به افراد یا گروه‌هایی می‌دهد که در آن سال بیشترین نقش را در تثبیت صلح جهانی بازی کرده‌اند. برای انجام این تمرین، کلاس به گروه‌های کوچک سه تا پنج نفره تقسیم می‌شود. هر گروه باید «پیمان صلح» را بخواند و سپس «اطلاعاتی که برای تعیین مسئولیت باید در نظر داشت» را مرور کند. در قدم بعد، هر گروه باید به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهد. دستورالعمل‌های «آماده شدن برای هدایت یک جلسه تحقیق» را دنبال کنید.

پیمان صلح

دره پوتوموس از حاصلخیزترین بخش‌های پلانت اسکون است. از پیش از تاریخ مکتوب، این دره به واسطه منابع غنی، مردم را به خود جذب می‌کرده است. از زمان‌های دور تا امروز، گروه‌های متنوع، از قبائل کوچک تا ملل مدرن، بر سر مالکیت این دره مناقشه داشته‌اند. در سی سال گذشته، دو کشور صنعتی، سارنیا و گنگز، بر منطقه سیطره داشته‌اند. به رغم جنگ مداوم، هیچ کدام از این دو کشور نتوانسته بر دیگری غلبه کند و هر کدام بخش قابل توجهی از منابع خود را صرف جنگ می‌کنند.

در هر دو کشور نظرات مختلفی درباره راه‌های نیل به صلح وجود دارد. کسانی هستند که صلح را در گروهی تسلیم کامل طرف مقابل می‌دانند. کسانی تداوم جنگ را غیرقابل اجتناب می‌دانند و می‌گویند باید تاب آورد. برخی دیگر، خسته از مرگ و ویرانی، خواهان صلح به هر قیمتی هستند. عده‌ای می‌گویند سازش کلید حل بحران است؛ آنها از مذاکرات صلحی حمایت می‌کنند که به نیازهای هر دو طرف پاسخ می‌گوید.

وضعیت در سارنیا: در انتخابات اخیر، مردم سارنیا به آرتمیس رأی دادند که سیاستمداری میانه‌رو و حامی امضای یک پیمان صلح است. در طول انتخابات، گروه‌هایی قدرتمند، از جمله صاحبان روزنامه‌های بزرگ و ایستگاه‌های تلویزیونی، با آرتمیس مخالفت کردند.

قوه مقننه سارنیا از نمایندگان پنج حزب تشکیل شده است که هیچ کدام اکثریت ندارند. تصویب یک پیمان نیاز به رأی دو سوم نمایندگان دارد و آشکار است که چنین رأیی تنها با همکاری احزاب گوناگون در دسترس خواهد بود.

وضعیت در گنگز: سه سال پیش در گنگز، پورتر که مانند آرتمیس از مذاکره برای یک پیمان صلح حمایت می‌کند، با آرابی کمی بیشتر از یک رقیب جنگ‌طلب انتخاب شد. همانند سارنیا، قوه مقننه در کنترل احزاب مختلف است. برخلاف سارنیا، رسانه‌های گنگز از مذاکره و توافق حمایت می‌کنند. اما یک فرقه مذهبی جنگ‌طلب که بخش بزرگی از جامعه را نمایندگی می‌کند، مخالف پیمان صلح است. بعد از انتخاب آرتمیس، نمایندگان هر دو کشور بارها ملاقات کرده‌اند. آنها در حال تهیه پیمان صلحی هستند که امیدوارند حمایت اکثر قانونگذاران و شهروندان را به دنبال آورد. روند مذاکرات البته روندی پیچیده است و افراطی‌های هر دو کشور می‌کوشند تلاش‌های صلح‌طلبانه را تخریب کنند. حامیان مذاکرات هم به شدت مشغول فعالیت هستند تا حمایت لازم برای پیمان صلح را تدارک ببینند. همکاران آرتمیس و پورتر پیش‌نویس پیمان صلح پیشنهادی را در اختیار اعضای ذی‌نفوذ قوه مقننه هر دو کشور قرار داده‌اند. دستیاران آرتمیس تلاش می‌کنند رسانه‌ها را قانع کنند که مخالفت خشونت‌بار خود با پیمان صلح را کاهش دهند. دستیاران پورتر هم همین کار را در مورد جنگ‌طلبان در گنگز می‌کنند. مذاکره‌کنندگان سرانجام نشست بزرگی با پوشش خبری بین‌المللی برگزار کردند. آرتمیس و پورتر در معیت مذاکره‌کنندگان و شخصیت‌های مهم

هر دو کشور، دیدار کردند. اعضای هر دو گروه می‌دانستند که پیمان صلح بدون تصویب قوای مقننه هر دو کشور رسمیت نمی‌یابد، اما معتقد بودند که اکثر کارهای مهم مقدماتی انجام شده است. دو ماه بعد، پس از تلاش و مذاکره فراوان، پیمان صلح تصویب شد. پس از سال‌ها درگیری و کشته شدن هزاران نفر، دو ملت به پیمان صلحی نائل آمدند که راه حلی برای مشکلات اساسی میان آنها ارائه می‌کرد.



اطلاعاتی که برای تعیین مسئولیت باید در نظر داشت

فهرست زیر حاوی نام افراد و گروه‌هایی است که در روند صلح میان سارنیا و گنگز نقش داشتند. این فهرست را مرور و هر نام دیگری را که لازم می‌دانید اضافه کنید. بعد به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

سارنیا:

آرتمیس

دولت

مذاکره‌کنندگان و دستیاران

دستیاران آرتمیس

رهبان احزاب اقلیت که اعضای خود را قانع کردند تا از پیمان حمایت کنند

صاحبان روزنامه‌ها

صاحبان ایستگاه‌های تلویزیونی

گروه‌هایی ذینفع مخالف پیمان

گروه‌هایی ذینفع موافق پیمان

گنگز:

پورتر

دولت

مذاکره‌کنندگان و دستیاران

دستیاران پورتر

رهبان احزاب اقلیت که اعضای خود را قانع کردند تا از پیمان حمایت کنند

صاحبان روزنامه‌ها

صاحبان ایستگاه‌های تلویزیونی

گروه‌هایی ذینفع مخالف پیمان

گروه‌هایی ذینفع موافق پیمان

نظر شما چیست؟

۱. چه کسی باید مسئول نیل به پیمان صلح قلمداد شود؟ چرا؟

۲. چه کسی باید جایزه صلح بین‌المللی را دریافت کند؟ چرا؟

آماده شدن برای هدایت یک جلسه تحقیق

هر گروه باید یک سخنگو و یک منشی انتخاب کند و بعد تصمیم بگیرد که چه کسی در درجه نخست مسئول نیل به پیمان صلح است. هر گروه باید آماده باشد توضیح دهد چرا فرد پیشنهادی آنها

باید جایزه را دریافت کند.

گروهی که قرار است کمیته صلح بین‌المللی را نمایندگی کند باید یک سخنگو و یک منشی انتخاب کند. این کمیته باید پرسش‌هایی برای پرسیدن از نامزدهای دریافت جایزه تدارک ببیند. هر گروه باید در عرض دو تا سه دقیقه نامزد پیشنهادی خود برای دریافت جایزه را معرفی کند. در مرحله بعد کل کلاس باید نامزدهای پیشنهادی گروه‌ها را مورد بحث و تحلیل قرار دهد و رأی دهد که چه کسی باید جایزه را دریافت کند.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. فرض کنید شما یکی از گزارشگرانی هستید که میهمانی اعلام پیمان صلح بین سارنیا و گنگز را پوشش می‌دهد. مقاله‌ای بر اساس مصاحبه‌های خود با شرکت‌کنندگان میهمانی از هر دو کشور بنویسید.
۲. یادداشتی بنویسید و با انتخاب کمیته جایزه صلح بین‌المللی مخالفت کنید. توضیح دهید از نظر شما چه کسی باید مسئول نیل به پیمان صلح محسوب شود.

فصل چهارم

عدالت

بخش اول ❖ عدالت چیست؟

درس اول ❖ انواع عدالت کدامند؟ ❖ ۲۲۴

درس دوم ❖ آیا اسنادی که آمریکا بر مبنای آنها بنا شده عدالت را ترویج می‌کنند؟ ❖ ۲۲۹

بخش دوم ❖ عدالت توزیعی چیست؟

درس سوم ❖ برای بررسی موضوعات مربوط به عدالت توزیعی کدام ابزارهای مفهومی مفیدند؟ ❖ ۲۳۴

درس چهارم ❖ دولت چگونه باید کمک‌های مادی را توزیع کند؟ ❖ ۲۴۱

درس پنجم ❖ چگونه می‌توانیم در عرصه آموزش و پرورش دولتی عدالت توزیعی برقرار کنیم؟ ❖ ۲۴۶

بخش سوم ❖ عدالت اصلاحی چیست؟

درس ششم ❖ اهداف عدالت اصلاحی کدامند ❖ ۲۵۲

درس هفتم ❖ کدام ابزارهای مفهومی برای تصمیم‌گیری درباره عدالت اصلاحی مفیدند؟ ❖ ۲۵۷

درس هشتم ❖ کدام ارزش‌ها و علائق را در داوری

درباره واکنش به تخلفات و آسیب‌ها در نظر بگیریم؟ ❖ ۲۶۴

درس نهم ❖ واکنش مناسب به تخلفات و آسیب‌ها چیست؟ ❖ ۲۷۳

❖ بخش چهارم ❖ عدالت روشی چیست؟

❖ درس دهم ❖ چرا عدالت روشی مهم است؟ ❖ ۲۸۰

❖ درس یازدهم ❖ چگونه می‌توانیم منصفانه بودن روش‌ها را بررسی کنیم؟ ❖ ۲۸۵

❖ درس دوازدهم ❖ کدام ارزش‌ها و علائق را باید برای تعیین منصفانه بودن روش‌ها در نظر گرفت؟ ❖ ۲۸۹

❖ درس سیزدهم ❖ آیا روش‌های به کار گرفته شده در پرونده منصفانه بودند؟ ❖ ۲۹۷

مقدمه

«رؤیای من این است که روزی چهار فرزند کوچک من در میان ملتی زندگی کنند که آنها را نه بر اساس رنگ پوستشان بلکه بر اساس شخصیتشان مورد قضاوت قرار دهد.» سخنانی مارتین لوتر کینگ در ۲۸ آگوست ۱۹۶۳ روی پله‌های بنای یادبود لینکلن فریادی عدالت طلبانه بود که همچنان الهام‌بخش ماست. ممکن نیست روزی سپری شود و ما درباره چیزی عادلانه یا ناعادلانه فکر نکنیم. دلیلش این است که رسانه‌های خبری، برنامه‌های سرگرم‌کننده، عملکرد حکومت ما و غیره، هر روز موضوعاتی را طرح می‌کنند که به نحوی به عدالت مربوط است. مقدمه قانون اساسی ایالات متحده اعلام می‌کند که یکی از اهداف اصلی حکومت ما برپا کردن عدالت در میان ملت است. سوگند وفاداری هم با عبارتی پایان می‌یابد که خواهان آزادی و عدالت برای همگان است.

انصاف ایده اصلی عدالت است. اما به رغم اعتقاد ما به عدالت، تعیین اینکه چه چیزی منصفانه است در بسیاری از شرایط کار آسانی نیست. این فصل به شما فرصت می‌دهد که درباره عدالت در برخی شرایط خاص داوری کنید. به این ترتیب، شما یاد می‌گیرید که چگونه ابزارهای مفهومی را برای حل مسائل ناظر بر عدالت به کار بگیرید.

ابزارهای مفهومی مجموعه‌ای از ایده‌ها و پرسش‌ها هستند که برای ارزیابی موضوعات و داوری کردن درباره آنها مفیدند. آنها ابزارهای ذهن هستند که اگر درست و ماهرانه به کار گرفته شوند، به فهمیدن مدد می‌رسانند. استفاده شما از این ابزارها باید به شما کمک کند تا درک بهتری از موضوع عدالت و همچنین، توانایی بیشتری برای مواجه شدن با مقوله عدالت در زندگی روزمره پیدا کنید.

بخش اول

عدالت چیست؟

هدف این بخش

عدالت چیست؟ چگونه می‌توانید درباره‌ی این که چیزی عادلانه هست یا نه داوری کنید؟ این بخش توانایی شما در سر و کله زدن با چنین پرسش‌هایی را افزایش می‌دهد. همان طور که خواهید دید، انصاف بن مایه‌ی عدالت است و امور به انحای گوناگون می‌توانند منصفانه یا نامنصفانه باشند. به عنوان مثال، فردی ممکن است سهم منصفانه‌ی خود از چیزی را که توزیع می‌شود دریافت نکند؛ فردی ممکن است فرصت منصفانه‌ای برای آن که روایت خود از ماجرا را بگوید پیدا نکند یا ممکن است فردی به نحوی غیر منصفانه تنبیه شود.

موضوعات مربوط به عدالت را می‌توان در سه مقوله طبقه‌بندی کرد: عدالت توزیعی، عدالت اصلاحی و عدالت روشی. این بخش شما را با این سه مقوله آشنا می‌کند. در پایان این بخش، شما باید بتوانید موضوعات عدالت را تشخیص دهید و توضیح دهید چرا چنین کاری مفید است. شما همچنین باید بتوانید نمونه‌هایی از عدالت توزیعی، اصلاحی و روشی را در زندگی روزمره‌ی خود بیابید.

درسی اول

انواع عدالت کدامند؟

هدف این درس

این درس شما را با سه نوع از موضوعات و مسائل مربوط به عدالت آشنا می‌کند. شما آنها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهید. در پایان این درس، شما باید بتوانید موضوعات مربوط به عدالت را طبقه‌بندی کنید و فایده این کار را توضیح دهید.

اصطلاحات ضروری

عدالت توزیعی

عدالت اصلاحی

عدالت روشی

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی موضوعات ناظر به عدالت

قانون در شکل برابری خواهانه باشکوهش، غنی و فقیر را از خوانیدن زیر پل‌ها، گدایی کردن در خیابان‌ها و دزدیدن نان منع می‌کند.

آناتول فرانس، زنبق سرخ، ۱۸۹۴

به نظر ما روح عدالت انصاف است و انصاف چیزی نیست جز رفتار برابر با مردم. اما همان طور که آناتول فرانس می‌گوید، حتی اگر همه در معرض یک قانون باشند و همه کسانی را که قانون‌شکنی می‌کنند تنبیه مشابهی نصیب شود، باز هم ممکن است بی‌عدالتی پدید آید. مسائل مربوط به عدالت در غالب موارد پیچیده و چند وجهی‌اند و رسیدگی به آنها نیازمند تحلیل دقیق است. در همین ابتدا لازم است انواع عدالت را از هم تفکیک کنیم. وقتی وضعیت‌های زیر را مطالعه می‌کنید، از خود پرسید چه چیزی در این موقعیت‌ها منصفانه یا غیرمنصفانه است. بعد به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

• آخر هفته، جین چک حقوقش را دریافت کرد. ۲۷۵ دلار بود. وقتی فهمید که پاول برای همان نوع و میزان کار ۴۱۰ دلار دریافت کرده، ناراحت و عصبانی شد.

• در گرماگرم شورش، پلیس مخفی هانس را بازداشت کرد و به سلولی کوچک انداخت. آن

شب او را به اتاقی بردند و سه مرد عصبانی در حدود ده دقیقه از او بازجویی کردند. تا آمد بفهمد که آنها دارند او را محاکمه می‌کنند، مردی که وسط آنها نشسته بود، چکشی روی میز کوبید و اعلام کرد «گناهکار به جرم طغیان علیه حکومت، محکوم به اعدام به وسیلهٔ جوخهٔ آتش». آنها هانس را بیرون بردند، کنار دیوار قرار دادند و به او شلیک کردند.

• ژان والژان، شخصیت اصلی رمان بینوایان ویکتور هوگو، به جرم دزدیدن یک قطعه نان برای سیر کردن خواهر و خواهرزاده‌های شدیداً گرسنه‌اش محکوم به زندان شد.

نظر شما چیست؟

۱. در هر یک از موقعیت‌های بالا، چه چیزی منصفانه و چه چیزی غیرمنصفانه است؟
۲. چه موقعیت‌های مشابهی را شما تجربه یا مشاهده کرده‌اید؟
۳. آیا این موقعیت‌ها شباهتی به آنچه در جامعهٔ شما می‌گذرد، دارد؟
۴. کدام سنن، قواعد یا قوانین را می‌شناسید که برای ترویج عدالت یا انصاف در موقعیت‌های مشابه طراحی شده باشند؟
۵. آیا در این موقعیت‌ها، از حیث عدالت، شباهتی می‌بینید؟ تفاوت چطور؟ توضیح دهید.

چرا موضوعات مربوط به عدالت را در مقولات مختلف طبقه‌بندی می‌کنیم؟

وقتی موقعیت‌های توصیف شده در بالا را می‌خوانید، احتمالاً چنین واکنشی نشان می‌دادید: «این عادلانه نیست!» یا «این منصفانه نیست!». هر یک از این موقعیت‌ها یک نوع از عدالت را ترسیم می‌کند. شدت احساسات ما نسبت به عدالت و میل ما برای نیل به عدالت، تاریخ را شکل داده و به مشاجرات متعددی در زندگی عمومی و خصوصی ما، ملت ما و سایر ملل منجر شده است.

برای بیش از ۲۰۰۰ سال متفکرانی که با مسئلهٔ عدالت دست و پنجه نرم می‌کرده‌اند، عدالت را به سه طبقه تقسیم کرده‌اند:

عدالت توزیعی: عدالت توزیعی به توزیع منصفانهٔ چیزی میان عده‌ای از افراد یا گروه‌ها می‌پردازد. آنچه توزیع می‌شود ممکن است نوعی منفعت باشد (مثل حقوق ماهیانه یا حق بیان و رأی دادن) یا نوعی مسئولیت (مثل مالیات، کارخانه یا تکلیف مدرسه).

عدالت اصلاحی: عدالت اصلاحی به واکنش منصفانه نسبت به تخلف کردن از قوانین و قواعد یا آسیب رساندن به دیگران می‌پردازد. واکنش رایج عبارت است از وادار کردن فرد خطاکار به تحمل نوعی تنبیه، برگرداندن چیزی که سرقت شده یا پرداخت جریمه.

عدالت روشی: عدالت روشی به منصفانه بودن شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات و یا شیوهٔ تصمیم‌گیری می‌پردازد. مثلاً از فردی که مرتکب جرمی شده ممکن است هم از طریق بازجویی دقیق کسب اطلاع کرد و هم از طریق شکنجه. کسانی که می‌خواهند تصمیمی بگیرند ممکن است به سخنان همهٔ کسانی که به موضوع علاقه‌مندند گوش بسپارند یا ممکن است بدون اتخاذ چنین روشی تصمیم بگیرند. لازم است تأکید شود که عدالت روشی به منصفانه بودن اینکه ما چگونه اطلاعات جمع می‌کنیم یا تصمیم

می‌گیریم، می‌پردازد، نه به اینکه چه اطلاعاتی جمع کرده‌ایم یا چه تصمیمی گرفته‌ایم. این تقسیم‌بندی مفید است چون برای هر کدام از این انواع عدالت باید ابزارهای مفهومی متفاوتی را به کار گرفت. به عبارت دیگر، پرسش‌هایی که باید پرسید تا معلوم شود که آیا یک موقعیت از منظر عدالت توزیعی منصفانه است یا نه، متفاوت است با پرسش‌هایی که باید پرسید تا معلوم شود که آیا همان موقعیت از منظر عدالت اصلاحی منصفانه است یا نه. یک مقایسه، این نکته را روشن تر می‌کند. فرض کنید می‌خواهید موتور یک ماشین را تعمیر کنید یا یک نقاشی بکشید یا لباسی را رفو کنید. بدیهی است که شما برای رفو کردن یک لباس از قلم‌مو استفاده نمی‌کنید یا از چرخ خیاطی برای تعمیر موتور ماشین کمک نمی‌گیرید. هر کاری ابزارهای خاصی نیاز دارد.

ماجرای عدالت هم همین است. رسیدگی به موضوعات هر کدام از این طبقات سه‌گانه ابزارهای مفهومی خاصی می‌خواهد. خوشبختانه، شما مجبور نیستید همه ابزارها را دوباره اختراع کنید. فیلسوفان، قضات، متخصصان علوم سیاسی و دولتمردان در طول چند هزار سال آنها را تولید کرده و پرورش داده‌اند.

قبل از آنکه ابزارهای مفهومی را برای تحلیل عدالت به کار بگیریم، مهم است که بتوانیم انواع سه‌گانه عدالت (توزیعی، اصلاحی و روشی) را از هم تفکیک کنیم تا شما از چرخ خیاطی برای تعمیر موتور ماشین استفاده نکنید.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین موضوعات عدالت توزیعی، اصلاحی و روشی

برای انجام این تمرین به گروه‌های کوچک تقسیم شوید. نمونه‌های زیر را بخوانید و ببینید با کدام یک از انواع عدالت توزیعی، اصلاحی یا روشی مواجه هستید. بعد به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

۱. مردی از طریق دادگاه درخواست کرد راننده‌ای که به ماشین او زده است، ۵۰۰۰ دلار بابت تخریب ماشین، ۴۳۰۰ دلار بابت هزینه‌های پزشکی و ۱۰۰۰ دلار بابت به‌زحمت انداختن او بپردازد.
۲. نیروی پلیس معمولاً کسانی را استخدام می‌کند که دارای توان جسمانی کافی و تحصیلات و تجربه مناسب برای ورود به نیروی پلیس باشند.
۳. پنج پسر متهم شدند که در آخر هفته مدرسه‌ای را تخریب کرده‌اند. دوشنبه بعد، آنها را به دفتر مدیر مدرسه آوردند و پرسیدند که آیا گناهکارند؟ دو نفر از آنها گفتند که گناهکار نیستند و در زمان حادثه در منزل دوستان خود بوده‌اند. مدیر از دوستان آنها تحقیق کرد تا درستی ادعای آنها را بررسی کند. همچنین، والدین آنها را به دفترش خواست تا ادعاها را بهتر بررسی کند.
۴. دستگاه‌های دولتی موظفند قبل از استخدام کردن یک فرد برای یک شغل، آگهی بدهند و به همه متقاضیان فرصت شرکت در آزمون استخدام و مصاحبه را بدهند.

۵. بر اساس قانون فولبرایت، هر سال دولت فدرال موظف است به دانشجویان برجسته بورس تحصیلی بدهد. این بورس‌ها به دانشجویان آمریکایی فرصت مطالعه، تحقیق و تدریس در کشورهای

دیگر را می‌دهد.

۶. در دهه ۱۸۸۰، هزاران مهاجر ایرلندی به ایالات متحده آمدند. بسیاری از آنها به دلیل ایرلندی بودن از فرصت‌های شغلی محروم شدند.
۷. در قرون وسطی، گاهی اوقات افراد برای اقرار به جرم، شکنجه می‌شدند.
۸. تام ماشین دوستش را قرض گرفت و یک فرو رفتگی در سپرش به وجود آورد. او پذیرفت که هزینه تعمیر را پردازد.
۹. اگر شما متهم باشید ولی نتوانید وکیل استخدام کنید، دولت موظف است به هزینه خودش وکیلی در اختیار شما قرار دهد.
۱۰. قبل از گزینش یک کتاب به عنوان کتاب درسی، یک هیأت دولتی برنامه‌ریزی برای دروس موظف است جلسه‌ای برپا کند تا افراد و گروه‌های علاقه‌مند دیدگاه‌های خود را درباره کتب مورد نظر اعلام کنند.
۱۱. در برخی شهرها، جریمه پارک کردن در محل مخصوص پارک برای معلولین ۳۳۰ دلار است.
۱۲. برای دریافت گواهینامه شما باید دانش کافی درباره قوانین رانندگی، مهارت لازم برای رانندگی و سن خاصی داشته باشید.

نظر شما چیست؟

۱. کدام یک از موارد فوق به عدالت توزیعی مربوط است؟ کدام یک به عدالت اصلاحی؟ و کدام یک به عدالت روشی؟
۲. توضیح دهید که در هر یک از این موارد چه چیزی را منصفانه می‌دانید و چه چیزی را غیرمنصفانه؟
۳. نحوه استدلال خود درباره هر یک از این موارد دوازده‌گانه را مورد تأمل قرار دهید. چگونه به این نتیجه رسیدید که وضعیت منصفانه بود یا نه؟
- وقتی موضوعات مربوط به عدالت توزیعی را بررسی می‌کردید، چه پرسش‌هایی می‌پرسیدید یا چه چیزهایی را در نظر می‌گرفتید؟
- وقتی موضوعات مربوط به عدالت اصلاحی را بررسی می‌کردید، چه پرسش‌هایی می‌پرسیدید یا چه چیزهایی را در نظر می‌گرفتید؟
- وقتی موضوعات مربوط به عدالت روشی را بررسی می‌کردید، چه پرسش‌هایی می‌پرسیدید یا چه چیزهایی را در نظر می‌گرفتید؟
۴. چه موقعیت‌های مشابهی را شما تجربه یا مشاهده کرده‌اید؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. موقعیتی را توصیف کنید که موضوعات مربوط به عدالت توزیعی، اصلاحی یا روشی را مطرح می‌کند و شما شخصا تجربه یا مشاهده کرده‌اید.
۲. یک برنامه خبری تلویزیون را ببینید و گزارش‌هایی را که در ارتباط با عدالت توزیعی، اصلاحی یا روشی است معین کنید. آن موضوعات را برای کلاس توضیح بدهید.
۳. روزنامه‌ها یا مجلاتی را که با موضوعات عدالت توزیعی، اصلاحی یا روشی سر و کار دارند مرور کنید. بریده‌هایی از آنها را به کلاس بیاورید و آماده باشید آنها را توضیح دهید.

درس دوم

آیا اسنادی که آمریکا بر مبنای آنها بنا شده عدالت را ترویج می‌کنند؟

هدف این درس

کسانی که این کشور را بنا کردند دل‌بسته عدالت بودند. در این درس شما قطعاتی از دو سند بسیار مهم تاریخ ایالات متحده؛ یعنی اعلامیه استقلال و قانون اساسی را می‌خوانید. ببینید هر قطعه به کدام نوع از عدالت می‌پردازد.

در پایان این درس، شما باید بتوانید توضیح دهید که چگونه اعلامیه استقلال و قانون اساسی عدالت توزیعی، اصلاحی و روشی را ترویج می‌کنند.

اصطلاحات ضروری

کیفرخواست	تابعیت پذیرفتن
هیأت منصفه	حوزه قضایی
روند اجباری	لایحه سلب حقوق اجتماعی
مالیات سرانه	عطف به ماسبق
دلیل پذیرفتنی	حقوق عرفی
سوگند یا شهادت	حکم احضار به دادگاه

تمرین تفکر انتقادی

بررسی عدالت؛ آرمانی ملی

هر کدام از قطعات نقل شده از اعلامیه استقلال و قانون اساسی ایالات متحده طراحی شده تا یک یا چند نوع از عدالت را حمایت و ترویج کند. برای انجام این تمرین، معلم کلاس را به گروه‌های کوچک تقسیم می‌کند. هر گروه قطعات مربوط به خود را می‌خواند و کارهای زیر را انجام می‌دهد:

- بررسی اینکه قطعات مزبور به کدام یک از انواع عدالت توزیعی، اصلاحی یا روشی می‌پردازند. برخی قطعات با بیش از یک نوع از عدالت سر و کار دارند.
- به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با هم‌کلاسی‌های خود در میان بگذارید.

گروه یک

قطعه‌ای از اعلامیه استقلال

ما این حقایق را بدیهی می‌دانیم: همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند؛ خالق آنها حقوقی انتقال‌ناپذیر به آنها عطا کرده است؛ زندگی، آزادی و در جست‌وجوی خوشبختی بودن از جمله آن حقوق‌اند.

قطعاتی از قانون اساسی ایالات متحده

متمم اول (لایحه حقوق بشر، ۱۷۹۱): کنگره حق ندارد قانونی تصویب کند که دین خاصی را به رسمیت بشناسد یا مانع آزادی عمل برای دین خاصی شود؛ آزادی بیان یا آزادی مطبوعات را محدود کند یا حق مردم برای تجمع آرام و دادخواهی از حکومت برای جبران خسارات را محدود کند. متمم هشتم (لایحه حقوق بشر، ۱۷۹۱): ضمانت سنگین، جریمه‌های سنگین و تنبیه سنگدلانه و نامعمول نباید بر مردم تحمیل شود.

گروه دو

قطعاتی از قانون اساسی ایالات متحده

متمم چهاردهم، ماده ۱ (۱۸۶۸): کسانی که در ایالات متحده به دنیا می‌آیند یا تابعیت آن را می‌پذیرند و در حوزه قضایی آن هستند، شهروند ایالات متحده و ایالتی محل سکونت خود به شمار می‌آیند. هیچ ایالتی مجاز نیست قانونی بگذراند یا به اجرا بگذارد که از امتیازات یا مصونیت‌های شهروندان ایالات متحده بکاهد؛ همچنین هیچ ایالتی نمی‌تواند، بدون طی مراحل دادرسی، کسی را از زندگی، آزادی و مالکیت محروم کند یا کسی را که در حوزه قضایی خود است از حمایت مساوی قانون محروم کند. اصل ۱، ماده ۹، بند ۳: هیچ لایحه‌ای برای محرومیت از حقوق اجتماعی یا قانونی که عطف به ماسبق شود، نباید تصویب گردد.

متمم هفتم (لایحه حقوق بشر، ۱۷۹۱): در دعاوی مربوط به حقوق عرفی، زمانی که ارزش موضوع مورد اختلاف بیش از بیست دلار باشد، حق دادرسی با حضور هیأت منصفه محفوظ است و آنچه مورد رسیدگی هیأت منصفه قرار گیرد، در هیچ دادگاه دیگری در ایالات متحده مورد رسیدگی مجدد قرار نخواهد گرفت، مگر بر اساس موازین حقوق عرفی.

گروه سه

قطعاتی از قانون اساسی ایالات متحده

اصل ۱، ماده ۹، بند ۲: امتیاز حکم احضار به دادگاه نباید معلق شود، مگر هنگام شورش یا هجوم که حفظ امنیت عمومی آن را لازم می‌گرداند. اصل ۲، ماده ۲: رئیس جمهور ... قدرت لغو حکم اعدام و عفو کسانی را دارد که مرتکب جرمی علیه ایالات متحده شده‌اند.

متمم پنجم (لایحه حقوق بشر، ۱۷۹۱): هیچ کس به سبب ارتکاب جرمی سنگین یا ننگین، مسئول شناخته نخواهد شد، مگر بر اساس کیفر خواست یا اعلام جرم هیأت عالی منصفه، به استثنای موارد مربوط به نیروهای زمینی، دریایی یا شبه نظامی که در حال خدمت در زمان جنگ یا در زمان مخاطرات

عمومی باشند. همچنین هیچ کس برای یک جرم دو بار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ کس در هیچ پرونده جنایی برای اقرار به تخلف خود مجبور نمی‌شود و هیچ کس بدون طی مراحل دادرسی از زندگی، آزادی و مالکیت محروم نخواهد شد. همچنین اموال خصوصی افراد برای استفاده عمومی صادره نمی‌شود، مگر پس از پرداخت غرامت عادلانه.

متمم بیست و ششم، ماده ۱ (۱۹۷۱): حق رأی آن دسته شهروندان ایالات متحده که هجده سال یا بیشتر دارند، نباید توسط ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن سلب یا محدود شود.

گروه چهار

قطعاتی از قانون اساسی ایالات متحده

اصل ۳، ماده ۳، بند ۲: کنگره اختیار تعیین مجازات برای فرد محکوم به خیانت را دارد، اما محکومیت فرد تقصیر کار شامل بستگان او نمی‌شود و فقط متوجه او در زمان حیاتش است.

متمم ششم (لایحه حقوق بشر، ۱۷۹۱): در کلیه دادرسی‌های جنایی، متهم از حق محاکمه سریع و علنی توسط هیأت منصفه‌ای بی طرف از ایالت و منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده برخوردار است. منطقه مذکور باید از سوی قانون تعیین و متهم از ماهیت و دلیل اتهام خود آگاه شده باشد. او همچنین از حق مواجهه با شهودی که علیه وی شهادت می‌دهند، حق احضار شهود به نفع خود و حق داشتن وکیل به منظور دفاع از خود برخوردار است.

متمم سیزدهم، ماده ۱ (۱۸۶۵): در ایالات متحده یا هر مکان دیگری در حوزه قضایی ایالات متحده، بردگی و کار اجباری مجاز نخواهد بود، مگر به عنوان مجازات جرمی که شخص بر اساس قانون بدان محکوم شده باشد.

متمم بیست و چهارم، ماده ۱ (۱۹۶۴): حق رأی شهروندان ایالات متحده در انتخابات مقدماتی یا انواع دیگر انتخابات، برای انتخاب رئیس جمهور یا معاون رئیس جمهور یا نمایندگان سنا یا نمایندگان کنگره، نباید به دلیل عدم پرداخت مالیات سرانه یا مالیات‌های دیگر، به وسیله ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن سلب یا محدود شود.

گروه پنج

قطعاتی از قانون اساسی ایالات متحده

اصل ۳، ماده ۲، بند ۳: محاکمه کلیه جرائم، به استثنای اتهام یک مقام دولتی، باید با حضور هیأت منصفه انجام گیرد؛ این محاکمه در ایالتی برگزار می‌شود که جرم در آن وقوع یافته است؛ اما اگر در هیچ یک از ایالات واقع نشده باشد، محاکمه در مکان یا مکان‌هایی برگزار می‌شود که کنگره از طریق قانون تعیین کند.

اصل ۴، ماده ۲: اگر شخصی در یکی از ایالات به خیانت، جنایت یا جرم‌های دیگر محکوم شده و از دست قانون بگریزد و در ایالت دیگری دستگیر شود، می‌بایست طبق درخواست مقام اجرایی ایالتی که از آن گریخته است، به ایالتی که جرم در محدوده قضایی آن واقع شده، تحویل داده شود.

متمم چهارم (لایحه حقوق بشر، ۱۷۹۱): اشخاص (خود، خانه‌ها، نامه‌ها، اسناد و دارایی‌های آنها)

باید مصون از تفتیش و توقیف ناموجه باشند و هیچ حکمی نباید علیه آنها صادر گردد، مگر بر پایه دلیلی پذیرفتنی که متکی به سوگند و یا تأیید رسمی باشد. این حکم باید محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شوند را تشریح کند.

متمم نوزدهم، ماده ۱ (۱۹۲۰): ایالات متحده یا ایالات آن مجاز نیستند حق رأی شهروندان ایالات متحده را بر اساس جنسیت آنان سلب یا محدود کنند.

نظر شما چیست؟

۱. کدام یک از قطعات نقل شده به یکی از امور زیر می‌پردازد:
 - عدالت توزیعی: قطعاتی که به عدالت توزیعی می‌پردازند، با کدام مزایا و مضار سر و کار دارند؟ به نظر شما کدام ارزش‌ها یا منافع را هر قطعه حمایت یا ترویج می‌کند؟
 - عدالت اصلاحی: قطعاتی که به عدالت اصلاحی می‌پردازند، با کدام مزایا و مضار سر و کار دارند؟ به نظر شما کدام ارزش‌ها یا منافع را هر قطعه حمایت یا ترویج می‌کند؟
 - عدالت روشی: قطعاتی که به عدالت روشی می‌پردازند، با کدام مزایا و مضار سر و کار دارند؟ به نظر شما کدام ارزش‌ها یا منافع را هر قطعه حمایت یا ترویج می‌کند؟
 - ۴. کدام قطعه با بیش از یک نوع از عدالت سر و کار دارد؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. از یک وکیل یا قاضی کمک بگیرید و یک حکم دادگاه یا قطعه‌ای از یک حکم را بیابید که با عدالت سر و کار دارد. حکم را بخوانید و ببینید بر چه اصول، ارزش‌ها و منافع مبتنی است. بعضی از نمونه‌های شاخص از پرونده‌های دیوان عالی که می‌توانند موضوع تحلیل شما قرار بگیرند عبارتند از:

- براون علیه هیأت آموزش و پرورش (۱۹۵۴)
- این رگالت (۱۹۶۷)
- استنفورد علیه کنتاکی (۱۹۸۹)

۲. هر کدام از رمان‌های زیر موقعیت‌هایی را ترسیم می‌کنند که با مقوله عدالت مرتبط است. یکی از آنها را بخوانید و برای کلاس موقعیت‌هایی را که با عدالت توزیعی، اصلاحی و روشی مرتبط است، تشریح کنید.

- کشتن مرغ مینا، هارپر لی
- مزرعه حیوانات، جورج اورول
- ماجراهای هاکلبری فین، مارک تواین

بخش دوم

عدالت توزیعی چیست؟

هدف این بخش

در بخش اول فراگرفتید که موضوعات ناظر بر عدالت را به سه مقوله تقسیم می‌کنیم: عدالت توزیعی، عدالت اصلاحی و عدالت روشی. این بخش به موضوعات یا مسائل عدالت توزیعی می‌پردازد، یعنی به اینکه در یک جامعه چگونه می‌توانیم منافع و مسئولیت‌ها را میان افراد و گروه‌ها منصفانه توزیع کنیم. در برخی موقعیت‌ها تصمیم‌گیری درباره توزیع منصفانه منفعت یا مسئولیتی خاص میان افراد چندان دشوار نیست. به عنوان مثال، معمولاً این امر منصفانه محسوب می‌شود که همه دانش‌آموزان حق مشارکت در مباحثه‌های کلاس را داشته باشند به شرط آنکه حق دیگران برای اظهار نظر را محترم بشمارند، اما در بعضی موقعیت‌ها ممکن است تصمیم‌گیری منصفانه به این آسانی‌ها نباشد. به عنوان مثال، کار یک دانش‌آموز چقدر خوب باید باشد تا بالاترین نمره را دریافت کند؟ کسانی که درآمد متوسطی دارند، باید تا چه اندازه به نیازمندان کمک مالی کنند؟

برخی از دشوارترین مشکلات زندگی روزمره ما با مقوله عدالت توزیعی مرتبط است. این بخش به شما کمک می‌کند که دانش و مهارت لازم برای سر و کله زدن با چنین مسائلی را به دست بیاورید. همچنین با پاره‌ای ابزارهای مفهومی آشنا می‌شوید که برای بررسی موضوعات مربوط به عدالت توزیعی و موضع‌گیری خردمندانه درباره آنها مفیدند.

برای بررسی موضوعات مربوط به عدالت توزیعی کدام ابزارهای مفهومی مفیدند؟

هدف این درس

این درس، شما را با پاره‌ای ابزارهای مفهومی آشنا می‌کند که برای رسیدگی به موضوعات مربوط به عدالت توزیعی مفیدند. در پایان این درس، شما باید بتوانید این ابزارها را به کار گیرید و توضیح دهید چرا مفیدند.

اصطلاحات ضروری

مربوط	اصل شباهت
ارزش‌ها	نیاز
منافع	ظرفیت
	شایستگی

پاره‌ای موضوعات مربوط به عدالت توزیعی

همان طور که آموختید، عدالت توزیعی به توزیع منصفانه منافع و یا مسئولیت‌ها میان عده‌ای از افراد یا گروه‌ها در جامعه می‌پردازد. منافع ممکن است چیزهایی نظیر دستمزد برای انجام کاری یا حق صحبت کردن یا حق رأی دادن باشند. منفعت تقریباً هر چیزی است که بتواند بین گروهی از افراد توزیع شود و افراد آن را مفید یا مطلوب بدانند، مثل ستایش و تحسین، جایزه، فرصت‌های تحصیلی، مشاغل، عضویت در سازمان‌ها یا پول. مسئولیت‌ها ممکن است تکالیفی نظیر انجام کارهای مدرسه یا کارهای روزمره، کار برای کسب درآمد، پرداخت مالیات یا مراقبت از دیگری باشند. مسئولیت تقریباً هر چیزی است که بتواند بین گروهی از افراد توزیع شود و افراد آن را خواستنی ندانند، مثل سرزنش یا تنبیه برای ارتکاب خطا.

تصمیم‌گیری درباره اینکه چه چیزی منصفانه است در بعضی شرایط ممکن است نسبتاً آسان باشد، مانند تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام یک از اعضای یک تیم می‌توانند در فلان مسابقه بازی کنند یا کدام دانش‌آموزان می‌توانند در انتخابات مدرسه رأی بدهند. اما در سایر شرایط، تصمیم‌گیری درباره اینکه

چه چیزی منصفانه است کار ساده‌ای نیست و نیازمند تأمل و واریسی دقیق است. در پاره‌ای موارد، آنچه توزیع عادلانه به نظر می‌رسد، ممکن است پس از در نظر گرفتن سایر ارزش‌ها و منافع، توزیع مناسبی نباشد.

مشکلات بزرگ عدالت توزیعی ممکن است در پاسخ به پرسش‌هایی از این دست خود را آشکار کنند:

- آیا همه باید به یک میزان مالیات پردازند یا دولت باید کسانی را موظف کند که مالیات بیشتری پردازند؟ اگر پاسخ مثبت است، به چه میزان و چرا؟
- آیا همه باید فرصت‌های تحصیلی یکسانی به هزینه ملت داشته باشند یا عده‌ای باید کمک و فرصت‌های بیشتری دریافت کنند؟
- آیا باید بخشی از درآمد آنها که کار می‌کنند به کسانی تعلق بگیرد که به هر دلیل کار نمی‌کنند؟ چرا؟ چگونه؟ به چه کسانی؟ چقدر؟
- آیا باید ثروت ملل توسعه یافته در راه کمک به ملل در حال توسعه به کار گرفته شود؟ این پرسش‌ها برخی از موضوعات دشوار ناظر به عدالت توزیعی را برجسته می‌کنند؛ موضوعاتی که همه ما، چه به عنوان یک فرد و چه به عنوان یک جامعه، چه در این جامعه و چه در هر جامعه دیگری، با آنها مواجهیم.

چگونه می‌توانید درباره موضوعات مربوط به عدالت توزیعی تصمیم بگیرید؟

وقتی تشخیص دادید که موضوعی به عدالت توزیعی مربوط است و نه به عدالت اصلاحی یا روشی، می‌توانید از ابزارهای مفهومی مفید و متعددی برای بررسی و تصمیم‌گیری درباره این موضوعات استفاده کنید. اولین ابزار اصل شباهت است. به طور خلاصه، بر اساس این اصل باید با افرادی که در یک موقعیت خاص، از جهات مهمی به هم شباهت دارند، به نحو یکسان یا برابر رفتار شود. در آن موقعیت، باید با افرادی که از جهات مهمی با هم تفاوت دارند، به نحوی متفاوت یا نابرابر رفتار شود. به عنوان مثال، فرض کنید از ده نفری که در یک جزیره گیر افتاده‌اند، سه نفر بیمارند و میزان داروی در دسترس هم محدود است. این سه بیمار از جهت مهمی به هم شبیه‌اند: نیاز. هر سه نفر به یک اندازه به دارو نیاز دارند و انصاف حکم می‌کند که به هر سه نفر به یک میزان دارو داده شود. هفت نفر دیگر از جهت مهمی با بیماران تفاوت دارند: نیاز. آنها به دارو نیاز ندارند، بنابراین انصاف حکم می‌کند که با آنها متفاوت رفتار شود و دارو دریافت نکنند.

کدام ملاحظات را باید در مقام به کار بستن اصل شباهت در نظر داشت؟

در بخش قبل، به مسأله شباهت‌ها و تفاوت‌های نیازهای افراد نظری انداختیم. در موقعیت‌های دیگر، ممکن است تفاوت‌ها و شباهت‌های افراد را از جهات دیگری مورد توجه قرار دهیم: قابلیت‌ها یا توانایی‌ها و همچنین شایستگی افراد. وقتی اصل شباهت را به کار می‌بندیم، یک یا چند ملاحظه را باید در نظر داشته باشیم: نیاز، قابلیت، شایستگی.

آنچه در پی می‌آید تعریفی کوتاه از این اصطلاحات است، همراه با برخی مشکلات ابتدایی به کار بستن آنها. در دنیای واقعی، بسیاری از مسائل و مشکلات عدالت توزیعی پیچیده‌تر از مثال‌های ما هستند و برای اتخاذ یک موضع معقول در این زمینه لازم است بیش از یکی از این ملاحظات سه‌گانه در نظر گرفته شوند.

نیاز: نیاز افراد یا گروه‌های مورد نظر به آنچه قرار است توزیع شود، تا چه حد مشابه یا متفاوت است؟ این نیازها انواع گوناگونی دارند، مانند نیازهای جسمانی مثل گرسنگی؛ نیازهای روانی مثل محبت یا امنیت؛ نیازهای اقتصادی مثل پول و نیازهای سیاسی مثل تأثیرگذاری سیاسی. نمونه: فرض کنید شما غذا برای توزیع میان پنجاه نفر دارید. هفده نفر سه روز است که غذا نخورده‌اند ولی بقیه به طور منظم غذا خورده‌اند.

۱. اگر همه شرایط دیگر یکسان باشند، چگونه باید غذا را توزیع کنید؟ چرا؟

۲. آیا در هنگام به کار بستن اصل شباهت، در نظر گرفتن نیاز، به تصمیم‌گیری کمک می‌کند؟ چگونه؟

قابلیت: قابلیت افراد یا گروه‌های مورد نظر در بهره‌بردن از آنچه قرار است توزیع شود، تا چه حد مشابه یا متفاوت است؟ این قابلیت‌ها انواع گوناگونی دارند، مانند قابلیت‌های جسمانی، روانی، فکری، اقتصادی و معنوی.

نمونه: فرض کنید ده مرد و شش زن برای کار کردن در اداره آتش‌نشانی تقاضانامه پر می‌کنند. هشت مرد و سه زن آزمون‌های بسیار سخت جسمانی و روانی اداره آتش‌نشانی را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند. این آزمون‌ها توانایی افراد برای انجام وظایف مربوطه را بررسی می‌کنند.

۱. اگر همه شرایط دیگر یکسان باشند و تنها سه موقعیت شغلی وجود داشته باشد، چه کسی باید استخدام شود؟ چرا؟

۲. آیا در هنگام به کار بستن اصل شباهت، در نظر گرفتن قابلیت، به تصمیم‌گیری کمک می‌کند؟ چگونه؟

شایستگی: شایستگی افراد یا گروه‌های مورد نظر برای دریافت آنچه توزیع می‌شود، به دلیل رفتار آنها یا به دلیل موقعیت آنها، مشابه یا متفاوت است. آیا شباهت رفتار یا موقعیت افراد یا گروه‌ها، مواجهه مشابه با آنها را موجه می‌کند؟ یا آیا تفاوت رفتار یا موقعیت افراد یا گروه‌ها، مواجهه متفاوت با آنها را موجه می‌کند؟

نمونه: فرض کنید تیم‌های استرالیا و ایالات متحده شایسته حضور در دور نهایی مسابقات قایق‌های بادبانی کاپ آمریکا تشخیص داده شده‌اند و باید در هفت مسابقه شرکت کنند. هر روز در مراحل مختلف مسابقه، قایق‌های مختلفی پیش‌تاز بودند، اما در پایان قایق ایالات متحده چهار بار و قایق استرالیا سه بار زودتر از خط پایان گذشتند.

۱. کدام تیم باید جام را دریافت کند؟ چرا؟

۲. آیا در هنگام به کار بستن اصل شباهت، در نظر گرفتن شایستگی، به تصمیم‌گیری کمک می‌کند؟ چگونه؟

نمونه: در متمم بیست و ششم قانون اساسی ایالات متحده آمده است: حق رأی آن دسته از شهروندان ایالات متحده که هجده سال یا بیشتر دارند، نباید توسط ایالات متحده یا هر یک از ایالات آن سلب یا محدود شود.

۱. چه استدلالی ممکن است پشتوانه دادن حق رأی به کسانی باشد که هجده سال یا بیشتر دارند؟ آیا این متمم اجازه نمی‌دهد که کسانی، مثلاً بر اساس قابلیت، مستثنا شوند؟ آیا ممکن است در پاره‌ای شرایط حق رأی دادن کسانی که هجده سال یا بیشتر دارند به دلیل فقدان قابلیت یا شایستگی انکار شود؟
۲. آیا در هنگام به کار بستن اصل شباهت، در نظر گرفتن شایستگی به تصمیم‌گیری در این زمینه کمک می‌کند که چه کسی باید حق رأی داشته باشد؟ چگونه؟

به کار بستن اصل شباهت چه پیچیدگی‌هایی ممکن است داشته باشد؟

- بیشترین اختلاف نظر درباره موضوعات ناظر به عدالت توزیعی در این دو حوزه بروز می‌کند:
- تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام شباهت‌ها یا تفاوت‌ها (نیاز، قابلیت یا شایستگی) باید در یک موقعیت خاص مد نظر قرار بگیرد؛
 - تصمیم‌گیری درباره اینکه نیازها، قابلیت‌ها و شایستگی‌های اعضای یک گروه تا چه حد مشابه یا متفاوت هستند.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین ملاحظات مربوط

این تمرین را با کمک یکی از همکلاسی‌های خود انجام دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید.

۱. کدام ملاحظات (نیاز، قابلیت یا شایستگی) در توزیع این موارد بیشترین اهمیت را دارند: مزایای رفاهی؛ گواهینامه‌های رانندگی؛ بورس‌های تحصیلی؛ جریمه‌ها؛ حقوق سیاسی.
۲. فرض کنید ۱۰۰ نفر درخواست پذیرش در دانشگاه می‌کنند، ولی تنها ۲۵ نفر پذیرفته می‌شوند. کدام ملاحظات (نیاز، قابلیت یا شایستگی) باید در پذیرش افراد در نظر گرفته شوند؟ بر اساس ملاحظات که مربوط تشخیص می‌دهید، چگونه می‌توانید درباره میزان شباهت یا تفاوت متقاضیان تصمیم بگیرید؟

کدام ارزش‌ها و علائق باید در نظر گرفته شوند؟

در بسیاری از موقعیت‌ها، لازم است درباره عادلانه یا منصفانه بودن به کارگیری اصل شباهت و ملاحظات نظیر نیاز، قابلیت و شایستگی تصمیم بگیریم. پیش از اتخاذ چنین تصمیمی، مهم است ارزش‌ها و علائق دیگری به جز عدالت توزیعی را هم در نظر بگیریم. یک ارزش چیزی است که شما مهم می‌دانید، چیزی که درست یا خوب است و شما برای نیل به آن باید تلاش کنید، مثل مهربانی، صداقت، وفاداری، حریم خصوصی و آزادی. علاقه چیزی است که شما می‌خواهید یا دل‌نگران آن هستید، مثل

وقت آزاد، سلامتی یا هر نوع پاداشی.

نمونه: فرض کنید دولت برنامه‌ای برای کمک به سرمایه‌گذاری محلات در ساختن سیستم‌های کنترل سیل تدارک دیده است. بر اساس این برنامه، دولت نیمی از هزینه ساخت یا تعمیر را می‌پردازد به شرط آنکه محله مزبور نیمه دیگر را در قالب مالیات املاک بپردازد. فرض کنید مردم شهری که نزدیک رودخانه است، چندین بار علیه افزایش مالیات برای ساختن سیستم کنترل سیل رأی داده‌اند. در بهار به دلیل بارندگی‌های شدید، رودخانه طغیان کرد و در شهر سیل جاری شد. سیل هزاران خانه و محل کسب را ویران کرد و مردم برای مقابله با فاجعه از دولت کمک خواستند. در چهارچوب یک درک محدود از عدالت توزیعی دولت باید این درخواست کمک را رد کند. اما نتیجه چنین تصمیمی رنج عظیم تعداد زیادی از انسان‌ها خواهد بود. بنابراین بر اساس ارزش‌های دیگری نظیر مهربانی، ممکن است دولت تصمیم بگیرد کمک کند.

تمرین تفکر انتقادی

استفاده از ابزارهای مفهومی برای بررسی پرونده‌های حقوقی

پرونده زیر پیش از آنکه کنگره قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ را تصویب کند، مطرح شد. امروزه آن قانون و تعدادی دیگر از قوانین فدرال و احکام دادگاه‌ها، تبعیض نژادی در هنگام استخدام و در مکان‌های عمومی را ممنوع می‌کنند. پرونده را بخوانید و در قالب گروه‌های کوچک جدولی را که بعد از آن می‌آید، تکمیل کنید. این جدول حاوی ابزارهای مفهومی است که با آنها آشنا شدید. آماده باشید موضع خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید.

هیأت مقابله با تبعیض کلرادو علیه شرکت کانتینانتال ایرلاینز

مارلون گرین، یک آمریکایی آفریقایی تبار، سال‌ها به عنوان خلبان در نیروی هوایی ایالات متحده خدمت کرده بود. او در ۱۹۵۷، وقتی که قرار بود نیروی هوایی را ترک کند، از چندین شرکت هواپیمایی، از جمله کانتینانتال ایرلاینز، درخواست استخدام به عنوان خلبان کرد. یکی از مقامات اجرایی کانتینانتال ایرلاینز به او گفت یک فرم تقاضانامه استخدام پر کند. آنها تقاضای او را پذیرفتند و او همراه با سایر متقاضیان در آزمون‌های استخدامی شرکت کرد. گرین یکی از شش نفری بود که آزمون‌های استخدامی را با موفقیت پشت سر گذاشت. او بیش از پنج نفر دیگر که همگی سفیدپوست بودند، تجربه پرواز داشت. با این حال گرین استخدام نشد. او را در فهرست انتظار گذاشتند در حالی که پنج نفر دیگر استخدام و بلافاصله وارد دوره آموزشی شرکت شدند. در طول دو ماه بعدی، کانتینانتال ایرلاینز هفده مرد سفیدپوست دیگر را وارد دوره آموزشی کرد. گرین هنوز در فهرست انتظار بود.

در این زمان بود که گرین شکایت خود را به هیأت مقابله با تبعیض کلرادو تقدیم کرد. در جلسه تحقیق هیأت، گرین دلیل آورد که کانتینانتال ایرلاینز صرفاً به دلیل نژاد، از استخدام او سر باز زده است. او استدلال کرد که کانتینانتال ایرلاینز قانون مصوب ۱۹۵۷ کلرادو برای مقابله با تبعیض نژادی را زیر پا گذاشته است. بر اساس این قانون، استخدام نکردن افراد به دلیل نژاد، اعتقادات، رنگ پوست، کشور

محل تولد یا تبار غیر منصفانه محسوب می‌شد. مسئولان کانتینانتال ایرلاینز دلیل آوردند که استخدام گرین مسائل بزرگی ایجاد می‌کند. حضور او در اتاق خلبان یک هواپیما ممکن است به مشاجراتی بیانجامد که ایمنی پرواز را به خطر بیندازد. آنها همچنین مدعی شدند که پیدا کردن مسکن و تغذیه یک خلبان سیاه پوست در برخی شهرها، به دلیل تبعیض نژادی، دشوار است. به علاوه، شرکت هواپیمایی نگران بود که اتحادیه خلبانان ممکن بود گرین را رد کند و این امر می‌توانست برای شرکت دردسر ساز شود. بنابراین، آنها استدلال کردند که شرکت هواپیمایی حق داشته از استخدام گرین سر باز بزند.

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. در روزنامه یا مجله موضوعی پیدا کنید که با عدالت توزیعی مرتبط باشد. بررسی کنید که آیا نیاز، قابلیت و شایستگی در رسیدگی به این موضوع در نظر گرفته شده است؟ آماده باشید که موضوع را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.
۲. پیش از سال ۱۹۲۰، قوانین اکثر ایالت‌ها به زنان اجازه رأی دادن نمی‌داد. به نظر شما آیا این قوانین بر نیاز، قابلیت و شایستگی مبتنی بودند؟ پاسخ خود را توضیح دهید. از سال ۱۹۲۰، متمم نوزدهم قانون اساسی به زنان حق رأی داد. آیا این متمم قانون اساسی بر نیاز، قابلیت و شایستگی مبتنی است؟ پاسخ خود را توضیح دهید.
۳. با کسانی که مسئول استخدام هستند مصاحبه کنید. ببینید چه معیارهایی برای گزینش از میان داوطلبان در نظر می‌گیرند. آن معیارها را با آنچه در این درس خواندید، مقایسه کنید.
۴. موقعیتی را تشریح کنید که فردی در مقام توزیع تصمیمی گرفته که به نظر شما نامنصفانه است. توضیح دهید چرا تصمیم این فرد را نامنصفانه می‌دانید و معتقدید چه تصمیمی باید گرفته می‌شد. ملاحظات خود را توضیح دهید.

جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی عدالت توزیعی

پاسخ‌ها	پرسش‌ها
	چه منفعت یا مسئولیتی قرار است توزیع شود؟
	چه کسانی قرار است منفعت را دریافت کنند یا مسئولیت را بپذیرند؟
	این افراد از جهت نیاز، قابلیت و شایستگی چه تفاوت‌ها و شباهت‌های مهمی با هم دارند؟
	کدام یک از شباهت‌ها یا تفاوت‌های فوق باید در مقام توزیع منفعت یا مسئولیت در نظر گرفته شوند؟ پاسخ خود را توضیح دهید.
	بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که به نظر تان مهم است، چه راهی برای توزیع منافع و مسئولیت‌ها منصفانه است؟
	مزایا و مضار منصفانه عمل کردن کدامند؟ آیا اگر به شیوه دیگری منافع و مسئولیت‌ها را توزیع کنیم، ارزش‌ها و علائق دیگری را در اولویت قرار داده‌ایم؟
	به نظر شما این منفعت یا مسئولیت چگونه باید توزیع شود؟ چرا؟

درس چهارم

دولت چگونه باید کمک‌های مادی را توزیع کند؟

هدف این درس

در این درس، شما با کمک ابزارهای مفهومی تصمیم می‌گیرید که چه کسی واجد شرایط دریافت کمک مادی است. شما نظر خود را بیان و از آن دفاع می‌کنید. در پایان این درس، شما باید بتوانید توضیح دهید چگونه از ابزارهای مفهومی برای بررسی عدالت توزیعی، موضع‌گیری در این زمینه و دفاع از موضع خود استفاده کردید.

چه کسی برای دریافت کمک واجد شرایط است؟

دولت هر سال میلیون‌ها دلار از پول مالیات را در قالب کمک مالی و رفاهی بین مردم توزیع می‌کند. این کمک‌ها به افراد نیازمند داده می‌شود تا امکان یک زندگی حداقلی را برای آنها فراهم کند. هر چند ایالت‌های مختلف افراد متفاوتی را واجد شرایط لازم برای دریافت کمک مالی می‌دانند، افراد زیر در اکثر ایالت‌ها کسانی هستند که واجد شرایط محسوب می‌شوند:

- کسانی که به دلیل سن بالا نمی‌توانند کار کنند و درآمد کافی برای حمایت از خود ندارند؛
- کسانی که نابینا هستند و درآمد کافی برای حمایت از خود ندارند؛
- کسانی که به لحاظ جسمانی یا روانی به اندازه‌ای ناتوان هستند که نمی‌توانند از خود حمایت کنند؛
- خانواده‌هایی که فرزندان کم سن و سال دارند و درآمدشان برای تأمین نیازهای آنها کافی نیست؛
- کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند کار پیدا کنند و راهی برای حمایت از خود ندارند؛
- مادرانی که فرزندان کم سن و سال دارند و به همین دلیل نمی‌توانند کار کنند و راه دیگری هم برای حمایت از خود ندارند؛
- کسانی که کار می‌کنند اما درآمدشان برای تأمین زندگی حداقلی خود و خانواده‌شان کافی نیست.

نظر شما چیست؟

۱. کسانی که در بالا ذکر شدند بر اساس کدام ملاحظات (نیاز، قابلیت، شایستگی) انتخاب شده‌اند؟
۲. آیا این افراد برای دریافت کمک واجد شرایط هستند؟ چرا؟

۳. کمک مالی به همه این افراد چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟ کدام یک از این پیامدها مزیت است و کدام یک ضرر؟
۴. موضع شما بر کدام ارزش‌ها و منافع مبتنی است؟

تمرین تفکر انتقادی

ارزیابی شرایط متقاضیان کمک مالی

فرض کنید کسانی متقاضی کمک مالی هستند و قرار است شما با استفاده از اصل شباهت و ملاحظات نظیر نیاز، قابلیت، شایستگی و غیره تعیین کنید کدام یک از متقاضیان واجد شرایط هستند. معلم شما کلاس را به شش گروه تقسیم می‌کند تا یک جلسه تحقیق را بازسازی کنید. یک گروه نقش «هیأت تشخیص واجدین شرایط» را بازی می‌کند و سخنان نمایندگان سایر گروه‌ها را می‌شنود. پنج گروه دیگر هر کدام دلایل خود را به هیأت عرضه می‌کنند و توضیح می‌دهند که چرا آنها باید کمک دریافت کنند.

ابتدا هر گروه باید توضیحات زیر درباره پنج گروه را بخواند. سپس هر گروه باید دلایل خود را آماده و یک یا دو سخنگو انتخاب کند. هیأت تشخیص باید با استفاده از «جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی عدالت توزیعی» تصمیم‌گیری کند. گروه‌هایی که متقاضیان را نمایندگی می‌کنند باید به این جدول ارجاع دهند و با توجه به نیاز، قابلیت، شایستگی و سایر ارزش‌ها، منافع و علائق، بهترین دلایل ممکن در دفاع از گروه خود را عرضه کنند. وقتی که سایر گروه‌ها در حال آماده کردن دلایل خود هستند، هیأت تشخیص باید با استفاده از جدول ابزارهای مفهومی تأملات اولیه درباره متقاضیان واجد شرایط را شروع کند و فردی را به عنوان رئیس هیأت برگزیند.

بعد از آنکه گروه‌ها دلایل خود را عرضه کردند، هیأت تشخیص باید متقاضیان واجد شرایط برای دریافت کمک را تعیین کند و تصمیم خود را برای کلاس توضیح دهد. کلاس باید پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» را به بحث بگذارد.



گروه یک: پدیدآورنده‌ای نامتعارف

بر اساس موازین رایج، بوریس اکسلراد عادات عجیب و غریبی داشت. روزها می‌خوابید و شب‌ها روی طرح و نقشه‌های خلاقانه خود مانند تصنیف کردن موسیقی، اختراع کردن آلات و ادوات و نوشتن یادداشت‌های فلسفی درباره عشق و میهن‌دوستی، کار می‌کرد. او امید داشت که در آینده این طرح‌ها و نوشته‌ها را منتشر کند.

بوریس صرفه‌جو بود و لباس‌های پر زرق و برق دست دوم دوست داشت. او نتوانسته بود

از طریق کارهای خلاقانه خود پول به دست بیاورد، نه به خاطر اینکه استعداد نداشت، بلکه عمدتاً به این دلیل که از کار و بار اقتصادی سر در نمی‌آورد. پدر بوریس وقتی که او جوان بود، خانواده را ترک کرده بود و کسی از او خبری نداشت. مادر بوریس، وقتی زنده بود، از او حمایت می‌کرد. وقتی که او فوت کرد، بوریس فهمید که خودش باید از خودش حمایت کند. او استعداد کارهای فنی را داشت و گاهی اوقات چنین کارهایی به او داده می‌شد، اما کارهای شبانه را ترجیح می‌داد. البته پیدا کردن این قبیل کارها دشوار بود. یک بار به عنوان نگهبان شب، کاری پیدا کرد، اما چنان در تصنیف یک قطعه موسیقی غرق شد که فراموش کرد سر کار برود و تا دو هفته نمی‌دانست که از کار اخراج شده است. بوریس هیچ دوست و فامیلی نداشت. معدود افرادی که او را می‌شناختند، می‌گفتند «او هیچ وقت نخواهد توانست سر یک کار بماند». بالاخره یکی از همسایه‌ها به او پیشنهاد کرد تقاضانامه کمک مالی را ارسال کند.

گروه دو: کارگر غیرماهر

جان هاروود و همسرش، لوئیز، هشت فرزند یک تا دوازده ساله داشتند که سیر کردن شکم آنها همیشه دشوار بود. جان و لوئیز فاقد تحصیلات و مهارت‌های حرفه‌ای بودند و این موجب می‌شد که به سختی کار پیدا کنند. لوئیز نمی‌توانست خارج از خانه کار کند چون استخدام کسی که از فرزندان‌شان مراقبت کند، کار پرهزینه‌ای بود. جان برای کار در بیش از هفده کارخانه تقاضانامه پر کرده بود، اما هیچ‌یک از کارهای یدی در دسترس نبود. خانواده هاروود نمی‌توانست سرپناه، غذا یا سایر ضروریات زندگی را برای فرزندان‌شان تأمین کند. به همین دلیل، آنها تقاضای کمک‌های مالی دولتی کردند.

گروه سه: مهندس بیکار



آندریا بائر مهندس هوافضا بود. او هفت سال در یک آزمایشگاه هوافضا کار کرده بود. بعد از آنکه یکی از قراردادهای دولتی آزمایشگاه لغو شد، آزمایشگاه به خدمت صدها نفر، از جمله آندریا، خاتمه داد. آندریا متخصص آب‌شناسی بود و روی طراحی دستگاه‌های پرتاب موشک در زیر آب کار می‌کرد. او پس از آنکه شغلش را از دست داد، صدها دلار هزینه آماده کردن رزومه و رساندن آن به دست کارفرمایان کرد. پس از

دریافت چند پاسخ مبهم، سرانجام شغلی به او پیشنهاد شد که دستمزدش بسیار پائین‌تر از دستمزد او در آزمایشگاه بود. شرکتی که شغل را پیشنهاد کرده بود، در ایالت دیگری بود و خانواده او مخالف نقل مکان کردن او بود.

ماه‌ها گذشت. آندریا پس‌انداز شخصی و همچنین پولی را که دولت تا بیست و شش هفته به بیکاران می‌پردازد، خرج کرد. پس از تردیدهای فراوان، آندریا تقاضای کمک‌های مالی دولتی کرد تا بتواند خانواده‌اش را حمایت کند.

گروه چهار: کارمند فلج

دانلد پیرس، که پاهایش از بدو تولد فلج بود، با استفاده از صندلی چرخدار حرکت می‌کرد. او مجبور بود مکرراً به دکتر مراجعه کند و ورزش درمانی بشود تا سلامتی خود را حفظ کند. دانلد از طریق آموزش در خانه، ادبیات انگلیسی و علوم سیاسی را به خوبی فرا گرفته بود. او به دلیل علاقه به موضوعات مدنی و وقایع معاصر، شروع به نوشتن نامه برای سردبیر روزنامه محلی کرد. سردبیر روزنامه توانایی دانلد در تحلیل مسائل جامعه و ارائه پیشنهادات خوب را تشخیص داد. او به دانلد پیشنهاد کرد که به عنوان نویسنده‌ای پاره‌وقت برای روزنامه کار کند.



دانلد همان حقوقی را دریافت می‌کرد که دیگران برای همین کار دریافت می‌کردند؛ اما به دلیل نیازهای ویژه‌ای که داشت، فقط هفته‌ای چند ساعت می‌توانست کار کند. دانلد می‌توانست و می‌خواست که از خود حمایت کند، اما به کمک احتیاج داشت و لازم می‌دید که از دولت تقاضای کمک‌های مالی کند.

گروه پنج: کودکان بی‌سرپرست

مری جونز مادر ۲۶ ساله دو کودک بود و از اعتیاد رنج می‌برد. او قبلاً به مدت یک سال به جرم استعمال مواد مخدر زندانی شده بود. زمانی که در زندان بود در جلسات آموزشی شرکت کرد و متوجه شد که انجمن پزشکی آمریکا اعتیاد را یک بیماری می‌داند. او با خود عهد کرد که بعد از آزادی سراغ مواد مخدر نرود.

بعد از آزاد شدن از زندان، مری و همسرش جورج برای سومین بار بچه‌دار شدند. این اتفاق مجدداً آنها را تحت فشار قرار داد و هر دو به مواد مخدر روی آوردند. درآمد مری برای تهیه مواد مخدر و سایر نیازهایشان کافی نبود. به همین دلیل، مری تعدادی چک بی‌محل کشید.

مری و جورج بارها دنبال پول و مواد مخدر رفتند و بچه‌های خود را بدون سرپرست رها کردند. بچه‌ها کم سن و سال بودند و نمی‌توانستند از خودشان مراقبت کنند. همسایه‌ها صدای گریه آنها را می‌شنیدند و می‌دیدند که آنها کیف و گرسنه‌اند. یک شب جورج بیش از حد مواد مخدر مصرف کرد و از هوش رفت. مری آمبولانس را خبر کرد، اما جورج چند ساعت بعد مرد. مری می‌دانست که نمی‌تواند هم کار کند، هم از بچه‌ها مراقبت کند و به همین دلیل تقاضای کمک‌های مالی دولتی کرد.

نظر شما چیست؟

۱. کدام ملاحظه (نیاز، قابلیت، شایستگی) بیشترین نقش را در تصمیم‌گیری دربارهٔ متقاضیان واجد شرایط ایفا کرد؟ کدام یک کمترین نقش را؟ چرا؟
۲. تصمیم‌گیری دربارهٔ متقاضیان واجد شرایط بر اساس اصل شباهت کدام مزایا و مضار را دارد؟
۳. تصمیم شما دربارهٔ هریک از پنج متقاضی فوق بر کدام ارزش‌ها مبتنی است؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. در روزنامه یا مجله موضوعی پیدا کنید که با عدالت توزیعی مرتبط باشد. بررسی کنید که آیا نیاز، قابلیت و شایستگی در رسیدگی به این موضوع در نظر گرفته شده است. آماده باشید که موضوع را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.
۲. یکی از مسئولین مدرسه را به کلاس دعوت کنید تا سیاست مدرسه دربارهٔ توزیع فرصت‌های آموزشی خاص را توضیح دهد. این نکته را به بحث بگذارید که این سیاست‌ها تا چه حد نیاز، قابلیت و شایستگی را در نظر می‌گیرند.
۳. برخی پرونده‌های مطرح شده در دیوان عالی را که با موضوع عدالت توزیعی سر و کار دارند، نظیر فولی‌لاو علیه کلاترنیک یا حوزهٔ آموزشی سن آنتونیو علیه رودریگز، بخوانید و خلاصه‌ای از تصمیم دادگاه را برای بحث در کلاس تدارک ببینید.

درسی پنجم

چگونه می‌توانیم در عرصه آموزش و پرورش دولتی عدالت توزیعی برقرار کنیم؟

هدف این درس

سرمایه‌گذاری دولت در آموزش و پرورش به پاره‌ای بحث‌ها در حوزه عدالت توزیعی دامن زده است. در این درس شما یکی از این موضوعات را بررسی می‌کنید. کلاس شما در نقش قوه مقننه، این موضوع را به بحث می‌گذارد و تغییر نظام موجود را به رأی می‌گذارد. در پایان این درس، شما باید بتوانید موضوعات مربوط به عدالت توزیعی را مورد بحث قرار دهید، درباره آنها موضع‌گیری کنید و از موضع خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

انجمن

تمرین تفکر انتقادی

بررسی نقش مالیات‌دهندگان در آموزش همگانی

عده‌ای معتقدند نظام مالیاتی اکثر ایالت‌ها برای حمایت از مدارس دولتی غیرمنصفانه است. یکی از پرسش‌ها که به عدالت توزیعی مرتبط است، عبارت است از: مسئولیت پرداخت مالیات برای حمایت از آموزش و پرورش در مدارس دولتی چگونه باید توزیع شود؟ راه حلی که عرضه می‌شود باید عدالت توزیعی و سایر ارزش‌ها و علائق جامعه ما را در نظر بگیرد.

توزیع مسئولیت پرداخت مالیات املاک

پرداخت مالیات املاک رایج‌ترین شیوه جمع‌آوری پول لازم برای حمایت از مدارس دولتی در آمریکا است. مالیات املاک عمدتاً به خانه‌ها، آپارتمان‌ها، مغازه‌ها، کارخانه‌ها، سایر بناهای تجاری و صنعتی و زمین تعلق می‌گیرد. در اغلب ایالات، کسانی که صاحب چنین املاکی هستند باید هر سال بر اساس ارزش ملک خود مالیات بپردازند. به عنوان مثال، اگر ارزش خانه فردی ۷۵۰۰۰ دلار باشد و اگر نرخ مالیات دو درصد ارزش ملک مسکونی باشد، هر سال باید ۱۵۰۰ دلار بابت مالیات مسکن پرداخت

شود. بیشتر پولی که از این راه به دست می‌آید، صرف حمایت از مدارس همان منطقه می‌شود. صاحبان خانه باید مالیات املاک را مستقیماً از درآمد یا پس‌انداز خود بپردازند. صاحبان آپارتمان، مغازه، بنگاه و صنایع معمولاً مالیات املاک را از درآمدی می‌دهند که یا از طریق اجاره دادن ملک به دست می‌آورند یا از طریق فروش محصولات و خدماتشان. بنابراین حتی کسانی که ملک ندارند هم به طور غیرمستقیم، از طریق پولی که برای اجاره یا محصولات یا خدمات می‌دهند، مالیات املاک می‌پردازند.

این شیوه پرداخت مالیات از منظر عدالت توزیعی پرسش‌برانگیز است. در سال ۱۹۷۸، شورشی علیه مالیات در کالیفرنیا برپا شد. کسانی که شورش کردند معتقد بودند که نرخ مالیات املاک برای خانه‌ها و بنگاه‌ها غیرمنصفانه است. قوه مقننه ایالت کالیفرنیا قانونی تصویب کرد که میزان مالیات املاک دریافتی به وسیله دولت ایالت را محدود می‌کرد. این امر حمایت از مدارس دولتی در کالیفرنیا را با بحران مواجه کرد و در سراسر کشور هم واکنش برانگیخت. همه شروع کردند به بررسی اینکه چقدر مالیات املاک می‌پردازند و اینکه این مالیات‌ها تا چه حد منصفانه‌اند.

مشکل وضع مالیات

بسیاری مدعی‌اند که شیوه جمع‌آوری مالیات برای حمایت از مدارس دولتی و سایر خدمات، شیوه‌ای غیرمنصفانه و نامعقول است. آنها استدلال می‌کنند که میزان مالیاتی که هر خانواده برای این هدف می‌پردازد باید با تعداد بچه‌های در سن مدرسه آن خانواده متناسب باشد. این مدعیات پرسش‌هایی درباره اصول و شیوه‌های وضع و دریافت مالیات به وسیله دولت مطرح می‌کنند. برای فهمیدن و بررسی کردن این مدعیات، نمونه زیر را در نظر بگیرید:

خانواده‌های براون، فرانک، دیویدسون و اسمیت همسایه‌اند. ارزش خانه‌های آنها برابر است و همگی به یک اندازه مالیات املاک می‌پردازند. خانواده براون بچه ندارد. خانواده فرانک دو فرزند دارد که هر دو دانشجو هستند. خانواده دیویدسون سه فرزند دارد که هر سه به مدارس دولتی می‌روند. خانواده اسمیت شهریه می‌پردازد تا هر سه فرزندشان به مدرسه‌ای خصوصی بروند که تحت نظر کلیسا فعالیت می‌کند.

نظر شما چیست؟

۱. کدام شباهت‌ها و تفاوت‌های خانواده‌های براون، فرانک، دیویدسون و اسمیت برای تصمیم‌گیری درباره مالیات اهمیت دارد؟
۲. خانواده‌های براون، فرانک، دیویدسون و اسمیت از جهت بهره‌مند شدن از مزایای مدارس دولتی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟
۳. نیازها، قابلیت‌ها یا شایستگی‌های خانواده‌های براون، فرانک، دیویدسون و اسمیت چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟ آیا می‌توان نظام مالیاتی فعلی را بر اساس این شباهت‌ها و تفاوت‌ها توجیه کرد؟
۴. برای حمایت از نظام مالیاتی فعلی چه ملاحظات دیگری درباره این خانواده‌ها باید در نظر گرفت؟

۵. مزایا و مشکلات نظام مالیاتی فعلی چیست؟
۶. با توجه به پاسخ‌هایی که به پرسش‌های فوق دادید، آیا نظام مالیاتی فعلی را منصفانه می‌دانید؟ چرا؟ آیا این نظام را مطلوب می‌دانید؟ چرا؟
۷. چه تغییراتی در نحوه توزیع مالیات بین خانواده‌های فوق را پیشنهاد می‌کنید؟ چرا؟

تمرین تفکر انتقادی

موضوع گیری درباره یک نظام مالیاتی که حامی مدارس دولتی است

در این تمرین، کلاس شما نقش قوه مقننه را بازی می‌کند و موضوع حمایت مالی از مدارس دولتی را به بحث می‌گذارد. به طور خاص، شما این موضوع را بررسی می‌کنید که آیا میزان مالیاتی که هر خانواده می‌پردازد باید با تعداد بچه‌های در سن مدرسه آن خانواده متناسب باشد. معلم کلاس را به چهار گروه تقسیم می‌کند و هر گروه بر اساس دستورالعمل زیر خود را آماده می‌کند.

گروه یک: کمیته وضع مالیات املاک

شما عضو قوه مقننه هستید و قرار است منصفانه بودن نظام فعلی مالیات املاک را بررسی کنید. توصیه‌های خود برای تغییر یا عدم تغییر نظام فعلی را به قوه مقننه عرضه کنید. گروه شما باید این کارها را انجام دهد:

۱. یک رئیس انتخاب کنید که جلسات شما را مدیریت کند.
۲. درباره منصفانه بودن نظام فعلی مالیات املاک، بر این موضوع متمرکز شوید که آیا میزان مالیاتی که هر خانواده می‌پردازد باید با تعداد بچه‌های در سن مدرسه آن خانواده متناسب باشد یا نه.
۳. تغییراتی را مورد بررسی قرار دهید که ممکن است نظام فعلی را منصفانه‌تر کند.
۴. درباره اینکه تغییر یا عدم تغییر نظام فعلی به قوه مقننه توصیه شود، رأی گیری کنید.
۵. برای دفاع از توصیه خود به قوه مقننه متنی برای سه دقیقه سخنرانی آماده کنید.
۶. برای بیان دیدگاه اعضایی که با این توصیه مخالفند هم متنی برای سه دقیقه سخنرانی آماده کنید.
۷. یک سخنگو انتخاب کنید که دیدگاه کمیته را به اطلاع قوه مقننه برساند.

گروه دو: انجمن نمایندگان شهرهای بزرگ

شما آن دسته از نمایندگان مجلس هستید که ساکنان شهرهای بزرگ ایالت را نمایندگی می‌کنند. رأی‌دهندگان به شما خانواده‌های با درآمد پایین و متوسط و تعدادی از خانواده‌های ثروتمندتر هستند. در مناطق مسکونی حوزه نمایندگی شما ارزش خانه‌ها پائین است، اما ارزش املاک در مناطق تجاری بالاست و افراد مالیات قابل توجهی می‌پردازند. در حوزه نمایندگی شما بعضی از شلوغ‌ترین و بعضی از قدیمی‌ترین مدارس ایالت وجود دارند. اما بسیاری از مدارس حوزه شما برنامه‌هایی دارند که مدارس حومه شهرها یا مناطق روستایی ندارند. گروه شما باید این کارها را انجام دهد:

۱. یک رئیس انتخاب کنید که جلسات شما را مدیریت کند.
۲. این موضوع را به بحث بگذارید که رأی دهندگان به شما چه نظری درباره تغییر نظام مالیاتی فعلی خواهند داشت. به ویژه، به این موضوع بپردازید که آیا میزان مالیاتی که هر خانواده می‌پردازد باید با تعداد بچه‌های در سن مدرسه آن خانواده متناسب باشد یا نه.
۳. با در نظر گرفتن منافع موکلین و همچنین دیدگاه‌های خود، تصمیم بگیرید که از تغییر نظام فعلی دفاع کنید یا نه.
۴. در دفاع از موضعی که برگزیده‌اید استدلال‌های خود را آماده کنید.

گروه سه: انجمن نمایندگان حومه شهرها

- شما آن دسته از نمایندگان مجلس هستید که ساکنان حومه شهرهای بزرگ ایالت را نمایندگی می‌کنند. رأی دهندگان به شما بسیاری از خانواده‌های با درآمد متوسط و بسیاری از خانواده‌های ثروتمندتر هستند. در اغلب مناطق مسکونی حوزه نمایندگی شما ارزش خانه‌ها بالاست و افراد مالیات املاک قابل توجهی می‌پردازند. در حوزه نمایندگی شما بعضی از مجهزترین مدارس ایالت وجود دارد و اکثر مدارس نوسازند. گروه شما باید این کارها را انجام دهد:
۱. یک رئیس انتخاب کنید که جلسات شما را مدیریت کند.
 ۲. این موضوع را به بحث بگذارید که رأی دهندگان به شما چه نظری درباره تغییر نظام مالیاتی فعلی خواهند داشت. به ویژه، به این موضوع بپردازید که آیا میزان مالیاتی که هر خانواده می‌پردازد باید با تعداد بچه‌های در سن مدرسه آن خانواده متناسب باشد یا نه.
 ۳. با در نظر گرفتن منافع موکلین و همچنین دیدگاه‌های خود، تصمیم بگیرید که از تغییر نظام فعلی دفاع کنید یا نه.
 ۴. در دفاع از موضعی که برگزیده‌اید استدلال‌های خود را آماده کنید.

گروه چهار: انجمن نمایندگان مناطق روستایی

- شما آن دسته از نمایندگان مجلس هستید که ساکنان مناطق روستایی ایالت را نمایندگی می‌کنند. رأی دهندگان به شما بسیاری از خانواده‌های با درآمد متوسط و بعضی از خانواده‌های فقیرتر هستند. در اغلب مناطق مسکونی حوزه نمایندگی شما ارزش خانه‌ها پائین است و افراد مالیات املاک قابل توجهی نمی‌پردازند. در حوزه نمایندگی شما بعضی از فقیرترین مدارس ایالت وجود دارد و اکثر مدارس قدیمی‌اند. گروه شما باید این کارها را انجام دهد:
۱. یک رئیس انتخاب کنید که جلسات شما را مدیریت کند.
 ۲. این موضوع را به بحث بگذارید که رأی دهندگان به شما چه نظری درباره تغییر نظام مالیاتی فعلی خواهند داشت. به ویژه، به این موضوع بپردازید که آیا میزان مالیاتی که هر خانواده می‌پردازد باید با تعداد بچه‌های در سن مدرسه آن خانواده متناسب باشد یا نه.
 ۳. با در نظر گرفتن منافع موکلین و همچنین دیدگاه‌های خود، تصمیم بگیرید که از تغییر نظام فعلی

دفاع کنید یا نه.

۴. در دفاع از موضعی که برگزیده‌اید استدلال‌های خود را آماده کنید.

برگزاری یک مباحثه قانون‌گذارانه

برای برگزاری مباحثه، ابتدا سخنگویان کمیته وضع مالیات املاک گزارش خود را ارائه می‌کنند. بعد اعضای هر یک از انجمن‌ها دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند. اگر به اندازه کافی وقت باشد، اعضای کمیته به استدلال‌های اعضای انجمن‌ها پاسخ می‌دهند. بعد از مباحثه، کلاس پیشنهاد کمیته را به رأی می‌گذارد.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. آیا باید به والدینی که فرزندان خود را به مدارس خصوصی می‌فرستند امتیاز یا اعتبار مالیاتی تعلق بگیرد؟ کسانی که از چنین پیشنهادی دفاع می‌کنند، دلیل می‌آورند که چون این والدین هزینه‌های مدارس دولتی را کاهش می‌دهند، باید امتیاز یا اعتبار مالیاتی دریافت کنند تا بخشی از هزینه‌ای که برای تحصیل در مدرسه خصوصی می‌پردازند، جبران شود. مخالفان استدلال می‌کنند که چنین پیشنهادی به مدارس دولتی لطمه می‌زند و در واقع نوعی کمک مالی به افراد ثروتمند است.

در سال ۱۹۹۳، اهالی کالیفرنیا چنین پیشنهادی را به رأی گذاشتند. تحقیق کنید چه گروه‌هایی با این پیشنهاد موافقت یا مخالفت کردند، استدلال‌های آنها چه بود و نتیجه رأی‌گیری چه شد. موضوع را بررسی کنید و درباره رأی خود تصمیم بگیرید. نتایج تحقیقات و دلایل رأی خود را برای کلاس توضیح دهید.

۲. آیا فروش بلیط‌های بخت‌آزمایی شیوه‌ای منصفانه و کارآمد برای حمایت مالی مدارس دولتی هستند؟ تأثیر فروش این قبیل بلیط‌ها بر تأمین منابع مالی برای مدارس دولتی را بررسی کنید و ببینید چه استدلال‌هایی له یا علیه این شیوه اقامه شده است. این موضوع را بررسی کنید و دیدگاه‌های خود را در قالب یک گزارش به کلاس ارائه کنید.

بخش سوم

عدالت اصلاحی چیست؟

هدف این بخش

این بخش به عدالت اصلاحی، یعنی واکنش منصفانه و مناسب به تخلف کردن یا آسیب رساندن، می‌پردازد. در این بخش، شما با اهداف عدالت اصلاحی آشنا می‌شوید. همچنین با پاره‌ای ابزارهای مفهومی جدید آشنا می‌شوید که برای بررسی موضوعات مربوط به عدالت اصلاحی، موضع‌گیری درباره آنها و دفاع از این مواضع مفیدند. در پایان این بخش، شما باید بتوانید عدالت اصلاحی را تعریف کنید و اهدافش را برشمارید. همچنین باید بتوانید ابزارهای مفهومی را برای بررسی موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی به کار گیرید و درباره اینکه به خطاها و آسیب‌ها چه واکنشی نشان دهید، خردمندانه تصمیم بگیرید.

اهداف عدالت اصلاحی کدامند؟

هدف این درس

این درس شما را با اهداف عدالت اصلاحی آشنا می‌کند و تفاوت میان تخلف کردن و آسیب رساندن را بررسی می‌کند. در پایان این درس، شما باید بتوانید عدالت اصلاحی را تعریف کنید، اهداف آن را توضیح دهید و تخلف و آسیب در موقعیت‌های گوناگون را تشخیص دهید.

اصطلاحات ضروری

تخلف	اصلاح
آسیب	پیشگیری
بازداشتن	

عدالت اصلاحی چیست؟

در هر یک از موقعیت‌های زیر موضوعی مرتبط با عدالت اصلاحی مطرح می‌شود. عدالت اصلاحی ناظر است به واکنش منصفانه به تخلف یا آسیب. تخلف عبارت است از زیر پا گذاشتن وظیفه یا مسئولیتی که قانون، آداب و رسوم یا اصول اخلاقی بر دوش ما گذاشته است. آسیب عبارت است از ضرر زدن یا خسارت وارد کردن به اشخاص یا املاک یا زیر پا گذاشتن حقوق افراد.

- مصطفی به اتهام دزدی به میدان اصلی شهر برده شد و دست راستش با شمشیر قطع شد.
- وقتی که پاول پشت چراغ قرمز ترمز کرد، سارا به ماشین او زد. دادگاه سارا را موظف کرد که ۵۵۰۰ دلار بابت خسارت ماشین و ۸۳۷۶ دلار بابت هزینه‌های درمانی پاول بپردازد.
- سه عضو یک گروه تبهکار به زنی ۶۰ ساله که در ایستگاه اتوبوس ایستاده بود، حمله کردند و به او دستبرد زدند. زن به مدت دو ماه در بیمارستان بستری و برای همیشه فلج شد. آن سه نفر بازداشت شدند و پس از انتقال به محل نگاه‌داری نوجوانان تبهکار، به مدت شش ماه تحت مشاوره و درمان روان‌شناسی قرار گرفتند. سپس به آنها آزادی مشروط یک ساله داده شد.

نظر شما چیست؟

۱. آیا واکنش‌های نشان داده شده به تخلفات یا آسیب‌های توصیف شده منصفانه است؟

۲. برای انتخاب یک واکنش مناسب به تخلف یا آسیبی خاص، کدام ارزش‌ها و منافع، علاوه بر منصفانه بودن، باید در نظر گرفته شود؟

چرا به عدالت اصلاحی نیاز داریم؟

در همهٔ جوامع کسانی هستند که تحت شرایطی تخلف می‌کنند یا به دیگران آسیب می‌زنند. بخشی از این تخلفات و آسیب‌ها اتفاقی‌اند و بخشی عمدی. حتی در ابتدایی‌ترین تمدن‌ها هم انسان‌ها احساس می‌کردند اگر کسی تخلف کند یا به دیگران آسیب برساند، آسیب وارده باید به نحوی جبران شود. در بهترین حالت، معنای جبران این است که همه چیز به وضعیت پیش از تخلف یا آسیب بازگردانده شود. این امر گاهی شدنی است، اما در اکثر موارد ناممکن است. به عنوان مثال، نمی‌توان مرده را زنده کرد. چون بازگشت به وضعیت پیش از آسیب همیشه شدنی نیست، انسان‌ها راه‌های دیگری برای واکنش نشان دادن به تخلفات و آسیب‌ها پدید آورده‌اند.

عدالت اصلاحی ناظر به واکنش مناسب یا منصفانه به تخلفات و آسیب‌هاست. واکنش‌های مناسب ممکن است بسیار متنوع باشند. در برخی شرایط، ممکن است کسی از آنچه رخ داده چشم‌پوشی کند، فردی را که تخلفی کرده یا آسیبی زده ببخشد یا از موقعیت پیش آمده استفاده کند تا به فرد متخلف درسی بدهد و مانع تکرار تخلف بشود. در شرایط دیگر، ممکن است کسی مایل باشد فرد متخلف تاوان تخلف یا آسیبی را که به دیگری زده بدهد. در برخی شرایط، دادگاه ممکن است متخلف را جریمه کند، به زندان بیندازد، یا حتی حکم به مرگ او دهد.

حتی مطلوب‌ترین واکنش به تخلف یا آسیب هم ممکن است در شرایطی عطفش ما به عدالت اصلاحی را مرتفع نکند، اما ممکن است اهداف دیگری را برآورده کند مثل میل به بخشیدن دیگری یا پیشگیری از وقوع دوبارهٔ خلاف یا آسیب. به عنوان مثال اگر دوستی که پول چندانی ندارد، تصادفاً یکی از وسائل شما را بشکند، شما ممکن است مایل نباشید از او بخواهید که آن وسیله را برای شما بخرد یا پولش را پردازد. با این حال ممکن است توقع عذرخواهی داشته باشید.

عدالت اصلاحی، یک هدف اصلی دارد: جبران منصفانهٔ یک خطا یا آسیب. علاوه بر آن، ممکن است بخواهیم مانع وقوع دوبارهٔ یک خطا یا رفتار از سر بی‌ملاحظگی بشویم یا ممکن است بخواهیم به فرد خاطی درسی بدهیم یا از او درس عبرتی برای دیگران بسازیم. بنابراین، اهداف عدالت اصلاحی از این قرارند:

- اصلاح: تسکین بخشیدن یا تنبیه کردن با هدف اصلاح منصفانهٔ امور.
 - پیشگیری: نشان دادن واکنش به خطا به نحوی که مانع تکرار آن خطا توسط فرد خاطی شود.
 - بازداشتن: بی‌ربط کردن افراد به تخلف یا آسیب رساندن، به دلیل ترس از عواقب.
- اصلاح، پیشگیری و بازداشتن لازمهٔ برپا نگاه داشتن جامعه‌اند. جامعه بدون تلاش برای این اهداف ممکن است دچار اختلال و هرج و مرج شود. واکنش مناسب به تخلفات و آسیب‌ها نه تنها از جهت مهار رفتارهای بزهکارانه در جامعه اهمیت دارد، بلکه در حوزه‌هایی نظیر خانواده و مدرسه هم مهم است. نیازی به گفتن نیست که ابتدا باید فرد متخلف را یافت و بعد دربارهٔ واکنش مناسب به تخلف تأمل کرد.

نظر شما چیست؟

۱. فهرستی تهیه کنید از واکنش‌های رایج به تخلفات و آسیب‌هایی که شاهد بوده‌اید.
۲. نمونه‌هایی از واکنش منصفانه به تخلف یا آسیب ذکر کنید. چرا آنها را منصفانه یافته‌اید؟
۳. نمونه‌هایی از واکنش غیرمنصفانه به تخلف یا آسیب ذکر کنید. چرا آنها را غیرمنصفانه یافته‌اید؟
۴. اگر در خانواده، مدرسه، محله یا کشور واکنشی منصفانه به تخلفات و آسیب‌ها نشان داده نشود، چه نتیجه‌ای به بار خواهد آمد؟ چرا؟
۵. در چه شرایطی ممکن است عدم اصلاح تخلف یا آسیب مجاز باشد؟ آیا می‌توان به شیوه‌ای دیگر مانع وقوع تخلف یا آسیب مشابه شد؟

چگونه باید به موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی رسیدگی کنیم؟

تصمیم‌گیری دربارهٔ اینکه چگونه به یک تخلف یا آسیب واکنش نشان دهیم، ممکن است در برخی شرایط ساده باشد. مثل وقتی که بچه‌ای اسباب بازی بچه‌ای دیگر را بر می‌دارد، عدالت‌جویی ما ممکن است صرفاً با برگرداندن اسباب بازی به صاحبش پاسخ گیرد. برای پیشگیری از وقوع دوباره چنین رفتاری هم ممکن است آموزش دادن این نکته به کودک کافی باشد که برداشتن چیزی که به دیگران تعلق دارد بدون اجازهٔ آنها کار درستی نیست. امید ما این است که با چنین اقداماتی بتوانیم رفتار شایسته را به کودکان بیاموزیم.

در سایر شرایط، یافتن واکنش منصفانه به تخلف یا آسیب ممکن است دشوارتر از این باشد. متأسفانه هیچ دستورالعمل ساده‌ای برای یافتن واکنش مناسب در شرایط دشوار وجود ندارد. البته پاره‌ای ابزارهای مفهومی در اختیار داریم که ممکن است برای اتخاذ چنین تصمیم‌هایی مفید باشند. این ابزارها را به شیوهٔ زیر به کار بگیرید تا بتوانید دربارهٔ واکنش مناسب به تخلف یا آسیب تصمیمی خردمندانه بگیرید:

۱. ویژگی‌های مهم تخلف و یا آسیب را مشخص کنید.
 ۲. ویژگی‌های مهم فرد یا افراد متخلف را مشخص کنید.
 ۳. ویژگی‌های مهم فرد یا افراد آسیب دیده را مشخص کنید.
 ۴. واکنش‌های رایج به تخلف یا آسیب و همچنین اهداف آنها را مشخص کنید.
 ۵. با در نظر داشتن ارزش‌ها و منافع، واکنش مناسب را معین کنید.
- این مراحل و ابزارهای مفهومی مربوطه را در دروس هفتم و هشتم با دقت بیشتری بررسی خواهیم کرد. ابتدا لازم است نگاهی بیاندازیم به تفاوت میان تخلف و آسیب.

تخلف و آسیب چه تفاوتی دارند؟

- در بحث عدالت اصلاحی، دانستن تفاوت میان تخلف و آسیب مهم است. همان‌طور که آموختید:
- تخلف عبارت است از زیر پا گذاشتن وظیفه یا مسئولیتی که قانون، آداب و رسوم یا اصول اخلاقی بر دوش ما گذاشته است.
 - آسیب عبارت است از وارد کردن خسارت به اشخاص یا املاک یا زیر پا گذاشتن حقوق افراد.

در پاره‌ای موارد، رفتار متخلفانه ممکن است موجب آسیب هم بشود، مثل وقتی که سارقی به صندوقدار فروشگاه‌های شلیک می‌کند. در سایر موارد، ممکن است رفتار متخلفانه موجب آسیب نشود، مثل وقتی که کسی با گواهینامه توقیف شده رانندگی می‌کند. آسیب‌هایی هم هست که ناشی از رفتار متخلفانه نیست، مثل وقتی که یک فوتبالیست در اثر ضربه‌ای که خطا نیست آسیب می‌بیند. در تمرین زیر، شما باید مشخص کنید که آیا در موقعیت‌های مورد بحث تخلف، آسیب و یا هر دو واقع می‌شود.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی تخلف یا آسیب

با یکی از همکلاسی‌های خود این تمرین را انجام دهید. موقعیت‌های زیر را مطالعه کنید و به پرسش‌هایی که در انتهای تمرین می‌آید، پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

۱. آتشی که مسافری در اردو برپا کرده بود، از کنترل خارج شد و موجب کشته شدن ده‌ها نفر و ویران شدن صدها خانه شد.
۲. والرئ در مسابقه‌ای مونیکا را هل داد تا تیم یک امتیاز بگیرد، اما استخوان میچ مونیکا شکست.
۳. جورج چراغ قرمز را رد کرد. خوشبختانه، حادثه‌ای رخ نداد.
۴. ویل که مکانیک است، بعد از تعویض چرخ‌ها فراموش کرد پیچ‌های آنها را محکم ببندد. بعداً در حال رانندگی، یکی از چرخ‌ها در رفت و ماشین به کامیونی زد که پارک شده بود.
۵. محافظ بانک به سارق شلیک کرد اما تیرش به هدف نخورد. سارق یک نفر را گروگان گرفت تا بتواند از مهلکه فرار کند. فرد گروگان گرفته شده بعداً آزاد شد.

نظر شما چیست؟

۱. در هر موقعیت کدام تخلف رخ داده است؟ کدام آسیب وارد شده است؟
۲. در کدام موقعیت‌ها، عدالت‌طلبی یا انصاف‌خواهی شما را وادار به واکنش می‌کند؟
۳. در آن موقعیت‌ها، واکنش منصفانه و عادلانه چیست؟
۴. واکنشی که شما پیشنهاد می‌کنید چه اهدافی را برآورده می‌کند؟

تمرین تفکر انتقادی

بررسی واکنش‌ها به تخلف و آسیب

کلاس باید به گروه‌های کوچک تقسیم شود و موقعیت‌های زیر را بررسی کند. برای هر موقعیت، به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌های خود در میان بگذارید.

۱. زلزلی به فروشگاه رفت و پیراهنی را امتحان کرد. از پیراهن خوشش آمد اما پول کافی برای خرید

آن نداشت و تصمیم گرفت که پیراهن را بدزد. پیراهن را در کیفش گذاشت و از فروشگاه خارج شد. ناگهان، یکی از نگهبانان بازوی او را گرفت. گیر افتاده بود.

۲. فرانک در حال تماشای مسابقه فوتبال با دوستانش تعداد زیادی آبجو خورد. در راه برگشت به خانه وقتی یکی از چراغ‌های راهنمایی و رانندگی قرمز شد، نتوانست به موقع ترمز کند و با یک وانت تصادف کرد. راننده وانت به شدت مصدوم و فردی که همراه او بود کشته شد. فرانک هم به شدت مصدوم شد و بیدار است بتواند پاهایش را کاملاً مورد استفاده قرار دهد.

۳. آنیتا و دختر یک ساله‌اش تازه خانه را ترک کرده بودند. ناگهان دو مرد کنار ماشین آمدند، در را باز کردند و فریاد زدند «بیائید بیرون. ما ماشین را می‌خواهیم». آنیتا جیغ کشید «بچه‌ام!». سارقین آنیتا را از ماشین بیرون انداختند، سوار ماشین شدند و راه افتادند. بازوی آنیتا به کمر بند ایمنی گیر کرد و او همراه ماشین کشیده شد. راننده توقف نکرد. او ماشین را به حصار کنار خیابان نزدیک کرد تا از شر آنیتا راحت شود. آنیتا کشته شد. راننده توقف کرد، بچه را کنار خیابان گذاشت و به سرعت از آنجا دور شد. آنها چهار ساعت بعد دستگیر شدند.

نظر شما چیست؟

۱. تخلفات و آسیب‌ها چیستند؟
۲. بر اساس اطلاعاتی که دارید، واکنش مناسب و منصفانه به تخلفات و آسیب‌ها در هر یک از موقعیت‌های فوق را چه می‌دانید؟
۳. واکنش‌هایی که پیشنهاد می‌کنید چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟
۴. آیا برای تصمیم‌گیری درباره یک واکنش منصفانه به این تخلفات و آسیب‌ها نیاز به اطلاعات بیشتری دارید؟ کدام اطلاعات؟ چرا این اطلاعات ممکن است مفید باشند؟

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. با کسانی که شغل آنها رسیدگی به تخلفات و آسیب‌هاست مصاحبه کنید. کسانی مثل افسرهای پلیس، وکلا، قضات یا مدیران مدارس. از آنها بخواهید درباره بعضی از موقعیت‌هایی صحبت کنند که مورد رسیدگی قرار داده‌اند. ببینید کدام واکنش‌ها به تخلفات و آسیب‌ها را مناسب می‌دانند.
۲. قانون شماره ۱۲۵ حمورابی: اگر کسی دارایی خود را نزد دیگری به امانت بگذارد و دارایی او همراه با دارایی صاحب خانه دزدیده شود، صاحب خانه که غفلت‌اش سرقت را ممکن کرده است، باید همه اموال از دست رفته امانت‌گذار را جبران کند. صاحب خانه تلاش خواهد کرد که اموال خود را از دزد باز پس بگیرد.

آیا این قانون واکنشی منصفانه را پیشنهاد می‌کند؟ چرا؟

درس هفتم

کدام ابزارهای مفهومی برای تصمیم‌گیری دربارهٔ عدالت اصلاحی مفیدند؟

هدف این درس

این درس شما را با پاره‌ای ابزارهای مفهومی آشنا می‌کند که برای بررسی موضوعات مربوط به عدالت اصلاحی مفیدند. در پایان این درس، شما باید بتوانید موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی را بررسی کنید، دربارهٔ آنها موضع‌گیری کنید و از موضع خود دفاع کنید.

اصطلاحات ضروری

تناسب	بی‌بروایی
وسعت	غفلت
مدت	پیامدهای احتمالی
تأثیر	توجیه
موهن بودن	پشیمانی
قصد	تأسف

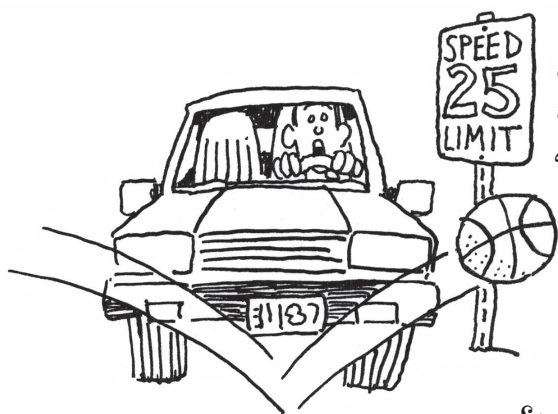
قدم اول برای بررسی موضوعات مربوط به عدالت اصلاحی چیست؟

عدالت اصلاحی به منصفانه بودن واکنش‌ها نسبت به تخلفات و آسیب‌ها می‌پردازد، بنابراین اولین قدم منطقی این است که مشخص کنیم تخلفات و آسیب‌ها در شرایط مورد بحث کدامند.

قدم اول: ویژگی‌های مهم تخلف و یا آسیب را تعیین کنید

الف. تخلف یا آسیب چه بود؟

تعیین تخلفات و آسیب‌ها از این جهت مهم است که به ما کمک می‌کند به این پرسش پاسخ دهیم که آیا آسیب در اثر رفتار متخلفانه پدید آمده است یا نه؛ به عبارت دیگر آیا آسیب ناشی از زیر پا گذاشتن وظیفه است یا نه. وقتی آسیبی ناشی از زیر پا گذاشتن وظیفه‌ای باشد، واکنش منصفانه به آن



کاملاً متفاوت است.

مثال: فرض کنید کودکی به سرعت وارد خیابان شود و ماشینی به او بزند. آیا برای داوری دربارهٔ یک واکنش منصفانه، مهم است که بدانیم آیا راننده با احتیاط رانندگی می‌کرده و قوانین رانندگی را رعایت می‌کرده است یا برعکس سرعت بالایی داشته و نتوانسته به موقع ترمز کند و مانع تصادف شود؟

ب. تخلف یا آسیب تا چه حد شدید بود؟

بررسی شدت تخلفات و آسیب‌ها در یک شرایط خاص مهم است چون واکنش منصفانه به یک تخلف یا آسیب باید با شدت تخلف یا آسیب متناسب باشد. ما این اصل را اصل تناسب می‌نامیم. معنای این اصل این است که باید میان یک تخلف یا آسیب و واکنش به آن تناسبی برقرار باشد. این همان چیزی است که ما از تناسب میان جرم و تنبیه مراد می‌کنیم. بر اساس اصل تناسب، برای داوری دربارهٔ منصفانه بودن واکنش به تخلفات و آسیب‌ها باید شدت آنها را در نظر گرفت.

مثال: فرض کنید مایکل با سرعت بالا در بزرگراه رانندگی می‌کرد که چراغ‌های گردان ماشین پلیس را در آینهٔ ماشین دید. مایکل می‌تواند سرعت خود را کم و در اسرع وقت کنار جاده توقف کند یا می‌تواند بر سرعت خود بیفزاید تا از دست پلیس فرار کند و در مسیر خود ماشین‌های متعددی را از جاده خارج کند. آیا تفاوت این دو رفتار مهم است؟



همان طور که می‌بینید، در هنگام داوری دربارهٔ منصفانه بودن یک واکنش مهم است که شدت یک تخلف یا آسیب را بررسی کنیم. چگونه می‌توان این بررسی را انجام داد؟ برای بررسی شدت یک تخلف یا آسیب می‌توان به عوامل زیر توجه کرد:

• وسعت: چه تعدادی از انسان‌ها یا اشیاء آسیب دیدند؟

- مدت: رفتار متخلفانه یا آسیب‌زننده برای چه مدت طول کشید؟
- تأثیر: آسیب تا چه حد ویرانگر بود؟
- موهن بودن: بر اساس درکی که از درست و نادرست دارید یا بر اساس ارزش‌هایی نظیر شأن انسان، تخلف تا چه حد موهن و قابل اعتراض بود؟

تمرین تفکر انتقادی

بررسی شدت تخلفات و آسیب‌ها

با یکی از هم‌کلاسی‌های خود این تمرین را انجام دهید. «دو کارخانه ناپاک» را بخوانید. شدت تخلفات و آسیب‌های ایجاد شده به وسیله هر کارخانه را بررسی کنید و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با کلاس در میان بگذارید.

دو کارخانه ناپاک

فرض کنید که دو کارخانه به دلیل تولید ضایعات بالقوه خطرآفرین متهم به زیر پا گذاشتن قوانین حفظ محیط زیست شده‌اند. شرکت موندو هوای منطقه‌ای مسکونی را آلوده کرده که ۱۰۰۰۰ نفر در آن زندگی می‌کنند. این کارخانه ذرات آلوده‌کننده هوا را به مدت پنج سال وارد هوا کرده است. این ذرات می‌توانند بیماری‌های تنفسی نظیر آمفیزم و احتمالاً سرطان، ایجاد کنند. به رغم گزارش‌های تأیید شده‌ای که از بیمار شدن مردم منطقه حکایت می‌کنند، این شرکت کاری برای مهار آلوده‌کننده‌های خود نکرده است.

شرکت زنون در حاشیه یک شهر قرار گرفته است. این کارخانه ذراتی تولید می‌کند که آزار دهنده‌اند، اما کشنده نیستند. این ذرات ۱۰۰۰ نفر از کسانی را که در آن نزدیکی زندگی می‌کنند تحت تأثیر قرار داده است. آنها می‌گویند که بوی کارخانه زندگی کردن در خانه‌های نزدیک به آن را غیرقابل تحمل کرده است. کارخانه دو ماه است که این ذرات آلوده‌کننده را تولید می‌کند. شرکت تلاش کرده است تا این ذرات را مهار کند اما تلاش‌هایش رضایت ساکنین این منطقه را جلب نکرده است.

نظر شما چیست؟

۱. وسعت تخلف یا آسیب ایجاد شده به وسیله هر کدام از این کارخانه‌ها تا چه حد است؟ چند نفر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند؟
۲. مدت تخلف یا آسیب‌زایی هر کارخانه چقدر بوده است؟ رفتار متخلفانه چقدر طول کشیده است؟
۳. تأثیر تخلف هر کارخانه چه بوده است؟ آسیب تا چه حد ویرانگر بوده است؟ آسیب دائمی بوده است؟
۴. بر اساس درکی که از درست و نادرست دارید یا بر اساس ارزش‌هایی نظیر شأن انسان، تخلف هر کارخانه تا چه حد موهن و قابل اعتراض بود؟

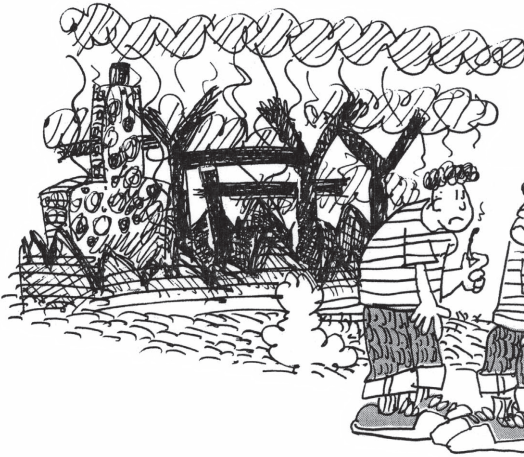
تمرین تفکر انتقادی

بررسی نیاز به تنبیه

شما در تمرین قبل ابزارهای مفهومی‌ای را بررسی کردید که برای داوری دربارهٔ شدت یک تخلف یا آسیب مفیدند. اما موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی صرفاً با داوری دربارهٔ شدت یک تخلف یا آسیب قابل مدیریت نیستند. باید عوامل و ملاحظات دیگری هم در نظر گرفته شوند. کلاس باید به گروه‌های کوچک تقسیم شود و هر گروه قطعهٔ «آتش» را بخواند و به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهد. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با کلاس در میان بگذارید.

آتش

جورج و دوستش دن هفت ساله‌اند. هر دوی آنها بارها در خانه، حیاط و گاراژ یکی از همسایه‌ها بازی کرده‌اند. آنها بارها دیده‌اند که این همسایه برگ‌ها را آتش می‌زند. هر وقت قصد کمک داشته‌اند، او به آنها توصیه کرده که از آتش دور بمانند.



یک روز که این همسایه به خارج از شهر رفته بود، بچه‌ها وارد گاراژ او شدند تا بازی کنند. بعد از مدتی احساس سرما کردند. آنها یک کباب‌پز ذغالی در گاراژ دیدند و تصمیم گرفتند برای گرم شدن آتشی به پا کنند. آنها کباب‌پز را به نزدیکی در ورودی بردند و بعد بیرون رفتند که برای آتش درست کردن برگ جمع کنند. دن به خانه رفت تا کبریت بیاورد. بچه‌ها در کباب‌پز آتش درست کردند و پشت به آن ایستادند تا گرم شوند. کاغذهایی که در

گاراژ بود آتش گرفت و تلاش بچه‌ها برای خاموش کردن آنها ناکام ماند. آتش به گاراژ و خانه کشیده شد و ۲۸۰۰۰ دلار خسارت برجا گذاشت. هر دوی بچه‌ها هوش متوسطی داشتند و والدین‌شان به آنها گفته بودند که با آتش بازی نکنند.

نظر شما چیست؟

۱. بنابر کدام ملاحظات جورج و دن باید تنبیه شوند؟ بنابر کدام ملاحظات نباید تنبیه شوند؟
۲. آیا برای تصمیم‌گیری دربارهٔ تنبیه جورج و دن نیاز به اطلاعات بیشتری دارید؟ کدام اطلاعات؟ چرا این اطلاعات ممکن است مفید باشند؟
۳. چه واکنشی را نسبت به تخلفات و آسیب‌های مطرح شده در این داستان منصفانه می‌دانید؟
۴. آیا واکنش پیشنهادی شما تخلفات و آسیب‌ها را تصحیح می‌کند؟ چگونه؟
۵. آیا واکنش پیشنهادی شما از تخلفات و آسیب‌ها پیشگیری می‌کند؟ چگونه؟

چه عواملی در داوری دربارهٔ واکنش به تخلف یا آسیب اهمیت دارند؟

شما در تمرین «آتش» این نکته را بررسی کردید که آیا باید در واکنش به یک خطا یا آسیب، فرد متخلف را تنبیه کرد یا نه. همچنین با پاره‌ای ملاحظات مهم آشنا شدید که باید در این تصمیم‌گیری در نظر گرفته شوند. همان طور که دیدید، تنبیه فرد متخلف همیشه ضرورت ندارد. واکنش‌های دیگری هم ممکن است و در برخی شرایط واکنش‌های دیگر بهتر از تنبیه کردن هستند.

اولاً، در واکنش به آسیب‌هایی که ناشی از غفلت یا خطای دیگری نیستند، ضرورتی ندارد که چیزی را جبران کنیم. ثانیاً، در برخی موارد، تصمیم می‌گیریم که یک متخلف را تنبیه نکنیم چون تخلف یا آسیب چندان شدید نیست و ما مایل نیستیم برای اصلاح امور وقت و انرژی صرف کنیم. در سایر موارد، تصمیم می‌گیریم که یک فرد متخلف را تنبیه نکنیم چون معتقدیم که تنبیه کردن بهترین راه پیشگیری از وقوع رفتارهای مشابه در آینده نیست. راه‌های بهتر برای پیشگیری از وقوع رفتارهای مشابه در آینده ممکن است این باشد که به فرد متخلف آگاهی بدهیم که خلاف کرده است یا امکان درمان یا تحصیلات برای او فراهم آوریم. همچنین وقتی متخلف را می‌بخشیم، ممکن است فکر کنیم که بروز رفتار خطا نامحتمل است.

بنابر چه دلایلی ممکن است ما به این نتیجه برسیم که تنبیه یک متخلف ضرورتی ندارد؟ در برخی موارد، بررسی رفتار فرد متخلف ممکن است ما را به این نتیجه برساند که او عامدانه مرتکب تخلف نشده است. در برخی موارد، بررسی شخصیت فرد متخلف ممکن است ما را به این جمع‌بندی برساند که باید به او فرصت داد تا خود را اصلاح کند. در برخی موارد هم بررسی رفتار فردی که آسیب دیده ممکن است ما را قانع کند که رفتار فرد متخلف تا حدی موجه بوده است.

بخش بعدی دو قدم دیگری را توضیح می‌دهد که در روند بررسی موضوعات مربوط به عدالت اصلاحی باید برداشت. در این بخش با ابزارهای مفهومی‌ای آشنا می‌شوید که برای بررسی ویژگی‌های فرد یا افراد متخلف و همچنین فرد یا افراد آسیب دیده مفیدند.

تمرین تفکر انتقادی

تعیین ویژگی‌های مهم با به کارگیری ابزارهای مفهومی

بعد از مطالعهٔ هر یک از دو مرحلهٔ زیر آماده باشید که اول، مفید بودن هر مرحله را ارزیابی کنید و دوم، نمونه‌هایی از موقعیت‌های مشابهی که خود شما تجربه کرده‌اید را ذکر کنید.

قدم دوم: ویژگی‌های مهم فرد یا افراد متخلف را تعیین کنید

پیش از تصمیم‌گیری دربارهٔ فرد یا افراد متخلف باید به پرسش‌های الف تا ث پاسخ دهید. الف. وضعیت ذهنی: وضعیت ذهنی فرد متخلف در زمان تخلف چگونه بود؟ وضعیت ذهنی فرد متخلف از مهم‌ترین چیزهایی است که باید در هنگام داوری دربارهٔ واکنش مناسب به تخلف یا آسیب در نظر گرفت. برای تعیین وضعیت ذهنی فرد متخلف باید این موارد را در نظر گرفت:

- قصد: آیا فرد عامدانه مرتکب تخلف شده است؟
- بی‌پروایی: آیا فرد آگاهانه خطرات آشکار را نادیده گرفته است؟
- غفلت: آیا فرد از سر بی‌فکری و بی‌ملاحظگی، بدون توجه به مخاطرات، رفتار کرده است؟
- علم به پیامدهای احتمالی: آیا فرد می‌دانست یا ظرفیت دانستن این را داشت که آنچه می‌کند خطاست و ممکن است آسیب‌زا باشد؟

- مهار: آیا فرد توان جسمی و ذهنی لازم برای مهار رفتارهای خود را داشت؟
- وظیفه یا تکلیف: آیا فرد موظف بود به شیوه‌ای عمل کند یا نکند، که مانع تخلف یا آسیب شود؟
- ارزش‌ها و علائق مهم‌تر: آیا فرد ارزش‌ها، علائق، مسئولیت‌ها یا انگیزه‌های مهم‌تری داشت که رفتار او را توجیه کند؟

مثال: داستان «آتش» را در نظر بگیرید. آیا تفاوتی می‌کرد اگر جورج و دن عامدانه گاراژ را به آتش می‌کشیدند؟ آیا تفاوتی می‌کرد اگر آنها بزرگتر بودند و می‌دانستند چه اتفاقی ممکن است رخ دهد؟ مثال: ماجرای فردی را در نظر بگیرید که با سرعت بالا در بزرگراه رانندگی می‌کرد. آیا تفاوتی می‌کرد اگر راننده در حال رساندن فردی بیمار به بیمارستان بود؟ آیا تفاوتی می‌کرد اگر راننده صرفاً دوست می‌داشت که سریع رانندگی کند؟

- ب. تاریخچه: آیا فرد در گذشته هم مرتکب تخلفی مشابه شده بود؟
- پ. ویژگی‌های شخصیتی: آیا فرد به طور کلی قابل اعتماد، باملاحظه، غیرخشن و رعایت‌کننده حقوق دیگران است؟

ت. احساس تأسّف و پشیمانی: آیا فرد از تخلفی که کرده یا آسیبی که وارد آورده متأسّف است یا احساس پشیمانی نمی‌کند؟

ث. نقش: آیا فرد به تنهایی مرتکب تخلف شده یا به همراه دیگران؟ آیا نقش رهبر را بازی کرده یا نقشی اندک داشته است؟

مثال: داستان «آتش» را در نظر بگیرید. آیا تفاوتی می‌کرد اگر جورج و دن قبلاً هم جایی را به آتش کشیده بودند. آیا تفاوتی می‌کرد اگر آنها بابت ویرانی ناشی از آتش متأسّف بودند؟ آیا تفاوتی می‌کرد اگر بچه‌هایی با سن بیشتر آنها را به برپا کردن آتش ترغیب می‌کردند؟

قدم سوم: ویژگی‌های مهم فرد یا افراد آسیب دیده را تعیین کنید

علاوه بر ویژگی‌های مهم فرد یا افراد متخلف، ممکن است لازم باشد برخی ویژگی‌های فرد یا افراد آسیب دیده هم در نظر گرفته شود. دو پرسش زیر برای تمرکز بر این جنبه از موضوع طراحی شده‌اند.

الف. آیا فرد یا افراد آسیب دیده هم نقشی در تخلف یا آسیب داشته‌اند؟

ب. آیا فرد توان بهبود یافتن از آسیب وارده را دارد؟

مثال: داستان «آتش» را در نظر بگیرید. آیا تفاوتی می‌کرد اگر همسایه در خانه بود و به طور خاص به بچه‌ها گفته بود که استفاده از کباب‌پز خطر آتش‌سوزی دارد؟ آیا تفاوتی می‌کرد اگر اموالی از بین می‌رفت که قابل جایگزینی نبود؟

نظر شما چیست؟

۱. چرا در نظر گرفتن وضعیت ذهنی فرد متخلف برای داوری دربارهٔ واکنش مناسب به تخلف ممکن است مهم باشد؟ چرا توجه به توجیهاست محتمل برای رفتار فرد متخلف ممکن است مهم باشد؟
۲. چه دلایلی می‌توانید در دفاع از این دیدگاه عرضه کنید که توجه به گذشته، ویژگی‌های شخصیتی و احساس تأسف و پشیمانی در داوری دربارهٔ واکنش مناسب به تخلف باید در نظر گرفته شوند؟ چه دلایلی می‌توانید در دفاع از این دیدگاه عرضه کنید که واکنش به تخلف نباید شخصیت فرد متخلف را در نظر بگیرد، بلکه باید برای همهٔ کسانی که مرتکب یک تخلف می‌شوند، یکسان باشد؟
۳. آیا با برداشتن سه قدمی که در این درس بررسی کردید می‌توان موضوعات مربوط به عدالت اصلاحی را حل و فصل کرد یا لازم است که ملاحظات دیگری هم در نظر گرفته شود؟ پاسخ خود را توضیح دهید.

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. با استفاده از روزنامه‌ها یا برنامه‌های تلویزیونی، اخباری مرتبط با عدالت اصلاحی را در کلاس مطرح کنید. توضیح دهید که کدام ابزارهای مفهومی برای انتخاب واکنش مناسب به تخلف یا آسیب مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
۲. با کمک معلم، یک قاضی یا یک وکیل به کلاس دعوت کنید تا توضیح دهد ابزارهای مفهومی مطرح شده در این درس چگونه در دادگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند.
۳. طرحی بکشید که یکی از موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی را ترسیم کند و متضمن یک یا چند ابزار مفهومی باشد.

کدام ارزش‌ها و علائق را در داوری درباره واکنش به تخلفات و آسیب‌ها در نظر بگیریم؟

هدف این درس

این درس شما را با دو ابزار مفهومی باقیمانده آشنا می‌کند که برای بررسی موضوعات مربوط به عدالت اصلاحی مفیدند. شما با پاره‌ای واکنش‌های رایج به تخلفات و آسیب‌ها و همچنین اهداف این واکنش‌ها، آشنا می‌شوید. به علاوه، برخی ارزش‌ها و علائق را بررسی می‌کنید که برای داوری درباره واکنش مناسب به تخلفات و آسیب‌ها اهمیت دارند. در پایان این درس، شما باید بتوانید اهدافی را که واکنش‌ها به تخلفات و آسیب‌ها برآورده می‌کنند، معرفی کنید. همچنین باید بتوانید ابزارهای مفهومی را برای بررسی موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی در شرایط گوناگون به کار بگیرید.

اصطلاحات ضروری

بخشیدن

اعاده کردن

جبران کردن

مراحل نهایی در روند بررسی عدالت اصلاحی

تا اینجا، شما با سه قدم نخست در بررسی موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی آشنا شدید: قدم اول: ویژگی‌های مهم تخلف و یا آسیب را تعیین کنید؛ قدم دوم: ویژگی‌های مهم فرد یا افراد متخلف را تعیین کنید؛ قدم سوم: ویژگی‌های مهم فرد یا افراد آسیب دیده را تعیین کنید. دو مرحله دیگر باقی می‌ماند: قدم چهارم: واکنش‌های رایج به تخلفات و آسیب‌ها و اهداف این واکنش‌ها را بررسی کنید؛ قدم پنجم: برای داوری درباره بهترین واکنش، ارزش‌ها و علائق مربوطه را در نظر بگیرید.

همان طور که فراگرفتید، واکنش‌های متفاوتی به تخلف و آسیب می‌توان نشان داد. برای اینکه بهترین واکنش را انتخاب کنید، شما باید همه احتمالات و همه ارزش‌ها و علائق مربوطه را بررسی کنید.

قدم چهارم: واکنش‌های رایج به تخلفات و آسیب‌ها و اهداف این واکنش‌ها را بررسی کنید.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، هدف اصلی عدالت اصلاحی نشان دادن یک واکنش مناسب به تخلفات و آسیب‌ها یا به عبارت دیگر، اصلاح کردن امور است. واکنش‌ها نه فقط به کار اصلاح تخلفات و آسیب‌ها می‌آیند، بلکه برای جلوگیری از وارد آمدن خسارات بیشتر به وسیله متخلفین و همچنین بازداشتن دیگران از تخلف کردن نیز مفیدند. در برخی موارد، یک واکنش ممکن است در خدمت ارزش‌ها و علائقی خاص باشد، نه در خدمت عدالت اصلاحی. آنچه در پی می‌آید، فهرستی است از واکنش‌های رایج به تخلفات و آسیب‌ها و توضیحی مختصر درباره اهداف هر کدام. در اغلب موارد، بیش از یک واکنش نشان داده می‌شود و قرار است هر واکنش بیش از یک هدف را برآورده کند.

الف. ممکن است متخلف را آگاه کنیم که عمل او خلاف یا آسیب‌رسان بوده است.

هدف این نوع واکنش عبارت است از پیشگیری از تخلف یا آسیب از طریق توضیح دادن این نکته برای فرد متخلف که رفتار او تخلف بوده یا موجب آسیب شده است. در این موارد، تخلف یا آسیب تصحیح نمی‌شود، مگر آنکه واکنش دیگری هم نشان داده شود.

مثال: پلیس راننده‌ای را که گواهینامه‌اش در ایالت دیگری صادر شده بود، متوقف کرد و به او اطلاع داد که در این ایالت گردش به راست وقتی که چراغ قرمز است، غیرقانونی است. افسر او را جریمه نکرد.

مثال: کریگ، شش ساله، که با کبریت بازی می‌کرد، با آتش زدن علف‌ها آتش کوچکی برپا کرد. والدین او آتش را خاموش کردند. بعداً، یک آتش‌نشان به خانواده کریگ زنگ زد و درباره خطرات آسیب‌های رفتار کریگ برای خودش و دیگران به او آموزش داد.

ب. ممکن است از تخلف یا آسیب چشم‌پوشی کنیم.

گاهی اوقات ما از تخلف یا آسیب چشم‌پوشی می‌کنیم چون ارزش ندارد که وقت و انرژی صرف تصحیح آن کنیم. یا ممکن است به این نتیجه برسیم که فرد متخلف فقط قصد جلب توجه داشته است. چشم‌پوشی از این رفتار ممکن است مانع تکرار آن شود. در این موارد، تخلف یا آسیب اصلاح نمی‌شود.

مثال: وقتی وانت شرکت جی.ام قصد داشت تلویزیون جدید را دم در خانه کوین تحویل دهد، راننده ناخواسته روی بوته گل سرخ کوین رفت. کوین عصبانی شد ولی تصمیم گرفت کاری نکند.

مثال: خانم جانسون در دانشکده پرستاری درس می‌داد. وقتی او در حال درس دادن بود، یکی از دانشجویان مکرراً دست می‌زد. خانم جانسون تصمیم گرفت رفتار او را نادیده بگیرد.

پ. ممکن است فرد متخلف را ببخشیم.

گاهی اوقات تصمیم می‌گیریم رفتارهای خلاف را ببخشیم با این امید که فرد متخلف پشیمان شود و مسیر خود را تصحیح کند. گاهی اوقات رفتارهای خلاف را می‌بخشیم به این دلیل که معتقدیم فرد متخلف به اندازه کافی رنج برده است؛ ما می‌فهمیم که هر کسی اشتباه می‌کند و مایلیم که دیگران ما را ببخشند. در این موارد، تخلف تصحیح نشده می‌ماند.

مثال: تامس ناخواسته به پاول برخورد کرد و موجب شد که مچ پای او پیچ بخورد. تامس عذرخواهی کرد و گفت که شدیداً متأسف است. پاول به او گفت که چندان مهم نیست؛ او می‌دانست که این یک

حادثه بوده و به همین دلیل تامس را کاملاً بخشید.
 مثال: سو ۱۰۰۰ دلار به مایک قرض داد. مایک پذیرفت که در طول یک سال پول سو را برگرداند، اما کارش را از دست داد و نتوانست. سو به جای اینکه از مایک به دادگاه شکایت کند، از اینکه او را مجبور به بازپرداخت بدهی کند، صرف نظر کرد.
 ت. ممکن است فرد متخلف را تنبیه کنیم.

یکی از اهداف تنبیه، برقرار کردن عدالت اصلاحی است، یعنی تلافی کردن آسیبی که وارد شده است. تنبیه ممکن است با درس دادن به فرد متخلف مانع از تخلف او در آینده هم بشود. همچنین ممکن است دیگران را هم از ارتکاب آن تخلف باز دارد.
 مثال: مارتین و لورنزو در کلاس با هم دعوا کردند. مدیر مدرسه آنها را به مدت پنج روز از آمدن به مدرسه معلق کرد.

مثال: سیلویا، ماری و سم به اتهام سرقت از دو خانه به شش ماه حبس محکوم شدند.
 ث. ممکن است از فرد متخلف بخواهیم آنچه را گرفته است، بازگرداند.

وقتی فرد متخلف چیزهایی را برداشته باشد که قابل بازگرداندن به صاحبش باشند، ما ممکن است از فرد متخلف بخواهیم که آنها را به صاحب اصلی بازگرداند تا امور به حال اول برگردانده شوند. مجبور کردن متخلفین به بازگرداندن اموالی که به آنها تعلق ندارند، ممکن است موجب پیشگیری از وقوع تخلف یا آسیب در آینده هم بشود.

مثال: دیوید متهم شد که در خرید خانه آقای هاووزر تقلب کرده است. قاضی او را موظف کرد که ملک را به صاحبش برگرداند.

مثال: نگهبان، جیسون را در حال پاشیدن رنگ روی دیوار ورزشگاه به دام انداخت. او مجبور شد در تعطیلات آخر هفته دیوار را رنگ کند.

ج. ممکن است از فرد متخلف بخواهیم خسارتی را که به بار آورده است، جبران کند.

در بسیاری از تخلفات نمی‌توان آسیب وارده را کاملاً رفع کرد به نحوی که امور به وضعیت اولیه بازگردند. در این موارد، می‌توانیم از فرد متخلف بخواهیم که با پرداخت پول یا چیزی ارزشمند به فرد آسیب دیده خسارتی را که به بار آورده جبران کند. مجبور کردن متخلفین به جبران تخلفات و آسیب‌ها، ممکن است موجب پیشگیری از وقوع تخلف یا آسیب در آینده هم بشود.

مثال: آقای برنز کتابی را که از کتابخانه امانت گرفته بود، گم کرد. او باید بهای یک کتاب نو را به کتابخانه می‌پرداخت تا آنچه را گم کرده بود، جبران کند.

مثال: ماشینی منفجر شد و راننده‌اش کشته شد. خانواده راننده، کارخانه سازنده ماشین را تحت تعقیب قانونی قرار دادند. بعد از محاکمه، هیأت منصفه از کارخانه خواست که ۱ میلیون دلار به همسر او غرامت بپردازد.



چ. ممکن است فرد متخلف را تحت آموزش یا درمان قرار دهیم. فراهم کردن تحصیلات یا درمان برای فرد متخلف موجب تصحیح خسارتی که او به بار آورده است، نمی‌شود. هدف اصلی آن است که فرد متخلف با به دست آوردن دانش و مهارت لازم به عضوی مستقل و مسئول در جامعه بدل شود و دوباره مرتکب تخلف نشود.

مثال: در شهر توپیکای ایالت کانزاس همه کسانی که محکوم به حبس می‌شوند، به وسیله روانپزشکان و سایر متخصصان سلامت روانی مورد بررسی و درمان قرار می‌گیرند. مطالعات نشان می‌دهند که احتمال بازگشت این زندانی‌ها به زندان ۲۵ درصد کمتر از زندانیانی است که درمان نمی‌شوند.

مثال: کارلو خیلی سریع رانندگی می‌کرد و برای سرعت بالا جریمه شد. چون این اولین بار بود که کارلو تخلف می‌کرد، دادگاه به او اجازه داد که به جای پرداختن جریمه در کلاس آموزش اصول رانندگی شرکت کند.



نظر شما چیست؟

۱. تحت چه شرایطی ممکن است شما تصمیم بگیرید که فردی متخلف را بابت تخلفی که کرده یا آسیبی که وارد آورده تنبیه نکنید؟ در این شرایط چه واکنش‌های دیگری را انتخاب می‌کنید؟ چرا؟
۲. به نظر شما اگر کسی، از سر بی‌توجهی، به فرد دیگری یا به دارایی فرد دیگری آسیب بزند، چه واکنشی باید نشان داد؟ اگر آسیب عامدانه باشد چطور؟
۳. فردی بزرگسال مرتکب تخلفی شده و به او اخطار داده شده که این خلاف را تکرار نکند. اگر او دوباره همان خلاف را انجام دهد، چه واکنشی باید نشان داد؟ پاسخ شما دربارهٔ کودکی که در همین وضع باشد، متفاوت خواهد بود؟ یک نوجوان چطور؟ چرا؟

قدم پنجم: برای داوری دربارهٔ بهترین واکنش، ارزش‌ها و علائق مربوطه را در نظر بگیرید.

همان‌طور که آموختید، هدف اصلی عدالت اصلاحی آن است که پس از وقوع خطا یا آسیب امور به نحوی منصفانه تصحیح شود. ما غالباً ما بلیم که از وقوع مجدد خطا یا آسیب هم پیشگیری کنیم تا بتوانیم در جامعه‌ای نظام‌مند و عادلانه زندگی کنیم. بنابراین وقتی دربارهٔ واکنش‌های مناسب به خطاها و آسیب‌ها داوری می‌کنیم، باید اهدافی نظیر تصحیح، پیشگیری و بازداشتن را در نظر داشته باشیم. برای اطمینان از منصفانه بودن واکنش‌ها، باید از اصل تناسب استفاده کنیم.

ما باید ارزش‌ها و علائق دیگری را هم در نظر بگیریم. از یک سو ممکن است بخواهیم شأن انسانی

را پاس بداریم و به حیات احترام بگذاریم. از سوی دیگر ممکن است به کیفر رساندن برای ما مهم باشد. سنجش تمامی این ملاحظات که گاه ممکن است با هم ناسازگار باشند، معمولاً کار دشواری است. گاهی اوقات هدف واکنش ما این است که عدالت اصلاحی را برقرار کنیم، اما گاهی واکنش بر ارزش‌ها و علائق دیگری مبتنی است. برای داوری دربارهٔ واکنش مناسب، این پرسش‌ها را در نظر داشته باشید:

الف. چه واکنش‌هایی تخلف یا آسیب را تصحیح می‌کند؟

نیاز ما به عدالت اصلاحی ممکن است با واکنش‌هایی که امور را به نحوی تصحیح می‌کنند، مرتفع شود؛ مثلاً با واکنش‌هایی نظیر وادار کردن فرد متخلف به بازگرداندن چیزی که به او متعلق نیست یا جبران کردن چیزی که از دست رفته است یا تنبیه کردن فرد متخلف. اما باید به خاطر داشته باشیم که یک واکنش ممکن است اهداف دیگری، جز اهداف عدالت اصلاحی را برآورده کند. مثال: اگر دوستی یکی از وسائل شما را تصادفاً بشکند، شما احتمالاً از او نخواهید خواست هزینه‌اش را بپردازد یا مشابه آن را بخرد.

ب. چگونه ممکن است یک واکنش از تخلفات یا آسیب‌های آینده پیشگیری کند؟

در بسیاری موارد، یکی از دلایل اصلی گزینش یک واکنش خاص به تخلف یا آسیب این است که امید داریم واکنش مزبور مانع تکرار آن خطا توسط فرد متخلف یا دیگران در آینده شود. مثال: زندانی کردن فردی که مرتکب جرمی شده است، او را از جامعه خارج می‌کند. امید ما این است که وقتی او از زندان خارج شد، دوباره مرتکب آن خطا نشود. دیگرانی هم که آزادی برایشان مهم است، ممکن است از دست زدن به آن جرم پرهیز کنند.

پ. تأثیر یک واکنش بر عدالت توزیعی چیست؟

بر اساس عدالت توزیعی باید با موارد مشابه برخورد مشابه داشت. با مواردی که تفاوت مهمی دارند هم باید برخوردهای متفاوتی داشت.

مثال: فرض کنید دو نفر که سابقهٔ جنایی مشابهی دارند، در حال دزدی دستگیر می‌شوند. هر دو محاکمه و محکوم می‌شوند. اگر یکی زندانی و دیگری به نحو مشروط آزاد شود، ممکن است این واکنش‌ها نامتناسب با عدالت توزیعی دیده شوند.

ت. تأثیر یک واکنش بر شأن انسانی چیست؟

بسیاری بر این باورند که باید شأن انسانی همهٔ انسان‌ها، فارغ از این که دست به چه اعمالی می‌زنند را رعایت کرد، یعنی باید به همه به عنوان انسان‌هایی ارزشمند و برخوردار از حقوق بنیادین احترام گذاشت. به عنوان مثال، حتی در پاسخ به شنیع‌ترین جرایم هم نباید واکنشی سنگدلانه نشان داد.

ث. تأثیر یک واکنش بر ترویج ارزش حیات انسان چیست؟

زندگی انسان ارزشی بنیادین دارد که باید از آن مراقبت به عمل آید. کسانی معتقدند که حکم اعدام با چنین ارزشی سازگار نیست، حتی وقتی که این حکم برای یک قاتل صادر می‌شود. دیگران بر این باورند که اعدام افراد را از قتل باز می‌دارد و به این ترتیب است که حرمت حیات انسانی را پاس می‌دارد.

ج. با توجه به منابع موجود، کدام واکنش‌ها عملی هستند؟

افراد و جامعه باید در مقام واکنش به تخلفات و آسیب‌ها تلاش کنند که از وقت، انرژی و دارایی خود به نحوی مؤثر استفاده کنند. هزینه واکنش‌های مختلف باید در نظر گرفته شود. در برخی موارد، هزینه واکنشی که ممکن است امور را کاملاً تصحیح کند، بسیار زیاد است.

مثال: در نظام قضایی ما، جامعه هزینه گردآوری قرائن علیه متخلفین، محاکمه آنها در دادگاه و فرستادن گناهکاران به زندان یا سایر نهادها را می‌پردازد. با این حال، جامعه معمولاً هزینه آنچه را که فرد قربانی در اثر جرم و جنایت از دست داده است، نمی‌پردازد.

چ. تأثیر یک واکنش بر آزادی چیست؟

جامعه ما، مثل بسیاری جوامع دیگر، برای آزادی فردی، آزادی انتخاب و آزادی بیان ارزش بسیار زیادی قائل است. در مقام گزینش یک واکنش باید تأثیر آن بر آزادی متخلف و بقیه افراد جامعه در نظر گرفته شود.

ح. تأثیر یک واکنش بر تناسب چیست؟

یکی از اساسی‌ترین معیارهای داوری درباره منصفانه بودن یک واکنش این است که آیا با شدت تخلف یا آسیب تناسب دارد یا نه.

مثال: واکنش به یک قاتل خونسرد باید شدیدتر از واکنش به یک دزد دوچرخه باشد. این معنای تناسب جرم و تنبیه است.

خ. چگونه ممکن است یک واکنش میل به انتقام را سیراب کند؟

از گذشته‌های دور، انسان‌ها میل به انتقام را در درک خودشان از عدالت به حساب می‌آورده‌اند. در اسطوره‌های یونانی، نمیس الهه انتقام بود. امروزه افرادی معتقدند که انتقام نباید یکی از معیارهای ما برای گزینش یا ارزیابی واکنش‌ها باشد، اما به نظر افرادی دیگر میل به انتقام میلی طبیعی است و در مقام تصحیح امور باید در نظر گرفته شود.

مثال: سرفرانسیس بیکن در سال ۱۶۲۵ نوشت «انتقام نوعی از عدالت وحشی است که هر چه طبیعت انسانی بیشتر آن را طلب می‌کند، قانون باید بیشتر آن را وجین کند».

نظر شما چیست؟

۱. چگونه ممکن است در نظر گرفتن ارزش‌ها و علائق، منصفانه بودن واکنش به تخلف یا آسیب را تضمین کند؟

۲. در نظر نگرفتن ارزش‌ها و علائق در مقام داوری درباره واکنش به تخلفات چه مشکلاتی ممکن است پیش بیاورد؟

۳. چگونه ممکن است یک واکنش که میل به انتقام را فرو می‌نشاند، با ارزش‌هایی نظیر ارزش شأن انسان و حیات انسان ناسازگار درآید؟ چگونه باید این ناسازگاری را رفع کرد؟ چرا؟

تمرین تفکر انتقادی

بررسی یکی از موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی

داستان زیر را که برگرفته از رمان «جنایت و مکافات» داستایفسکی (۱۸۸۱ - ۱۸۲۱) است بخوانید و در گروه‌های کوچک جدول ابزارهای مفهومی را که در پایان درس می‌آید، تکمیل کنید. بعد از تکمیل کردن جدول، به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید که پاسخ‌ها را با کلاس در میان بگذارید.

قتل آلیونا ایوانووا

رادین راسکلنیکف خانه پدری‌اش در حومه شهر را ترک کرد و به سن پترزبورگ رفت تا به دانشگاه برود. خانواده او فقیر بود، با این حال تلاش می‌کردند پول اندکی برای او بفرستند که بتواند به تحصیلش ادامه دهد. راسکلنیکف در اتاقی کوچک و تاریک زندگی می‌کرد و غذای اندکی می‌خورد. درس خواندن برای او مشکل‌تر و مشکل‌تر می‌شد. فقر خودش آنقدر ناراحتش نمی‌کرد که ایثارگری خانواده‌اش. دانشجوی جوان به فکر ارتکاب جنایت افتاد. این جنایت خانواده‌اش را از دست و پا زدن در فقر نجات می‌داد. جنایتی که بیش از یک جنایت برای پول بود. این جنایت کیفیت زندگی را بهتر می‌کرد و راسکلنیکف بابت آن مورد تقدیر قرار می‌گرفت.

راسکلنیکف تصمیم گرفت آلیونا ایوانووا، پیرزنی نزول‌خوار را که به دانشجویان زیادی پول نزول داده بود، به قتل برساند. پیرزن با پول دانشجویان فقیری نظیر راسکلنیکف ثروتمند شده بود و با این حال، لیزاوتا، ناخواهری مهربان اما کم‌هوش خود را وادار می‌کرد که برای پول درآوردن سخت کار کند. از نظر راسکلنیکف، آدم نزول‌خوار شایسته زندگی کردن نبود. او معتقد بود مرگ پیرزن نزول‌خوار به نفع لیزاوتا بود و جهان را جای بهتری می‌کرد.

راسکلنیکف زمانی به آپارتمان آلیونا ایوانووا و لیزاوتا رفت که می‌دانست لیزاوتا در بازار کار می‌کند. به پیرزن گفت که می‌خواهد جاسیگاری نقره‌اش را گرو بگذارد. تا پیرزن پشتش را به او کرد، راسکلنیکف با تبر به او ضربه‌ای زد. وقتی مطمئن شد که پیرزن مرده است، شروع به سرقت از آپارتمان کرد. ناگهان، لیزاوتا به خانه برگشت. او از دیدن جنازه خواهرش چنان وحشت زده شد که به سختی می‌توانست حرف بزند یا حرکت کند. راسکلنیکف می‌دانست که لیزاوتا او را به عنوان قاتل پیرزن نزول‌خوار شناسایی خواهد کرد. به همین دلیل، پیش از آنکه او فریاد بزند یا از آپارتمان خارج شود، او را هم با تبر کشت.

راسکلنیکف از آپارتمان گریخت، به اتاق خودش رفت و تبر را مخفی کرد. به زودی احساس گناه کرد و تلویحاً به دوستانش گفت که می‌داند قاتل کیست. وقتی پلیس از او سؤالاتی پرسید، راسکلنیکف اطلاعاتی به آنها داد که فهمیدند او قاتل است. با این حال، پیش از آنکه پلیس او را بازداشت کند، او خودش به هر دو قتل اعتراف کرد.

نظر شما چیست؟

۱. واکنش مناسب به تخلفات و آسیب‌های مطرح شده در این داستان چیست؟
۲. اگر قرار بود دو واکنش جداگانه به دو قتلی که راسکلنیکف مرتکب شده نشان داده شود، آیا واکنش به قتل آلیونا ایوانووا می‌بایست شدیدتر از واکنش به قتل لیزاوتا می‌بود؟ چرا؟
۳. آیا واکنش‌های پیشنهادی شما با هدف اصلاح تخلف یا آسیب طراحی شده‌اند؟
۴. آیا واکنش‌های پیشنهادی شما با هدف پیشگیری از تخلف یا آسیب طراحی شده‌اند؟

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. فرض کنید که شما در روسیه تزاری زمان ایوانووا زندگی می‌کنید. یکی از عناوین زیر را انتخاب کنید و سرمقاله‌ای درباره راسکلنیکف و واکنش مناسب به او بنویسید.
 - قربانی واقعی کیست؟
 - تقلیدی مسخره از عدالت
 - در حمایت از نظم مدنی
 - چشم در برابر چشم
 - اعتراف واقعی
 - خشونت علیه زنان
۲. در این باره تحقیق کنید که جوامع مختلف چگونه به جرم‌هایی نظیر قتل، دزدی و سرقت اموال دولتی واکنش نشان می‌دهند. گزارشی از تحقیق خود به کلاس ارائه کنید.

جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی عدالت اصلاحی

پاسخ‌ها	پرسش‌ها
	تخلف یا آسیب را تعیین کنید: الف. تخلف یا آسیب چه بود؟ ب. تخلف یا آسیب تا چه حد شدید بود؟ موارد زیر را در نظر بگیرید: وسعت، مدت، تأثیر و موهن بودن.
	ویژگی‌های مهم فرد یا افراد متخلف را تعیین کنید: الف. وضعیت ذهنی فرد متخلف در زمان تخلف چگونه بود؟ این موارد را در نظر بگیرید: قصد، بی‌پروایی، غفلت، علم به پیامدهای احتمالی، مهار یا انتخاب، وظیفه یا تکلیف، ارزش‌ها، علائق یا مسئولیت‌های مهم. ب. کدام داده‌ها درباره تاریخچه زندگی فرد برای داوری درباره واکنش منصفانه مهم هستند؟ پ. کدام داده‌ها درباره شخصیت فرد برای داوری درباره واکنش منصفانه مهم هستند؟ ت. فرد متخلف بعد از تخلف چه احساساتی دارد؟ ث. فرد متخلف چه نقشی در وقوع تخلف داشت؟
	ویژگی‌های مهم فرد آسیب دیده را تعیین کنید: الف. آیا فرد آسیب دیده هم نقشی در ارتکاب تخلف یا ایجاد آسیب داشت؟ ب. آیا فرد آسیب دیده توان بهبود یافتن از آسیب وارده را دارد؟
	واکنش‌های رایج به تخلف یا آسیب و اهداف آنها را بررسی کنید: الف. آیا باید فرد متخلف را نسبت به تخلف آگاه کنیم؟ چرا؟ ب. آیا باید از تخلف چشم‌پوشی کنیم؟ چرا؟ پ. آیا باید فرد متخلف را ببخشیم؟ چرا؟ ت. آیا باید فرد متخلف را تنبیه کنیم؟ چرا؟ ث. آیا باید از فرد متخلف بخواهیم آنچه را گرفته است، بازگرداند؟ چرا؟ ج. آیا باید از فرد متخلف بخواهیم خسارتی را که زده است، جبران کند؟ چرا؟ چ. آیا باید فرد متخلف را تحت درمان یا آموزش قرار دهیم؟ چرا؟
	ارزش‌ها و علائق مربوطه را در نظر گرفته و درباره واکنش مناسب تصمیم بگیرید: الف. چه واکنش‌هایی تخلف یا آسیب را تصحیح می‌کنند؟ ب. چه واکنش‌هایی از تخلف پیشگیری می‌کنند؟ پ. چه واکنش‌هایی عدالت توزیعی را ترویج می‌کنند؟ ت. چه واکنش‌هایی شأن انسانی را پاس می‌دارند؟ ث. چه واکنش‌هایی ارزش زندگی را ترویج می‌کنند؟ ج. چه واکنش‌هایی، در چهارچوب امکانات موجود، عملی هستند؟ چ. چه واکنش‌هایی آزادی فرد متخلف و جامعه را پاس می‌دارند؟ ح. چه واکنش‌هایی با شدت تخلف تناسب دارند؟ خ. چه واکنش‌هایی میل به انتقام را سیراب می‌کنند؟
	دلایلی را که برای تصمیم خود دارید، توضیح دهید.

واکنش مناسب به تخلفات و آسیب‌ها چیست؟

هدف این درس

در این درس شما از ابزارهای مفهومی‌ای که با آنها آشنا شده‌اید، استفاده می‌کنید. در پایان این درس، شما باید بتوانید با به کارگیری این ابزارهای مفهومی، موضوعات مرتبط با عدالت اصلاحی را بررسی و درباره آنها موضع‌گیری کنید.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی، موضع‌گیری و دفاع از موضع

داستان «رسوایی در دولت محلی» را بخوانید، سپس:

- تخلفات و آسیب‌های ایجاد شده به وسیله برخی مسئولین دولتی در بی‌سیتی را تعیین کنید.
 - از جدول ابزارهای مفهومی در انتهای این درس برای گزینش واکنش مناسب استفاده کنید.
- معلم شما ممکن است از شما بخواهد که به تنهایی گزارشی از مواضع خود بدهید یا ممکن است کلاس را به گروه‌هایی تقسیم کند که نقش «نیروی ویژه» در شهرداری را بازی کنند. نیروی ویژه مسئولیت انجام تحقیقات درباره رسوایی و ارائه پیشنهاد را دارد. راهنمای عمل نیروی ویژه بعد از مقاله روزنامه می‌آید.

رسوایی در دولت محلی

پرده از فساد گسترده در بی‌سیتی برداشته شد

روزنامه گزت از فساد گسترده در میان مسئولان بی‌سیتی مطلع شده است. مدارک ده‌ها مورد رشوه‌گیری و پرداخت غیرقانونی پول به بازرسان شهر گردآوری شده است. ادارات درگیر در این پرونده عبارتند از اداره آتش‌نشانی، دفتر تدوین قوانین ساختمان‌سازی و کمیسیون بهداشت. تعدادی از مقاطعه‌کاران ساختمانی صاحب جواز نیز دخیلند.

گزت برای آنکه به شایعات مربوط به فساد رسیدگی کند، به میرتا رامیرز پول داد که یک مغازه تنقلات فروشی کوچک بخرد. او تعمیرات مختصری انجام داد ولی تعداد زیادی از نقص‌های ساختمانی و بهداشتی اساسی را تعمیر نشده رها کرد. سپس رامیرز با رابرت میننگ، یک مقاطعه‌کار ساختمانی که جواز هم دارد، تماس گرفت. او از میننگ پرسید که آیا می‌تواند به مسئله بازرسی مغازه رسیدگی کند

به نحوی که انگار قوانین ساختمان‌سازی، بهداشتی و ایمنی رعایت شده باشد. مینینگ گفت که می‌تواند این کار را انجام دهد به شرط آنکه دستمزد او ابتدا پرداخته شود. رامیرز مبلغ قابل توجهی پول نقد به مینینگ داد و او هم تعدادی از کارت‌های شرکت را به رامیرز داد. مینینگ توضیح داد که هر وقت بازرسان به مغازه آمدند، رامیرز باید ۱۰۰ دلار در یک پاکت بگذارد و همراه با کارت شرکت به بازرس بدهد. مینینگ قول داد که در این صورت کسی او را اذیت نخواهد کرد.

اولین بازرسی که به مغازه آمد، از اداره آتش‌نشانی بود. رامیرز پاکت را به او داد و او محتویات پاکت را بررسی کرد. بازرس تعدادی از اشکالات اساسی را نادیده گرفت و با پر کردن یک فرم اعلام کرد که مغازه امن و آماده استفاده است. رامیرز همین شیوه را برای بازرسان بعدی به کار گرفت. بازرسان هم بعد از دریافت پاکت، تأییدنامه لازم را صادر می‌کردند. هیچکدام از این کارمندان دولت بازرسی دقیقی انجام ندادند و از رامیرز نخواستند که تغییری در وضعیت مغازه ایجاد کند. بعد از این اتفاقات، گزت رؤسای ادارات مربوطه را دعوت کرد که با رامیرز در مغازه دیدار کنند. از آنها خواسته شد که مغازه را برای یافتن تخلفات بازرسی کنند. آنها با دقت این کار را انجام دادند و سی و هشت اشکال پیدا کردند. همگی پذیرفتند که مغازه برای بهداشت و امنیت عمومی خطر آفرین است.

دیدار با «نیروی ویژه» دفتر شهردار

یک هفته بعد از چاپ داستان فساد در بی‌سیتی، شهردار نیروی ویژه‌ای را موظف کرد که به موضوع رسیدگی کنند و توصیه‌های خود را درباره واکنش‌های مناسب به دفتر شهردار بدهند. اگر کلاس به گروه‌های کوچک تقسیم شده است، هر گروه باید نقش نیروی ویژه را بازی کند و اقدامات زیر را انجام دهد:

- خلاصه شهادت شاهدان را بخوانید.
- جدول ابزارهای مفهومی را تکمیل کنید.
- درباره هر یک از افراد درگیر در پرونده توصیه‌های لازم برای واکنش مناسب را ارائه کنید.
- آماده باشد که واکنش‌های توصیه شده را برای کلاس توضیح دهد.

دن داچینسکی، رئیس دفتر تدوین قوانین ساختمان‌سازی

شهادت در جلسه صبح در تاریخ ۵ فوریه گرفته شد.

آقای داچینسکی ۳۷ ساله است و از همسر خود طلاق گرفته است. او ۱۷ سال برای این دفتر کار کرده است. او ۸ سال است که این سمت را برعهده دارد. حقوق او ۴۰۰۰۰ دلار در سال است. آقای داچینسکی سابقه کاری خوبی دارد و در آخرین ارزیابی، رئیسش او را «عالی» ارزیابی کرده است. او هیچ سابقه مجرمانه‌ای ندارد.

آقای داچینسکی در شهادتی که داد، بیان کرد که «من هیچ اطلاعی از این رفتارهای کارمندانم نداشتم. شاید وظیفه‌ام بود که بدانم، ولی نمی‌دانستم». به او یادآوری شد که سال گذشته، شهردار از او خواسته بود به شکایات مربوط به رشوه‌خواری به وسیله بازرسان ساختمان رسیدگی کند. او شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت «من از تعدادی از همکارانم در این زمینه پرس‌وجو کردم. آنها گفتند که کسی رشوه نمی‌گیرد. کسی که به اندازه من عمرش را در دولت سپری کرده باشد، می‌داند که نباید خیلی سؤال پرسد».

رابرت مینینگ، مقاطعه‌کار

شهادت در جلسه بعدازظهر در تاریخ ۴ فوریه گرفته شد.

این شاهد ۵۲ ساله، متأهل و پدر چهار فرزند ۱۱ تا ۲۶ ساله است. او ۲۵ سال است که مجوز دارد. آقای مینینگ می‌پذیرد که ارزش اموال او بیش از یک میلیون دلار است، اما هیچ توضیحی درباره نحوه به دست آوردن این اموال نمی‌دهد. سوابق نشان می‌دهد که او در سال ۱۹۸۰ به مدت شش ماه از کار معلق شده است. این تعلیق نتیجه فراهم آوردن مواد ساختمانی متفاوت با مواد قید شده در قرارداد بوده است. او هیچ تخلف جنایی یا حرفه‌ای دیگری در کارنامه ندارد.

آقای مینینگ پذیرفت که همان‌گونه رفتار کرده که در مقاله توصیف شده است، اما از بلوای برپا شده بعد از انتشار مقالات گزت متعجب به نظر می‌رسید. او اظهار کرد که رفتارش به هیچ وجه نامعمول نیست. او گفت «اینجا بی‌سیتی است، همین. من برای بیش از ۲۵ سال مقاطعه‌کار بوده‌ام. کارها تا به حال همین طور پیش رفته و از این به بعد هم همین طور پیش خواهد رفت».

جنین لپر، افسر آتش‌نشانی بی‌سیتی

شهادت در جلسه صبح در تاریخ ۴ فوریه گرفته شد. جنین لپر ۲۳ ساله است و دو فرزند دارد. او دو سال است که بازرسان اداره آتش‌نشانی است. سابقه کاری او در این اداره بسیار خوب است. او سابقه جنایی ندارد، اما یک بار به دلیل تقلب در امتحان به مدت دو هفته تعلیق شده است.

خانم لپر در شهادتی که داد، پذیرفت که رشوه دریافت کرده است. او گفت «ببینید، من می‌دانم که این کار اشتباهی است. من کارم را در اداره شروع کردم و هرگز رشوه نگرفتم، اما دیدم که سایر بازرسان رشوه می‌گیرند و کسی هم اهمیت نمی‌دهد. من تنها هستم و باید از دو فرزندم مراقبت کنم. حقوقی که اداره آتش‌نشانی می‌دهد هم ناکافی است. با خودم فکر کردم اگر رشوه بگیرم، فرزندانم می‌توانند لباس‌های مناسب بپوشند». خانم لپر در جلسه صبح ۶ فوریه نامه‌ای به نیروی ویژه داد. او در نامه گفته بود که حاضر است درباره رشوه‌گیری سایر بازرسان شهادت بدهد، به شرط آنکه نیروی ویژه مانع تعقیب قضایی او شود.

نظر شما چیست؟

۱. گروه شما چه واکنش‌هایی برای تخلفات هر یک از سه فرد فوق پیشنهاد می‌کند؟
۲. آیا همه گروه‌ها واکنش‌های مشابهی در قبال تخلفات تشریح شده در گزرت پیشنهاد می‌کنند؟
۳. واکنش‌های پیشنهادی تا چه حد منصفانه‌اند؟ دلیل بیاورید.
۴. آیا واکنش‌های پیشنهادی تخلفات یا آسیب‌ها را تصحیح می‌کنند؟
۵. آیا واکنش‌های پیشنهادی از تخلفات یا آسیب‌ها پیشگیری می‌کنند؟

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. یکی از اعضای یک سازمان نظارتی دولتی را به کلاس دعوت کنید تا پرونده‌هایی مشابه آنچه در این درس مطرح شد را به بحث بگذارد. از این عضو دربارهٔ واکنش‌های سازمان او در شرایط مشابه پرسید.
۲. دربارهٔ واکنش‌ها به یکی از رسوایی‌های دولتی زیر تحقیق کنید و نتیجهٔ تحقیقات را به کلاس گزارش کنید.

• رسوایی واترگیت در ۱۹۷۲

• رسوایی ایران - کنترا در اواخر دههٔ ۱۹۸۰

۳. یک مسئلهٔ مربوط به عدالت اصلاحی در مدرسه، محله یا حکومت را تعیین کنید. موضوع را برای کلاس تشریح کنید. توضیح دهید چرا این موضوع با عدالت اصلاحی مرتبط است و چه ارزش‌ها و علائق دیگری ممکن است در کار باشد. از ابزارهای مفهومی معرفی شده در درس هشتم استفاده کنید و دربارهٔ موضوع موضع‌گیری کنید یا توضیح دهید که چرا داده‌ها برای اتخاذ یک موضع معقول کافی نیستند.

جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی عدالت اصلاحی

لپر	مینگ	داجینسکی	پرسش‌ها
			تخلف یا آسیب را تعیین کنید: الف. تخلف یا آسیب چه بود؟ ب. تخلف یا آسیب تا چه حد شدید بود؟ موارد زیر را در نظر بگیرید: وسعت، مدت، تأثیر و موهن بودن.
			ویژگی‌های مهم فرد یا افراد متخلف را تعیین کنید: الف. وضعیت ذهنی فرد متخلف در زمان تخلف چگونه بود؟ این موارد را در نظر بگیرید: قصد، بی‌پروایی، غفلت، علم به پیامدهای احتمالی، مهار یا انتخاب، وظیفه یا تکلیف، ارزش‌ها، علائق یا مسئولیت‌های مهم. ب. کدام داده‌ها درباره تاریخچه زندگی فرد برای داوری درباره واکنش منصفانه مهم هستند؟ پ. کدام داده‌ها درباره شخصیت فرد برای داوری درباره واکنش منصفانه مهم هستند؟ ت. فرد متخلف بعد از تخلف چه احساساتی دارد؟ ث. فرد متخلف چه نقشی در وقوع تخلف داشت؟
			ویژگی‌های مهم فرد آسیب دیده را تعیین کنید: الف. آیا فرد آسیب دیده هم نقشی در ارتکاب تخلف یا ایجاد آسیب داشت؟ ب. آیا فرد آسیب دیده توان بهبود یافتن از آسیب وارده را دارد؟
			واکنش‌های رایج به تخلف یا آسیب و اهداف آنها را بررسی کنید: الف. آیا باید فرد متخلف را نسبت به تخلف آگاه کنیم؟ چرا؟ ب. آیا باید از تخلف چشم‌پوشی کنیم؟ چرا؟ پ. آیا باید فرد متخلف را ببخشیم؟ چرا؟ ت. آیا باید فرد متخلف را تنبیه کنیم؟ چرا؟ ث. آیا باید از فرد متخلف بخواهیم آنچه را گرفته است، بازگرداند؟ چرا؟ ج. آیا باید از فرد متخلف بخواهیم خسارتی را که زده است، جبران کند؟ چرا؟ چ. آیا باید فرد متخلف را تحت درمان یا آموزش قرار دهیم؟ چرا؟
			ارزش‌ها و علائق مربوطه را در نظر گرفته و درباره واکنش مناسب تصمیم بگیرید: الف. چه واکنش‌هایی تخلف یا آسیب را تصحیح می‌کنند؟ ب. چه واکنش‌هایی از تخلف پیشگیری می‌کنند؟ پ. چه واکنش‌هایی عدالت توزیعی را ترویج می‌کنند؟ ت. چه واکنش‌هایی شأن انسانی را پاس می‌دارند؟ ث. چه واکنش‌هایی ارزش زندگی را ترویج می‌کنند؟ ج. چه واکنش‌هایی، در چهارچوب امکانات موجود، عملی هستند؟ چ. چه واکنش‌هایی آزادی فرد متخلف و جامعه را پاس می‌دارند؟ ح. چه واکنش‌هایی با شدت تخلف تناسب دارند؟ خ. چه واکنش‌هایی میل به انتقام را سیراب می‌کنند؟
			دلایلی را که برای تصمیم خود دارید، توضیح دهید.

بخش چهارم

عدالت روشی چیست؟

هدف این بخش

این بخش به عدالت روشی، یعنی به منصفانه بودن روش‌ها یا شیوه‌های انجام امور، می‌پردازد. شما با دلایل اهمیت عدالت روشی آشنا می‌شوید و از ابزارهای مفهومی استفاده می‌کنید تا موضوعات مرتبط با عدالت روشی را بررسی کنید، درباره آنها موضع‌گیری کنید و از موضع خود دفاع کنید. در پایان این بخش، شما باید بتوانید عدالت روشی را تعریف کنید، اهمیت آن را توضیح دهید و از ابزارهای مفهومی برای اتخاذ تصمیم‌های خردمندانه درباره موضوعات مرتبط با عدالت روشی استفاده کنید.

چرا عدالت روشی مهم است؟

هدف این درس

این درس شما را با عدالت روشی آشنا می‌کند. شما تعریف این نوع عدالت و دلایل اهمیت آن را فرا می‌گیرید. در پایان این درس، باید بتوانید عدالت روشی را تعریف کنید، اهمیت آن را توضیح دهید و بر اساس تجربه خود پاره‌ای موضوعات مرتبط با عدالت روشی را تعیین کنید.

اصطلاحات ضروری

عدالت روشی
آئین دادرسی حقوقی

تمرین تفکر انتقادی

بررسی موضوعات مرتبط با عدالت روشی

با یکی از همکلاسی‌ها همکاری کنید. برای هر یک از موقعیت‌های زیر، به پرسش‌های مطرح شده در بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید. آماده باشید پاسخ‌های خود را با همکلاسی‌هایتان در میان بگذارید.

- کسی شما را متهم می‌کند که مرتکب خطایی شده‌اید و بدون معطلی، پیش از آنکه شما فرصت کنید روایت خود از ماجرا را بیان کنید، شما را تنبیه می‌کند.
- شما و تعدادی از دوستانتان می‌خواهید به سینما بروید. به خانه یکی از دوستان می‌روید تا تصمیم بگیرید چه فیلمی را ببینید، اما با کمال ناراحتی متوجه می‌شوید که گروه بدون حضور شما تصمیم به دیدن فیلمی گرفته که هیچ میلی به دیدن آن ندارید.
- شورای شهر جلسه تحقیقی برگزار می‌کند تا تصمیم بگیرد ۵ میلیون دلار پول مالیات را صرف چه کاری کند. آگهی جلسه منتشر شده تا افراد و گروه‌هایی که مایلند در جلسه باشند، بتوانند بیایند و دیدگاه‌های خود را درباره نحوه هزینه کردن پول مالیات مطرح کنند.
- مسئولان یک فرد متهم به تروریست بودن را به مدت پنج روز شکنجه کردند تا وقتی که او اعتراف کرد در چند بمب‌گذاری شرکت داشته است. در اثر این بمب‌گذاری‌ها چندین نفر به قتل رسیدند.

نظر شما چیست؟

۱. برای جمع‌آوری اطلاعات یا گرفتن تصمیم چه شیوه‌ای در پیش گرفته شد؟
۲. این شیوه منصفانه بود یا نه؟ چرا؟

اهداف عدالت روشی کدامند؟

- هر کدام از موقعیت‌های فوق به نحوی با عدالت روشی مرتبط است. عدالت روشی به منصفانه بودن شیوه انجام امور می‌پردازد. به عبارت دقیق‌تر، عدالت روشی به امور زیر می‌پردازد:
- منصفانه بودن گردآوری اطلاعات؛
 - منصفانه بودن شیوه تصمیم‌گیری.
- عدالت روشی به منصفانه بودن تصمیم‌ها توجهی ندارد. اهداف عدالت روشی عبارتند از:
- بالا بردن احتمال اینکه همه اطلاعات لازم برای اتخاذ تصمیمی خردمندانه و عادلانه گردآوری شده است؛
 - اطمینان حاصل کردن از اینکه در مسیر تصمیم‌گیری، اطلاعات به نحوی خردمندانه و عادلانه به کار گرفته شده‌اند؛
 - حراست از ارزش‌هایی نظیر حق حریم خصوصی، شأن انسانی، آزادی، عدالت توزیعی و عدالت اصلاحی و بالا بردن کارآمدی.

چرا عدالت روشی مهم تلقی می‌شود؟

پژوهشگران و سایر کسانی که عدالت روشی را مورد مطالعه قرار داده‌اند معتقدند که این نوع از عدالت سنگ بنای آزادی و قلب تپنده قانون است. ناظران امور هم معتقدند که درجه عدالت روشی در هر کشور شاخص درجه آزادی، احترام برای شأن انسانی و سایر حقوق بشر در آن کشور است. فقدان عدالت روشی غالباً نشانه استقرار یک نظام سیاسی اقتدارگرا یا تمامیت‌خواه محسوب می‌شود. احترام به عدالت روشی غالباً نشانه استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک به حساب می‌آید.

کسانی که با این حوزه آشنا نیستند معمولاً در قیاس با سایر ارزش‌ها اهمیت کمتری برای عدالت روشی قائل می‌شوند. برای غیرمتخصصین درک این نکته دشوار است که شیوه گردآوری اطلاعات و نحوه اتخاذ تصمیم به اندازه خود تصمیم اهمیت دارد. کسانی ممکن است مدعی شوند، به عنوان مثال، اینکه رئیس‌جمهور یا مجلس چگونه تصمیم می‌گیرند، به اندازه اینکه چه تصمیمی می‌گیرند، اهمیت ندارد. توجه به اینکه پلیس چگونه قرائن را گرد آورده است یا دادگاه از چه شیوه‌ای بهره برده است، دشوارتر از توجه به گرفتن تصمیم درست درباره تنبیه افراد متخلف به نظر می‌رسد.

هر چند ما در این بخش بر فعالیت‌های سازمان‌های دولتی متمرکز می‌شویم، اما درک این نکته مهم است که عدالت روشی برای گردآوری اطلاعات و تصمیم‌گیری در فضاهای غیردولتی، مانند خانه، محله و محل کسب و کار نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

نظر شما چیست؟

۱. در خانه، مدرسه و محله با چه مواردی مواجه شده‌اید که با عدالت روشی مرتبط باشد؟
۲. چرا دنبال کردن اهداف عدالت روشی برای بخش خصوصی مهم است؟
۳. با ذکر نمونه‌هایی از اتفاقات تاریخی یا وقایع اخیر نشان دهید که نظام‌های سیاسی دموکراتیک از حیث عدالت روشی چه تفاوت‌هایی با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا یا تمامیت‌خواه دارند؟

چرا نهادهای متولی اجرای قانون و دادگاه‌ها باید از شیوه‌های منصفانه استفاده کنند؟

اغلب جوامع لازم دیده‌اند که به برخی افراد اجازه‌گردآوری اطلاعات درباره‌ی جرائم را بدهند و به برخی افراد اجازه‌ی بازداشت متهمان را بدهند. آنها همچنین لازم دیده‌اند که برخی مقامات مسئول اجازه‌ی برگزاری محاکمه بدهند تا بتوانند تصمیم بگیرند که آیا متهمان گناهکار هستند یا نه. در ایالات متحده کسانی که در نهادهای متولی اجرای قانون و یا دادگاه‌ها کار می‌کنند، این وظایف را برعهده دارند.

ما به افرادی که در این نهادهای دولتی کار می‌کنند، قدرت فراوانی می‌دهیم و آنها را بر زندگی و دارایی مردم مسلط می‌کنیم. بنابراین ما به مجموعه‌ای از قواعد احتیاج داریم که این قدرت را مهار کند و نحوه‌ی استفاده از آن را تبیین کند. یک مجموعه از این قواعد، حکومت را منع می‌کند که پیش از طی کردن آئین دادرسی حقوقی، حیات، آزادی و دارایی افراد را بگیرد یا محدود کند. در اغلب نهادها معنی این حرف این است که حکومت نمی‌تواند علیه افراد اقدامی کند مگر آنکه به آنها فرصت منصفانه‌ی دفاع از خود بدهد. آئین دادرسی همچنین نهادهای مجری قانون را موظف می‌کند که در مسیر گردآوری اطلاعات یا بازداشت افراد به ارزش‌های مهمی نظیر حریم خصوصی، شأن انسانی، انصاف و آزادی احترام بگذارند.

برخی از قواعد عدالت روشی که باید به وسیله‌ی نهادهای مجری قانون و دادگاه‌ها رعایت شوند، مبتنی بر قوانین مصوب مجلس، دولت و سایر نهادهای حکومتی هستند. سایر قواعد در قانون اساسی و لایحه‌ی حقوق بشر پیش‌بینی شده‌اند. به عنوان مثال:

متمم چهارم (لایحه‌ی حقوق بشر، ۱۷۹۱): اشخاص (خود، خانه‌ها، نامه‌ها، اسناد و دارایی‌های آنان) باید مصون از تفتیش و توقیف ناموجه باشند و هیچ حکمی نباید علیه آنها صادر گردد مگر بر پایه‌ی دلیلی پذیرفتنی که متکی به سوگند و یا تأیید رسمی باشد. این حکم باید محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف شوند را تشریح کند.

متمم پنجم (لایحه‌ی حقوق بشر، ۱۷۹۱): هیچ کس به سبب ارتکاب جرمی سنگین یا ننگین، مسئول شناخته نخواهد شد، مگر بر اساس کیفر خواست یا اعلام جرم هیأت عالی منصفه، به استثنای موارد مربوط به نیروهای زمینی، دریایی یا شبه نظامی که در حال خدمت در زمان جنگ یا در زمان مخاطرات عمومی باشند. همچنین هیچ کس برای یک جرم دو بار به حبس یا اعدام محکوم نخواهد شد. هیچ کس در هیچ پرونده‌ی جنایی برای اقرار به تخلف خود مجبور نمی‌شود و هیچ کس بدون طی مراحل دادرسی از زندگی، آزادی و مالکیت محروم نخواهد شد. همچنین اموال خصوصی افراد برای استفاده عمومی مصادره نمی‌شود، مگر پس از پرداخت غرامت عادلانه.

متمم ششم (لایحه حقوق بشر، ۱۷۹۱): در کلیه دادرسی‌های جنایی، متهم از حق محاکمه سریع و علنی توسط هیأت منصفه‌ای بی‌طرف از ایالت و منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده برخوردار است. منطقه مذکور باید از سوی قانون تعیین و متهم از ماهیت و دلیل اتهام خود آگاه شده باشد. او همچنین از حق مواجهه با شهودی که علیه وی شهادت می‌دهند، حق احضار شهود به نفع خود و حق داشتن وکیل به منظور دفاع از خود برخوردار است.

چرا نظارت بر قوای مجریه و مقننه مهم است؟

ما معمولاً به زیر پا گذاشتن عدالت روشی توسط نهادهای مجری قانون و دادگاه‌ها بیشتر حساسیم تا زیر پا گذاشتن عدالت روشی توسط سایر بخش‌های حکومت. یکی از دلایل این امر ممکن است این باشد که جرائم و محاکمات خوراک تبلیغاتی بهتری هستند تا فعالیت‌های قوای مجریه و مقننه. با این حال، مهم است که فعالیت‌های قوای مجریه و مقننه را هم تحت نظر داشته باشیم. این بخش‌های حکومت هم اطلاعاتی جمع می‌کنند و تصمیماتی می‌گیرند که بر زندگی ما تأثیر عمیقی می‌گذارند. به عنوان مثال، آنها اعلام جنگ می‌کنند، تجارت را کنترل می‌کنند، مالیات جمع می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که چگونه پول مالیات را هزینه کنند.

قدرتی که به نهادهای حکومتی داده شده آنقدر زیاد است و تصمیماتی که آنها می‌گیرند آنقدر مهم است که به کارگیری روش‌های مناسب برای گردآوری اطلاعات و تصمیم‌گیری ضرورت دارد. به کارگیری روش‌های مناسب ضروری است نه فقط به این دلیل که احتمال اتخاذ تصمیم‌های خردمندانه و عادلانه را بالا می‌برد، بلکه به این دلیل که حمایت مردم از آن تصمیمات را تضمین می‌کند.

نظر شما چیست؟

۱. متمم‌های قانون اساسی که در بالا نقل شدند قواعدی را تأسیس می‌کنند که نهادهای مجری قانون و دادگاه‌ها باید برای گردآوری اطلاعات و تصمیم‌گیری درباره متهمان رعایت کنند. این قواعد چگونه اهداف عدالت روشی را برآورده می‌کنند؟
۲. کدام تصمیم‌های اعضای قوای مقننه و مجریه (محلی، ایالتی یا فدرال) تأثیر عمیقی بر زندگی، آزادی یا دارایی شما داشته است؟
۳. چه موقعیت‌هایی را تجربه یا مشاهده کرده‌اید که به کارگیری روش‌های منصفانه توسط قوای مقننه و مجریه اعتماد به حکومت را افزایش داده است؟

آیا عدالت روشی همیشه مهم است؟

تقریباً همه متهم کردن فرد بی‌گناه با به کارگیری شیوه‌های غیرمنصفانه را ناعادلانه می‌یابند. از سوی دیگر، درباره موقعیت‌هایی که فرد متهم مرتکب تخلفی بسیار بزرگ شده است، چه فکر می‌کنید؟ آیا این واقعاً مهم است که شیوه‌های به کار گرفته شده چه بوده‌اند؟ یا آنچه مهم است این است که مانع تخلف مجدد شویم؟

این دیدگاه که هدف وسیله را توجیه می‌کند، قرن‌ها قبل توسط نیکولا ماکیاولی (۱۵۲۷ - ۱۴۶۹) مورد دفاع جانانه قرار گرفت. او در «شهریار» استدلال کرد که اگر هدف شما خوب باشد، مثل ایجاد یک جمهوری آزاد، مهم نیست که در راه نیل به آن هدف چه می‌کنید. به تعبیر خود او، «عمل متهم می‌کند، نتیجه معذور».

بنیان‌گزاران ملت ما بر اساس تجربه خود می‌دانستند که فقدان عدالت روشی به سرکوب منتهی می‌شود. حکومت بریتانیا میهن‌دوستان را خائن می‌خواند. آنها این افراد میهن‌دوست را جانی قلمداد می‌کردند و برای سرشان جایزه می‌گذاشتند. مقامات حکومتی بریتانیا به صورت غیرقانونی خانه بسیاری از شهروندان را تفتیش می‌کردند. این مقامات همچنین بسیاری از آنها را برای محاکمات مخفیانه، بدون حضور هیأت منصفه، به خارج از کشور می‌بردند.

بر اساس تجربه‌هایی نظیر اینها، بنیان‌گزاران مایل بودند که قدرت حکومت در قبال شهروندان را محدود کنند. به همین دلیل، وقتی آنها ملت خویش را بنا کردند، تلاش کردند مطمئن شوند که حکومت مخلوق آنها نمی‌تواند به نحوی نامنصفانه شهروندان را تفتیش، بازداشت، بازجویی، محاکمه و زندانی کند. آنها مایل بودند نظام یا شیوه‌ای بیافرینند که به شهروندان همواره قدرت مهار حکومت را بدهد. آنها مایل بودند قدرت حکومت بر مردمی که خالق حکومت بودند را محدود کنند.

نظر شما چیست؟

۱. آیا در جامعه‌ای که فلسفه ماکیاولی را پذیرفته باشد، عدالت روشی مهم قلمداد می‌شود؟ چرا؟
۲. جامعه‌ای که بر مبنای فلسفه ماکیاولی عمل می‌کند، چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟
۳. کدام نوع جامعه، مبتنی بر فلسفه ماکیاولی یا مبتنی بر فلسفه بنیان‌گزاران آمریکا، بهتر می‌تواند جرائم را مهار کند؟ کدام جامعه بهتر می‌تواند نارضایتی سیاسی را مهار کند؟ کدام نظام می‌تواند آزادی‌های فردی را تضمین کند؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. نمونه‌هایی از موضوعات مرتبط با عدالت روشی را در مطبوعات یا تلویزیون پیدا کنید. این موضوعات را برای کلاس توضیح دهید. منصفانه بودن یا نبودن شیوه‌های گردآوری اطلاعات و اتخاذ تصمیم در این موقعیت‌ها را به بحث بگذارید.
۲. کل لایحه حقوق بشر و متمم چهاردهم را بخوانید. بندهای ناظر به شیوه‌های گردآوری اطلاعات و تصمیم‌گیری را پیدا کنید. این بخش‌ها چگونه ارزش‌های مهمی نظیر حریم خصوصی، شأن انسانی و آزادی را تضمین می‌کنند؟

درسی یازدهم

چگونه می‌توانیم منصفانه بودن روش‌ها را بررسی کنیم؟

هدف این درس

این درس اهداف عدالت روشی را مرور و شما را با سه دسته ابزار مفهومی آشنا می‌کند که برای رسیدگی به موضوعات مرتبط با عدالت روشی مفیدند. در پایان این درس، باید بتوانید مفید بودن این ابزارها را نشان دهید. دسته چهارم ابزارهای مفهومی در درس بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اصطلاحات ضروری

جامعیت	قابلیت اعتماد
اعلان	بی‌طرفی
پیش‌بینی‌پذیری	تشخیص خطا
انعطاف‌پذیری	

چگونه می‌توانید موضوعات مرتبط با عدالت روشی را بررسی کنید؟

- در این مرحله حتماً می‌دانید که اهداف عدالت روشی عبارتند از:
- بالا بردن احتمال اینکه همه اطلاعات قابل اعتماد برای اتخاذ تصمیمی خردمندانه و عادلانه گردآوری شده است؛
 - اطمینان حاصل کردن از اینکه در مسیر تصمیم‌گیری، اطلاعات به نحوی خردمندانه و عادلانه به کار گرفته شده‌اند؛
 - حراست کردن از ارزش‌هایی نظیر حق حریم خصوصی، شأن انسانی، آزادی، عدالت توزیعی و عدالت اصلاحی و بالا بردن کارآمدی.
- با در نظر گرفتن این اهداف می‌توانید منصفانه بودن شیوه‌های تصمیم‌گیری را بررسی کنید. این اهداف بسیار کلی هستند، با این حال، ممکن است به کار گرفتن آنها در شرایط خاص دشوار باشد. به همین دلیل، چهار مرحله یا چهار دسته ابزار مفهومی معرفی می‌شوند تا بتوانید منصفانه بودن شیوه‌های مورد استفاده یک نهاد دولتی یا گروه غیردولتی را تعیین کنید. در این درس، سه مرحله اول بررسی موضوعات مرتبط با عدالت روشی معرفی می‌شوند. وقتی این ابزارها را در موقعیت‌های مطرح شده

در این درس و بعدها در سایر موقعیت‌ها به کار بگیرید، متوجه خواهید شد که همه ابزارها برای همه موقعیت‌ها مناسب نیستند.

تمرین تفکر انتقادی

ابزارهای مفهومی برای گردآوری اطلاعات

این تمرین را می‌توانید در کلاس با راهنمایی معلم انجام دهید، یا می‌توانید ابتدا مراحل و ابزارها را در گروه‌های کوچک مورد بحث قرار دهید و بعد نتایج را با کلاس در میان بگذارید. بعد از اینکه هر مرحله را مطالعه کردید، به پرسش‌های مربوطه پاسخ دهید. فایده این مراحل را به بحث بگذارید و نشان دهید چگونه این ابزارها ممکن است بر موقعیت‌هایی که شما تجربه یا مشاهده کرده‌اید، اطلاق شوند.

قدم اول: اهداف شیوه‌های گردآوری اطلاعات را تعیین کنید.

چه نوع اطلاعاتی مورد درخواست است؟ چرا به این اطلاعات نیاز است؟
مثال: یک افسر پلیس در حال رانندگی از کنار بانکی عبور می‌کرد که صدای آژیر شنید و فردی را دید که با هول و هراس بانک را به سرعت ترک کرد. او آن فرد را متوقف و بازرسی بدنی کرد.
مثال: شورای شهر پیش از آنکه تصمیم بگیرد چه امکانات تفریحی‌ای در یک پارک نصب کند، جلسه‌ای عمومی برگزار کرد.

قدم دوم: شیوه‌های گردآوری اطلاعات را ارزیابی کنید.

آیا این شیوه‌ها تضمین می‌کنند که همه اطلاعات قابل اعتماد و ضروری برای اتخاذ تصمیمی خردمندانه و عادلانه گردآوری شده‌اند؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، شیوه‌ها را بر اساس ملاحظات زیر ارزیابی کنید:

الف. جامعیت: آیا شیوه‌ها جامع و کامل هستند؟ به عبارت دیگر، آیا شیوه‌ها تضمین می‌کنند که همه اطلاعات ضروری برای اتخاذ تصمیمی خردمندانه و عادلانه از همه افراد ذی‌نفع گردآورده خواهد شد.

مثال: قرار بود سر والتر رالی به دلیل شرکت کردن در یک توطئه برای خیانت محاکمه شود، اما دادگاه به او فرصت نداد که روایت خودش از ماجرا را عرضه کند.

مثال: غالباً کمیته‌های کنگره برای موضوعاتی که آنها فکر می‌کنند به قوانین تازه احتیاج دارد، نظیر مراقبت‌های پزشکی یا ایمنی سفر هوایی، در واشنگتن دی‌سی جلسه تشکیل می‌دهند. افراد یا گروه‌های علاقمند می‌توانند در صورت سفر به واشنگتن در این جلسات شرکت و دیدگاه‌های خود را عرضه کنند.

ب. اعلان: آیا شیوه‌ها و رویه‌های مورد بحث به موقع اطلاع می‌دهند تا افراد علاقمند زمان کافی برای آماده شدن و ارائه دلیل داشته باشند؟

مثال: مقامات مسئول به کلی خبر ندادند که اتهامات او چیست و چه زمانی محاکمه خواهد شد.

مثال: وقتی شورای شهر تصمیم گرفت که برای منطقه‌بندی شهر جلسه تحقیق برگزار کند، دو ماه پیش از جلسه به طور گسترده‌ای در سطح شهر اطلاعیه پخش کرد.

پ. عرضه مؤثر: آیا شیوه‌ها به افراد علاقمند فرصت می‌دهند اطلاعاتی را که مایلند به گوش تصمیم‌گیرندگان برسانند، به نحو مؤثری عرضه کنند؟

مثال: تا سال ۱۹۶۳ که دیوان عالی آمریکا درباره پرونده گیدئون علیه وین رایت تصمیم‌گیری کرد، متهمانی که توان مالی نداشتند، و کیلی به آنها اختصاص داده نمی‌شد که در محاکمه از آنها دفاع کنند، مگر در مواردی که فرد ممکن بود با مجازات مرگ مواجه شود.

مثال: امروزه کسانی که توان مالی برای استخدام وکیل ندارند، غالباً با پول مالیات‌دهندگان وکیل تسخیری دریافت می‌کنند. وکلای تسخیری معمولاً باید به افراد زیادی کمک کنند و ممکن است فقط ده تا پانزده دقیقه وقت برای مطالعه هر پرونده داشته باشند.

ت. پیش‌بینی‌پذیری و انعطاف‌پذیری: آیا شیوه‌ها و رویه‌ها به اندازه کافی پیش‌بینی‌پذیر - از پیش تثبیت شده - و انعطاف‌پذیر - قابل تغییر با هدف تأمین عدالت - هستند؟

مثال: دادگاه رویه‌های رسیدگی به پرونده آلیشیا را در حین رسیدگی تدوین کرد.

مثال: بر اساس دستور جلسه، سارا قرار بود در جلسه صحبت کند، اما به دلیل پنچری تایر ماشین دیر به جلسه رسید. او زمانی رسید که جلسه رو به پایان بود. وقتی علت تأخیر را توضیح داد، رئیس جلسه به او اجازه داد صحبت کند هرچند که نوبت او گذشته بود.

ث. اعتمادپذیری: دادگاه اجازه داد شاهدهی عینی درباره فرو ریختن یک پل شهادت دهد، اما او اجازه نداشت درباره علت فرو ریختن شهادت دهد چون مدرک دانشگاهی در زمینه معماری یا مهندسی ساختمان نداشت.

قدم سوم: شیوه‌های تصمیم‌گیری را ارزیابی کنید.

آیا شیوه‌ها تضمین می‌کنند که اطلاعات گردآوری شده به نحوی عادلانه و خردمندانه مورد استفاده قرار بگیرند؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، شیوه‌ها را بر اساس ملاحظات زیر ارزیابی کنید:

الف. بی‌طرفی: آیا شیوه‌ها، بی‌طرفی - عدم یکسویه‌نگری و تعصب - در تصمیم‌گیری را تضمین می‌کنند؟

مثال: یکی از قضات پرونده سر والتر رالی دشمن قسم خورده او بود.

مثال: در گذشته رایج بود که حقوق قضات از جریمه‌ای پرداخت می‌شد که آنها به متخلفین می‌دادند.

ب. نظارت عمومی: آیا شیوه‌ها و رویه‌ها به عموم فرصت می‌دهند که بر نحوه استفاده از اطلاعات در مسیر تصمیم‌گیری نظارت کنند؟

مثال: پلیس ماریا را مخفیانه در نیمه‌های شب بازداشت کرد و وقتی که در زندان بود، مقامات او را بدون هیأت منصفه محاکمه کردند. هیچ کس در روستای او، غیر از پلیس، قاضی و کسانی که علیه او شهادت دادند، نمی‌دانست چه خبر است.

مثال: متمم ششم قانون اساسی ایالات متحده به همه متهمان حق برخورداری از یک محاکمه علنی

می دهد.

پ. تشخیص و تصحیح خطاها: آیا شیوه‌ها به افراد علاقمند فرصت می دهند که با مرور آنچه انجام شده است، خطاها را تشخیص دهند و تصحیح کنند؟
 مثال: گری بلافاصله بعد از متهم شدن اعدام شد. به او فرصت تجدید نظرخواهی داده نشد.
 مثال: وقتی شورای شهر تصمیم گرفت که با متقاضی ساخت مدرسه جدید قرارداد ببندد، کسی صورت جلسه را ثبت نکرد.

نظر شما چیست؟

۱. آیا اعضای نهادهای حکومتی باید مجاز باشند که به هر نحو مایلند درباره افراد کسب اطلاع کنند؟ چرا؟ چه ارزش‌هایی ممکن است قربانی شوند؟
 ۲. چگونه ملاحظات نظیر جامعیت، اعلان، عرضه مؤثر، پیش‌بینی‌پذیری، انعطاف‌پذیری و قابلیت اعتماد به شما کمک می کند که منصفانه بودن روندهای گردآوری اطلاعات را ارزیابی کنید؟
 ۳. چگونه ملاحظات نظیر بی‌طرفی، نظارت عمومی و تشخیص و تصحیح خطاها به شما کمک می کند که منصفانه بودن روندهای تصمیم‌گیری را ارزیابی کنید؟

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. نمونه‌هایی از موضوعات مرتبط با عدالت روشی را در مطبوعات یا تلویزیون پیدا کنید. این موضوعات را برای کلاس توضیح دهید. منصفانه بودن یا نبودن شیوه‌های گردآوری اطلاعات و اتخاذ تصمیم در این موقعیت‌ها را به بحث بگذارید.
 ۲. کل لایحه حقوق بشر و متمم چهاردهم را بخوانید. بندهای ناظر به شیوه‌های گردآوری اطلاعات و تصمیم‌گیری را پیدا کنید. این بخش‌ها چگونه ارزش‌های مهمی نظیر حریم خصوصی، شأن انسانی و آزادی را تضمین می کنند؟

درسی دوازدهم

کدام ارزش‌ها و علائق را باید برای تعیین منصفانه بودن روش‌ها در نظر گرفت؟

هدف این درس

در این درس شما با چهارمین دسته از ابزارهای مفهومی برای رسیدگی به موضوعات مرتبط با عدالت روشی آشنا می‌شوید و این ابزارها را برای بررسی موضوعات مطرح شده در یک داستان، «کنت مونت کریستو»، به کار می‌گیرید.

در پایان این درس، باید بتوانید با کمک جدولی که حاوی همه ابزارهایی است که آموخته‌اید، درباره منصفانه بودن شیوه‌ها و رویه‌ها داوری کنید و از داوری خود دفاع کنید.

چرا باید ارزش‌ها و علائق را در نظر بگیرید؟

مراحل اول تا سوم که در درس پیش آنها را مطالعه کردید، به تنهایی برای داوری درباره موضوعی مرتبط با عدالت روشی کافی نیستند. یک شیوه ممکن است برای گردآوری اطلاعات و داوری درباره اطلاعات بسیار مفید باشد، اما اگر پاره‌های ارزش‌ها و علائق مهم را به خطر بیندازد، ممکن است ما آن شیوه را غیرمنصفانه بیایم. بنابراین برای داوری درباره منصفانه بودن یا نبودن شیوه‌ها لازم است پاره‌های ارزش‌ها و علائق مهم را هم در نظر بگیریم. مرحله یا قدم چهارم، که بعد از این معرفی می‌شود، توجه شما را به این موضوع جلب می‌کند.

تمرین تفکر انتقادی

ابزارهای مفهومی برای سنجیدن ارزش‌ها و علائق

این تمرین را می‌توانید در کلاس با راهنمایی معلم انجام دهید، یا می‌توانید ابتدا مرحله چهارم را در گروه‌های کوچک مورد بحث قرار دهید و بعد نتایج را با کلاس در میان بگذارید. بعد از اینکه مرحله یا قدم چهارم را مطالعه کردید، به پرسش‌های مربوطه پاسخ دهید. فایده این مراحل را به بحث بگذارید و نشان دهید چگونه این ابزارها ممکن است بر موقعیت‌هایی که شما تجربه یا مشاهده کرده‌اید، اطلاق شوند. بعد به پرسش‌های بخش «نظر شما چیست؟» پاسخ دهید.

قدم چهارم: ارزش‌ها و علائق مربوطه را در نظر بگیرید.

آیا شیوه‌ها و رویه‌ها، ارزش‌ها و علائق مربوطه را پاس می‌دارند؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، شیوه‌ها را بر اساس ملاحظات زیر ارزیابی کنید:

الف. حریم خصوصی و آزادی: آیا شیوه‌ها حق حریم خصوصی و آزادی را زیر پا می‌گذارند؟
مثال: امروزه نیروهای امنیتی در همه پایانه‌های هوایی کشور مسافران را بازرسی می‌کنند، چمدان‌های آنها را از زیر اشعه ایکس عبور می‌دهند و در صورت لزوم داخل چمدان را بازمینی می‌کنند.
مثال: درست پیش از جنگ انقلاب آمریکا، به سربازان انگلیسی اجازه داده شد، هر وقت که مایلند، خانه مستعمره‌نشین‌ها را برای یافتن کالاهای قاچاق یا قرینه‌ای دال بر سایر فعالیت‌های غیرقانونی تفتیش کنند. امروزه برای دریافت مجوز تفتیش خانه کسی، نیروهای پلیس باید بتوانند یک قاضی را قانع کنند که در تفتیش خانه به احتمال زیاد قرینه‌ای خواهند یافت. چنین مجوزی به کار تفتیش خانه‌های دیگر یا سایر مکان‌ها نمی‌آید.

مثال: در جنگ داخلی آمریکا، پرزیدنت لینکلن حق «حکم توقیف با ذکر دلایل» را در برخی مناطق تعلیق کرد. در نتیجه، افراد ممکن بود برای مدت نامعلومی زندانی شوند بدون آنکه مقامات مسئول آنها را به جرمی خاص متهم یا محاکمه کنند.

ب. شأن انسانی: آیا شیوه‌ها و رویه‌ها این ایده بنیادین را زیر پا می‌گذارند که شأن انسانی افراد، فارغ از باورها و اعمال آنها باید رعایت شود؟

مثال: در بعضی کشورها مقامات، متهمان را شکنجه می‌کنند تا به اطلاعات دست یابند.
مثال: در ایالات متحده، متهمان برخی جرائم می‌توانند درخواست کنند که محاکمه آنها غیرعلنی برگزار شود.

پ. عدالت توزیعی: آیا شیوه‌ها و رویه‌ها اصول عدالت توزیعی را زیر پا می‌گذارند؟
مثال: در یکی از جلسات اخیر شورای شهر درباره موضوعی مهم برای جامعه، به یک گروه، سی دقیقه وقت داده شد تا دیدگاه خود را ارائه کند.

مثال: در بخشی از تاریخ ایالات متحده، حکومت فقط به مردان سفید اجازه می‌داد که رأی دهند یا عضو هیأت منصفه شوند.

ت. ملاحظات عملی: آیا شیوه‌ها و رویه‌ها ملاحظات عملی معقول را رعایت می‌کنند؟
مثال: بعد از آنکه متهم با اعتراض‌های خود چندین بار روند محاکمه را مختل کرد، قاضی به او هشدار داد که اگر یک بار دیگر اعتراض کند، از جلسه اخراج خواهد شد.

مثال: مارتا همسایه‌اش، سم را به دادگاه کشاند تا بابت آسیبی که سگ سم به چمن او زده بود، سم را وادار به پرداخت ۳۵ دلار کند. او از همسایه‌ای دیگر خواست که به نفع او شهادت دهد، اما همسایه قبول نکرد و گفت که هر چند او درست می‌گوید، ولی نمی‌تواند محل کارش را ترک کند. مارتا معتقد بود اگر همسایه شهادت ندهد، محاکمه منصفانه نخواهد بود.

نظر شما چیست؟

۱. در نظر داشتن ارزش‌هایی نظیر حریم خصوصی، آزادی، شأن انسانی و عدالت توزیعی در حین ارزیابی موضوعات مرتبط با عدالت روشی چه هدفی را دنبال می‌کند؟
۲. چرا در نظر داشتن ملاحظات عملی در حین ارزیابی موضوعات مرتبط با عدالت ممکن است مهم باشد؟
۳. چگونه ممکن است گردآوری اطلاعات موجب تخطی از ارزش‌ها و علائق مهم شود؟

تمرین تفکر انتقادی

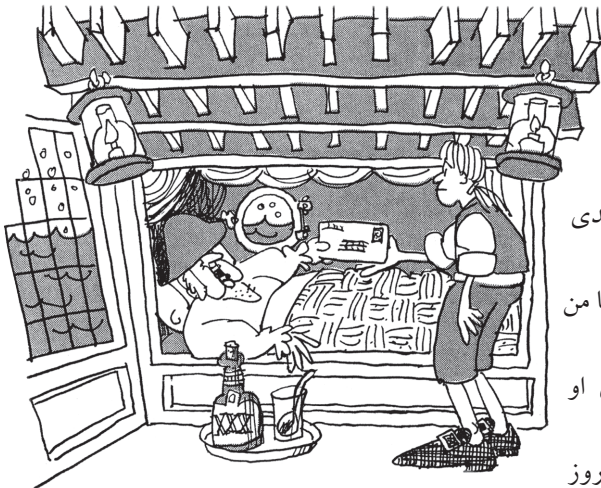
ارزیابی شیوه‌ها با کمک ابزارهای مفهومی

اقتباس زیر از «کنت مونت کریستو»، رمانی از الکساندر دوما (۱۸۷۰ - ۱۸۰۲) را بخوانید. هر چند این رمان یک اثر ادبی است، اما دوما آن را بر تجربیات واقعی زندانیان سیاسی فرانسه در قرن نوزدهم بنا کرده است. با کمک یکی یا گروه کوچکی از همکلاسی‌ها جدول ابزارهای مفهومی در انتهای این درس را تکمیل کنید. آماده باشید که پاسخ‌های خود را با کلاس در میان بگذارید.

به زندان افتادن ادموند دانتس

درخواست ناخدا

زمستان ۱۸۱۵ بود. یک کشتی سه دکله که عازم مarse می‌بود، دریای مدیترانه را در می‌نوردید. ناخدای تب زده در کابین خود دراز کشیده بود. او از دستیار اولش، ادموند دانتس جوان، درخواستی کرد: «دانتس عزیزم، سوگند بخور که آنچه را می‌گویم برای من انجام خواهی داد، چون این موضوع خیلی مهم است.»



- سوگند می‌خورم.
- بعد از مرگ من، تو ناخدا خواهی بود. در جزیره آلبا توقف کن و این نامه را به ناپلئون بده. شاید او نامه‌ای دیگر به تو بدهد. اگر چنین کرد، آن را به مقصدی ببر که اگر من زنده بودم، می‌بردم.
- این کار را خواهم کرد، اما آیا او با من ملاقات خواهد کرد؟
- این انگشتر من را بگیر و برای او بفرست، او با تو دیدار خواهد کرد.
- دو روز بعد، ناخدا هذیان می‌گفت و روز

بعد فوت کرد. درخواست ناخدا موجب نگرانی دانتس شد. ناپلئون که روزگاری بر فرانسه حکم می‌راند، شکست خورده و به جزیره آلبا فرستاده شده بود و در واقع در آنجا زندانی بود. اما هنوز هم

بسیاری در فرانسه او را دوست داشتند و می‌خواستند که به قدرت بازگردد. دیگران معتقد بودند که این افراد در حق پادشاه فرانسه خیانت می‌کنند. حکومت هم بسیاری از آنها را زندانی و اعدام کرد. در آن زمان در فرانسه، احساس تأسف کردن برای ناپلئون خطرناک بود. دانتس این را می‌دانست، اما معتقد بود که آخرین درخواست فردی که در آستانه مرگ ایستاده است باید برآورده شود. به همین دلیل، کاری را که از او خواسته شده بود، انجام داد. او تنها نوزده سال داشت و در دوران ناپلئون خدمت نکرده بود. در واقع او هیچ اطلاعی از سیاست نداشت؛ او اطمینان داشت که کسی نمی‌تواند او را متهم به وفاداری به ناپلئون کند.

بعد از رساندن نامه، ناپلئون نامه‌های دیگر به او داد تا به فردی به نام نورثیه در پاریس برساند. دانتس، با کشتی به ماری رفت تا محموله کشتی را تحویل دهد و با دختری جوان و زیبا به نام مرسدس ازدواج کند. اما نمی‌دانست که سه مرد برای ویرانی او نقشه می‌کشیدند. یکی از آنها به اینکه دانتس، پسرکی نوزده ساله، حالا ناخدای کشتی است حسادت می‌کرد. دیگری دلباخته مرسدس بود و از دانتس متنفر بود که مرسدس را از چنگ او رها کرده است. آنها نامه‌ای به پلیس نوشتند و مدعی شدند که دانتس، پس از دیدار با ناپلئون، حامل نامه‌ای برای انقلابیون است.

بازداشت دانتس

اتاق پر بود از موسیقی، خنده و لباس‌های خوش آب و رنگ. خدمتکاران میزها را آماده کرده و ضیافت مسوطی ترتیب داده بودند. مراسم ازدواج ادموند دانتس و مرسدس بود. دوستان و بستگان این زوج شادمان اتاق را پر کرده بودند. بعد از ضیافت قرار بود همگی برای تشریفات ازدواج به کلیسا بروند. مرسدس با صدایی صاف و نقره‌فام گفت «برویم؟ ساعت دو است و می‌دانید که به زودی انتظار ما را می‌کشند». دانتس با اشتیاق جواب داد «حتماً، حتماً همین حالا برویم!».

در این لحظه آنها صدای خوف‌انگیز قدم‌هایی را شنیدند که نزدیک می‌شدند. این صدای هول و هراس، نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شد. کسی با قبضه شمشیر سه بار بر در کوبید و هراس را بیشتر بر ضیافت مستولی کرد.

صدایی بلند اعلام کرد «در را باز کنید، به نام قانون». یک افسر و پنج سرباز وارد اتاق شدند. «ادموند دانتس کیست؟» دانتس پیش آمد. «ادموند دانتس، من به نام قانون تو را بازداشت می‌کنم.» ادموند جواب داد «من؟ به چه دلیل؟». «نمی‌توانم بگویم، اما در اولین بازجویی به تو گفته خواهد شد.»

بعد از دست دادن با همه دوستانش، دانتس خود را به افسر تسلیم کرد. او به سمت مرسدس و خانواده‌اش برگشت و گفت «نگران نباشید. اشتباه کوچکی رخ داده. به محض اینکه این را متوجه شوند، آزادمان خواهند کرد.» مرسدس از ایوان گریه کنان گفت «خداحافظ، ادموند، خداحافظ!».

– خداحافظ، مرسدس دلبنده! به زودی یکدیگر را خواهیم دید.

بازجویی

مونسیه دویل فورت در کلانتری دانتس را بازجویی کرد. ویل فورت هم همان روز در حال ازدواج بود، اما تا شنیده بود مردی که دوست ناپلئون است به جرم خیانت بازداشت شده است، منزل عروس را ترک کرده بود. ویل فورت هوادار پر و پا قرص پادشاه بود، اما در عین حال می‌دانست که باید خیلی

محطات باشد. پدرش هوادار ناپلئون بود و هنوز هم مورد سوءظن بود که ممکن است اقدامی علیه پادشاه کند. ویل فورث کاری به کار پدرش نداشت و حتی فامیلی اش را هم عوض کرده بود تا فاصله بیشتری از او بگیرد. او مأمور شاه بود و می دانست اگر در تعقیب و سرزنش کسانی که مظنون به هواداری از ناپلئون بودند، کوتاهی کند، خودش مظنون و متهم خواهد شد.

او تا دانتس را دید کمی نرم شد. متوجه شد که دانتس، باهوش، شجاع و صادق است. وقتی دانتس داستان درخواست ناخدای در حال موت را برای او گفت و توضیح داد که از سیاست سر در نمی آورد، ویل فورث راهی جز قبول حرف های او نداشت: «به نظر می رسد که راست می گویی. اگر گناهی هم داشته باشی، عاقلانه عمل نکردن است. با توجه به اینکه تو بر اساس فرمان ناخدایت عمل کرده ای، نمی توانم تو را مقصر قلمداد کنم».

دانتس با خوشحالی گفت: «پس من آزادم، قربان؟»

- بله، اما ابتدا نامه ای را که قرار بود به فردی در پاریس بدهی، به من بده.

- افسران شما آن را از من گرفتند. نامه روی میز شماست.

- یک دقیقه صبر کن، نامه خطاب به چه کسی بود؟

- خطاب به آقای نورتیه در پاریس.

اگر صاعقه به اتاق زده بود، ویل فورث کمتر شوکه می شد. در صندلی اش غرق شد، نامه شوم را بیرون کشید و با چهره ای وحشت زده به آن چشم دوخت. او که رنگ به رو نداشت، گفت «آقای نورتیه در پاریس!».

- بله، او را می شناسید؟

- نه، یک خادم وفادار پادشاه، خیانت کاران را نمی شناسد.

- این یک توطئه است؟ من چیزی در این باره نمی دانستم.

- درست است، اما تو نام کسی را که نامه خطاب به او بود، می دانستی.

- من باید آدرس را می خواندم تا بدانم نامه را به چه کسی بدهم.

- نامه را به کسی نشان دادی؟

- به هیچ کس، به شرافتم قسم.

ویل فورث دوباره در صندلی اش فرو رفت و با خود فکر کرد «اگر پادشاه بفهمد که نورتیه پدر من است، بر باد رفته ام» و به دانتس گفت «دانتس، حالا دیگر من نمی توانم تو را سریعاً آزاد کنم. باید با قاضی صحبت کنم. اما شاید بتوانم به نحوی به تو کمک کنم. اصلی ترین چیز علیه تو این نامه است». ویل فورث به سمت بخاری رفت و نامه را به شعله های آتش سپرد و گفت «بین، از میان بردمش».

- من را نجات دادید.

- حالا به من اعتماد داری؟

- بدون تردید

- پس به نصیحت من گوش کن. هر اتفاقی افتاد، درباره نامه با هیچ کس صحبت نکن تا جان سالم

به در ببری.

- سوگند می‌خورم که این کار را نخواهم کرد.

دانتس از تقدیر خود آگاه می‌شود

ویل فورت زنگ کوچکی را زد. پلیسی ظاهر شد. ویل فورت چیزی در گوش او زمزمه کرد و پلیس سر تکان داد. ویل فورت به دانتس گفت «دنبال او برو».

آن شب چهار محافظ مسلح دانتس را با کالسکه‌ای از خیابان‌های شهر عبور دادند. کالسکه کنار بندر توقف کرد و دوازده سرباز دیگر از دل تاریکی بیرون آمدند. دانتس از خود پرسید «همه اینها برای من است؟». او را سوار بر قایقی کردند و بین محافظان مسلح نشاندهند. قایقرانان پارو زدند و قایق دل آب‌های تاریک خلیج را شکافت.

دانتس پرسید «من را کجا می‌برید؟». یکی از محافظان پاسخ داد «به زودی می‌فهمی».

افکار عجیب و غریبی از ذهن دانتس گذر کرد. آیا او را به نقطه‌ای دور دست می‌برند و رها می‌کنند؟ هیچ کشتی‌ای در بندرگاه نبود. آنها دست‌های او را نبسته بودند و به نظر می‌رسید که قصد دارند آزادش کنند. به علاوه، ویل فورت به او گفته بود که اگر از نامه چیزی نگوید و نامی از نورتیه نبرد، آزاد خواهد شد. در سکوت منظر ماند و به تاریکی خیره شد. می‌توانست نور خانه‌ای را که مرسدس در آن زندگی می‌کرد، ببیند. اگر فریاد می‌زد، او صدایش را می‌شنید. اما محافظان درباره‌اش چه فکر می‌کردند، اگر مثل یک دیوانه فریاد می‌کشید.

به سمت نزدیک‌ترین پلیس چرخید و گفت «رفیق، به عنوان یک مسیحی، التماس می‌کنم به من بگو کجا می‌رویم. من ناخدا دانتس، یک فرانسوی وفادار هستم که به خیانت متهم شده. به من بگو من را به کجا می‌برید و من به شرافتم قسم می‌خورم که مقاومت نخواهم کرد».

- فکر نمی‌کنم گفتنش حالا مشکلی ایجاد کند. تو دریانوردی اهل مارس‌ی هستی و هنوز نمی‌دانی

کجا می‌رویم؟

- به شرافتم قسم که نمی‌دانم.

- به اطراف نگاه کن.

دانتس بلند شد و به جلونگاهی انداخت. صخره سیاهی را دید که قلعه شاتودیف بر آن قرار گرفته است. قلعه تیره و تاری با بیش از سیصد سال عمر که حالا به عنوان زندان از آن استفاده می‌شود. به نظر دانتس، آنجا به چوبه دار می‌مانست.

دانتس با صدای بلند پرسید «چرا آنجا می‌رویم؟». پلیس لبخند زد.

- من به آن زندان نمی‌روم. آنجا فقط برای زندانیان سیاسی استفاده می‌شود. من کاری نکرده‌ام. آیا

در شاتودیف قاضی یا دادگاهی هست؟

- نه، فقط رئیس زندان و سرباز و دیوارهای بلند هست.

- فکر می‌کنید من قرار است آنجا زندانی شوم؟

- این طور به نظر می‌آید.

- بدون محاکمه؟

- تو محاکمه شدی.

دانتس سعی کرد به دریا بپرد، اما پلیس با حرکتی سریع مانع او شد. قایق به ساحل رسید و آنها او را به سلولی بردند. دانتس مقاومت نکرد. انگار خواب می‌دید. زندانبان گفت «دیر وقته، این هم نان، آب و یک زیرانداز نو؛ همه چیزهایی که یک زندانی می‌تواند بخواهد. شب خوش».



دانتس در سکوت و تاریکی تنها بود. با اولین بارقهٔ صبح، زندانبان بازگشت. او دانتس را در همان وضعیت دید، انگار خشکش زده بود. چشم‌هایش از گریه متورم بود. شب تا صبح نخوابیده بود. زندانبان سراغ دانتس رفت و دست بر شانه‌هایش گذاشت.

- نخوابیده‌ای؟

- نمی‌دانم.

- گرسنه‌ای؟

- نمی‌دانم.

- چیزی می‌خواهی؟

- می‌خواهم رئیس زندان را ببینم.

- ممکن نیست.

- چرا؟

- خلاف مقررات است. اگر بگذاریم قدم بزنی، ممکن است روزی او را ببینی، اما شاید او به تو گوش ندهد.

- ولی چقدر باید منتظر بمانم؟

- یک ماه! شش ماه! یک سال!

ادموند دانتس چهارده سال در شاتودیف ماند تا بتواند از آنجا فرار کند.

چگونه این درس را به کار ببندیم؟

۱. لایحهٔ حقوق بشر را بخوانید. بخش‌هایی از لایحه را پیدا کنید که می‌توانستند در ماجرای ادموند دانتس مانع تخطی از عدالت روشی شوند.
۲. برنامه‌های تلویزیونی‌ای را ببینید که با مجریان قانون، کارآگاه‌های خصوصی یا دادگاه‌ها سر و کار دارند. منصفانه بودن روش‌های به کار گرفته شده را با استفاده از ابزارهای مفهومی بررسی کنید.

جدول ابزارهای مفهومی برای بررسی عدالت روشی

پاسخ‌ها	پرسش‌ها
	چه اطلاعاتی درخواست شده است؟ چرا این اطلاعات مورد نیاز بوده است؟
	آیا شیوه‌ها تضمین می‌کنند که همه اطلاعات قابل اعتماد و ضروری برای اتخاذ تصمیمی خردمندانه و عادلانه گردآوری شده‌اند. این ملاحظات را در نظر داشته باشید: الف. جامعیت ب. اعلان پ. عرضه مؤثر ت. پیش‌بینی‌پذیری و انعطاف‌پذیری ث. قابلیت اعتماد
	آیا شیوه‌ها تضمین می‌کنند که همه اطلاعات گردآوری شده برای اتخاذ تصمیمی خردمندانه و عادلانه به کار گرفته شده‌اند. این ملاحظات را در نظر داشته باشید: الف. بی‌طرفی ب. نظارت عمومی پ. تشخیص و تصحیح خطاها
	آیا شیوه‌ها، ارزش‌ها و علائق را پاس می‌دارند. این ملاحظات را در نظر داشته باشید: الف. حریم خصوصی و آزادی ب. شأن انسانی پ. عدالت توزیعی ت. ملاحظات عملی
	آیا شیوه‌ها در خدمت اهداف عدالت روشی هستند؟ چه تغییراتی را پیشنهاد می‌کنید؟
	دلایلی را که برای تصمیم خود دارید، توضیح دهید.

آیا روش‌های به کار گرفته شده در این پرونده منصفانه بودند؟

هدف این درس

در این درس می‌توانید ابزارهای مفهومی‌ای را که فراگرفتید در بررسی یک نمونه تاریخی به کار گیرید. شما شیوه‌هایی را بررسی می‌کنید که برای تعقیب قانونی و تأیید محکومیت نیکولا ساکو و بارتولومئو وانزتی به جرم قتل و سرقت مسلحانه در دهه ۱۹۲۰ به کار گرفته شدند. شما نقش هیأت عفو منصوب فرماندار ایالت را بازی می‌کنید و قرار است این را توصیه کنید که آیا حکم اعدام متهمان اجرا شود یا نه. در پایان این درس، شما باید بتوانید منصفانه بودن شیوه‌های مورد استفاده در این پرونده را مورد بحث قرار دهید، درباره آنها موضع‌گیری کنید و از موضع خود دفاع کنید.

تمرین تفکر انتقادی

بررسی عدالت روشی در پرونده‌ای تاریخی

از ابزارهای مفهومی‌ای که آموخته‌اید برای بررسی عدالت روشی در پرونده زیر استفاده کنید. آنچه در پی می‌آید، گزارشی مختصر از داده‌های تاریخی حول و حوش محاکمه نیکولا ساکو و بارتولومئو وانزتی است. این ماجرا که در دهه ۱۹۲۰ رخ داد، توجه جهانیان را به خود جلب کرد. متهمان به اتهام قتل محاکمه شدند، اما بسیاری بر این باور بودند که آنها را به دلیل اعتقادات سیاسی‌شان محاکمه می‌کنند. شیوه محاکمه هم پرسش‌های فراوانی برانگیخت. بعد از مطالعه پرونده، با کمک یکی از همکلاسی‌ها جدول ابزارهای مفهومی را بر وضعیت ساکو و وانزتی اطلاق کنید. چه استدلال‌هایی له یا علیه اعدام این دو نفر برای فرماندار دارید؟ پرسش‌هایی برای بحث بیشتر در انتهای داستان آمده است.

پرونده ساکو و وانزتی

جرم

در پانزدهم آوریل ۱۹۲۰ مبلغ ۱۵۷۷۶ دلار و ۵۱ سنت حقوق کارمندان کارخانه کفش اسلیتر و موریل به دفتر کارخانه در شهر برین تری ایالت ماساچوست آورده شد. پول‌ها در دو پاکت و پاکت‌ها در

دو جعبه فولادی گذاشته شده بودند. ساعت سه بعد از ظهر مأمور پرداخت و محافظ، همراه با یکدیگر پول را به سمت کارخانه می بردند. آنها دو مرد را دیدند که به حصار کنار خیابان تکیه زده بودند. ناگهان یکی از آنها جلو آمد، اسلحه کشید و به محافظ شلیک کرد. محافظ تلو تلو خورد، بر زمین افتاد و دوباره هدف گلوله قرار گرفت. مأمور پرداخت دوید ولی دو گلوله هم به پشت او اصابت کرد. درست در همین زمان، یک ماشین تیره رنگ که چندین سرنشین داشت به سمت محل حادثه آمد. قاتلین جعبه های پول را درون ماشین پرتاب کردند، خودشان هم به درون ماشین پریدند و با سرعت از آنجا دور شدند. در حالی که ماشین دور می شد، یک نفر از داخل آن مجدداً به محافظ شلیک کرد. محافظ درجا کشته شد. مأمور پرداخت فردای آن روز فوت کرد.

تحقیقات

در زمان جنایت، پلیس در حال انجام تحقیقات درباره واقعه ای مشابه در شهری دیگر بود. در هر دو مورد یک باند تبهکار با استفاده از ماشینی تیره رنگ مرتکب جرم شده بود. شاهدان هر دو جنایت اظهار کردند که مجرمین ایتالیایی بودند. مدت کوتاهی بعد از سرقت مسلحانه، پلیس ماشینی در حال تعمیر در یک تعمیرگاه پیدا کرد که به نظر می رسید با مشخصات ماشین مجرمین تطابق دارد. ماشین به یک ایتالیایی به نام مایک بُدا تعلق داشت. بعد از ظهر پنجم ماه می ۱۹۲۰، بُدا و سه مرد دیگر برای بردن ماشین به تعمیرگاه آمدند. صاحب تعمیرگاه، که پلیس به او هشدار داده بود، به آنها گفت که تعمیرات ماشین تمام نشده است. بُدا و یکی از مردان با یک موتورسیکلت محل را ترک کردند. شاهدان دیدند که دو مرد دیگر سوار تراموا شدند. وقتی آنها رفتند، همسر صاحب تعمیرگاه به پلیس تلفن کرد. پلیس دو مردی را که با تراموا رفته بودند، در تله ای که برای بُدا گذاشته شده بود، بازداشت کرد. اما خود بُدا ناپدید شد و دیگر اثری از او دیده نشد.

هیچ کدام از دو مرد بازداشت شده سابقه بازداشت نداشتند. در زمان بازداشت، هر دوی آنها اسلحه های آماده شلیک حمل می کردند. آنها خود را نیکولا ساکو و بارتولومئو وانزتی معرفی کردند. هر دوی آنها ایتالیایی بودند. هیچ کدام شهروند آمریکا نبود. وقتی در تراموا توقیف شدند، پلیس به آنها نگفت که دلیل بازداشت شان چیست. هیچ کدام خوب انگلیسی صحبت نمی کردند و نمی دانستند که بر مبنای قانون اساسی حقوقی دارند.

در زمان بازداشت، پلیس نمی دانست که آنها به لحاظ سیاسی رادیکال هستند و برای نیل به اهداف آنارشیستی فعالیت می کنند. آنارشیست ها عموماً معتقدند که همه اشکال اقتدار سیاسی غیر ضروری و نامطلوب اند. وقتی رئیس پلیس از ساکو و وانزتی سؤالاتی درباره اعتقادات سیاسی شان پرسید، آنها صادقانه جواب ندادند. آنها فکر می کردند که انجمن های آنارشیستی برای شان دردسر درست خواهند کرد.

قرمز هراسی

در ۱۹۲۰ در آمریکا و سایر کشورها هراس از رادیکالیسم سیاسی بسیار گسترده بود. یک دلیلش این بود که بمب گذاری آنارشیست ها عده ای را کشته بود. در سال ۱۹۱۷ هم انقلابی کمونیستی در روسیه رخ داده بود که نتیجه اش به قدرت رسیدن بلشویک ها به رهبری لنین و تروتسکی بود. عده ای وحشت داشتند

که ممکن است آنارشیست‌ها آتش شورش در آمریکا را شعله‌ور کنند. به دلیل همین دهشت گسترده همگانی بود که مجریان قانون همه جا دنبال کسانی می‌گشتند که ممکن بود برنامه‌ای برای سرنگونی حکومت داشته باشند. مقامات به جلسات خانگی، کلپ‌ها و سالن‌های عمومی یورش می‌بردند. فقط در سال ۱۹۲۰، پلیس ۴۰۰۰ مظنون به انقلابی‌گری را که عموماً اتباع بیگانه بودند، بازداشت کرد. بسیاری از آنها سرانجام به کشورهای خود بازگشت داده شدند.

هرچند به آنها هنوز گفته نشده بود چرا بازداشت شده‌اند، بازپرس آن منطقه قضایی متهمان را بازجویی می‌کرد. وقتی او سؤالاتی درباره اعتقادات سیاسی آنها پرسید، آنها دوباره دروغ گفتند. وقتی مقامات متوجه شدند که ساکو و وانزتی صادق نیستند، فرض کردند که آنها چیزهای بیشتری هم برای مخفی کردن دارند.

محاكمه

در تاریخ ۳۱ ماه می ۱۹۲۱، ساکو و وانزتی به اتهام قتل محاکمه شدند. وکیل آنها، فرد مور، به لحاظ سیاسی رادیکال بود و تلاش نکرد اعتقاداتش را پنهان کند. نه تنها اعتقاداتش را پنهان نکرد، بلکه به همه اعلام کرد این پرونده نمونه گویایی از قربانی کردن کارگران سرکوب شده به وسیله نظام سرمایه‌داری است. از همان ابتدای محاکمه، نوعی خشم میان قاضی، وبستر تایلر و وکیل متهمان جریان داشت. در هفت هفته‌ای که محاکمه جریان داشت، بازپرس منطقه قضایی که متهمان را در ابتدای بازداشت بازجویی کرده بود، نقش دادستان را بازی کرد. روند انتخاب هیأت منصفه طولانی و دشوار بود؛ آنها برای انتخاب ۱۲ نفر با ۷۰۰ نفر مصاحبه کردند.

محاکمه که آغاز شد، شهر کوچک ددهام ایالت ماساچوست دستخوش دگردیسی شد. جمعیت انبوهی گرد هم آمدند. محافظین دادگاه را احاطه کردند و هر کسی را که وارد می‌شد، تفتیش می‌کردند. متهمان همیشه در فاصله بین زندان و دادگاه دستبند به دست داشتند و محافظین مسلح آنها را همراهی می‌کردند. هیچ کس نمی‌توانست این دو مرد را خطرناک و درمانده نبیند.

مری اسپلین، اولین شاهد، ساکو را به عنوان فردی شناسایی کرد که از درون ماشین شلیک کرده بود. البته وقتی وکیل ساکو و وانزتی بیشتر پرس و جو کرد، شاهد پذیرفت ماشین را که به سرعت در حال دور شدن بوده، از فاصله ۲۱ متری و به مدت ۳ تا ۵ ثانیه دیده است. بررسی بیشتر این واقعه را هم آشکار کرد که مری یک سال قبل در کلاتری تصویر فرد دیگری را به عنوان مرد مسلح انتخاب کرده بود. اما مری بعد از دیدن ساکو در زندان به تنهایی - نه در صفی از افراد متعدد که شیوه‌ای رایج بود - نظرش را عوض کرده بود. سایر شاهدان هم ساکو و وانزتی را فقط زمانی تشخیص دادند که آنها را به تنهایی در زندان دیدند. تحت این شرایط بود که شاهدانی که قبلاً گفته بودند قاتلین را آنقدر واضح ندیده‌اند که بتوانند آنها را تشخیص دهند، نظرشان را عوض کردند و ساکو و وانزتی را به عنوان کسانی که دیده بودند، تعیین کردند.

بررسی‌های بعدی نشان داد که ساکو و وانزتی در کلاتری دروغ گفته بودند. دادستان استدلال کرد که آنها حقیقت را پنهان کرده بودند چون قاتل بودند. او کلاهی را به عنوان قرینه ارائه کرد و مدعی شد که متعلق به ساکوست. ساکو، همسرش و وکیلش گفتند که این کلاه به او تعلق ندارد و حتی اندازه

سر او نیست.

دادستان شاهدان متخصص را احضار کرد تا نشان دهد که اسلحه به دست آمده از وانزتی در واقع به محافظ مقتول تعلق داشته است. دادستان مدعی شد که وانزتی اسلحه را در زمان قتل دزدیده است. دادستان همچنین تلاش کرد اثبات کند که گلوله‌ای که محافظ را به قتل رساند، از تفنگ ساکو شلیک شده بود. وکیل موفق نشد این شهادت را به چالش بکشد. البته بعداً آنها متخصصین خود را آوردند که گفتند گلوله از اسلحه ساکو شلیک نشده بود. در واقع، پلیسی که دو مرد را بازداشت کرده بود، سلاح‌ها و مهمات را درست علامت‌گذاری نکرده بود.

در طول محاکمه، دادستان بر دیدگاه‌های سیاسی نامعمول متهمان تأکید و این نکته را برجسته می‌کرد که آنها در طول جنگ جهانی اول به مکزیکی رفته‌اند تا از سربازی فرار کنند.

بعد از این که دادستان استدلال‌های خود را مطرح کرد، نوبت به دفاع رسید. وکیل مدافع ابتدا وانزتی و بعد ساکو را به جایگاه فرا خواند. هیچ کدام نمی‌توانستند هیأت منصفه را قانع کنند که روز واقعه کجا بودند. ساکو در محل کار نبوده. وانزتی ماهی فروش بود و برای خودش کار می‌کرد. او هم نتوانست ثابت کند که کجا بوده. وقتی از وانزتی پرسیده شد که چرا سلاح حمل می‌کرده است، توضیح داد که برای خرید ماهی مقدار زیادی پول با خود داشته و برای دفاع از خود به اسلحه نیاز داشته است. وانزتی پذیرفت که دربارهٔ باورهای سیاسی‌اش به پلیس دروغ گفته است، اما توضیح داد که نگران بوده که او را به دلیل آنارشیزست بودن به ایتالیا برگردانند.

ساکو هم پذیرفت که از زندگی کردن در ایالات متحده بسیاری چیزها به دست آورده است، اما هنوز منتقد حکومت بود. وکیل مدافع او به این نحوه از سؤال پرسیدن اعتراض کرد و گفت این سؤالات ربطی به این که ساکو و وانزتی مرتکب قتل شده‌اند یا نه ندارد. با این حال قاضی مکرراً اعتراضات را رد کرد. پس از آن وکیل مدافع شاهدانی را دعوت کرد که گفتند متهمان در روز قتل جای دیگری بوده‌اند.

حکم

در ۱۴ جولای ۱۹۲۱ هر دو طرف استدلال نهایی را عرضه کردند. وقتی قاضی دستورالعمل را به هیأت منصفه اعلام کرد، بسیاری از ناظرین معتقد بودند که اظهارات او بیانگر نوعی پیش‌داوری علیه ساکو و وانزتی بود. قاضی این مسئولیت را بر دوش هیأت منصفه گذاشت که «مثل سربازهای اصیل... با سرسپردگی تمام و کمال به آمریکا» عمل کنند. در طول محاکمه، قاضی اجازه داده بود پرسش‌های بسیاری دربارهٔ باورهای سیاسی متهمان پرسیده شود. عده‌ای از کسانی هم که در جلسات محاکمه شرکت کرده بودند، مدعی شدند که قاضی بیرون از دادگاه دربارهٔ متهمان با لحنی استهزاء‌آمیز و خصمانه صحبت می‌کرده است. البته این مدعیات هیچ وقت تأیید نشد.

هیأت منصفه پنج ساعت مشورت کرد تا به نتیجه برسد و هر دو نفر به اتهام قتل درجه یک محکوم شناخته شدند. وکیل مدافع درخواست یک محاکمه تازه کرد. ساکو و وانزتی شش سال در زندان ماندند تا درخواست محاکمه تازه به آرامی در دستگاه قضایی پیش برود.

استیناف

وکیل مدافع قرینه تازه‌ای اقامه کرد تا درخواست یک محاکمه تازه را موجه سازد. مردی به نام گلد مدعی شد که وقتی محافظ و مأمور پرداخت گلوله خوردند، او پشت سر آنها قدم می‌زده است. او سوگند خورد که ساکو و وانزتی در آن ماشین نبودند. اما بر اساس قوانین ماساچوست در آن زمان، درخواست محاکمه تازه باید به قاضی محاکمه اول ارائه شود. قاضی تأیر این درخواست را رد کرد چون معتقد بود یک قرینه برای توجیه محاکمه تازه کافی نیست.

وکلای مدافع سپس مدعی شدند که مدیر هیأت منصفه که ساکو و وانزتی را گناهکار شناخته بود، گفته بود رادیکال‌ها باید به دار آویخته شوند، گناهکار یا بی‌گناه. قاضی تأیر درخواست دوم برای محاکمه جدید را هم رد کرد. ماه‌ها گذشت. آنها درخواست استیناف مجددی دادند. متخصص اصلی دعوت شده به وسیله دادستان گفته بود که اگر مستقیماً از او پرسیده شود آیا گلوله‌ای که محافظ را کشت، از اسلحه ساکو شلیک شده بود، او خواهد گفت نه. قاضی دوباره درخواست را رد کرد.

در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۲۵، سلسینو مادروس، محکوم شده به دلیل قتل، اعتراف کرد که به عنوان عضوی از باند بدنام جو مورلی در سرقت و قتل‌های کارخانه کفش شرکت داشته است. با در دست داشتن این قرینه، وکلا درخواست استیناف را به دیوان عالی ایالت ماساچوست تقدیم کردند. اما بر اساس قوانین آن زمان، دادگاه بالاتر فقط می‌توانست گزارش دادگاه اولیه را مرور کند، نه قرائن تازه را. به همین دلیل، دیوان عالی تصمیم دادگاه اولیه را تأیید کرد.

سرانجام، در ۹ آوریل ۱۹۲۷، ساکو و وانزتی برای شنیدن تصمیم نهایی به دادگاه رفتند. قاضی از آنها پرسید که آیا چیزی برای گفتن دارند. وانزتی بلند شد و گفت «دلیل اینکه من در رنج و عذابم این است که من رادیکال هستم و البته من رادیکال هستم. دلیل اینکه من در رنج و عذابم این است که من ایتالیایی هستم و البته من ایتالیایی هستم. دلم نمی‌خواهد که حتی یک سنگ یا یک مار یا پست‌ترین و بدبخت‌ترین مخلوق این عالم هم رنجی را بکشد که من به دلیل گناه ناکرده کشیده‌ام». ساکو و وانزتی محکوم به مرگ با صندلی الکتریکی شدند.

استیناف نهایی

تا این زمان، باور عمومی شروع به تغییر کرده بود و بسیاری از مردم، محافظه کار و لیبرال، درخواست تجدید محاکمه داشتند. تظاهراتی علیه اعدام برگزار شده بود. سرمقاله یک روزنامه احساسات مردم را چنین خلاصه کرد: «هیچ انسانی نباید کشته شود وقتی تا این حد تردید در کار است». هر چند وکلای مدافع باز هم درخواست استیناف دادند و قصد داشتند پرونده را به دیوان عالی ایالات متحده ببرند، اما تلاش‌های آنها ناکام ماند. آنها از فرماندار ماساچوست درخواست توقف حکم اعدام را کردند.

تمرین تفکر انتقادی

موضع‌گیری در هیأت عفو

حالا شما نقش اعضای یک هیأت مشورتی عفو را بازی می‌کنید. برای انجام این تمرین، یکی از اعضای کلاس باید نقش فرماندار ایالت ماساچوست را بازی کند. فرماندار باید پنج تا هفت نفر از

اعضای کلاس را به عضویت در هیأت مشورتی منصوب کند تا درباره درخواست توقف حکم اعدام ساکو و وانزتی به او مشورت دهند. بقیه کلاس باید دو گروه تشکیل دهند. یک گروه باید برای توقف حکم اعدام استدلال کند و گروه دیگر باید در مخالفت با درخواست توقف حکم دلیل بیاورد.

هر گروه باید دو یا سه سخنگو انتخاب کند که استدلال‌ها را به هیأت عفو عرضه کنند. هر گروه پنج دقیقه برای این کار وقت دارد و پنج دقیقه هم برای پرسش و پاسخ. در حالی که گروه‌ها خود را برای این کار آماده می‌کنند، اعضای هیأت عفو باید پرسش‌هایی برای پرسیدن از سخنگویان هر گروه تدارک ببینند. بعد از آنکه استدلال‌ها عرضه شد و پرسش‌ها و پاسخ‌ها هم مطرح شدند، هیأت عفو باید درباره اینکه چه مشاوره‌ای به فرماندار بدهد، بحث کند. همه اعضای هیأت باید بتوانند دیدگاه خود را با فرماندار در میان بگذارند. بعد از شنیدن توصیه‌های هیأت، فرماندار باید تصمیم بگیرد که با درخواست توقف حکم اعدام موافقت کند یا نه. او باید دلایل خود را برای کلاس توضیح دهد.

نظر شما چیست؟

۱. آیا اهداف عدالت روشی در پرونده ساکو و وانزتی برآورده شد؟ چرا؟
 ۲. اطلاعاتی که پنجاه سال بعد از محاکمه در اختیار عموم قرار گرفت، عده‌ای را به این نتیجه رساند که ساکو مرتکب قتل شده بود. او عضو یک گروه رادیکال سوسیالی بود که برای رازداری سوگند می‌خوردند. پرونده‌هایی که اخیراً اف.بی.آی در اختیار عموم گذاشته نشان می‌دهند که دولت احتمالاً قرائن کافی برای محکوم کردن وانزتی به قتل نداشته است. البته این پرونده‌ها حاکی از این هستند که وانزتی احتمالاً به نحوی با سرقت مسلحانه مرتبط بوده است. البته سایر اطلاعات باند مورلی را مسئول سرقت نشان می‌دهد. آیا این اطلاعات نظر شما درباره منصفانه بودن شیوه‌های به کار گرفته شده در این پرونده را تغییر می‌دهد؟

۳. فرماندار ماساچوست درخواست توقف اعدام را رد کرد. در سرتاسر جهان تظاهراتی برپا شد. در برخی کشورها، مردم جلوی سفارتخانه‌های آمریکا تظاهرات کردند. در فرانسه، ایتالیا و ایالات متحده، کارگران اعتصاب کردند. بمب‌هایی در فیلادلفیا و نیویورک منفجر شدند. ساکو و وانزتی همچنان بر بی‌گناهی خودشان مصر بودند. وقتی زمان اعدام نزدیک شد، هزاران نفر در اطراف زندان جمع شدند. صدها پلیس مسلح جمعیت را به عقب می‌راندند. سرانجام در ۲۳ آگوست ۱۹۲۷، بعد از بیش از هفت سال در زندان سر کردن، ساکو و وانزتی با صندلی الکتریکی اعدام شدند.

تظاهرات بعد از اعدام هم ادامه پیدا کرد. در آوریل سال ۱۹۵۹، یکی از اعضای قوه مقننه ماساچوست پیشنهاد کرد فرماندار ساکو و وانزتی را مسمول عفو که عطف به ماسبق شود کند. او استدلال کرد که آنها از یک محاکمه منصفانه محروم شده بودند چون اصول آیین دادرسی مندرج در متمم چهاردهم قانون اساسی و همچنین ملاحظات حمایتی مندرج در لایحه حقوق بشر قانون اساسی ماساچوست زیر پا گذاشته شده است. اگر شما عضو قوه مقننه بودید، این پیشنهاد را تصویب می‌کردید؟ چرا؟

۴. چرا پای عدالت روشی و عدالت توزیعی در پرونده ساکو و وانزتی به میان کشیده شد؟

چگونه این درس را به کار بندیم؟

۱. دانیل وبستر (۱۸۵۲ - ۱۷۸۲)، سیاستمدار، نوشت «آیین دادرسی یعنی شنیدن پیش از سرزنش کردن، بر اساس تحقیق پیش رفتن و حکم کردن پس از محاکمه». بر اساس این تعریف، آیین دادرسی چگونه اهداف عدالت روشی را برآورده می‌کند؟

۲. کلرمونت ایگل تایمز، سپتامبر ۱۹۲۰: «واقعیت این است که بسیاری افراد این شیوه‌ها، یعنی یورش و بازداشت و اخراج از کشور را نادرست و به سخره گرفتن عدالت می‌دانند. اگر هم کوچک‌ترین قرینه‌ای علیه این متهمان وجود داشت که توطئه می‌کنند و آتش بیار معرکه ضدیت با قانون و نظم هستند، وظیفه مقامات این می‌بود که در دادگاه این اتهامات را تأیید یا رد کنند.»

در «یورش‌های قرمز» دهه ۱۹۲۰ عده زیادی بازداشت شدند که بر خلاف ساکو و وانزتی، حتی محاکمه هم نشدند. فرض کنید شما قرار است در سال ۱۹۲۷ سرمقاله‌ای بنویسید. این سرمقاله را با توجه به سه نوع عدالتی که تا کنون با آنها آشنا شده‌اید، درمورد پرونده ساکو و وانزتی بنویسید.

۳. به یکی از نهادهای دولتی که به کار جمع‌آوری اطلاعات یا تصمیم‌گیری می‌پردازد بروید. فهرستی از شیوه‌هایی که آنها به کار می‌گیرند، تهیه کنید و آماده باشید که منصفانه بودن این شیوه‌ها را در کلاس به بحث بگذارید. مثلاً شما می‌توانید به یک جلسه دادگاه یا جلسه شورای شهر بروید.

۴. درباره موضوعات مرتبط با عدالت روشی یا سایر انواع عدالت، که در محاکمه ساکو و وانزتی مطرح شد، سرمقاله‌ای بنویسید یا کارتونی بکشید. بر این نکته تأکید کنید که فقدان عدالت روشی چه نتایجی به بار می‌آورد.

واژه‌نامه

مساعدت و کیل): متمم ششم قانون اساسی (لایحه حقوق بشر) - در کلیه دادرسی‌های جنایی، متهم از حق داشتن وکیل به منظور دفاع از خود برخوردار است.

Authority (اقتدار): قدرت همراه با حق استفاده از قدرت؛ قدرتی که اندیشه، باور و رفتار ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

Bailiff (ضابط): فردی که از زندانیان مراقبت و در دادگاه نظم برقرار می‌کند.

Benefits (مزایا): آنچه رفاه و سرخوشی به بار می‌آورد.

Bill (لایحه): متن پیشنهاد شده به قوه مقننه که در صورت تصویب به قانون تبدیل می‌شود.

Bill of Attainder (لایحه سلب حقوق اجتماعی): قانونی که حقوق مدنی و اجتماعی فرد یا افرادی را سلب کند. اصل اول، ماده نهم، قانون اساسی، تصویب چنین قوانینی را ممنوع

Abolitionist (هوادار الغای برده‌داری): کسی که از پایان برده‌داری در ایالات متحده دفاع می‌کرد.

Abridge (مختصر کردن): محدود کردن قلمرو؛ کاستن.

Accountable (پاسخگو): کسی که موظف است درباره اعمال خود توضیح دهد.

Agenda (دستور کار): خلاصه یا فهرستی از کارهایی که باید انجام شوند.

Amish (آمیش): پیروان دین منونایت که در ایالات متحده مستقر شدند.

Appointment (منصب): مقام غیرانتخابی.

Aristocracy (حکومت اشراف): حکومت طبقه برتر که غالباً اشرافیت را به ارث می‌برد.

Assignment (نصب): انتصاب به شغل یا مأموریتی خاص.

Assistance of Counsel (کمک و

گروه کرده است. **Compromise** (سازش): دو گروه مخالف توافق می‌کنند که هر گروه بخشی از درخواست‌هایش را کنار بگذارد و با بخشی از درخواست‌های گروه دیگر موافقت کند.

Compulsory Process (روند اجباری): متمم ششم قانون اساسی (لایحه حقوق بشر) - در کلیه دادرسی‌های جنایی، متهم از حق محاکمه سریع و علنی توسط هیأت منصفه‌ای بیطرف از ایالت و منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده برخوردار است. او همچنین از حق مواجهه با شهودی که علیه وی شهادت می‌دهند، حق احضار شهود به نفع خود برخوردار است.

Confidential (سری): محرمانه؛ موضوع خصوصی.

Conformity (پیروی): تبعیت عمل یا رفتار از قواعد، سنن یا اصول.

Conscience (وجدان): مجموعه‌ای از باورهای بنیادین درباره‌ی درست و نادرست که معمولاً از دین، سنت‌های اخلاقی یا اخلاق فردی سرچشمه می‌گیرند؛ احساس آگاهی به نیک و بد اخلاقی رفتارها، نیت یا به طور کلی شخصیت فرد همراه با احساس تکلیف به انجام کار درست یا خوب بودن.

Conscious Choice (انتخاب آگاهانه): گزینش از سر تأمل و تدبیر.

Consent (رضایت): توافق بر سر یک عمل یا باور.

Constituent (موکل): فردی که کس دیگری را به عنوان نماینده‌ی خود در یک نهاد بر می‌گزیند.

Contract (قرارداد): توافق رسمی بین دو یا بیشتر از دو فرد یا گروه که قانون از آن حمایت می‌کند.

Bill of Rights (لایحه حقوق بشر): ده متمم اول قانون اساسی ایالات متحده که خلاصه‌ای است از حقوق بنیادین شهروندان که دولت حق زیر پا گذاشتن آنها را ندارد.

Blockade (محاصره): محاصره کردن یک شهر یا بندر به وسیله ارتش یا کشتی‌های جنگی با هدف جلوگیری از ورود و خروج مردم و مایحتاج‌شان.

Burden (بار): چیزی مسئولیت‌زا، پر فشار و نگران‌کننده.

Capacity (ظرفیت): توان نگاه داشتن، دریافت کردن یا در بر گرفتن.

Carelessness (بی‌توجهی): رفتار از سر غفلت و عدم دقت.

Caucus (گردهمایی حزبی): گردهمایی اعضای یک حزب سیاسی.

Characteristics (ویژگی‌ها): صفات، ویژگی‌ها یا خصائصی که فرد را متمایز می‌کند.

Civic Principles (اصول مدنی): قواعد و اصول شهروندی.

Civil Disobedience (نافرمانی مدنی): زیر پا گذاشتن یک قانون یا خط مشی دولت به دلیل ناعادلانه دانستن آن.

Common-law (حقوق عرفی): مجموعه‌ای از قوانین در انگلستان که عمدتاً مبتنی بودند بر تصمیمات قضایی غیرمکتوب و متکی به عرف و سابقه قضایی. پایه و اساس نظام قضایی در انگلستان و ایالات متحده به استثنای لوئیزیانا.

Compensate (جبران کردن): پرداخت مناسب.

Comprehensiveness (جامعیت): رسیدگی کامل و جامع به یک موضوع.

- مدام و بی‌وقفه. Control or Choice (کنترل یا گزینش): تنظیم و گزینش از سر اقتدار یا قدرت.
- Distributive Justice (عدالت توزیعی): تقسیم منصفانه چیزی میان افراد یا گروه‌های مختلف. آنچه توزیع می‌شود ممکن است یک مزیت باشد (نظیر دستمزد، حق سخن گفتن یا حق رأی دادن) یا یک مسئولیت (نظیر مالیات، کارهای خانه یا تکالیف مدرسه).
- Divine Right (حق الهی): اعتقاد به این که خاندان سلطنتی از جانب خداوند حق حکومت بر مردم را دارد.
- Due Process of Law (آیین دادرسی): متمم چهاردهم، ماده ۱: ... هیچ ایالتی نمی‌تواند، بدون طی مراحل دادرسی، کسی را از زندگی، آزادی و مالکیت محروم کند. روندهایی رسمی که به طور منظم اعمال می‌شوند و بر اصول و ضوابطی خاص مبتنی هستند.
- Duration (مدت): دوره زمانی.
- Duties (تکالیف): آنچه فرد به دلیل شغل، سنن اجتماعی، قانون یا دین ملزم به انجام آن است.
- Economic Costs (هزینه‌های اقتصادی): هزینه‌های حمایت از یک نهاد یا به دست آوردن پاره‌ای مزایا.
- Effects (اموال): دارایی‌های مادی.
- Efficiency (کارایی): کارآمدی که با مقایسه هزینه‌های تولید - نظیر انرژی، زمان، و پول - سنجیده می‌شود.
- Endangered Species (گونه‌های در آستانه انقراض): گروهی از حیوانات یا گیاهان شبیه به یکدیگر که در آستانه نابودی‌اند.
- Equal Protection of the Laws (حمایت مساوی قانون): متمم چهاردهم، ماده ۱: هیچ ایالتی نمی‌تواند... کسی را که در حوزه قضایی اش
- Correction (اصلاح): اقدام به بازگرداندن امور به چهارچوب‌های استاندارد؛ پیشرفت.
- Corrective Justice (عدالت اصلاحی): واکنش منصفانه نسبت به تخلف کردن از قوانین و قواعد یا آسیب رساندن به دیگران؛ تنبیه با هدف اصلاح یا بهبود؛ اصلاح کردن امور.
- Corruption of Blood (محرور شدن از میراث): محروم شدن یک فرد از به ارث بردن، نگاه داشتن یا منتقل کردن ملک، رتبه یا عنوان به دلیل ارتکاب جرمی (معمولاً خیانت) که حقوق مدنی او را سلب می‌کند.
- Costs (هزینه‌ها): خسارات و زیان‌هایی که یک فرد در راه به دست آوردن چیزی متحمل می‌شود.
- Creativity (خلاقیت): اصالت؛ ابتکار.
- Criteria (موازین): ویژگی‌های تمایزبخش؛ معیاری برای قضاوت یا تصمیم‌گیری.
- Custom (سنت): کنش‌هایی که تاریخی بلند دارند و قانون نانوشته تلقی می‌شوند؛ مجموعه افعال و قراردادهایی که زندگی اجتماعی را سامان می‌دهند.
- Data Bank (بانک داده‌ها): مخزن اطلاعات.
- Desert (شایستگی): استحقاق چیزی را داشتن.
- Detection of Error (تشخیص خطا): کشف اشتباه.
- Deter (بازداشتن): پرهیز دادن یا دلسرد کردن.
- Dilemma (دوراهی): موقعیت گزینش میان دو بدیل که به یک اندازه موجب نارضایتی‌اند.
- Diligence (سختکوشی): تلاش پرشور،

شوند را تشریح کند.

Free Exercise of Religion (آزادی عمل به دین): تعبیر به کار رفته در متمم اول قانون اساسی مبنی بر این که حکومت اجازه ندارد قانونی تصویب کند که مانع آزادی عمل به دین خاصی شود.

Freedom of Information Act (قانون آزادی اطلاعات): قانون مصوب کنگره در سال ۱۹۶۶ که به مردم حق قانونی دسترسی به مدارک دولتی را می‌دهد مگر آن که مدارک مزبور حاوی اطلاعات محرمانه یا طبقه‌بندی شده باشند. Grand Jury (هیأت منصفه): هیأتی که به اتهامات افراد رسیدگی می‌کند. اگر قرائن کافی باشد، هیأت منصفه افراد را رسماً متهم می‌کند و محاکمه در آینده برگزار می‌شود.

Hearsay (شایعه): اطلاعات و اخبار شنیده شده از دیگران. Heredity (وراثت): انتقال ویژگی‌ها از والدین به فرزندان؛ انتقال ژنتیکی.

Hippocratic Oath (سوگند بقراطی): سوگندی که پزشکان در آغاز اشتغال به حرفه پزشکی ادا می‌کنند و مشتمل بر دستورالعمل‌های اخلاقی است.

Higher Law (قانون برتر): در چهارچوب بحث دربارهٔ نظام‌های قانونی، به دیدگاهی اشاره می‌کند که یک دسته از قوانین را برتر از سایر قوانین می‌داند. به عنوان مثال، قانون اساسی ایالات متحده برتر از هر قانون فدرال یا ایالتی است. در سنت فلسفی قائل به حقوق طبیعی، قانون طبیعی و قانون الهی برتر از قوانین بر ساختهٔ انسان‌ها شمرده می‌شوند.

Humane (انسانی): رفتار توأم با شفقت، همدردی و غمخواری نسبت به انسان‌ها و

است از حمایت مساوی قانون محروم کند؛ همهٔ شهروندان، فارغ از دین، نژاد، جنسیت، سن یا موقعیت اجتماعی‌شان در برابر قانون برابرند. Espionage (جاسوسی): تلاش برای کسب اطلاعات دربارهٔ برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت‌های بیگانه.

Establishment of Religion (رسمیت بخشیدن به یک دین): دینی خاص را قانوناً دین رسمی یک ملت اعلام کردن و از آن دین حمایت کردن.

Ex Officio (به اقتضای مقام و منصب): مزایا و مسئولیت‌هایی که به اقتضای مقام و منصب به فرد تعلق می‌گیرند.

Ex Post Facto Law (قانون عطف به ماسبق): قانونی که بر گذشته هم اطلاق می‌شود. Exclusion (ممانعت): امور را خصوصی نگاه داشتن؛ دیگران را به حریم خصوصی راه ندادن. Executive Branch (قوة مجریه): بخشی از حکومت که مجری قوانین است.

Extent (وسعت): اندازهٔ منطقه‌ای خاص؛ وسعت یا درجهٔ چیزی.

Extinct (منقرض): از میان رفته.

Factor (عامل): چیزی که نیل به نتیجه‌ای را ممکن می‌کند.

Flexibility (انعطاف پذیری): قابلیت سازش با شرایط تازه، متفاوت، یا در حال دگرگونی.

Fourth Amendment (متمم چهارم): اشخاص (خودشان، خانه‌ها، نامه‌ها، اسناد و دارایی‌های‌شان) باید مصون از تفتیش و توقیف ناموجه باشند و هیچ حکمی نباید علیه آنها صادر گردد مگر بر پایهٔ دلیلی پذیرفتنی که متکی به سوگند و یا تأیید رسمی باشد. این حکم باید محل مورد تفتیش و اشخاص یا اموالی که باید توقیف

- حیوانات. چیزی.
- Hypothetical (فرضی): بر مبنای مفروضات.
- Immunity (مصونیت): مصون از تنبیه یا محدودیت.
- Impartial (بیطرف): برخورد یکسان با همگان.
- Inaccessibility (دسترس ناپذیری): سهل الوصول نبودن.
- Inalienable Rights (حقوق سلب ناشدنی): حقوق بنیادین افراد که ممکن است قابل سلب کردن نباشند.
- Incompetent (فاقد صلاحیت): فاقد توانایی یا ویژگی‌های مناسب.
- Indictment (اعلام جرم): ادعای مکتوب صادر شده به وسیله مقامات قانونی و تأیید شده به وسیله هیأت منصفه که فردی را متهم به ارتکاب جرمی می‌کند.
- Injunction (حکم): دستور صادر شده به وسیله دادگاه که رفتار خاصی را الزامی یا ممنوع می‌کند.
- Injury (آسیب): صدمه، زیان، یا زخم.
- Institution (نهاد): یک کنش، سنت یا الگوی رفتاری تثبیت شده که نقش مهمی در حیات فرهنگی جامعه بازی می‌کند.
- Intellectual Tools (ابزارهای مفهومی): مجموعه‌ای از ایده‌ها که برای بررسی موضوعات گوناگون مفیدند؛ تمرین‌های فکری که موجب عملکرد بهتر فرد در حرفه یا شغلی خاص می‌شوند.
- Intellectual Stimulation (برانگیختگی فکری): افزایش بهره‌وری توان عقلانی.
- Intent (قصد): غرض یا هدف.
- Interest (منفعت): حق یا ادعا نسبت به اجباری: مکانی برای حبس کردن افراد به ویژه در زمان جنگ.
- Involuntary Servitude (خدمت اجباری): از سر زور و اجبار به دیگری خدمت کردن.
- Isolation (انزوا): جدا، تنها یا رها از نفوذ دیگران بودن.
- Jeopardy (گرفتاری حقوقی): خطری که متهم به جرم جنایی در حین محاکمه با آن مواجه است.
- Jurisdiction (حوزه قضایی): محدوده یا قلمرویی که اقتدار قضایی می‌تواند به کار گرفته شود.
- Just Compensation (غرامت عادلانه): متمم پنجم قانون اساسی. پولی که دولت بابت مصادره اموال شهروندان به آنها می‌دهد.
- Justify (توجیه): اثبات درستی یا معقول بودن
- Kangaroo Court (دادگاه پوشالی): دادگاهی که اصول قانون و عدالت را نادیده می‌گیرد.
- Knowledge of Probable Consequences (علم به پیامدهای احتمالی): انتظارات معقول.
- Legal Obligation (وظیفه قانونی): مسئولیت تحمیل شده به وسیله قانون.
- Legality (قانونیت): قانونمند بودن.
- Levy (taxes) (جمع‌آوری مالیات): مالیات بستن یا جمع‌آوری کردن مالیات به وسیله مقامات مسئول.
- Libel (افترا): متنی مکتوب که به نحوی ناعادلانه به شهرت کسی آسیب می‌زند یا مایه تحقیر و تمسخر او می‌شود.

Pardon (عفو): معاف کردن افراد از پیامدهای خطا یا جرم.

Penalty (مجازات): ضرر و زبانی که قانون در واکنش به جرم یا خطا بر مجرم تحمیل می‌کند.
Poll Tax (مالیات سرانه): مبلغی ثابت که اگر فرد پردازد حق رأی دادن به او تعلق می‌گیرد؛ مادهٔ یکم متمم بیست و چهارم قانون اساسی آن را منع کرده است.

Pollution (آلودگی): آلوده شدن هوا، آب یا زمین به مواد مضر.

Position of Authority (منصب اقتدارآور): منصبی که به فرد قدرت نفوذ در افکار، باورها و رفتارهای افراد را می‌دهد.

Power (قدرت): توان کنترل یا هدایت چیزی یا کسی؛ کنترل یا نفوذ داشتن بر دیگران.

Predictable (پیش‌بینی پذیر): قابل پیش‌گویی بر اساس مشاهده، تجربه یا دلیل علمی.
Prevention (پیشگیری): مانع وقوع شدن.

Principle of Similarity (اصل شباهت): بر اساس این اصل باید با افرادی که، در یک موقعیت خاص، از جهات مهمی به هم شباهت دارند، به نحو یکسان یا برابر رفتار شود. در آن موقعیت، باید با افرادی که از جهات مهمی با هم تفاوت دارند، به نحوی متفاوت یا نابرابر رفتار شود.

Prior Restraint (محدودیت پیش از عمل): محدودیتی که پیش از اقدام اعمال می‌شود.

Privacy (حریم خصوصی): مجزا، دور، یا جدا بودن از دیگران.

Privileges (مزایا): حقوقی که به عنوان مزیت، امتیاز، مرحمت به کسی داده می‌شود.

Probable Cause (علت محتمل): به نحوی مدلل فرض کردن که اتهام جنایی مبنایی معقول

Limit (حد): چیزی که محدود می‌کند یا در محدوده نگاه می‌دارم.

Living Will (وصیت‌نامه): اراده و میل خویش را پیشاپیش ابراز کردن.
Loitering (ولگردی): پرسه زدن بدون هدف مشخص.

Monarchy (حکومت مطلقهٔ فردی): حاکمیت یکپارچه و مطلقهٔ یک فرد؛ حکومتی که ریاست آن ارثی و مادام‌العمر است.

Moral Obligation (وظیفهٔ اخلاقی): وظیفه‌ای برخاسته از درکی خاص از درست و نادرست.

Moral Principle (اصل اخلاقی): سنت یا دستورالعملی که رفتار درست و نادرست را از هم تفکیک می‌کند.

Naturalize (تابعیت پذیرفتن): اعطای شهروندی کامل به فردی که در خارج از کشور به دنیا آمده است.

Negligence (قصور): توجه کافی نکردن.
Notice (اخطار): اخطار دادن به یا ترساندن کسی از چیزی.

Oath (سوگند): اعلام تعهد به گفتن حقیقت یا به شیوه‌ای خاص رفتار کردن؛ خداوند یا سایر مقدسات شاهد این تعهدند.

Obligation (وظیفه): کاری که فرد باید به عنوان تکلیف یا مسئولیت انجام دهد.

Occupation (حرفه): راهی برای تأمین معاش؛ شغل.

Offensive (اهانت آور): عامل خشم، رنجش یا نارضایتی.

Paramilitary (شبه‌نظامی): نیرویی شبیه نیروهای نظامی اما خارج از روال نیروهای نظامی متعارف.

- دارد. پریشانی بابت اشتباهات گذشته.
- Resentment (رنجش): احساس نوعی نارضایتی توأم با خشم ناظر به چیزی که خطا، وهن یا زیان محسوب می‌شود.
- Resource (منابع): تجربه‌ها، تجهیزات یا امکانات اقتصادی لازم برای پشتیبانی و حمایت؛ منابع طبیعی؛ ثروت.
- Responsibility (مسئولیت): توان پاسخگویی به تکالیف؛ توان گزینش میان درست و نادرست.
- Restore (به حال اول بازگرداندن): چیزی را به وضعیت نخستین بازگرداندن.
- Retrieve (بازیابی): تعیین محل داده‌ها در یک فایل، کتابخانه، غیره و آنها را برای استفاده بعدی دسترس پذیر کردن.
- Reward (پاداش): چیزی که به پاس کنش، خدمت یا نیل به هدفی داده یا گرفته می‌شود.
- Role (نقش): عملکرد مناسب یک فرد؛ ویژگی‌ها و رفتارهایی که از افراد انتظار می‌رود.
- Sabotage (خرابکاری): تخریب عامدانه دارایی‌ها یا اختلال در کار به وسیله عوامل دشمن یا نیروهای مقاومت در زمان جنگ.
- Scope (دامنه): حوزه ادراکات، اندیشه‌ها، اعمال یا توانایی‌های یک فرد.
- Secede (خارج شدن): خروج از یک فدراسیون.
- Secrecy (سری): مخفی کردن.
- Security (امنیت): فارغ از خطر.
- Seizure (توقیف): متمم چهارم قانون اساسی «تفتیش و توقیف ناموجه» به وسیله حکومت را منع می‌کند.
- Slander (افترا): اظهارات نادرست با هدف تخریب شهرت.
- Probable Consequences (پیامدهای احتمالی): نتایج محتمل.
- Procedural Justice (عدالت روشی): منصفانه بودن شیوه جمع‌آوری اطلاعات یا شیوه تصمیم‌گیری؛ مجموعه‌ای از اقدامات که باید به دستور دادگاه یا سایر مراجع قانونی با ترتیبی خاص انجام شوند.
- Proclamation (اعلان): اعلام رسمی و عمومی.
- Proportional (متناسب): تناسب اندازه، درجه یا شدت.
- Public Defender (وکیل تسخیری): وکیلی که وظیفه دفاع از متهمین فاقد توانایی مالی را برعهده دارد.
- Public Hearing (جلسه تحقیق عمومی): جلسه‌ای گشوده به روی عموم که به شهادت شاهدان درباره موضوعی عمومی گوش داده می‌شود.
- Qualifications (صلاحیت): ویژگی‌ها یا مهارت‌هایی که فرد را برای یک شغل مناسب می‌کند.
- Reckless (بی پروا): فقدان حزم و احتیاط کافی؛ بی توجهی به پیامدهای رفتارهای فرد.
- Redress (جبران): اصلاح کردن.
- Regret (تأسف): احساس پشیمانی نسبت به اتفاقات و اعمال گذشته.
- Relative Importance (اهمیت نسبی): فاقد اهمیت مطلق یا مستقل.
- Relevant (مرتبط): رابطه‌ای محکم با موضوع در دست بررسی داشتن.
- Reliability (اعتمادپذیری): قابل اعتماد.
- Remorse (پشیمانی): احساس افسوس و

Warranty (ضمانت): ضمانتنامه کتبی تولیدکننده درباره کیفیت محصول و تعهد به تعمیر آن.

Welfare Program (برنامه رفاهی): برنامه کمک مالی دولت به افراد نیازمند.

Wildlife Preservation (حمایت از حیات وحش): مراقبت از حیوانات غیر اهلی.

Woman Suffrage (حق رأی زنان)

Wrist of Assistance (حکم عمومی تفتیش): قبل از انقلاب آمریکا، مقامات انگلیسی در مستعمرات از احکامی عمومی استفاده می کردند که به آنها اجازه می داد خانه افراد را در هر زمانی برای یافتن قرائن جرم تفتیش کنند. امروزه، بر اساس متمم چهارم قانون اساسی آمریکا، مقامات حکومتی اجازه ندارند از احکام عمومی برای یافتن قرائن جرم استفاده کنند.

Writ of Habeas Corpus (حکم توقیف با ذکر دلایل): حکمی که فرد را به دادگاه می آورد تا مانع زندانی شدن غیرقانونی او شود.

Wrong (خطا): چیزی که با وجدان، قانون یا اخلاق سازگار در نمی آید.

Solitude (تنهایی): وضعیت تنهایی و تجرد.

Source of Authority (منبع اقتدار): منشأ قدرت برای تحت تأثیر قرار دادن افکار، باورها یا رفتارهای دیگران.

State of Mind (وضعیت ذهنی): وضعیت ذهنی یا احساسی؛ خلق و خو.

State of Nature (وضعیت طبیعی): وضعیتی خیالی که در آن مردم با یکدیگر اما بدون حکومت زندگی می کنند.

Summons (احضاریه): فراخواندن فرد به حضور در محلی برای انجام وظیفه.

Supreme Being (خدا)

Temperance (میانروی): اعتدال در یا پرهیز از مصرف نوشیدنی های الکلی.

Totalitarianism (اقتدارگرایی): نوعی از حکومت که در آن یک حزب بر همه جنبه های زندگی شهروندان سلطه دارد و احزاب رقیب و مخالف وجود ندارند.

Unreasonable Search and Seizure (تفتیش و توقیف ناموجه): تفتیش و مصادره اموال یک متهم بدون مجوز یا بدون نگرانی از اینکه ممکن است جرمی به وقوع بپیوندد.

Urgency (فوریت): درخواست کنش یا توجه بی درنگ.

Value (ارزش): اصل، معیار یا کیفیتی که مطلوب و ارزنده محسوب می شود.

Vigilance (احتیاط): مراقب بودن و به ویژه پرهیز از خطر.

Warrant (دلیل پذیرفتنی): در متمم چهارم به آن اشاره شده است. قرینه ای که به دولت اجازه می دهد اقدام به تفتیش و توقیف کند. حکم تفتیش نمی تواند صادر شود مگر آنکه دولت وقوع جرم را به نحوی مدلل محتمل بداند.

 آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران
<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education
<http://www.eciviced.org>
